

# معارف قرآن در المیزان

جلد بیست و یکم

## هدف آیات و سوره های قرآن

تألیف: سید مهدی امین

(تجدید نظر ۳ - ۱۳۹۲)

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسیار می‌شود که مردم، عملی را که می‌کنند و یا می‌خواهند آغاز آن کنند، عمل خود را با نام عزیزی و یا بزرگی آغاز می‌کنند، تا به این وسیله مبارک و پر اثر شود و نیز آبرویی و احترامی به خود بگیرد و یا حداقل باعث شود که هر وقت نام آن عمل و یا یاد آن به میان می‌آید، به یاد آن عزیز نیز بیفتند.

این معنا در کلام خدای تعالی نیز جریان یافته، خدای تعالی کلام خود را به نام خود که عزیزترین نام است آغاز کرده، تا آن چه که در کلامش هست نشان او را داشته باشد و مرتبط با نام او باشد و نیز ادبی باشد تا بندگان خود را به آن ادب مؤدب کند و بیاموزد تا در اعمال و افعال و گفتارهایش این ادب را رعایت و آن را با نام وی آغاز نموده، نشان وی را بدان بزند، تا عملش خدایی شده، صفات اعمال خدا را داشته باشد و مقصود اصلی از آن اعمال، خدا و رضای او باشد و در نتیجه باطل و هالک و ناقص و ناتمام نماند، چون به نام خدایی آغاز شده که هلاک و بطلان در او راه ندارد<sup>(۱)</sup> ... و

« من به نام خدا آغاز می‌کنم! »

۱- المیزان ج ۱، ص ۲۶.

## فهرست عناوین انتخاب شده

### جلد اول - معارف قرآن در شناخت خدا

- ۱- شناخت خدا - امر و خلق
- ۲- تدبیر و تقدیر - مقدرات
- ۳- قضا و قدر - سنت های الهی

### جلد دوم - معارف قرآن در شناخت جهان و نظام آفرینش

- ۴- شروع و پایان جهان
- ۵- نظام آفرینش

### جلد سوم - معارف قرآن در شناخت ملائکه و جن و شیطان

- ۶- ملائکه
- ۷- جن و شیطان

### جلد چهارم - معارف قرآن در شناخت انسان

- ۸- آغاز خلقت اولیه انسان
- ۹- روح و زندگی
- ۱۰- سیستم ادراکی، احساسی و فکری انسان
- ۱۱- نفس و روان و عواطف
- ۱۲- قلب، عقل، علم و کلام
- ۱۳- تحولات روحی و حرکت اصلاحی انسان
- ۱۴- رازبندی
- ۱۵- دعاها و آرزوهای انسان

### جلد پنجم - بررسی قصص قرآن در المیزان ( ۱- انسان های اولیه و پیامبران آنها )

- ۱۶- کلیات تاریخ ادیان

- ۱۷- انسان های اولیه و پیامبران آن ها

### جلد ششم - بررسی قصص قرآن در المیزان ( ۲- ابراهیم بنیانگذار دین حنیف )

- ۱۸- بنیانگذاری ملت حنیف، رسالت و مبارزات ابراهیم (ع)
- ۱۹- دودمان فرزندان ابراهیم ع ۱- بنی اسماعیل
- ۲۰- لوط، ع. پیامبر معاصر ابراهیم

**جلد هفتم - بررسی قصص قرآن در المیزان (۳- موسی و بنی اسرائیل)**

- ۲۱- دودمان فرزندان ابراهیم ع ۲- بنی اسرائیل  
 ۲۲- زندگانی یعقوب و یوسف (ع)  
 ۲۳- زندگانی موسی علیه السلام  
 ۲۴- موسی و بنی اسرائیل  
 ۲۵- زندگانی داود و سلیمان و پیامبران بنی اسرائیل

**جلد هشتم - بررسی قصص قرآن در المیزان (۴- عیسی و پیروانش)**

- ۲۶- آغاز دین مسیح - زندگانی زکریا، یحیی، مریم و عیسی «ع»  
 ۲۷- تعلیمات عیسی و تحریفات کلیسا  
 ۲۸- اصحاب کهف، لقمان حکیم و حوادث تاریخی بعد از مسیح

**جلد نهم - محمد رسول الله «ص» (شخصیت، تاریخ و شریعت او)**

- ۲۹- شخصیت و رسالت محمد رسول الله (ص)  
 ۳۰- جانشین رسول الله «ص» و اهل بیت  
 ۳۱- مشخصات قرآن و تاریخ وحی و تنظیم و تفسیر  
 ۳۲- تاریخ تشریح دین اسلام

**جلد دهم - تاریخ صدر اسلام و جنگ های رسول الله «ص»**

- ۳۳- تاریخ صدر اسلام- از جاهلیت تا مدینه فاضله  
 ۳۴- مدینه النبی - جامعه صالح اسلامی - تاریخ تشریح اسلام  
 ۳۵- تشریح جهاد - از بدر تا مکه - جنگ های اسلام با مشرکین قریش  
 ۳۶- از حنین تا تبوک - جنگ های اسلام با یهود و اقوام دیگر  
 ۳۷- نهادینه شدن دین - پایان سلطه کفر و آغاز نفاق

**جلد یازدهم - مبانی زندگی اسلامی در قرآن**

- ۳۸- خانواده اسلامی  
 ۳۹- غذا و تغذیه انسان  
 ۴۰- نماز و روزه و حج

**جلد دوازدهم - مبانی جامعه اسلامی در قرآن**

- ۴۱- جامعه اسلامی  
 ۴۲- اخلاق اسلامی  
 ۴۳- بایدها و نبایدها ی قرآن - اوامر و نواهی - حلال و حرام  
 ۴۴- انفاق - نظام مالی اسلام - (خمس و زکات)

**جلد سیزدهم – مبانی حکومت اسلامی در قرآن**

- ۴۵- حکومت اسلامی
- ۴۶- قانون در قرآن – مجازات اسلامی
- ۴۷- مبانی احکام نظامی و جهادی اسلام ( جنگ و صلح )
- ۴۸- اداره کشور اسلامی - روش های مدیریت

**جلد چهاردهم – معارف قرآن در شناخت آخرت**

- ۴۹- مرگ و برزخ
- ۵۰- رستاخیز
- ۵۱- اوضاع طبیعی و انسانی قیامت
- ۵۲- انسان و اعمالش
- ۵۳- گناه و ثواب – حسنات و سیئات

**جلد پانزدهم – معارف قرآن در شناخت ابدیت و لقاء الله**

- ۵۴- بهشت
- ۵۵- جهنم
- ۵۶- ابدیت، شفاعت، لقاء الله

**جلد شانزدهم – گفتمان های قرآن – تفسیر و تحلیل**

- ۵۷- گفتمان های راهبردی قرآن
- ۵۸- گفتمان های آموزشی قرآن
- ۵۹- گفتمان های تبلیغی قرآن

**جلد هفدهم – گفتارهای علامه طباطبائی در دین و فلسفه احکام**

- ۶۰- گفتارهای علامه طباطبائی در توحید
- ۶۱- گفتارهای علامه طباطبائی درباره قرآن و کتاب
- ۶۲- گفتارهای علامه طباطبائی درباره دین و فلسفه تشریح احکام
- جلد هیجدهم – گفتارهای علامه طباطبائی در علوم قرآنی و مفاهیم علمی**

- ۶۳- گفتارهای علامه طباطبائی در علوم قرآنی و تفسیر
- ۶۴- گفتارهای علامه طباطبائی در مفاهیم و اصطلاحات قرآنی
- ۶۵- گفتارهای علامه طباطبائی در مفاهیم علمی و فلسفی قرآن

**جلد نوزدهم – گفتارهای علامه طباطبائی در آفرینش، کمال، مقدرات و قیامت**

- ۶۶- گفتارهای علامه طباطبائی در آفرینش جهان و انسان  
 ۶۷- گفتارهای علامه طباطبائی در خودسازی و کمال انسانی  
 ۶۸- گفتارهای علامه طباطبائی در مقدرات و اعمال  
 ۶۹- گفتارهای علامه طباطبائی در مواقف و مسائل زندگی بعد از مرگ

**جلد بیستم – گفتارهای علامه طباطبائی در اداره جامعه و کشور**

- ۷۰- گفتارهای علامه طباطبائی در روش اسلام در اداره جامعه  
 ۷۱- گفتارهای علامه طباطبائی درباره حکومت و روش اداره کشور  
 ۷۲- گفتارهای علامه طباطبائی درباره احکام حقوقی، جزائی و خانوادگی اسلام  
 ۷۳- گفتارهای علامه طباطبائی درباره روش مالی اسلام  
 ۷۴- گفتارهای علامه طباطبائی در مباحث تاریخی

**جلد بیست و یکم – هدف آیات و سوره های قرآن**

- ۷۵- هدف آیات و سوره های قرآن – بخش ۱  
 ۷۶- هدف آیات و سوره های قرآن – بخش ۲

**جلد بیست و دوم – منتخب معارف قرآن در المیزان**

- ۷۷- منتخب معارف قرآن در المیزان

## فهرست مطالب

موضوع:	صفحه :
مقدمه مؤلف	۴۱
اظهار نظرها درباره چاپ های نخست	۴۴
<b>بخش اول: بررسی هدف سوره حمد تا سوره رعد</b>	<b>۴۷</b>
نکاتی درباره این کتاب:	۴۸
هدف و فلسفه نزول سوره حمد	۴۹
تعلیم بندگان برای چگونه حمد کردن خدا	
هدف آیه ۱ سوره حمد	
اعلام آغاز عبودیت انسان با ذکر «بسم الله...!» در اول سوره حمد	
هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد	
بیان وحدت هدف قرآن با ذکر «بسم الله...!»	
هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد	
تعقیب هدف واحد هرسوره با ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در اول آن	
هدف و فلسفه نزول سوره بقره	۵۲
بیان اوصاف مخاطبین هدایت قرآن و اهمیت ایمان به تمامی کتب آسمانی	
هدف آیه ۷۰۶ سوره بقره	
معرفی استثناء شدگان از هدایت قرآن	
هدف آیه ۸ تا ۲۰ سوره بقره	
تجسم وضع منافقین و گرفتاری آنها در ظلمت تاریکی و ظلمت حیرت	
هدف آیه ۲۱ تا ۲۵ سوره بقره	
دعوت به صف متقین و اعراض از منافقین و بیمار دلان	
هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره بقره	
بیان مراحل گمراهی اولیه و گمراهی ثانوی انسانها	
هدف آیه ۲۸ و ۲۹ سوره بقره	
بیان حقیقت انسان و طی مسیرش از خلقت تا مرگ و برزخ و آخرت	
هدف آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره	
بیان هدف نزول انسان به زمین و خلافتش در آن	
هدف آیه ۳۴ سوره بقره	
بیان خلافت انسان، چگونگی نزولش به زمین و سرانجام کار او	

- هدف آیه ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره
- بیان هدف خلقت انسان برای سکونت در زمین و نقش درخت ممنوعه
- هدف آیه ۴۰ تا ۴۴ سوره بقره
- بیان عتاب های خدا بر بنی اسرائیل
- هدف آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره
- بیان فلسفه استعانت از صبر و نماز
- هدف آیه ۴۷ و ۴۸ سوره بقره
- بیان مسئله شفاعت
- هدف آیه ۴۹ تا ۶۱ سوره بقره
- بیان تعدیات و گناهان بنی اسرائیل بعد از نجات از فرعون
- هدف آیه ۶۲ سوره بقره
- معرفی ایمان واقعی و نفی ارزش نامگذاریها نزد خدا
- هدف آیه ۶۳ تا ۷۴ سوره بقره
- بیان دلیل کندن و نگاه داشتن کوه بالای سربنی اسرائیل
- هدف آیه ۷۵ تا ۸۲ سوره بقره
- شرح برخورد یهود با رسول الله «ص» و دین اسلام
- هدف آیه ۸۳ تا ۸۸ سوره بقره
- بیان فقرات میثاق الهی اخذ شده از بنی اسرائیل
- هدف آیه ۸۹ تا ۹۳ سوره بقره
- بیان علل کفر بنی اسرائیل به پیامبر اسلام بعد از بعثت
- هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره بقره
- نفی اعتقادات دروغین یهود
- هدف آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره بقره
- بیان مخالفت یهود با حق و کتمان بشارت رسول الله در تورات
- هدف آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره
- بیان واقعیت سحر و ساحری در یهود
- هدف آیه ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره بقره
- افشای رفتار مودبانه یهود در قبال رسول الله «ص»
- هدف آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره
- بیان موضوع نسخ در قرآن
- هدف آیه ۱۰۸ تا ۱۱۵ سوره بقره
- نهی مومنین از طرح سوالات نظیر سوالات یهود از موسی «ع»
- هدف آیه ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره بقره
- نفی اعتقادات اهل کتاب درباره پسرخواندگی برای خدا
- هدف آیه ۱۱۸ تا ۱۱۹ سوره بقره
- بیان تشابه عقاید اهل کتاب با عقاید و طرز فکر کفار
- هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره بقره



هشدار به رسول الله «ص» درباره نیات باطنی اهل کتاب

هدف آیه ۱۲۴ سوره بقره

مقدمه چینی برای نزول آیات مربوط به تغییر قبله و حج

هدف آیه ۱۲۵ تا ۱۲۹ سوره بقره

تشریح حج و مأمّن و مرجع قراردادن خانه خدا

هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۴ سوره بقره

شرح برگزیده شدن ابراهیم «ع» و اسلام آوردن او به رب العالمین

هدف آیه ۱۳۵ تا ۱۴۱ سوره بقره

بیان منشاء انشعاب ها در دین ابراهیم «ع»

هدف آیه ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره

بیان مسائل مربوط به قبله شدن مسجد الحرام و رد اعتراضات یهود

هدف آیه ۱۵۲ سوره بقره

دستور شکرگزاری در برابر نعمت بعثت رسول الله «ص» و تغییر قبله

هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره

ایجاد آمادگی فکری برای شروع جهاد

هدف آیه ۱۵۸ سوره بقره

معرفی و تشریح سعی بین صفا و مروه به عنوان شعائر الهی

هدف آیه ۱۵۹ تا ۱۶۲ سوره بقره

بیان انحراف علما و کتمان آیات الهی دلیل اختلافات دینی

هدف آیه ۱۶۳ تا ۱۶۷ سوره بقره

بیان مفهوم واحد بودن خدا

هدف آیه ۱۶۸ تا ۱۷۱ سوره بقره

بیان دست درازی شیطان از طریق غذاهای حلال و حرام

هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۶ سوره بقره

دستور استفاده از طیبیات برای مومنین به خدا

هدف آیه ۱۷۷ سوره بقره

معرفی ابرار و اعتقادات و اعمال و اخلاق آنها

هدف آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره

بیان قانون قصاص و مفهوم حیات در قصاص

هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲ سوره بقره

بیان قانون وصیت

هدف آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره

اعلام وجوب روزه ماه رمضان و تمهیدات قبلی آن

هدف آیه ۱۸۶ سوره بقره

بیان دستورالعملی برای دعا کردن

هدف آیه ۱۸۷ سوره بقره

بیان احکام شهای ماه رمضان

هدف آیه ۱۸۸ سوره بقره

نهی از تصرف باطل در اموال مردم با پرداخت و دریافت رشوه

هدف آیه ۱۸۹ سوره بقره

تعیین ماههای قمری برای شناخت اوقات شرعی و اجرای احکام الهی

هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره

معرفی جهادی که خدا فرمان داده است!

هدف آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره

تشریح حج تمتع

هدف آیه ۲۰۴ تا ۲۰۷ سوره بقره

تقسیم انسانها از لحاظ نتایج صفات آنها

هدف آیه ۲۰۸ تا ۲۱۰ سوره بقره

ارائه راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی

هدف آیه ۲۱۱ و ۲۱۲ سوره بقره

بیان سرنوشت بنی اسرائیل برای عبرت مسلمانان

هدف آیه ۲۱۳ سوره بقره

بیان سبب تشریح اصل دین

هدف آیه ۲۱۴ سوره بقره

بیان لزوم تسلیم انسانها در برابر نعمت دین

هدف آیه ۲۱۵ سوره بقره

بیان محل استفاده و مصرف وجوه انفاق

هدف آیه ۲۱۶ تا ۲۱۸ سوره بقره

بیان وجوب جهاد و دفاع بر همه مسلمانان

هدف آیه ۲۱۹ و ۲۲۰ سوره بقره

تحریم تدریجی می‌گساری توسط شارع اسلام

هدف آیه ۲۲۱ سوره بقره

نهی ازدواج با زن و مرد بت پرست

هدف آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره

بیان برخی احکام زناشوئی

هدف آیه ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره بقره

بیان حکم سوگند اعتزال و اجتناب از سوگندهای لغو

هدف آیه ۲۲۸ تا ۲۴۲ سوره بقره

بیان احکام طلاق و نگهداشتن عدّه و شیردادن فرزند

هدف آیه ۲۴۳ سوره بقره

بیان سرگذشت جمعیتی زنده شده بعد از مرگ

هدف آیه ۲۴۴ تا ۲۵۲ سوره بقره

بیان تاثیر جنگ و دفاع در حیات دینی

هدف آیه ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره

بیان دلایل جنگ و اختلاف در امت رسولان بعد از آنان

۹۳

هدف آیه ۲۵۵ سوره بقره

بیان وحدانیت خدا در الوهیت، قیومیت، مالکیت و انحصار شفاعت

هدف آیه ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره

نفی دین اجباری

هدف آیه ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره

بیان معنای توحید

هدف آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره

نشان دادن اهمیت انفاق و مورد و محل مصرف آن

هدف آیه ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره

نشان دادن اثر سوء ربا در از هم پاشیده شدن جامعه

هدف آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره

بیان اصول احکام قرض و رهن و مسائل مربوط به آن

هدف آیه ۲۸۴ سوره بقره

بیان احاطه خدا به انسانها و نیات و اعمال آنها

هدف آیه ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره

خلاصه هدف سوره بقره: ایمان به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و رسولان

۱۰۲

هدف و فلسفه نزول سوره آل عمران

دعوت به توحید کلمه و تشویق به مقابله با یهود و نصاری و مشرکین

هدف آیه ۷ تا ۹ سوره آل عمران

تفہیم موضوع آیات محکم و متشابه

هدف آیه ۱۰ تا ۱۸ سوره آل عمران

دفع شبهات منافقین در روزهای بحرانی اسلام

هدف آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره آل عمران

بیان انحصاری بودن دین به اسلام (تسلیم حق شدن)

هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره آل عمران

بیان مالک ملک بودن خدا

هدف آیه ۲۸ تا ۳۲ سوره آل عمران

دستور نهی از دوستی مومنین با کافرین

هدف آیه ۳۳ تا ۶۰ سوره آل عمران

داستان عیسی و مریم و زکریا (ع)

هدف آیه ۶۱ تا ۶۳ سوره آل عمران

تعلیم گفتمان مباحله

هدف آیه ۶۴ تا ۷۸ سوره آل عمران

تعلیم گفتمان با اهل کتاب

هدف آیه ۷۹ و ۸۰ سوره آل عمران

- ۱۰۹ بیان پاکی ساحت مسیح از عقاید خرافی  
هدف آیه ۸۱ تا ۸۵ سوره آل عمران  
بیان میثاق پیامبران  
هدف آیه ۸۶ تا ۹۱ سوره آل عمران  
بیان نفی هدایت خدا از منحرفین به کفر بعد از ایمان  
هدف آیه ۹۲ تا ۹۵ سوره آل عمران  
بیان راه رسیدن به خیر با انفاق از بهترین ها  
هدف آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران  
بیان تقدم خانه کعبه به بیت المقدس و پاسخ شبهات یهود  
هدف آیه ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران  
بیان توطئه ها و شبهات یهود برای بازداشتن مردم از راه خدا  
هدف آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران  
فرمان اعتصام به حبل الله و حذر از اهل کتاب و فتنه آنان  
هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۰ سوره آل عمران  
بیان ذلت یهود بر اساس حکم شرع اسلامی  
هدف آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ سوره آل عمران  
هشدار مومنین نسبت به موقعیت دشوارشان و نکاتی از جنگ احد و بدر  
هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۸ سوره آل عمران  
امر به انفاق و ترک ربا و اصلاح نقص ها با درس از شکستها  
هدف آیه ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره آل عمران  
درسی از شکست جنگ احد  
هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۵۵ سوره آل عمران  
شرح روزهای بعد از جنگ احد و تقویت روحیه مسلمین  
هدف آیه ۱۵۶ تا ۱۶۴ سوره آل عمران  
معرفی عامل خسارت های جانی جنگ احد  
هدف آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱ سوره آل عمران  
بیان مقام شهدا نزد خدا و مشیت الهی در مرگ و زندگی انسانها  
هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران  
بیان مقام مقاومت کنندگان در جنگ احد  
هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۸۰ سوره آل عمران  
نتیجه گیری از جنگ احد و بیان امتحان الهی  
هدف آیه ۱۸۱ تا ۱۸۹ سوره آل عمران  
رد گفتارهای واهی یهود و تقویت روحیه مقاومت و انفاق در مسلمین  
هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹ سوره آل عمران  
بیان حال ابرار و دعا و درخواست آنها  
هدف و فلسفه نزول سوره نساء  
۱۱۹ بیان برخی احکام زناشوئی، ارث، نماز، جهاد، شهادت و تجارت

۱۲۰.

- هدف آیه ۳ تا ۶ سوره نساء  
بیان قانون ازدواج و قانون ارث، دو اصل مهم حیات انسان
- هدف آیه ۷ تا ۱۰ سوره نساء  
بیان دستورالعمل اجرائی احکام ارث
- هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره نساء  
بیان دستورالعمل اجرائی حکم ارث اولاد و بازماندگان
- هدف آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء  
بیان دستورالعمل اجرائی قانون منع فحشا و زنا
- هدف آیه ۱۷ و ۱۸ سوره نساء  
بیان حقیقت توبه و آثار و احکام آن
- هدف آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره نساء  
بیان برخی مسائل زندگی اجتماعی زنان
- هدف آیه ۲۳ تا ۲۸ سوره نساء  
بیان محرمات در ازدواج
- هدف آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء  
نهی از خوردن مال به باطل
- هدف آیه ۳۱ سوره نساء  
بیان شرط آموزش گناهان صغیره
- هدف آیه ۳۲ تا ۳۵ سوره نساء  
اصلاح روابط معاشرت بین زنان و مردان
- هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره نساء  
تشویق مسلمین به احسان و انفاق در راه خدا
- هدف آیه ۴۳ سوره نساء  
نهی از نماز در حال مستی، و بیان حکم تیمم
- هدف آیه ۴۴ تا ۵۸ سوره نساء  
شرح فتنه های یهود برای انحراف مسلمانان و جلوگیری از انفاق
- هدف آیه ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء  
دعوت به اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و تجهیز مسلمین برای جهاد
- هدف آیه ۷۱ تا ۷۶ سوره نساء  
تشویق به صبر و جهاد در راه خدا و مبارزه با فتنه انگیزی یهود
- هدف آیه ۷۷ تا ۸۰ سوره نساء  
ملامت رفتار سست ایمانها در برخورد با فرمان جهاد
- هدف آیه ۸۱ تا ۸۴ سوره نساء  
اندرز برای تقویت مسلمانان سست ایمان
- هدف آیه ۸۵ تا ۹۱ سوره نساء  
دستور قتال با مشرکین دو چهره و منافق
- هدف آیه ۹۲ تا ۹۴ سوره نساء

- ۱۲۹
- هدف آیه ۹۵ تا ۱۰۰ سوره نساء  
 تبیین درجات مجاهدین و موقعیت قاعدین  
 هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۰۴ سوره نساء  
 بیان نماز خوف و احکام آن  
 هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۶ سوره نساء  
 توصیه به عدل در داوری و قضاوت  
 هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۴ سوره نساء  
 تاکید بر الهی بودن احکام نازلہ درباره حقوق زنان و ایتام  
 هدف آیه ۱۳۵ سوره نساء  
 بیان حکم ادای شهادت با قیام به عدل  
 هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۴۷ سوره نساء  
 بیان الزامی بودن ایمان به جمیع معارف الهی  
 هدف آیه ۱۴۸ تا ۱۴۹ سوره نساء  
 نبی از زشت کلامی و بددهانی مگر برای ظلم شدگان  
 هدف آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ سوره نساء  
 بیان حقیقت کفر یهود و نصاری  
 هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۶۹ سوره نساء  
 بیان ادعاها و ظلم های یهود  
 هدف آیه ۱۷۰ تا ۱۷۵ سوره نساء  
 دعوت جامعه بشری برای ایمان به قرآن و رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۱۷۶ سوره نساء  
 بیان سهم کلاله

۱۳۵

- هدف و فلسفه نزول سوره مائده  
 دعوت به وفای عهدها، پایداری در پیمانها، و نبی از نقض میثاقها  
 هدف آیه ۴ و ۵ سوره مائده  
 بیان ضابطه ای کلی برای تشخیص حلال از حرام  
 هدف آیه ۶ و ۷ سوره مائده  
 بیان حکم طهارت های سه گانه  
 هدف آیه ۸ تا ۱۴ سوره مائده  
 بیان کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی مومنین  
 هدف آیه ۱۵ تا ۱۹ سوره مائده  
 دعوت اهل کتاب به پیروی از رسول الله و قرآن  
 هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره مائده  
 بیان نقض میثاق یهود و گرفتاری آنها به سرگردانی و عذاب تیه  
 هدف آیه ۲۷ تا ۳۲ سوره مائده  
 بیان جنایات حسد و داستان پسران آدم

- هدف آیه ۳۳ تا ۴۰ سوره مائده  
بیان حد شرعی مفسدین و دزدان
- هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مائده  
دستورالعمل حکمیت و قضاوت‌های رسول الله «ص»
- هدف آیه ۵۱ تا ۵۴ سوره مائده  
نهی و تهدید شدید خدا درباره دوستی با اهل کتاب
- هدف آیه ۵۵ تا ۵۶ سوره مائده  
تعیین ولی مومنین
- هدف آیه ۵۷ تا ۶۶ سوره مائده  
دستور پرهیز از دوستی با دشمنان دین
- هدف آیه ۶۷ سوره مائده  
دستور ابلاغ ولایت امیرالمومنین «ع»
- هدف آیه ۶۸ تا ۸۶ سوره مائده  
بیان مصایب اهل کتاب ناشی از عدم احیای دین و دوری از خدا
- هدف آیه ۸۷ تا ۸۹ سوره مائده  
بیان برخی از احکام فرعی دین اسلام
- هدف آیه ۹۰ تا ۹۳ سوره مائده  
بیان حکم تحریم شراب، قمار، انصاب و ازلام
- هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره مائده  
بیان حکم شکار در حال احرام
- هدف آیه ۱۰۰ سوره مائده  
بیان مثالی برای غلبه حق و دین حق
- هدف آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره مائده  
منع سوال از غیب و سرنوشت یا از ناگفته های خدا
- هدف آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره مائده  
لغو قوانین جاهلیت
- هدف آیه ۱۰۵ سوره مائده  
بیان راه مراقبت نفس مومنین و تحفظ جامعه اسلامی
- هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۰۹ سوره مائده  
بیان نحوه ادای شهادت
- هدف آیه ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره مائده  
دعوت به وفای عهد و حذر از عهدشکنی و کفران نعمت الهی
- هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره مائده  
بیان نحوه درخواست مائده حواریون عیسی «ع»
- هدف آیه ۱۱۶ تا ۱۲۰ سوره مائده  
نتیجه گیری از هدف سوره مائده: رعایت عهدالهی
- هدف و فلسفه نزول سوره انعام

## بیان توحید خدای تعالی

۱۵۰.

هدف آیه ۴ تا ۱۱ سوره انعام

بیان تکذیب حق از طرف مشرکین و پاسخ اعتراضات آنها

هدف آیه ۱۲ تا ۱۸ سوره انعام

تعلیم برهانی بر توحید و بعث و معاد

هدف آیه ۱۹ و ۲۰ سوره انعام

احتجاج به وحدانیت خدا بوسیله وحی

هدف آیه ۲۱ تا ۳۲ سوره انعام

بیان مظالم مشرکین و انحراف آنها از اصول عقاید پاک

هدف آیه ۳۳ تا ۳۶ سوره انعام

دستورالعمل برای دعوت دینی در محیط آزاد

هدف آیه ۳۷ تا ۵۵ سوره انعام

احتجاج به امر توحید و معجزه نبوت

هدف آیه ۵۶ تا ۷۳ سوره انعام

نهی از بت پرستی و دلایل آن

هدف آیه ۷۴ تا ۸۳ سوره انعام

تعلیم حجت‌های ابراهیم «ع» به رسول الله «ص»

هدف آیه ۸۴ تا ۹۰ سوره انعام

بیان استمرار توحید فطری در قرون متمادی

هدف آیه ۹۱ تا ۱۰۵ سوره انعام

بیان احتجاج علیه اهل کتاب درباره قرآن و بیان توحید و اسماء حسنی

هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۳ سوره انعام

دعوت به توحید

هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره انعام

دستور پیروی از حکم خدا و اجرای حکم ذبح اسلامی

هدف آیه ۱۲۲ تا ۱۲۷ سوره انعام

بیان تأثیر هدایت الهی در جان مومن

هدف آیه ۱۲۸ تا ۱۳۵ سوره انعام

بیان سرپرستی و ولایت ستمگران و شیطان به دیگران

هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۵۰ سوره انعام

بیان حکم خدا در خوردنی‌ها و رد احکام کفر و جاهلیت

هدف آیه ۱۵۱ تا ۱۵۷ سوره انعام

بیان مجرماتی که جاری بین کل ادیان بوده است!

هدف آیه ۱۵۸ تا ۱۶۰ سوره انعام

تهدید مشرکین بخاطر استنکاف از پیروی صراط مستقیم و تفرق در دین خدا

هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۶۵ سوره انعام

بیان هدف رسول الله در دعوت سوره انعام و عمل به آن



- هدف و فلسفه نزول سوره اعراف  
 بیان سیرتاریخی عهد الهی و تشریح برخی احکام اسلام  
 هدف آیه ۱۰ تا ۲۵ سوره اعراف  
 بیان ابتدای خلقت انسان و دخالت شیطان و هیبوط آدم به دنیا  
 هدف آیه ۲۶ تا ۳۶ سوره اعراف  
 بیان خطاب های الهی به بنی آدم در اول خلقت انسان  
 هدف آیه ۳۷ تا ۵۳ سوره اعراف  
 بیان نتایج آخرین خطاب الهی  
 هدف آیه ۵۴ تا ۵۸ سوره اعراف  
 بیان دلایل ربوبیت الهی در نظام آفرینش و روزی رسانی  
 هدف آیه ۵۹ تا ۷۲ سوره اعراف  
 بیان دعوت به توحید الهی در سرگذشت پیامبران (نوح و هود)  
 هدف آیه ۷۳ تا ۷۹ سوره اعراف  
 بیان دعوت به توحید و مبارزات حضرت صالح  
 هدف آیه ۸۰ تا ۸۴ سوره اعراف  
 دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت لوط  
 هدف آیه ۸۵ تا ۹۳ سوره اعراف  
 دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت شعیب  
 هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۲ سوره اعراف  
 بیان عوامل نابودی جوامع فاسد و نتیجه گیری از داستان پیامبران  
 هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۲۶ سوره اعراف  
 بیان کیفیت آغاز رسالت و دعوت دینی موسی علیه السلام  
 هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره اعراف  
 بیان مصائب بنی اسرائیل و مبارزات موسی «ع» با فرعونیان  
 هدف آیه ۱۳۸ تا ۱۵۴ سوره اعراف  
 بیان وقایع بعد از عبور بنی اسرائیل از دریا  
 هدف آیه ۱۵۵ تا ۱۶۰ سوره اعراف  
 بیان معجزات موسی «ع» و رفتار کفرآمیز بنی اسرائیل  
 هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۷۱ سوره اعراف  
 بیان تخلفات بنی اسرائیل و ماهیگیری روز شنبه  
 هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۴ سوره اعراف  
 بیان شهادت روز الست و پیمان گرفتن از بنی نوع بشر  
 هدف آیه ۱۷۵ تا ۱۷۹ سوره اعراف  
 بیان داستان بلعم باعورا و سبب گمراهی او  
 هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۶ سوره اعراف  
 بیان تأثیر اسماء الحسنی در هدایت انسانها  
 هدف آیه ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره اعراف

- بیان انحصاری بودن علم به وقوع قیامت نزد خدای تعالی  
 هدف آیه ۱۸۹ تا ۱۹۸ سوره اعراف  
 ۱۶۶ بیان میثاقهای انسان با خدا و پیمان شکنی های او  
 هدف آیه ۱۹۹ تا ۲۰۶ سوره اعراف  
 دستوری به رسول الله «ص» جهت اتخاذ سیره حسنه و رفتار ملایم
- هدف و فلسفه نزول سوره انفال  
 بیان برخی اخبار جنگ بدر و مسئله غنایم جنگی  
 هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره انفال  
 بیان مشیت و حکمت الهی پشت پرده وقایع جنگ بدر  
 هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره انفال  
 بیان نکات ضروری درباره اصول جنگ و جهاد در اسلام  
 هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره انفال  
 بیان عدم نزول عذاب آسمانی با وجود رسول الله و استغفار مومنین  
 هدف آیه ۴۱ تا ۵۴ سوره انفال  
 بیان وجوب خمس غنیمت، اندرز و استقامت در برابر دشمن دین  
 هدف آیه ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال  
 بیان احکام جنگ و صلح و پذیرش و نقض معاهدات صلح  
 هدف آیه ۶۷ تا ۷۱ سوره انفال  
 بیان احکام اسرای جنگی  
 هدف آیه ۷۲ تا ۷۵ سوره انفال  
 بیان شرایط ولایت و موالات میان مومنین
- هدف و فلسفه نزول سوره توبه  
 اعلام بی‌زاری و تشویق به قتال با مشرکین و افشای توطئه های منافقین  
 هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره توبه  
 بیان شرایط جاودانگی و ارزش اعمال نزد خدا  
 هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره توبه  
 بیان نصرت خدا در جنگ حنین، و اعلام منع ورود مشرکین به مسجد الحرام  
 هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره توبه  
 بیان شرط اقامت اهل کتاب در بلاد اسلامی با پرداخت جزیه  
 هدف آیه ۳۶ و ۳۷ سوره توبه  
 تثبیت حکم حرمت ماه های حرام چهارگانه  
 هدف آیه ۳۸ تا ۴۸ سوره توبه  
 بیان حفاظت خدا از رسول الله در غار ثور و توطئه های منافقین  
 هدف آیه ۴۹ تا ۶۳ سوره توبه  
 بیان فساد اعتقادات و خبث اوصاف باطنی منافقین  
 هدف آیه ۶۴ تا ۷۴ سوره توبه
- ۱۶۷
- ۱۷۰

- ۱۷۳ بیان توطئه قتل رسول الله بوسیله منافقین صدر اسلام  
 هدف آیه ۷۵ تا ۸۰ سوره توبه  
 بیان عاقبت کار متخلفین از حکم صدقات و استهزا کنندگان انفاقگران  
 هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره توبه  
 بیان کیفر تخلف کنندگان از فرمان جهاد رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۹۷ تا ۱۰۶ سوره توبه  
 بیان کفر و نفاق اعراب بادیه نشین و کيفر آنان  
 هدف آیه ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه  
 بیان نفاق سازندگان مسجد ضرار  
 هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۳ سوره توبه  
 بیان پاداش جهادگران، منع دوستی با مشرکان، و دستور تفقه در دین  
 هدف آیه ۱۲۴ تا ۱۲۹ سوره توبه  
 بیان ضابطه ای برای شناخت منافقین و مومنین
- ۱۷۴ هدف و فلسفه نزول سوره یونس  
 التزام مردم به توحید، انذار مشرکین، قضاء عدل بین رسول الله و امتش  
 هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس  
 بیان دلیل تاخیر عذاب منکرین توحید و معاد  
 هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره یونس  
 تعلیم احتجاجاتی به رسول الله «ص» علیه منکرین معاد  
 هدف آیه ۲۶ تا ۳۰ سوره یونس  
 بیان سزای اعمال و برگشت همگان به خدای حق  
 هدف آیه ۳۱ تا ۳۶ سوره یونس  
 تعلیماتی برای رسول الله برای مقابله با عقاید جاهلی  
 هدف آیه ۳۷ تا ۴۵ سوره یونس  
 بیان هدایت خلق بوسیله وحی و نزول کتابهای آسمانی  
 هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره یونس  
 بیان ارتباط سنت ارسال رسل و سنت نابودی جوامع فاسد  
 اشاره به شرایط نزول عذاب بر امت اسلام  
 هدف آیه ۵۷ تا ۷۰ سوره یونس  
 بیان اوصاف قرآن کریم  
 هدف آیه ۷۱ تا ۷۴ سوره یونس  
 عبرت از نابودی جوامع فاسد و عوامل سقوط آنها  
 هدف آیه ۷۵ تا ۹۳ سوره یونس  
 بیان اسرار تشابه دعوت رسول الله «ص» با دعوت موسی «ع»  
 هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۳ سوره یونس  
 بیان شرط اذن الهی در پذیرش قلبی ایمان  
 هدف آیه ۱۰۴ تا ۱۰۹ سوره یونس

## جمع بندی مطالب سوره یونس

۱۸۳

## هدف و فلسفه نزول سوره هود

بیان توحید الهی بر اساس معارف قرآن کریم

هدف آیه ۵ تا ۱۶ سوره هود

بیان دعاوی قوم رسول الله و جواب آنها

هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره هود

تاکید بر آسمانی بودن قرآن

هدف آیه ۲۵ تا ۳۵ سوره هود

بیان تاریخ دعوت و مبارزات نوح علیه السلام

هدف آیه ۳۶ تا ۴۹ سوره هود

بیان فصلهای آخر داستان حضرت نوح و چگونگی نابودی قوم او

هدف آیه ۵۰ تا ۶۰ سوره هود

بیان دعوت و مبارزات حضرت هود و نابودی قوم عاد اولین

هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره هود

بیان دعوت و مبارزات حضرت صالح و نابودی قوم ثمود

هدف آیه ۶۹ تا ۷۶ سوره هود

بیان بشارت فرزنددار شدن ابراهیم «ع» و خبر نابودی قوم لوط

هدف آیه ۷۷ تا ۸۳ سوره هود

بیان دعوت و مبارزات حضرت لوط و نابودی قوم لوط

هدف آیه ۸۴ تا ۹۵ سوره هود

بیان دعوت و مبارزات شعیب (ع) با مردم مدین و نابودی قوم او

هدف آیه ۹۶ تا ۹۹ سوره هود

بیان اجمالی از دعوت موسی (ع) و سرنوشت شوم فرعون

هدف آیه ۱۰۰ تا ۱۰۸ سوره هود

بیان آثار شوم شرک به خدا در ملت های گذشته

هدف آیه ۱۰۹ تا ۱۱۹ سوره هود

عبرت از داستان گذشتگان و عدم رکون به ظالمان

هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره هود

دلیل نقل تاریخ ملل گذشته در قرآن

۱۹۰

## هدف و فلسفه نزول سوره یوسف

بیان ولایت الهی بر بندگان مخلص خود

بیان چگونگی انتقال بنی اسرائیل به مصر

هدف آیه ۴ تا ۶ سوره یوسف

آماده سازی یوسف «ع» در راه ولایت و تقرب الهی

هدف آیه ۷ تا ۲۱ سوره یوسف

بیان جدائی یوسف از پدر و انتقالش به قصر عزیز مصر

۱۹۲

هدف آیه ۲۲ تا ۳۴ سوره یوسف  
 بیان زندگی و گرفتاریهای یوسف در قصر عزیز مصر  
 هدف آیه ۳۵ تا ۴۲ سوره یوسف  
 بیان دوره زندان یوسف «ع» و شروع اعلام دین توحید  
 هدف آیه ۴۳ تا ۵۷ سوره یوسف  
 بیان عوامل خروج یوسف از زندان و رسیدن به عزیزی مصر  
 هدف آیه ۵۸ تا ۶۲ سوره یوسف  
 بیان سفر پسران اسرائیل به مصر و مواجهه با یوسف «ع»  
 هدف آیه ۶۳ تا ۸۲ سوره یوسف  
 بیان سفر دوم پسران یعقوب به مصر و توقیف شدن برادر تئ یوسف  
 هدف آیه ۸۳ تا ۹۲ سوره یوسف  
 بیان نا امید نشدن یعقوب و دستور تجسس مجدد درباره یوسف  
 هدف آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف  
 بیان انتقال بنی اسرائیل به مصر  
 هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۱۱ سوره یوسف  
 بیان اهداف مختلف ذکر داستان یوسف در قرآن:  
 عبرت، بیان حقیقت، هدایت و رحمت برای مومنین

۱۹۵

هدف و فلسفه نزول سوره رعد  
 بیان حق بودن قرآن و رسالت رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۵ و ۶ سوره رعد  
 پاسخی به منکرین معاد  
 هدف آیه ۷ تا ۱۶ سوره رعد  
 پاسخی به معترضین رسول الله در ارائه نکردن معجزه  
 هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره رعد  
 بیان فرق میان طریق حق و طریق باطل  
 هدف آیه ۲۷ تا ۳۵ سوره رعد  
 بیان آثار ذکر خدا و آرامش و اطمینان قلبی با ذکر خدا  
 هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره رعد  
 رد درخواست کفار برای ارائه معجزه تازه از طرف رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۴۳ سوره رعد  
 رد اعتراض منکرین رسالت رسول الله (ص)

۱۹۹

## فصل دوم: بررسی هدف سوره ابراهیم تا سوره ناس

هدف و فلسفه نزول سوره ابراهیم  
 بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۶ تا ۱۸ سوره ابراهیم  
 ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نعمت ها

- ۲۰۱ هدف آیه ۱۹ تا ۳۴ سوره ابراهیم  
بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق  
هدف آیه ۳۵ تا ۴۱ سوره ابراهیم  
بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه  
هدف آیه ۴۲ تا ۵۲ سوره ابراهیم  
بیان غافل نبودن خدا از ظالمان
- ۲۰۳ هدف و فلسفه نزول سوره حجر  
دلنداری رسول الله «ص» و امر به صبر و ثبات و اعراض از مشرکین  
هدف آیه ۱۰ تا ۱۵ سوره حجر  
بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد  
هدف آیه ۱۶ تا ۲۵ سوره حجر  
بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشیاء  
هدف آیه ۲۶ تا ۴۸ سوره حجر  
بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها  
هدف آیه ۴۹ تا ۸۴ سوره حجر  
بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد  
هدف آیه ۸۵ تا ۹۹ سوره حجر  
دستوری به رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین
- ۲۰۶ هدف و فلسفه نزول سوره نحل  
بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریح دین  
و بیان شرح هجرت رسول الله «ص» به مدینه  
هدف آیه ۲۲ تا ۴۰ سوره نحل  
بیان عیوب و صفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید  
هدف آیه ۴۱ تا ۶۴ سوره نحل  
بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا  
هدف آیه ۶۵ تا ۷۷ سوره نحل  
اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی  
هدف آیه ۷۸ تا ۸۹ سوره نحل  
اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت های الهی  
هدف آیه ۹۰ تا ۱۰۵ سوره نحل  
ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه  
هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۱ سوره نحل  
بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین  
هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۲۸ سوره نحل  
بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم «ع»
- ۲۱۰ هدف و فلسفه نزول سوره اسری

تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص"

مقدرات بنی اسرائیل

هدف آیه ۸ تا ۲۸ سوره اسری

بیان سنت الهی در هدایت امت ها

هدف آیه ۹ تا ۲۲ سوره اسری

بیان سنت الهی در ملت اسلام

هدف آیه ۲۳ تا ۳۹ سوره اسری

ذکر برخی از کلیات دین

هدف آیه ۴۰ تا ۵۵ سوره اسری

بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین

هدف آیه ۵۶ تا ۶۵ سوره اسری

بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین

هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره اسری

اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرر برای خدا

هدف آیه ۷۳ تا ۸۱ سوره اسری

نبی رسول الله «ص» از تمایل به مشرکین

هدف آیه ۸۲ تا ۱۰۰ سوره اسری

بیان شفا و رحمت بودن قرآن

هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۱۱ سوره اسری

بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله «ص»

۲۱۵

هدف و فلسفه نزول سوره کهف

دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی

هدف آیه ۹ تا ۲۶ سوره کهف

بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی

هدف آیه ۲۷ تا ۳۱ سوره کهف

بیان وظیفه رسول الله در برابر دینداران و بی دینان

هدف آیه ۳۲ تا ۴۶ سوره کهف

بیان واقعیت مالکیت آدمی بر اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا

هدف آیه ۴۷ تا ۵۹ سوره کهف

بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان

هدف آیه ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف

بیان واقعیت پشت پرده حوادث ظاهری

هدف آیه ۸۳ تا ۱۰۲ سوره کهف

بیان تاریخ ذی القرنین

هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۰۸ سوره کهف

بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین

هدف آیه ۱۰۹ سوره کهف

- بیان وسعت کلمات الهی
- ۲۲۰ هدف آیه ۱۱۰ سوره کهف  
بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد
- ۲۲۱ هدف و فلسفه نزول سوره مریم  
بشارت و انذار  
هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم  
بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها  
هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مریم  
بیان محاجه ابراهیم «ع» با پدر و کناره گیری از بت پرستان  
هدف آیه ۵۱ تا ۵۷ سوره مریم  
بیان موهبتها و رحمتهای الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادريس «ع»  
هدف آیه ۵۸ تا ۶۳ سوره مریم  
بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد  
هدف آیه ۶۴ و ۶۵ سوره مریم  
بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی  
هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره مریم  
بیان سخنان مشرکین درباره مبدأ، معاد و نبوت و رد آنها  
هدف آیه ۷۳ تا ۸۰ سوره مریم  
بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها  
هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره مریم  
رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا  
هدف آیه ۹۷ و ۹۸ سوره مریم  
بیان تزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله "ص"
- ۲۲۵ هدف و فلسفه نزول سوره طه  
تذکر و یادآوری از راه انذار  
هدف آیه ۹ تا ۴۸ سوره طه  
بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او  
هدف آیه ۴۹ تا ۷۹ سوره طه  
بیان آغاز دعوت موسی «ع» تا غرق فرعون  
هدف آیه ۸۰ تا ۹۸ سوره طه  
بیان نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها  
هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۴ سوره طه  
یادآوری هولهای روز قیامت  
هدف آیه ۱۱۵ تا ۱۲۶ سوره طه  
بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی  
هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۵ سوره طه



نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی

۲۲۸

هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء  
بیان مسئله نبوت با طرح مسئله توحید و معاد  
هدف آیه ۱۶ تا ۳۳ سوره انبیاء  
بیان هدف داربودن خلقت و اثبات معاد  
هدف آیه ۳۴ تا ۴۷ سوره انبیاء  
بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین  
هدف آیه ۴۸ تا ۷۷ سوره انبیاء  
بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی  
هدف آیه ۷۸ تا ۹۱ سوره انبیاء  
بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی  
هدف آیه ۹۲ تا ۱۱۲ سوره انبیاء  
بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد

۲۳۲

هدف و فلسفه نزول سوره حج  
بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انداز قیامت  
هدف آیه ۳ تا ۱۶ سوره حج  
بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم  
هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره حج  
بیان داوری و حکم الهی در قیامت درباره مومنین و غیر مومنین  
هدف آیه ۲۵ تا ۳۷ سوره حج  
بیان تشریح حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج  
هدف آیه ۳۸ تا ۵۷ سوره حج  
بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه  
هدف آیه ۵۸ تا ۶۶ سوره حج  
بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا  
هدف آیه ۶۷ تا ۷۸ سوره حج  
دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله

۲۳۶

هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون  
دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت  
هدف آیه ۱۲ تا ۲۲ سوره مؤمنون  
شرح خلقت و تدبیر امور انسان و نعمت های اعطائی خدا به او  
هدف آیه ۲۳ تا ۵۴ سوره مؤمنون  
دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت  
هدف آیه ۵۵ تا ۷۷ سوره مؤمنون  
بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب  
هدف آیه ۷۸ تا ۹۸ سوره مؤمنون

اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او  
 هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۸ سوره مؤمنون  
 بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت

۲۳۸

هدف و فلسفه نزول سوره نور  
 بیان پاره ای از احکام تشریح شده و معارف الهی مناسب با آنها  
 هدف آیه ۱۱ تا ۲۶ سوره نور  
 بیان ماجرای افک : تهمت به خانواده پیامبر  
 هدف آیه ۲۷ تا ۳۴ سوره نور  
 بیان برخی روابط و قوانین خانواده  
 هدف آیه ۳۵ تا ۴۶ سوره نور  
 بیان نور الهی و نور معرفت خاص مومنین  
 هدف آیه ۴۷ تا ۵۷ سوره نور  
 بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۵۸ تا ۶۴ سوره نور  
 بیان احکام رفتار در خانواده و اجتماع و با رسول خدا «ص»

۲۴۱

هدف و فلسفه نزول سوره فرقان  
 بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او  
 هدف آیه ۴ تا ۲۰ سوره فرقان  
 بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها  
 هدف آیه ۲۱ تا ۳۱ سوره فرقان  
 رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی  
 هدف آیه ۳۲ تا ۴۰ سوره فرقان  
 رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن  
 هدف آیه ۴۱ تا ۶۲ سوره فرقان  
 بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۶۳ تا ۷۷ سوره فرقان  
 ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن

۲۴۴

هدف و فلسفه نزول سوره شعراء  
 دلداری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت  
 هدف آیه ۱۰ تا ۶۸ سوره شعرا  
 بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۶۹ تا ۱۰۴ سوره شعرا  
 بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش  
 هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۲ سوره شعرا  
 بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح «ع» و انجام کار قوم او  
 هدف آیه ۱۲۳ تا ۱۴۰ سوره شعرا

- ۲۴۶ بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء  
هدف آیه ۱۴۱ تا ۱۵۹ سوره شعرا  
بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان  
هدف آیه ۱۶۰ تا ۱۷۵ سوره شعرا  
بیان نابودی قوم لوط  
هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۹۱ سوره شعرا  
بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کار قوم او (اصحاب ایکه)  
هدف آیه ۱۹۲ تا ۲۲۷ سوره شعرا  
نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا
- ۲۴۷ هدف و فلسفه نزول سوره نمل  
بشارت و انداز مردم با ذکر داستانهای انبیاء،  
ذکر معارف مربوط به توحید در ربوبیت و معاد  
هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره نمل  
بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون  
هدف آیه ۱۵ تا ۴۴ سوره نمل  
بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان  
هدف آیه ۴۵ تا ۵۳ سوره نمل  
یادآوری نابودی قوم ثمود  
هدف آیه ۵۴ تا ۵۸ سوره نمل  
یادآوری نابودی قوم لوط  
هدف آیه ۵۹ تا ۸۱ سوره نمل  
بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی  
هدف آیه ۸۲ تا ۹۳ سوره نمل  
بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت
- ۲۴۹ هدف و فلسفه نزول سوره قصص  
بیان جانشین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین  
هدف آیه ۱۵ تا ۲۱ سوره قصص  
بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او  
هدف آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص  
بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع»  
هدف آیه ۲۹ تا ۴۲ سوره قصص  
بیان بعثت موسی «ع» و مبارزه او با فرعون و نزول تورات  
هدف آیه ۴۳ تا ۵۶ سوره قصص  
بیان آسمانی بودن قرآن و تورات  
هدف آیه ۵۷ تا ۷۵ سوره قصص  
رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن

- ۲۵۲ هدف آیه ۷۶ تا ۸۴ سوره قصص  
بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین  
هدف آیه ۸۵ تا ۸۸ سوره قصص  
وعدده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام
- ۲۵۳ هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت  
هدف حقیقت ایمان است!  
هدف آیه ۱۴ تا ۴۰ سوره عنکبوت  
بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتها و جوامع فاسد  
هدف آیه ۴۱ تا ۵۵ سوره عنکبوت  
نتیجه گیری از بیان سرگذشت امتهای هلاک شده تاریخ  
هدف آیه ۵۶ تا ۶۰ سوره عنکبوت  
بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا  
هدف آیه ۶۱ تا ۶۹ سوره عنکبوت  
بیان حجت هائی علیه ضد و نقیض گوئی های مشرکین
- ۲۵۵ هدف و فلسفه نزول سوره روم  
وعدده دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین  
هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره روم  
آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت  
هدف آیه ۲۷ تا ۳۹ سوره روم  
تعلیم روش استدلال با آیات الهی  
هدف آیه ۴۰ تا ۴۷ سوره روم  
تعلیم استدلال با افعال خاص خدا  
هدف آیه ۴۸ تا ۵۳ سوره روم  
تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی  
هدف آیه ۵۴ تا ۶۰ سوره روم  
تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی
- ۲۵۷ هدف و فلسفه نزول سوره لقمان  
دعوت به توحید و یقین به معاد و عمل به کلیات شرایع دین  
هدف آیه ۱۲ تا ۱۹ سوره لقمان  
بیان حکمت داده شده به لقمان  
هدف آیه ۲۰ تا ۳۴ سوره لقمان  
بیان آیات وحدانیت خدا
- ۲۵۸ هدف و فلسفه نزول سوره سجده  
بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن  
هدف آیه ۱۵ تا ۳۰ سوره سجده

بیان فرق بین مومن واقعی و فاسقان

۲۵۹

هدف و فلسفه نزول سوره احزاب  
 بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدراسلام  
 هدف آیه ۹ تا ۲۷ سوره احزاب  
 شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه  
 هدف آیه ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب  
 شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب  
 حکم ازدواج با مطلقه پسرخوانده  
 هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب  
 دعوت مومنین به ذکر و تسبیح  
 هدف آیه ۴۹ تا ۶۲ سوره احزاب  
 بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله «ص»  
 هدف آیه ۶۳ تا ۷۳ سوره احزاب  
 بیان برخی وقایع قیامت

۲۶۱

هدف و فلسفه نزول سوره سبا  
 بیان اصول سه گانه اعتقادات - توحید، نبوت و معاد  
 هدف آیه ۱۰ تا ۲۱ سوره سبا  
 بیان داستان داود و سلیمان علیهما السلام و تاریخ شهر سبا  
 هدف آیه ۲۲ تا ۳۰ سوره سبا  
 بیان مساله توحید  
 هدف آیه ۳۱ تا ۵۴ سوره سبا  
 بیان مساله نبوت و فروع آن

۲۶۲

هدف و فلسفه نزول سوره فاطر  
 بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه  
 هدف آیه ۲ تا ۸ سوره فاطر  
 بیان رزق رسانی خدا  
 هدف آیه ۹ تا ۱۴ سوره فاطر  
 احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی  
 هدف آیه ۱۵ تا ۲۶ سوره فاطر  
 بیان انحصار ربوبیت و الوهیت در خدای تعالی  
 هدف آیه ۲۷ تا ۳۸ سوره فاطر  
 بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه ها  
 هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره فاطر  
 توحید خدا در ربوبیت

۲۶۵

هدف و فلسفه نزول سوره یس

بیان اصول سه گانه دین اسلام

هدف آیه ۱۳ تا ۳۲ سوره یس

انذار و تبشیر

هدف آیه ۳۳ تا ۴۷ سوره یس

توییح اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی

هدف آیه ۴۸ تا ۶۵ سوره یس

بیان تفصیل آیات مربوط به قیامت و حساب و جزا

هدف آیه ۶۶ تا ۸۳ سوره یس

تهدید کفار به عذاب و تأیید رسالت رسول الله «ص»

۲۶۷

هدف و فلسفه نزول سوره صافات

احتجاج بر مساله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان

هدف آیه ۱۲ تا ۷۰ سوره صافات

بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ

هدف آیه ۷۱ تا ۱۱۳ سوره صافات

بیان داستان برخی از انبیا و عاقبت شوم کفر به آیات خدا

هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۳۲ سوره صافات

بیان نعمتهای الهی بمروسی و هارون و الیاس پیامبر

هدف آیه ۱۳۳ تا ۱۴۸ سوره صافات

بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی

هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۸۲ سوره صافات

رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس

۲۶۹

هدف و فلسفه نزول سوره ص

دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه

هدف آیه ۱۷ تا ۲۹ سوره ص

رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبر الهی

هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره ص

بیان دومین داستان از بندگان اواب - سلیمان نبی

هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره ص

بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او

هدف آیه ۴۹ تا ۶۴ سوره ص

ذکر سرانجام کار متقیان و طاغیان

هدف آیه ۶۵ تا ۸۸ سوره ص

دستور ابلاغ انذارها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان

۲۷۱

هدف و فلسفه نزول سوره زمر

دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت

- ۲۷۲ هدف آیه ۱۱ تا ۲۰ سوره زمر  
دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا  
هدف آیه ۲۱ تا ۳۷ سوره زمر  
احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن  
هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره زمر  
احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین  
هدف آیه ۵۳ تا ۶۱ سوره زمر  
بشارت رافت و رحمت الهی و تحذیر از زیاده روی و طغیان نفس  
هدف آیه ۶۲ تا ۷۵ سوره زمر  
بیان تدبیر معاد انساها و نظام بازگشت به خدا
- ۲۷۳ هدف و فلسفه نزول سوره مومن (غافر)  
پاسخ به جدال های باطل مشرکان  
هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره مومن (غافر)  
بیان استغفار ملائکه بر توابین و کیفر کفر به توحید الهی  
هدف آیه ۱۳ تا ۲۰ سوره مومن (غافر)  
احتجاج بر مسئله توحید و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا  
هدف آیه ۲۱ تا ۵۴ سوره مومن (غافر)  
موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ  
هدف آیه ۵۵ تا ۶۰ سوره مومن (غافر)  
وعده نصرت و دعوت رسول الله «ص» به صبر در مقابل دسایس کفار  
هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره مومن (غافر)  
بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت  
هدف آیه ۶۹ تا ۷۸ سوره مومن (غافر)  
بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا  
هدف آیه ۷۹ تا ۸۵ سوره مومن (غافر)  
بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها
- ۲۷۶ هدف و فلسفه نزول سوره فصلت  
پاسخ اعراض مشرکین از قرآن  
هدف آیه ۱۳ تا ۲۵ سوره فصلت  
عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده  
هدف آیه ۲۶ تا ۳۹ سوره فصلت  
افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن  
هدف آیه ۴۰ تا ۵۴ سوره فصلت  
بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز
- ۲۷۸ هدف و فلسفه نزول سوره شوری  
شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود

۲۷۸

هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره شوری

بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت

هدف آیه ۱۳ تا ۱۶ سوره شوری

بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر

هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره شوری

بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی

هدف آیه ۲۷ تا ۵۰ سوره شوری

تعریف دین به عنوان رزق از جانب خدا

هدف آیه ۵۱ تا ۵۳ سوره شوری

تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان

۲۸۱

هدف و فلسفه نزول سوره زخرف

انذار معتقدین به فرزندخدائی و کیفر استهزا کنندگان رسولان

هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره زخرف

رد عقاید و اقوال ملائکه پرستی کفار

هدف آیه ۲۶ تا ۴۵ سوره زخرف

بیان کیفر کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان و آیات و کتاب الهی

هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره زخرف

عبرت گرفتن کفار از سرنوشت فرعون و قوم او

هدف آیه ۵۷ تا ۶۵ سوره زخرف

بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع»

هدف آیه ۶۶ تا ۷۸ سوره زخرف

انذار از قیامت

هدف آیه ۷۹ تا ۸۹ سوره زخرف

بیان خنثی شدن توطئه علیه رسول الله «ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز

۲۸۳

هدف و فلسفه نزول سوره دخان

بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر

هدف آیه ۹ تا ۳۳ سوره دخان

انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه فرعونیان

هدف آیه ۳۴ تا ۵۹ سوره دخان

عذاب اخروی منکرین معاد

۲۸۵

هدف و فلسفه نزول سوره جائیه

دعوت عموم بشر به دین توحید

هدف آیه ۱۴ تا ۱۹ سوره جائیه

بیان تشریح شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن

هدف آیه ۲۰ تا ۳۷ سوره جائیه

بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم



- ۲۸۷ هدف و فلسفه نزول سوره احقاف  
انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد  
هدف آیه ۱۵ تا ۲۰ سوره احقاف  
بیان تقسیم مردم به دو دسته: تائیین و خاسرین و بیان عملکرد آنان  
هدف آیه ۲۱ تا ۲۸ سوره احقاف  
بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن  
هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره احقاف  
مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران
- ۲۸۹ هدف و فلسفه نزول سوره محمد «ص»  
مقایسه بین صفات و آثار صفات مومنین و کافرین و بیان احکام جهاد  
هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره محمد  
وعده نصرت در جهاد  
هدف آیه ۱۶ تا ۳۲ سوره محمد  
بیان وصف منافقان و بیماردلان  
هدف آیه ۳۳ تا ۳۸ سوره محمد  
هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود
- ۲۹۰ هدف و فلسفه نزول سوره فتح  
وعده فتح مبین و بیان وقایع منجر به صلح حدیبیه  
هدف آیه ۸ تا ۱۰ سوره فتح  
تعظیم و تکریم رسول الله «ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر  
هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره فتح  
بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه  
هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره فتح  
بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان در حدیبیه و وعده پیروزی آتی  
هدف آیه ۲۹ سوره فتح  
توصیف رسول الله و مومنین به «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!»
- ۲۹۱ هدف و فلسفه نزول سوره حجرات  
بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع  
هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره حجرات  
بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام
- ۲۹۳ هدف و فلسفه نزول سوره ق  
بررسی مسئله معاد  
هدف آیه ۱۵ تا ۳۸ سوره ق  
بیان قدرت الهی برای خلق دوم و احاطه او بر تمام افکار و نیات انسان  
هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره ق

توصیه رسول الله «ص» به صبر در مقابل گفتار کفار و تذکر مومنان به قرآن

- ۲۹۶ هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات  
دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان  
هدف آیه ۲۰ تا ۵۱ سوره ذاریات  
بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور  
هدف آیه ۵۲ تا ۶۰ سوره ذاریات  
تهدید منکرین معاد به روز موعود
- ۲۹۸ هدف و فلسفه نزول سوره طور  
تهدید و انذار انکارکنندگان آیات الهی و بیان کیفر و پاداش روز قیامت  
هدف آیه ۱۱ تا ۲۸ سوره طور  
بیان نشانه عذاب شونندگان روز قیامت  
هدف آیه ۲۹ تا ۴۴ سوره طور  
بیان صلاحیت دعوت رسول الله «ص» و دستور ادامه دعوتش  
هدف آیه ۴۵ تا ۴۹ سوره طور  
دستور صبر در حکم پروردگار و بی اعتنائی به مکذبین
- ۳۰۰ هدف و فلسفه نزول سوره نجم  
یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج  
هدف آیه ۱۹ تا ۳۲ سوره نجم  
نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس معتقدات بت پرستان  
هدف آیه ۳۳ تا ۶۲ سوره نجم  
بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا
- ۳۰۱ هدف و فلسفه نزول سوره قمر  
بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها  
هدف آیه ۹ تا ۴۲ سوره قمر  
اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده  
هدف آیه ۴۳ تا ۵۵ سوره قمر  
عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت
- ۳۰۳ هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن  
بیان نعمت ها و آثار رحمانیت خدا  
هدف آیه ۳۱ تا ۷۸ سوره الرحمن  
بیان نعمت های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا
- ۳۰۴ هدف و فلسفه نزول سوره واقعه  
بیان وقوع واقعه و مقدمات آن - تقسیم بندی انسانها در قیامت  
هدف آیه ۱۱ تا ۵۶ سوره واقعه

- شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال  
هدف آیه ۵۷ تا ۹۶ سوره واقعه  
بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا
- ۳۰۶ هدف و فلسفه نزول سوره حدید  
تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران  
هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره حدید  
دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع  
هدف آیه ۱۶ تا ۲۴ سوره حدید  
درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ  
هدف آیه ۲۵ تا ۲۹ سوره حدید  
عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن
- ۳۰۸ هدف و فلسفه نزول سوره مجادله  
بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام  
هدف آیه ۷ تا ۱۳ سوره مجادله  
بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی در مجالس  
هدف آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله  
تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا
- ۳۰۹ هدف و فلسفه نزول سوره حشر  
بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر، و بیان اصول مراقبت از نفس  
هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره حشر  
بیان وعده دروغین منافقین به یهود  
هدف آیه ۱۸ تا ۲۴ سوره حشر  
بیان راه های مراقبت از نفس
- ۳۱۲ هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه  
منع شدید دوستی مومنین با کفار، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر  
هدف آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره ممتحنه  
بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده
- ۳۱۳ هدف و فلسفه نزول سوره صف  
تشویق به جهاد در راه خدا و وعده گسترش دین الهی  
هدف آیه ۱۰ تا ۱۴ سوره صف  
دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او
- ۳۱۴ هدف و فلسفه نزول سوره جمعه  
امر به اهتمام به نماز جمعه  
هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره جمعه

بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه

۳۱۵

هدف و فلسفه نزول سوره منافقین  
شناساندن منافقین و برحذر داشتن مومنین از نفاق  
هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره منافقین  
بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان

۳۱۵

هدف و فلسفه نزول سوره تغابن  
تشویق به تامین منابع مالی جنگ و برطرف ساختن مصایب آن  
هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره تغابن  
تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ

۳۱۶

هدف و فلسفه نزول سوره طلاق  
بیان احکام طلاق  
هدف آیه ۸ تا ۱۲ سوره طلاق  
موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان

۳۱۷

هدف و فلسفه نزول سوره تحریم  
دستور اجتناب از حرام کردن حلال خدا  
هدف آیه ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم  
بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومن تاریخ

۳۱۹

هدف و فلسفه نزول سوره ملک  
دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد  
هدف آیه ۱۵ تا ۲۲ سوره ملک  
بیان نشانه های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او  
هدف آیه ۲۳ تا ۳۰ سوره ملک  
بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین

۳۲۰

هدف و فلسفه نزول سوره قلم  
تعریف از خلق عظیم رسول الله و نهی شدید از مداهنه با مشرکین  
هدف آیه ۳۴ تا ۵۲ سوره قلم  
بیان نعیم بهشتی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران

۳۲۱

هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه  
بیان اوصاف قیامت و کیفر تیره بختان و پاداش سعادت‌مندان  
هدف آیه ۱۳ تا ۳۷ سوره الحاقه  
معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش  
هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره الحاقه  
بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خیرهای قیامت در آن

- ۳۲۲ هدف و فلسفه نزول سوره معارج  
بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار  
هدف آیه ۱۹ تا ۳۵ سوره معارج  
استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی  
هدف آیه ۳۶ تا ۴۴ سوره معارج  
دستور پایان دادن به بگومگویی رسول الله با کافران
- ۳۲۳ هدف و فلسفه نزول سوره نوح  
شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح  
هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره نوح  
شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها
- ۳۲۴ هدف و فلسفه نزول سوره جن  
شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص»  
هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره جن  
نتیجه گیری از سوره جن
- ۳۲۴ هدف و فلسفه نزول سوره مزمل  
آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب  
هدف آیه ۲۰ سوره مزمل  
تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن
- ۳۲۵ هدف و فلسفه نزول سوره مدثر  
بیان اولین دستور انذار به رسول الله «ص» و معرفی قرآن کریم  
هدف آیه ۸ تا ۳۱ سوره مدثر  
تهدید طعنه زندگان به قرآن کریم  
هدف آیه ۳۲ تا ۴۸ سوره مدثر  
تذیه قرآن کریم از تهمت ها  
هدف آیه ۴۹ تا ۶۵ سوره مدثر  
دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق
- ۳۲۷ هدف و فلسفه نزول سوره قیامت  
بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری  
هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره قیامت  
بیان وضع مردم در قیامت
- ۳۲۸ هدف و فلسفه نزول سوره دهر  
بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهای کفار در آخرت  
هدف آیه ۲۳ تا ۳۱ سوره دهر  
دستور عدم اطاعت رسول الله «ص» از کفار و مشرکین و منافقین

- ۳۲۹ هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات  
بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن  
هدف آیه ۱۶ تا ۵۰ سوره مرسلات  
بیان حجت‌های برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل
- ۳۲۹ هدف و فلسفه نزول سوره نباء  
بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل  
هدف آیه ۱۷ تا ۴۰ سوره نباء  
بیان احوالاتی از یوم الفصل
- ۳۳۰ هدف و فلسفه نزول سوره نازعات  
بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت  
هدف آیه ۴۲ تا ۴۶ سوره نازعات  
انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی
- ۳۳۱ هدف و فلسفه نزول سوره عبس  
تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی‌اعتنائی به طاغوتها  
هدف آیه ۱۷ تا ۴۲ سوره عبس  
سرزنش اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی
- ۳۳۲ هدف و فلسفه نزول سوره تکویر  
بیان مقدمات و نشانه های قیامت  
هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره تکویر  
تذیه رسول الله «ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن
- ۳۳۲ هدف و فلسفه نزول سوره انفطار  
بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کیفر و پاداش اعمال
- ۳۳۳ هدف و فلسفه نزول سوره مطففین  
تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت  
هدف آیه ۲۲ تا ۳۶ سوره مطففین  
بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی
- ۳۳۳ هدف و فلسفه نزول سوره انشقاق  
بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش
- ۳۳۴ هدف و فلسفه نزول سوره بروج  
تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا
- ۳۳۴ هدف و فلسفه نزول سوره طارق  
انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت روز قیامت

- ۳۳۴ هدف و فلسفه نزول سوره اعلی  
امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی
- ۳۳۵ هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه  
تعیین جایگاه استقرار سعادت‌مندان و تیره بختان در قیامت
- ۳۳۵ هدف و فلسفه نزول سوره فجر  
بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا
- ۳۳۶ هدف و فلسفه نزول سوره بلد  
بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج
- ۳۳۷ هدف و فلسفه نزول سوره شمس  
بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی
- ۳۳۷ هدف و فلسفه نزول سوره لیل  
تهدید و انداز از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها
- ۳۳۷ هدف و فلسفه نزول سوره ضحی  
شاد کردن دل رسول الله «ص»
- ۳۳۸ هدف و فلسفه نزول سوره انشراح  
یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او
- ۳۳۸ هدف و فلسفه نزول سوره تین  
شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط
- ۳۳۸ هدف و فلسفه نزول سوره علق  
دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی
- ۳۳۹ هدف و فلسفه نزول سوره قدر  
بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر
- ۳۳۹ هدف و فلسفه نزول سوره بینه  
تسجیل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر
- ۳۳۹ هدف و فلسفه نزول سوره زلزال  
اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن
- ۳۴۰ هدف و فلسفه نزول سوره عادیات  
بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگاش
- ۳۴۰ هدف و فلسفه نزول سوره قارعه  
تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن

- ۳۴۰ هدف و فلسفه نزول سوره تکوین  
توبیح شدید مردم از سبقت در جمع مال و غفلت از خدای
- ۳۴۱ هدف و فلسفه نزول سوره عصر  
بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه
- ۳۴۱ هدف و فلسفه نزول سوره همزه  
تهدید شدید جمع آورندگان مال به قصد کبرفروشی و عیبجوئی از مردم
- ۳۴۱ هدف و فلسفه نزول سوره فیل  
بیان معجزه الهی در صیانت از مکه
- ۳۴۲ هدف و فلسفه نزول سوره قریش  
بیان تامین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت
- ۳۴۲ هدف و فلسفه نزول سوره ماعون  
تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان
- ۳۴۲ هدف و فلسفه نزول سوره کوثر  
دلنداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر
- ۳۴۳ هدف و فلسفه نزول سوره کافرون  
دستور اعلام برائت رسول الله از دین کفار
- ۳۴۴ هدف و فلسفه نزول سوره نصر  
وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار
- ۳۴۴ هدف و فلسفه نزول سوره تبت  
تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش
- ۳۴۴ هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص  
بیان توحید خاص قرآنی  
و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام
- ۳۴۵ هدف و فلسفه نزول سوره فلق  
امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شرور
- ۳۴۵ هدف و فلسفه نزول سوره ناس  
امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس



## مقدمه مؤلف

أَنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ  
فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ  
لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

« این قرآنی است کریم! »

« در کتابی مکنون! »

« که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد! »

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

**این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است**

**که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع، طبقه‌بندی شده است.**

در یک « طبقه بندی کلی» از موضوعات قرآن کریم در تفسیر المیزان قریب ۷۷ عنوان انتخاب شد که هر یک یا چند موضوع، عنوانی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها، آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد.

تعدادی از این مجلدات هم گفتارهای مربوط به همین موضوعات و همچنین تحقیقاتی است که علامه طباطبائی رضوان الله علیه درباره اهداف آیات و سوره های قرآن کریم به عمل آورده است. آخرین مجلد منتخبی خلاصه از ۲۱ جلد قبلی است.

در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار سرفصل بالغ گردید. کار انتخاب مطالب، تلخیص، عنوان بندی و نگارش، قریب ۳۰ سال دوام داشته و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدرسال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است. در نظر گرفته شد این مجلدات بر اساس سلیقه خوانندگان در شکل ها و

قطع های مختلف آماده شود. در قطع وزیری تعداد این مجلدات به ۲۲ رسید. در قطع جیبی هر عنوان موضوع یک کتاب در نظر گرفته شد و در نتیجه به ۷۷ جلد رسید.

از این مجلدات تاکنون ۳ جلد به قطع وزیری با عنوان « معارف قرآن در

المیزان» شامل عناوین: **معارف قرآن در شناخت خدا، نظام آفرینش، ملائکه و جن و شیطان** (از انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی)، و ۵ جلد به قطع جیبی با عنوان « تفسیر علامه- تفسیر موضوعی المیزان » شامل عناوین: **قضا و قدر در نظام آفرینش، خانواده، جنگ و صلح، جن و شیطان، غذا و تغذیه انسان** (از انتشارات موسسه قرآنی تفسیر جوان - مفتاح دانش و بیان جوان - آستان قدس رضوی)، چاپ و منتشر گردیده است.

### مجلدات حاضر بدون امتیاز تالیف است!

**هر ناشری می تواند در اشاعه معارف آسمانی قرآن نسبت به چاپ و نشر آنها ( با عناوین مناسب و مربوط) اقدام نماید و هر موسسه یا فردی آنها را در سایت اینترنتی خود قرار دهد!**

## هدف تالیف این کتاب

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصا محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند!

## ضرورت تالیف این کتاب

سال های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید جواب می دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود.

این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه بندی و

خلاصه شود و در قالب يك دائرةالمعارف در دسترس همه دین دوستان قرارگیرد. این

### همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است. (ذکر این نکته لازم است که ترجمه تفسیر المیزان در اوایل انتشار از دهه ۵۰ به بعد به صورت مجموعه ۴۰ جلدی و از دهه ۶۰ به بعد به صورت مجموعه ۲۰ جلدی منتشر شده و یا در لوح‌های فشرده یا در اینترنت قرار گرفته است، به تبع آن نیز در تهیه مجلدات اولیه این کتابها (تا پایان تاریخ ادیان) از ترجمه ۴۰ جلدی اولیه و در تهیه مجلدات بعدی از ترجمه ۲۰ جلدی آن و یا از لوح‌های فشرده استفاده شده است، لذا بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، علاوه بر شماره مجلدات، ترتیب عددی آیات نیز، لحاظ شود).

... و ما همه بندگان هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست!

و صلوات خدا بر محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این وظیفه الهی بودند و بر علامه فقید آیه‌الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند ...!

فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَقَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِّنِي  
بِالصَّالِحِينَ!

ليلة القدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی (حبیبی) امین

## اظهار نظرها درباره چاپ های نخست

پس از چاپ اول ۳ جلد از « معارف قرآن در المیزان » در سالهای ۷۰، استقبال محققین و دانشمندان به جایی رسید که ما را بر آن داشت تا قبل از آغاز مطالعه این کتاب، سری بزنیم به سایت های اینترنتی و جراید کشور، نقد و اظهار نظر هائی را که درباره چاپ قبلی این مجموعه با ارزش از طرف پژوهشگران محترم اظهار شده است، درج کنیم:

۱- « **درسایت روزنامه جمهوری اسلامی** ... [www.magiran.com/npview](http://www.magiran.com/npview) » در صفحه عقیدتی در تاریخ ۱۳۸۵/۰۷/۰۳ درباره مجموعه «معارف قرآن در المیزان» چنین آمده است:

« معارف قرآن در المیزان نام کتابی است که به کوشش سید مهدی امین تنظیم گردیده و توسط سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است. این کتاب با دقت تمام معارف مختلف قرآن کریم را که در تفسیر المیزان شرح و تبیین یافته است انتخاب و تلخیص کرده و با یک طبقه بندی ارزشمند موضوعی شیفتگان فرهنگ و معارف قرآنی را برای دست یابی سریع به آن یاری و مساعدت نموده است .

تنظیم کننده این معارف غنی در مقدمه ای که بر جلد اول و دوم این کتاب نگاشته است درباره این اثر که در حکم کتاب « مرجع» برای آشنایی با فرهنگ و معارف قرآنی است، چنین می نویسد: ( ... نویسنده محترم روزنامه جمهوری، کلیاتی از مقدمه مولف را از جلد اول و دوم کتاب نقل کرده است.)

۲- « **در سایت گودریدز** [www.goodreads.com/book/show/8553126](http://www.goodreads.com/book/show/8553126) » که در آن از همه جای دنیا افراد علاقمند به کتاب می توانند بهترین کتابهایی را که خوانده اند معرفی کنند، آقای محمد رضا ملائی از شهر مقدس مشهد مشخصاتی از جلد اول « معارف قرآن در المیزان» را همراه با کتابهای مورد علاقه اش معرفی کرده و چنین اظهار نموده است:

« ... تو تهران تو کتابخونه پیدا کردم، صد صفحه اش رو خوندم، ولی مشهد هیچ جا پیداش نکردم، آیات سنگین قرآن رو برداشته بود تفسیر علامه رو آورده بود. حیف شد واقعا، این کتاب رو هر کی داره، دو برابر قیمت ازش می خرم، بهم اطلاع بدین ...! »

۳- « **روانشاد حجت الاسلام دکتر کبیری** استاد دانشگاه » در یکی از سخنرانی های خود در مسجد شفا درباره « جلد دوم معارف قرآن در المیزان» اظهار داشت:

« ... این کتاب را اول شب باز کردم عناوین چنان جذیب می کردند که دیدم همان شب تا آخر کتاب را خوانده ام! »

#### ۴- «سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی

در موارد عدیده از کتاب «معارف قرآن در المیزان» مطالب زیادی نقل کرده، از جمله در سال ۱۳۸۲ شرح کامل «اسماء و صفات الهی» را نقل کرده که مورد استقبال و اقتباس سایت های دیگر هم قرار گرفته است و تعداد بازدید کنندگان آن، در تاریخ مراجعه، به ۲۹۱۸۵ نفر رسیده بود.

۵- «سایت دارالقرآن کریم [www.telavat.com](http://www.telavat.com)» نیز به معرفی «معارف قرآن در المیزان» پرداخته و می نویسد:

«این کتاب فرهنگ معارف قرآن است که از تفسیر شریف المیزان انتخاب و تلخیص و بر حسب موضوع طبقه بندی شده است. طرح این منبع در ۹ جلد به شرح زیر است:

۱- معارف قرآن در شناخت خداوند؛ ۲. معارف قرآن در شناخت جهان و نظام آفرینش؛ ۳. آفرینش انسان و موجودات قبل از او؛ ۴. فطرت انسان؛ ۵. تاریخ انسان و جریان مدنیت و ادیان الهی؛ ۶. اسلام، حرکت نهایی و وراثت زمین؛ ۷. تمدن و قوانین جامعه صالح و موعود اسلامی؛ ۸. اصول تربیت و خانواده اسلامی؛ ۹. مراحل بعدی حیات تا لقاء الله. ظاهراً تاکنون ۳ جلد اول آن انتشار یافته و بقیه مجلدات آن آماده نشده است.»

۶- «سایت شهر مجازی قرآن [www.guranct.com](http://www.guranct.com)» از جلد اول «معارف قرآن در المیزان» مطالبی بطور مفصل در چند صفحه درباره «اسماء و صفات الهی» با سر فصل های زیر نقل کرده است: اسماء و صفات الهی، تقسیم بندی صفات الهی، تعداد اسماء حسنی.

۷- «سایت [Islamquest](http://Islamquest)» در پاسخ پرسش های خوانندگان خود در موارد عدیده از «معارف قرآن در المیزان» استفاده کرده است.

۸- «سایت حوزه [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)» تحت عنوان «جوانه های جاوید» بررسی هایی درباره: «سبک های تفسیری علامه طباطبائی<sup>۲۹</sup> و شناخت نامه المیزان»، انجام داده، منابع تفسیر و کتابهای مربوط به المیزان را شمارش کرده است و در باره «معارف قرآن در المیزان» می نویسد:

«مجموعه معارف قرآن در المیزان که به منزله مرجع یا فرهنگ معارف قرآن است، توسط سید مهدی امین از تفسیرالمیزان انتخاب و تلخیص گردیده که بر حسب موضوع طبقه بندی شده است از این اثر تا کنون سه جلد با عنوان معارف قرآن در شناخت خدا، معارف قرآن در شناخت جهان و معارف قرآن در شناخت ملائکه، جنّ و شیطان تدوین و توسط سازمان تبلیغات اسلامی به چاپ رسیده است.» «سایت حوزه» همچنین به عنوان منابع پژوهش مقطع دبیرستان، موضوع: کنش و واکنش (عمل ها و عکس العمل ها) از «معارف قرآن در المیزان» نام برده است.

۹- «سایت اسلام پدیا - اصطلاحات قرآنی [islampedia.ir](http://islampedia.ir)» در شرح اصطلاحات «آسمان های هفت گانه در قرآن» و «الحی القیوم در آیات قرآن» همچنین «رطب و یابس و کتاب مبین در قرآن» مطالب مفصلی از «معارف قرآن در المیزان» را نقل کرده است.

علاوه بر سایت های فوق الذکر قریب به ۵۰ سایت دیگر نیز از مجلدات « معارف قرآن در المیزان » استفاده کرده و یا آنها را به عنوان منابع تحقیق و مطالعه به خوانندگان خود معرفی کرده اند که برای رعایت اختصار از شرح آنها صرف نظر می شود.

در حال حاضر هم -

مؤلف همه این ۲۲ جلد را در سایت خود تحت عنوان « معارف قرآن در المیزان » در دو نسخه PDF و WORD در اینترنت جهت مطالعه و دانلود و کپی برداری قرار داده که با جستجو در «گوگل» این سایت قابل مشاهده است.

در این زمینه قبلاً موسسه قرآنی تفسیر جوان نسخه های جیبی آن را که در ۷۷ جلد تحت عنوان « تفسیر علامه یا تفسیر موضوعی المیزان » تهیه شده در سایت « [www.Tafsirejavan.com](http://www.Tafsirejavan.com) » خود قرارداد تا همگان سریعاً به آن دسترسی داشته باشند.

اخیراً نیز موسسه قرآنی قائمیه « [www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com) » در شهر اصفهان از ۷۷ جلد مزبور در سایت خود با شیوه بسیار جامع و با فهرست دیجیتالی استفاده کرده که علاوه بر نسخه PDF از چند فرمت دیگر نیز امکاناتی برای سهولت دانلود و کپی برداری فراهم آورده است!

**برخی افراد یا هیئت های علمی** نیز در پژوهش های خود به « معارف قرآن در المیزان » مراجعه داشتند، بانوان دانشمندی که به تأیید خود متجاوز از ۲۵ سال در المیزان تحقیق می کردند، پس از دسترسی به این کتاب، تحقیقات خود را بر اساس عناوین آن، از متن اصلی المیزان دنبال می کنند.

**حضرت آیت الله حاج سید رضی شیرازی** « دامه افاضاته » در روزهای آغازین که مؤلف فهرست عناوین جلد اول این مجموعه را تهیه و به محضر معظم له ارائه نمود، پس از مطالعه کامل، توصیه فرمودند: « برخی عناوین بسیار جذاب بود و من چند بار دنبال این بودم که اصل مطالب را بخوانم، لذا بهتر است برای این عناوین به صورت مختصر هم شده، مطالب متن نوشته شود...! » معظم له نامی که برای کتاب پیشنهاد فرمودند همان نام پر معنای « معارف قرآن در المیزان » بود که ۳ جلد اول آن در سال های ۱۳۷۰ با همان نام انتشار یافت. از آنجائی که مؤلف در تمام مدت تألیف کتابها از انفاس قدسی و راهنمایی های ارزشمند آن معلم الهی بهره مند بوده است، به عنوان سپاس، تألیف این مجموعه را به محضر ایشان تقدیم می نماید!

سید مهدی حبیبی امین

رمضان مبارک ۱۳۹۲

# بخش اول

بررسی هدف

سوره حمد تا سوره رعد

### بسم الله الرحمن الرحيم

با یاد خدا و تسبیح و حمد نعمت های جمیل او!

## نکاتی درباره این کتاب:

محققین جوانی که علاقه دارند در قرآن کریم تحقیق و از مطالب آن بهره بگیرند، معمولا معنی آیات را از ترجمه آنها پیدا می کنند ولی عموما با مشکل درک مفاهیم آنها مواجه می شوند و لازم می بینند کسی برای آنها توضیح دهد که آیه مورد نظر برای چه منظور یا هدفی نازل شده و می خواهد چه بگوید؟

کتاب حاضر سریع ترین راه درک مفاهیم و هدف نزول آیات قرآنی را برای ما تدارک دیده است. بدین معنی که مفسر بزرگ و مورد اعتماد قرآن **علامه فقید، آیت الله طباطبائی بزرگوار** (که رحمت خدا بر او و آبا و ابنانش باد!) آنچه را که یک محقق جوان برای درک مفاهیم آیات شریف قرآن کریم بدان نیاز دارد در المیزان، در شروع تفسیر هر یک از مجموعه آیات یا در شروع سوره ها تحت عنوان « بیان آیات » آماده ساخته است و ما در این کتاب مطالب المیزان را خلاصه کرده و طبقه بندی نموده ایم.

این کتاب طوری طراحی شده که بر اساس ردیف سوره ها و آیات قرآن مانند یک کتاب مرجع عمل می کند. شما می توانید به آن مراجعه و آیه مورد نظر را به سهولت پیدا کنید.

مجموعه آیاتی که آیه مورد نظر در بین آنهاست مشخص شده است، نشان می دهد مفهوم واقعی آیه مورد نظر چه بوده است و هدف نزول آن مجموعه از آیات و همچنین سوره مورد نظر چیست؟ و وقتی هدف نزول آیه روشن شد، درک معنای واقعی و مفهوم آیه بهتر و بیشتر روشن می گردد.

جلد اول این کتاب بیان اهداف سوره ها و آیات قرآن کریم را از اول قرآن تا پایان سوره رعد و جلد دوم از سوره ابراهیم تا پایان قرآن را در بر دارد. (امین)



## هدف و فلسفه نزول سوره حمد

(المیزان ج: ۱ ص: ۳۲)

### تعلیم بندگان برای چگونه حمد کردن خدا

خدای تعالی در این سوره به بنده خود یاد می‌دهد که چگونه حمدش گوید و چگونه سزاوار است ادب عبودیت را در مقامی که می‌خواهد اظهار عبودیت کند، رعایت نماید. این ظاهر را جمله « الحمد لله! » نیز تایید می‌کند، برای اینکه حمد توصیف است و خدای سبحان خود را از توصیف واصفان از بندگانش منزّه دانسته و در کلام مجیدش هیچ جا این اطلاق را مقید نکرده و هیچ جا عبارتی نیاورده که حکایت کند حمد خدا را از غیر خدا، بجز عده‌ای از انبیاء مخلصش، که از آنان حکایت کرده که حمد خدا گفته‌اند.

و اما غیر این موارد هر جا سخن از حمد حامدان کرده، حمد ایشان را با تسبیح جفت کرده، بلکه تسبیح را اصل در حکایت قرار داده و حمد را با آن ذکر کرده است. تمامی موجودات با حمد خود او را تسبیح می‌گویند! برای اینکه غیر خدای تعالی هیچ موجودی به افعال جمیل او و به جمال و کمال افعالش احاطه ندارد، همچنانکه به جمیل صفاتش و اسماءش که جمال افعالش ناشی از جمال آن صفات و اسماء است، احاطه ندارد، بنا بر این، مخلوق خدا به هر وضعی که او را بستاید، به همان مقدار به او و صفاتش احاطه یافته است و او را محدود به حدود آن صفات دانسته و به آن تقدیر اندازه‌گیری کرده و حال آنکه خدای تعالی محدود بهیچ حدی نیست، نه خودش و نه صفات و اسمائش و نه جمال و کمال افعالش، پس اگر بخواهیم او را ستایش صحیح و بی‌اشکال کرده باشیم، باید قبلا او را منزّه از تحدید و تقدیر خود کنیم و اعلام بداریم که پروردگارا! تو منزّه از آنی که به تحدید و تقدیر فهم ما محدود شوی!

پس اینکه در آغاز سوره حمد فرمود: « الحمد لله! » تا به آخر، ادب عبودیت را می‌آموزد و تعلیم می‌دهد که بنده او لایق آن نبود که او را حمد گوید و فعلا که می‌گوید، به تعلیم و اجازه خود او است، او دستور داده که بنده‌اش بگوید:

« الحمد لله رب العالمین! »

این سوره اصلا برای عبادت درست شده و در قرآن هیچ سوره‌ای نظیر آن

دیده نمی شود!

منظورم از این حرف چند نکته است:

اول این که سوره مورد بحث از اول تا به آخرش کلام خدا است، اما در مقام نیابت از بنده‌اش، این که بنده‌اش وقتی روی دل متوجه بسوی او می‌سازد و خود را در مقام عبودیت قرار می‌دهد، چه می‌گوید.

دوم اینکه این سوره به دو قسمت تقسیم شده، نصفی از آن برای خدا و نصفی دیگر برای بنده خدا است.

نکته سوم این که این سوره مشتمل بر تمامی معارف قرآنی است و با همه کوتاهی‌ها به تمامی معارف قرآنی اشعار دارد، چون قرآن کریم با آن وسعت عجیبی که در معارف اصولیش و نیز در فروعات متفرعه بر آن اصول هست، از اخلاقیات گرفته تا احکام و احکامش از عبادات گرفته تا سیاسات و اجتماعیات و وعده‌ها و وعیدها و داستانها و عبرت‌هایش، همه و همه بیاناتش به چند اصل بر می‌گردد و از آن چند ریشه جوانه می‌زند: اول توحید، دوم نبوت، سوم معاد و فروعات آن، چهارم هدایت بندگان به سوی آنچه مایه صلاح دنیا و آخرتشان است. این سوره با همه اختصار و کوتاهی‌ها، مشتمل بر این چند اصل می‌باشد و با کوتاه‌ترین لفظ و روشن‌ترین بیان، به آنها اشاره نموده است.

هدف آیه ۱ سوره حمد المیزان ج: ۱ ص: ۲۷

### **اعلام آغاز عبودیت انسان با ذکر «بسم الله!» در اول سوره حمد**

ذکر بسم الله در سوره حمد راجع به غرضی است که در خصوص این سوره هست و آن معنائی که از خصوص این سوره به دست می‌آید و از ریخت این سوره برمی‌آید حمد خدا است! اما نه تنها به زبان، بلکه به اظهار عبودیت و نشان دادن عبادت و کمک خواهی و درخواست هدایت!

پس کلامی است که خدا به نیابت از طرف بندگان خود گفته، تا ادب در مقام اظهار عبودیت را به بندگان خود بیاموزد!

و اظهار عبودیت از بنده خدا همان عملی است که می‌کند و قبل از انجامش بسم الله می‌گوید و امر مهم همین کاری است که اقدام بر آن کرده، پس ابتدا به نام خدای سبحان هم راجع به او است و معنایش این است:

### خدایا! من به نام تو عبودیت را برای تو آغاز می‌کنم!

پس باید گفت: متعلق «باء» در بسم الله سوره حمد ابتداء است، در حقیقت می‌خواهیم اخلاص در مقام عبودیت و گفتگوی با خدا را به حد کمال برسانیم و بگوئیم پروردگارا حمد تو را با نام تو آغاز می‌کنم تا این عملم نشان تو را داشته باشد و خالص برای تو باشد!

ممکن هم هست همانطور که قبلاً گفتیم متعلق آن فعل «ابتداء» باشد و معنایش این باشد که خدایا من خواندن سوره و یا قرآن را با نام تو آغاز می‌کنم!

هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد میزان ج: ۱ ص: ۲۶

### **بیان وحدت هدف قرآن با ذکر «بسم الله...!»**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!»

کلام خدا با «بسم الله» آغاز شده است. از آنجائی که کلام، خود فعلی است از افعال، ناگزیر دارای وحدتی است. وحدت کلام به وحدت معنا و مدلول آن است، پس لا جرم کلام خدا از اول تا به آخرش معنای واحدی دارد. آن معنای واحد غرضی است که به خاطر آن غرض، کلام خود را به بندگان خود القاء کرده است! آن معنای واحدی که غرض از کلام خدای تعالی است، چیست؟

از آیه: «قد جاء کم من الله نور و کتاب مبین، یهدی به الله - از سوی خدا به سوی شما نوری و کتابی آشکار آمد، که به سوی خدا راه می‌نماید...!» و آیاتی دیگر، که خاصیت و نتیجه از کتاب و کلام خود را هدایت بندگان دانسته، فهمیده می‌شود که: آن غرض واحد هدایت خلق است!

پس در حقیقت هدایت خلق با نام خدا آغاز شده:

خدائی که مرجع همه بندگان است، خدائی که رحمان است و به همین جهت راه و مسیر رحمتش را برای عموم بندگانش چه مؤمن و چه کافر بیان می‌کند، آن راهی که خیر هستی و زندگی آنان در پیمودن آن راه است!

خدائی که رحیم است و به همین جهت سبیل رحمت خاصه‌اش را برای خصوص مؤمنین بیان می‌کند، آن سبیلی که سعادت آخرت آنان را تامین نموده و به دیدار پروردگارشان منتهی می‌شود!

و در جای دیگر از این دو قسم رحمتش، یعنی رحمت عامه و خاصه‌اش خبر داده و فرموده:

«و رحمتی وسعت کلشیء، فساکتبها للذین یتقون - رحمتم همه چیز را فرا

گرفته، بزودی همه آن را به کسانی که تقوی پیشه کنند اختصاص می‌دهم!»  
این ابتداء به نام خدا نسبت به تمامی قرآن بود، که گفتیم غرض از سراسر قرآن یک امر است و آن هدایت است، که در آغاز قرآن این یک عمل با نام خدا آغاز شده است!

### هدف دیگر آیه ۱ سوره حمد المیزان ج: ۱ ص: ۲۶

#### **تعقیب هدف واحد هر سوره با ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» در اول آن**

این نام شریف بر سر هر سوره تکرار شده است. نخست باید دانست که خدای سبحان کلمه «سوره» را در کلام مجیدش چند جا آورده است، از آنها می‌فهمیم که هر یک از این سوره‌ها طائفه‌ای از کلام خدا است، که برای خود و جداگانه، وحدتی دارند، نوعی از وحدت، که نه در میان ابعاض و افراد یک سوره هست و نه میان سوره‌ای و سوره‌ای دیگر.

از اینجا می‌فهمیم که اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می‌آید مختلف است. هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفاء می‌کند، غرضی را که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود، بنا بر این جمله «بسم الله...!» در هر یک از سوره‌ها راجع به آن غرض واحدی است که در خصوص آن سوره تعقیب شده است!

#### **هدف و فلسفه نزول سوره بقره**

(المیزان ج: ۱ ص: ۶۹)

#### **بیان اوصاف مخاطبین هدایت قرآن و اهمیت ایمان به تمامی کتب آسمانی**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْم! ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ! الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ! وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ! أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...!» (۱/۵/بقره)

از آنجائی که این سوره به تدریج و بطور متفرق نازل شده، نمی‌توان غرض واحدی که مورد نظر همه آیاتش باشد در آن یافت، تنها می‌توان گفت: که قسمت عمده آن از یک غرض واحد و چشم‌گیر خبر می‌دهد و آن عبارتست از بیان این

حقیقت که عبادت حقیقی خدای سبحان به این است که بنده او به تمامی کتابهائی که او به منظور هدایت وی و بوسیله انبیائش نازل کرده، ایمان داشته باشد و میان این وحی و آن وحی، این کتاب و آن کتاب، این رسول و آن رسول، فرقی نگذارد!

در این سوره علاوه بر بیان حقیقت نامبرده، کفار و منافقین تخطئه و اهل کتاب ملامت شده‌اند که چرا میان ادیان آسمانی و رسولان الهی فرق گذاشتند؟ و در هر فرازی به مناسبت عده‌ای از احکام از قبیل برگشتن قبله از بیت المقدس بسوی کعبه، احکام حج، ارث، روزه و غیر آن را بیان نموده، به فرازی دیگر پرداخته است.

و در این آیات نوزده‌گانه که حال مؤمنین و کفار و منافقین را بیان می‌کند، از اوصاف معرف تقوی، تنها پنج صفت را ذکر می‌کند و آن عبارتست از:

ایمان به غیب، اقامه نماز، انفاق از آنچه خدای سبحان روزی کرده، ایمان به آنچه بر انبیاء خود نازل فرموده و به تحصیل یقین به آخرت!

دارندگان این پنج صفت را باین خصوصیت توصیف کرده: که چنین کسانی بر طریق هدایت الهی و دارای آن هستند! این طرز بیان بخوبی می‌فهماند که نامبرندگان بخاطر اینکه از ناحیه خدای سبحان هدایت شده‌اند، دارای این پنج صفت کریمه گشته‌اند، ساده‌تر این که ایشان متقی و (دارای پنج صفت نامبرده نشده‌اند مگر به هدایتی از خدای تعالی!)

آنگاه کتاب خود را چنین معرفی می‌کند که: هدایت همین متقین است:

« لا ریب فیه هدی للمتقین! »

پس می‌فهمیم که هدایت کتاب، غیر آن هدایتی است که اوصاف نامبرده را در پی داشت و نیز می‌فهمیم که متقین، دارای دو هدایتند، یک هدایت اولی که بخاطر آن متقی شدند و یک هدایت دومی که خدای سبحان به پاس تقوایشان بایشان کرامت فرمود!

آن وقت مقابله بین متقین که گفتیم دارای دو هدایتند، با کفار و منافقین درست می‌شود، چون کفار هم دارای دو ضلالت، و منافقین دارای دو کوری هستند، یکی ضلالت و کوری اول، که باعث اوصاف خبیثه آنان از کفر و نفاق و غیره شد، دوم ضلالت و کوری‌ای که ضلالت و کوری اولشان را بیشتر کرد، اولی را بخود آنان نسبت داد و دومی را بخودش، که بعنوان مجازات دچار ضلالت و کوری بیشتری‌شان کرد!

پنج صفتی که خدای تعالی آنها را زمینه هدایت قرآنی خود قرار داده، صفاتی است که فطرت سالم در آدمی ایجاد می‌کند و در آیات مورد بحث به دارندگان چنین

فطرتی وعده می دهد که بزودی بوسیله قرآنش ایشان را هدایت می کند، البته هدایتی زائد بر هدایت فطرتشان، پس اعمال پنج‌گانه نامبرده، متوسط میان دو هدایتند، هدایتی سابق بر آن اعمال، و هدایتی لاحق به آنها و اعتقاد صادق و اعمال صالح میان دو هدایت واسطه‌اند، بطوریکه اگر بعد از هدایت فطرت، آن اعتقاد و آن اعمال نباشد، هدایت دومی دست نمی‌دهد!

### هدف آیه ۷۰۶ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۸۲

#### معرفی استثناء شدگان از هدایت قرآن

« إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ! خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ! »

منظور از کفار در آیه فوق احتمال می‌رود صنادید و سردمداران مشرکین قریش و بزرگان مکه باشند، آنهایی که در امر دین عناد و لجاجت بخرج داده و در دشمنی با دین خدا از هیچ کوشش و کارشکنی کوتاهی نکردند، تا آنجا که خدای تعالی در جنگ بدر و سایر غزوات تا آخرین نفرشان را هلاک کرد.

### هدف آیه ۲۰ تا ۲۸ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۸۶

#### تجسم وضع منافقین و گرفتاری آنها در ظلمت تاریکی و ظلمت حیرت

« وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ!... »

در این آیات وضع منافقین را بیان می‌کند. در آیه: «مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً...!» با آوردن مثلی، وضع منافقین را مجسم ساخته، می‌فرماید منافقین مثل کسی می‌مانند که در ظلمتی کور قرار گرفته، بطوریکه خیر را از شر، راه را از چاه و نافع را از مضر، تشخیص نمی‌دهد و برای بر طرف شدن آن ظلمت، دست به اسباب روشنی می‌زند، آتشی روشن کند، که با آن اطراف خود را به بیند، یا وسیله‌ای دیگر و چون آتش روشن می‌کند و پیرامونش روشن می‌شود خدا بوسیله‌ای از وسائل که دارد، باد، یا باران یا امثال آن، آتشش را خاموش کند و دو باره به همان ظلمت گرفتار شود، بلکه این بار میان دو ظلمت قرار گیرد، یکی ظلمت تاریکی، یکی ظلمت حیرت و بی اثر شدن اسباب!

**هدف آیه ۲۵ تا ۲۱ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۹۰****دعوت به صف متقین و اعراض از منافقین و بیمار دلان**

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...! »

در این آیه مردم را بسوی بندگی خود دعوت می کند، تا به متقین ملحق شوند و دنبال کفار و منافقین را نگیرند. این مطالب را در طول پنج آیه مورد بحث آورده است.

هر چند سیاق آیات از اول سوره بمنظور بیان حال منافقین و کفار و متقین بود و می خواست حال هر سه طائفه را بیان کند، لکن خدای سبحان، از آنجائی که در اول آیات خطاب را متوجه هر سه کرد و همه مردم را بسوی پرستش خود دعوت نمود، قهرا مردم در مقابل این دعوت به دو قسم تقسیم شدند، پذیرنده و نپذیرنده، چون بطور کلی دعوت از حیث اجابت و عدم اجابت به غیر از این دو طائفه تقسیم نمی پذیرد و مردم در برابر آن مؤمنند یا کافر، اما در منافق سخن از ظاهر و باطن میان می آید، وقتی شخصی منافق شناخته می شود که زبان و دلش یکسان نباشد و در نتیجه مردم در دعوت نامبرده یا زبان و قلبشان با هم آن را می پذیرند و بدان ایمان می آورند و یا هم با زبان و هم با قلب آنرا انکار می کنند و یا آنکه به زبان می پذیرند و با قلب انکار می کنند، شاید بهمین جهت بود که در آیه مورد بحث و آیه بعدش مردم را دو دسته کرد و منافقین را نام نبرد، و نیز بهمین جهت بجای عنوان متقین عنوان مؤمنین را ذکر کرد.

**هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۱۴۰****بیان مراحل گمراهی اولیه و گمراهی ثانوی انسانها**

« إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا قَوْقَبًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ...! »

آیه شهادت می دهد بر این که یک مرحله از ضلالت و کوری دنبال کارهای زشت انسان بعنوان مجازات در انسان گنه کار پیدا می شود و این غیر آن ضلالت و کوری اولی است که گنه کار را به گناه وا داشت، چون در آیه مورد بحث می فرماید:

« و ما یضل به الا الفاسقین - خدا با این مثل گمراه نمی کند مگر فاسقان را! »

اضلال را اثر و دنباله فسق معرفی کرده، نه جلوتر از فسق، معلوم می شود این مرحله از ضلالت غیر از آن مرحله ای است که قبل از فسق بوده و فاسق را به

فسق کشانیده است- دقت بفمائید!

این را نیز باید دانست که هدایت و اضلال دو کلمه جامعی هستند که تمامی انواع کرامت و خذلانی که از سوی خدا بسوی بندگان سعید و شقی می‌رسد شامل می‌شود!

**هدف آیه ۲۸ و ۲۹ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۱۷۰

### بیان حقیقت انسان و طی مسیرش از خلقت تا مرگ و برزخ و آخرت

« كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ...! »

در این آیه حقیقت انسان را و آنچه را که خدا در نهاد او بودیعه سپرده، بیان می‌کند، ذخائر کمال، وسعت دائره وجود او و آن منازلی که این موجود در مسیر وجود خود طی می‌کند، یعنی زندگی دنیا، سپس مرگ، بعد از آن زندگی برزخ، سپس مرگ، بعد زندگی آخرت و سپس بازگشت به خدا و این که این منزل آخرین منزل در سیر آدمی است، خاطر نشان می‌سازد.

در خلال این بیان پاره‌ای از خصائص و مواهب تکوین و تشریح را، که خداوند تعالی آدمی را بدان اختصاص داده، بر می‌شمارد.

**هدف آیه ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۱۷۶

### بیان هدف نزول انسان به زمین و خلافتش در آن

« وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ...! »

این آیات متعرض آن فرضی است که بخاطر آن انسان بسوی دنیا پائین آمد و نیز حقیقت خلافت در زمین و آثار و خواص آنرا بیان می‌کند، این مطلب بر خلاف سائر داستانهای که در قرآن آمده، تنها در یکجا آمده است و آن همین جا است.

**هدف آیه ۳۴ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۱۸۷

### بیان خلافت انسان، چگونگی نزولش به زمین و سرانجام کار او

« وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَأِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ...! »

این آیات منظور اصلیش بیان خلافت انسان و موقعیت او و چگونگی نازل شدنش به دنیا و مآل کار او از سعادت و شقاوت است.



### هدف آیه ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۱۹۳

#### بیان هدف خلقت انسان برای سکونت در زمین و نقش درخت ممنوعه

« وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ...! »

سیاق آیه بخوبی می‌رساند که منظور اصلی از خلقت آدم این بوده که در زمین سکونت کند، چیزی که هست راه زمینی شدن آدم همین بوده که نخست در بهشت منزل گیرد و برتریش بر ملائکه و لیاقتش برای خلافت اثبات شود و سپس ملائکه مامور بسجده برای او شوند و آنگاه در بهشت منزلش دهند و از نزدیکی به آن درخت نهی می‌کنند و او به تحریک شیطان از آن بخورد و در نتیجه عورتش و نیز از همسرش ظاهر گردد و در آخر به زمین هبوط کنند.

از این ریخت و سیاق بخوبی بر می‌آید: که آخرین عامل و علتی که باعث زمینی شدن آن دو شد، همان مسئله ظاهر شدن عیب آن دو بود و عیب نامبرده هم به قرینه‌ای که فرموده: « بر آن شدند که از برگهای بهشت بر خود بپوشانند...! » همان عورت آن دو بوده و معلوم است که این دو عضو، مظهر همه تمایلات حیوانی است چون مستلزم غذا خوردن و نمو نیز هستند!

### هدف آیه ۴۰ تا ۴۴ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۲۲۶

#### بیان عتاب های خدا بر بنی اسرائیل

« يٰٓبَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَ إِيَّيَّ فَارْهَبُونِ...! »

خدای سبحان در این آیات عتاب ملت یهود را آغاز کرده و این عتاب در طی صد و چند آیه ادامه دارد و در آن نعمتهائی را که خدا بر یهود افاضه فرمود و کرامتهائی را که نسبت به آنان مبذول داشت و عکس العملی که یهود به صورت کفران و عصیان و عهدشکنی و تمرد و لجاجت از خود نشان داد، بر می‌شمارد و با اشاره به دوازده قصه از قصص آنان تذکرشان می‌دهد: قصه نجاتشان از شر آل فرعون و شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان، قصه میعاد در طور، قصه گوساله‌پرستی آنان بعد از رفتن موسی به میقات، قصه مامور شدنشان به کشتن یکدیگر، داستان تقاضایشان از موسی که خدا را به ما نشان بده تا علنی و آشکارا او را ببینیم و به کیفر همین پیشنهادشان دچار صاعقه شدند و دوباره زنده گشتند، تا آخر داستانهای که در

این آیات بدان اشاره شده و سر تا سر آن پر است از عنایات ربانی و الطاف الهی .  
و نیز به یادشان می‌آورد: آن میثاقها که از ایشان گرفت و ایشان آن‌ها را نقض کرده و پشت سر انداختند و باز گناہانی را که مرتکب شدند و جرائمی را که کسب کردند و آثاری که در دل‌هایشان پیدا شد، با اینکه کتابشان از آنها نهی کرده بود و عقولشان نیز بر خلاف آن حکم می‌کرد، بیادشان می‌اندازد و یادآوریشان می‌کند که بخاطر آن مخالفت‌ها چگونه دل‌هایشان دچار قساوت و نفوسشان در معرض شقاوت قرار گرفت و چگونه مساعیشان بی نتیجه شد!

**هدف آیه ۴۵ و ۴۶ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۲۲۸

### بیان فلسفه استعانت از صبر و نماز

« وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبَّهُمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ »

استعانت به معنای طلب کمک است و این در وقتی صورت می‌گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی‌تواند مهم و یا حادثه‌ای را که پیش آمده بر وفق مصلحت خود بر طرف سازد.

این که فرموده: از صبر و نماز برای مهمات و حوادث خود کمک بگیرید، برای این است که در حقیقت یآوری بجز خدای سبحان نیست، در مهمات یاور انسان مقاومت و خویشتن داری آدمی است، باینکه استقامت بخرج داده، ارتباط خود را با خدا وصل نموده، از صمیم دل متوجه او شود و بسوی او روی آورد.

این همان صبر و نماز است، این دو بهترین وسیله برای پیروزی است، چون صبر هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال بخدا و التجاء به او است، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند: که بجائی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره شدنی نیست!

**هدف آیه ۴۷ و ۴۸ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۲۳۲

### بیان مسئله شفاعت

« يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ! وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ »

پادشاهی و سلطنت دنیوی از هر نوعش که باشد و با جمیع شئون و قوای

مقننه و قوای حاکمه و قوای مجریه‌اش، مبتنی بر حوائج زندگی است و این حاجت زندگی است که ایجاب می‌کند چنین سلطنتی و چنین قوانینی بوجود آید، تا حوائج انسان را که عوامل زمانی و مکانی آن را ایجاب می‌کند بر آورد.

به همین جهت چه بسا می‌شود که متاعی را مبدل به متاعی دیگر و منافی را فدای منافی بیشتر و حکمی را مبدل به حکمی دیگر می‌کنند، بدون اینکه این دگرگونیها در تحت ضابطه و میزانی کلی در آید.

بر همین منوال مسئله مجازات متخلفین نیز جریان می‌یابد، با اینکه جرم و جنایت را مستلزم عقاب می‌دانند، چه بسا از اجراء حکم عقاب بخاطر غرضی مهم‌تر، که یا اصرار و التماس محکوم به قاضی و تحریک عواطف او است و یا رشوه است، صرفنظر کنند، یا مجرم پارتی و شفيعی نزد او بفرستد، تا بین او و خودش واسطه شود!

و عواملی دیگر نظیر عوامل نامبرده، که احکام و قوانین حکومتی را از کار می‌اندازد. این سنتی است جاری و عادتی است در بین اجتماعات بشری .

در قرآن کریم تمامی این آراء واهیه و پوچ و اقاویل کاذبه و بی اساس ابطال شده، خدای عز و جل در باره‌اش فرمود:

« و الامر یومئذ لله - امروز تنها مؤثر خداست! » و نیز فرموده:

« و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب - عذاب را می‌بینند و دستشان از همه اسباب بریده می‌شود! »

و همچنین آیاتی دیگر، که همه آنها این حقیقت را بیان می‌کند، که در موطن قیامت، اثری از اسباب دنیوی نیست و ارتباطهای طبیعی که در این عالم میان موجودات هست، در آنجا بکلی منقطع است.

این خود اصلی است که لوازمی بر آن مترتب می‌شود و آن لوازم بطور اجمال بطلان همان عقائد موهوم و خرافی است، آنگاه قرآن کریم هر یک از آن عقائد را بطور تفصیل بیان نموده و پنبه‌اش را زده است، از آن جمله مسئله شفاعت و پارتی بازی است، که در باره آن می‌فرماید:

« پرهیزید از روزی که احدی بجای دیگری جزاء داده نمی‌شود و از او شفاعتی پذیرفته نیست و از او عوضی گرفته نمی‌شود و هیچ کس از ناحیه کسی یاری نمی‌گردند! » و نیز فرموده:

« یوم لا بیع فیہ و لا خلۃ و لا شفاعۃ! »

« روزی که در آن نه خرید و فروشی است و نه رابطه دوستی! »

« یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئاً! »

« روزی که هیچ دوستی برای دوستی کاری صورت نمی‌دهد! »

هدف آیه ۴۹ تا ۶۱ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۲۸۴

### بیان تعدیات و گناهان بنی اسرائیل بعد از نجات از فرعون

« وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ  
يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ...! »

ظاهر آیات شریفه و ما قبل آن این است که این خطابها و انواع تعدیها و گناهایی که از بنی اسرائیل در این آیات شمرده، همه آنها به همه بنی اسرائیل نسبت داده شده، با اینکه می‌دانیم آن گناهان از بعضی از ایشان سر زده و این برای آن است که بنی اسرائیل جامعه‌ای بودند، که قومیت در آنها شدید بود، چون یک تن بودند، در نتیجه اگر عملی از بعضی سر می‌زد، همه بدان راضی می‌شدند و عمل بعضی را به همه نسبت می‌دادند و گر نه همه بنی اسرائیل گوساله نپرستیدند و همه آنان پیغمبران خدای را نکشتند و همچنین سایر گناهان را همگی مرتکب نشدند.

هدف آیه ۶۲ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۲۹۲

### معرفی ایمان واقعی و نفی ارزش نامگذاریها نزد خدا

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيَّانَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ! »

در این آیه مسئله ایمان تکرار شده و منظور از ایمان دومی بطوریکه از سیاق استفاده می‌شود، حقیقت ایمان است و این تکرار می‌فهماند: که مراد از: «الذین آمنوا»، در ابتدای آیه کسانی هستند که ایمان ظاهری دارند و به این نام و به این سمت شناخته شده‌اند، بنا بر این معنای آیه این می‌شود: این نامها و نامگذاریها که دارید، از قبیل: مؤمنین، یهودیان، مسیحیان و صابئیان، اینها نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، نه شما را مستحق پاداشی می‌کند و نه از عذاب او ایمن می‌سازد!

این مطلب در آیات قرآن کریم مکرر آمده، که سعادت و کرامت هر کسی دائر مدار و وابسته به عبودیت است، نه به نام‌گذاری، پس هیچ یک از این نامها سودی برای صاحبش ندارد و هیچ وصفی از اوصاف کمال، برای صاحبش باقی نمی‌ماند و او را سود نمی‌بخشد، مگر با لزوم عبودیت! آیات قرآن تصریح دارد بر این که کرامت و سعادت مربوط به حقیقت است، نه بظاهر!

**هدف آیه ۶۳ تا ۷۴ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۲۹۸****بیان دلیل کندن و نگاه داشتن کوه بالای سر بنی اسرائیل**

« وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ  
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...! »

از سیاق آیه، که اول پیمان گرفتن را و امر به قدردانی از دین را، ذکر نموده و در آخر آیه یاد آوری آنچه در کتابست خاطر نشان کرده و مسئله ریشه کن کردن کوه طور را در وسط این دو مسئله جای داده، بدون این که علت این کار را بیان کند، بر می آید: که مسئله کندن کوه، برای ترساندن مردم به عظمت قدرت خدا است، نه برای اینکه ایشان را مجبور بر عمل به کتابی که داده شده‌اند بسازد و گر نه اگر منظور اجبار بود دیگر وجهی برای میثاق گرفتن نبود.

**هدف آیه ۷۵ تا ۸۲ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۲۹۰****شرح برخورد یهود با رسول الله «ص» و دین اسلام**

« أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحَرِّفُونَهُ  
مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ...! »

سیاق این آیات، مخصوصا ذیل آنها، این معنا را دست می دهد: که یهودیان عصر بعثت، در نظر کفار و مخصوصا کفار مدینه، که همسایگان یهود بودند، از پشتیبانان پیامبر اسلام شمرده می شدند، چون یهودیان، علم دین و کتاب داشتند و لذا امید به ایمان آوردن آنان بیشتر از اقوام دیگر بود و همه، توقع این را داشتند که فوج فوج به دین اسلام در آیند و دین اسلام را تایید و تقویت نموده، نور آنرا منتشر و دعوتش را گسترده سازند.

و لکن بعد از آنکه رسول خدا «ص» به مدینه مهاجرت کرد، یهود از خود رفتاری را نشان داد، که آن امید را مبدل به یاس کرد و بهمین جهت خدای سبحان در این آیات می فرماید: آیا انتظار دارید که یهود به دین شما ایمان بیاورد، در حالی که یک عده از آنان بعد از شنیدن آیات خدا و فهمیدنش، آن را تحریف کردند و خلاصه کتمان حقایق و تحریف کلام خدا رسم دیرینه این طائفه است، پس اگر نکول آنان را از گفته‌های خودشان می بینند و می بینید که امروز سخنان دیروز خود را حاشا می کنند، خیلی تعجب نکنید.

**هدف آیه ۸۳ تا ۸۸ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۳۲۷****بیان فقرات میثاق الهی اخذ شده از بنی اسرائیل**

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ  
وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ  
إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ...!»

اولین آیه با نظم بدیعی که دارد، در آغاز با سیاق غیبت آغاز شده و در آخر با سیاق خطاب ختم می شود، از سوی دیگر، در آغاز میثاق را که به معنای پیمان گرفتن است و جز با کلام صورت نمی گیرد، یاد می آورد و آنگاه خود آن میثاق را که چه بوده؟ حکایت می کند. این حکایت را نخست با جمله خبری: «لا تعبدون الا الله...!» و در آخر با جمله انشائیة: «و قولوا للناس حسنا...!» حکایت می کند.

نکته دیگری که در آیه رعایت شده، این است که در طبقاتی که امر به احسان به آنان نموده، ترتیب را رعایت کرده، اول آن طبقه‌ای را ذکر کرده، که احسان به او از همه طبقات دیگر مهم‌تر است و بعد طبقه دیگری را ذکر کرده، که باز نسبت بسایر طبقات استحقاق بیشتری برای احسان دارد، اول پدر و مادران را ذکر کرده، که پیداست از هر طبقه دیگری به احسان مستحق‌ترند، چون پدر و مادر ریشه و اصلی است که آدمی به آن دو اتکاء دارد و جوانه وجودش روی آن دو تنه روئیده، پس آن دو از سایر خویشاوندان به آدمی نزدیک‌ترند.

بعد از پدر و مادر، سایر خویشاوندان را ذکر کرده و بعد از خویشاوندان، در میانه اقرباء، یتیم را مقدم داشته، چون ایتم بخاطر خوردسالی و نداشتن کسی که متکفل و سرپرست امورشان شود، استحقاق بیشتری برای احسان دارند- دقت بفرمائید!

**هدف آیه ۸۹ تا ۹۳ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۳۳۳****بیان علل کفر بنی اسرائیل به پیامبر اسلام بعد از بعثت**

«وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى  
الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ...!»

قبل از بعثت، کفار عرب متعرض یهود می شدند و ایشان را آزار می کردند و یهود در مقابل، آرزوی رسیدن بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم می کرده اند و می گفته اند: اگر پیغمبر ما که تورات از آمدنش خبر داده مبعوث شود و نیز بگفته تورات به مدینه مهاجرت کند، ما را از این ذلت و از شر شما اعراب نجات می دهد.

و از کلمه «کانوا» استفاده می شود این آرزو را قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره می کرده اند، به حدی که در میان همه کفار عرب نیز معروف شده بود، ولی چون بیامد آن کسی که وی را می شناختند، یعنی نشانیهای تورات که در دست داشتند با او منطبق دیدند، به آن جناب کفر ورزیدند.

«بئسما اشتروا،» این آیه علت کفر یهود را با وجود علمی که به حقانیت اسلام داشتند، بیان می کند، و آن را منحصرًا حسد و ستم پیشگی می داند. حسد بر آنان چیره گشت و استکبار و پلنگ دماغی جلوگیری از این که به وی ایمان بیاورند، لذا به وی کفر ورزیده، گفته های سابق خود را انکار کردند، همانطور که به تورات خود کفر ورزیدند و کفرشان به اسلام، کفری بالای کفر شد!

**هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۳۴۱**

### نفی اعتقادات دروغین یهود

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ...!»

آیات بالا به التزام دلالت می کرد بر اینکه یهودیان مدعی نجات در آخرتند و دیگران را اهل نجات و سعادت نمی دانند و نجات و سعادت خود را هم مشوب به هلاکت و شقاوت نمی دانند، چون به خیال خود جز ایامی چند معذب نمی شوند و آن ایام هم عبارتست از آن چند صبحی که گوساله پرستیدند.

لذا خدای تعالی با خطابی با ایشان مقابله کرد که دروغگوئی آنان را در دعویشان ظاهر سازد، خطابی که خود یهود بدون هیچ تردیدی آن را قبول دارد و آن این است که به رسول گرامیش دستور می دهد به ایشان بگوید: اگر خانه آخرت از آن شماست آرزوی مرگ کنید و به خانه خود وارد شوید!!

مراد از خانه آخرت سعادت در آخرت است برای اینکه وقتی کسی مالک خانه ای شد، به هر نحو که خوشش آید و دوست بدارد در آن تصرف می کند و به بهترین وجه دلخواه و سعادت مندانه ترین وجه وارد آن می شود!

**هدف آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۳۴۸**

### بیان مخالفت یهود با حق و کتمان بشارت رسول الله در تورات

«أَوْ كَلِمًا عَهْدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ...!»

این آیه به مخالفت یهود با حق و حقیقت اشاره می کند، که از در دشمنی با حق، بشارتهای تورات به آمدن پیامبر اسلام را کتمان کردند و به پیامبری که تورات

آنان را تصدیق می کرد ایمان نیاوردند!

**هدف آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۳۵۰

### بیان واقعیت سحر و ساحری در یهود

« وَ اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سَلِيمَانَ وَ مَا كَفَرَ سَلِيمَانَ وَ لَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَرُوتَ وَ مَرُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ! »

آیه شریفه - البته با رعایت سیاقی که دارد - می خواهد یکی دیگر از خصائص یهود را بیان کند و آن متداول شدن سحر در بین آنان است و اینکه یهود این عمل خود را مستند به یک و یا دو قصه می دانند، که میان خودشان معروف بوده و در آن دو قصه پای سلیمان پیغمبر و دو ملک بنام هاروت و ماروت در میان بوده است.

پس بنا بر این کلام عطف است بر صورتی که ایشان از قصه نامبرده در ذهن داشته اند و می خواهد آن صورت را تخطئه کند و بفرماید جریان آنطور نیست که شما از قصه در نظر دارید، آری یهود بطوریکه قرآن کریم از این طائفه خبر داده، مردمی هستند اهل تحریف و دست اندازی در معارف و حقایق، نه خودشان و نه احدی از مردم نمی توانند در داستانهای تاریخی به نقل یهود اعتماد کنند.

به هر حال از آیه شریفه بر می آید که سحر در میانه یهود امری متداول بوده و آنرا به سلیمان نبی نسبت می دادند، چون اینطور می پنداشتند، که سلیمان آن سلطنت و ملک عجیب را و آن تسخیر جن و انس و وحش و طیر را و آن کارهای عجیب و غریب و خوارقی که می کرد، بوسیله سحر کرد!

**هدف آیه ۱۰۴ و ۱۰۵ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۳۶۹

### افشای رفتار مودبانه یهود در قبال رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَعَيْنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ! »

در این آیه نهی شدیدی شده از گفتن کلمه «راعنا!» مسلمانان وقتی کلام رسول خدا را درست ملتفت نمی شدند، بخاطر اینکه ایشان گاهی بسرعت صحبت می کرد، از ایشان خواهش می کردند: کمی شمرده تر صحبت کنند، که ایشان متوجه



بشوند و این خواهش خود را با کلمه «راعنا!» که عبارتی کوتاه است اداء می‌کردند، چون معنای این کلمه (مراعات حال ما بکن!) است، ولی این کلمه در بین یهود یک رقم ناسزا بود.

یهودیان از این فرصت که مسلمانان هم می‌گفتند: (راعنا- راعنا) استفاده کرده، وقتی به رسول خدا (ص) می‌رسیدند، می‌گفتند: (راعنا!) بظاهر وانمود می‌کردند که منظورشان رعایت ادب است، ولی منظور واقعیشان ناسزا بود و لذا خدای تعالی برای بیان منظور واقعی آنان، این آیه را فرستاد و چون منظور واقعی یهود روشن شد، در آیه مورد بحث مسلمانان را نهی کرد از اینکه دیگر کلمه (راعنا) را بکار نبرند و بلکه بجای آن چیز دیگر بگویند، مثلاً بگویند: (انظرنا!) یعنی کمی ما را مهلت بده! منظور از کافرین در آیه فوق کسانی است که از این دستور سرپیچی کنند، و این یکی از مواردی است که در قرآن کریم کلمه کفر، در ترک وظیفه فرعی استعمال شده است.

در این آیه اولین موردی است که خدای تعالی مؤمنین را با لفظ: «ایها الذین آمنوا!» خطاب می‌کند که بعد از این مورد در هشتاد و چهار مورد دیگر تا آخر قرآن این خطاب را کرده است که منظور از جمله: «الذین آمنوا!» اشخاص خاصی است و آن اشخاص عبارتند از سابقون اولون، یعنی طبقه اول مسلمانان از مهاجر و انصار، که در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در روزگار عسرت اسلام به آنجناب ایمان آوردند!

**هدف آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۳۷۶**

### بیان موضوع نسخ در قرآن

« مَا نُنسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! »

این آیه مربوط به مسئله نسخ است و معلوم است که نسخ به آن معنایی که در اصطلاح فقها معروف است، یعنی به معنای (کشف از تمام شدن عمر حکمی از احکام)، اصطلاحی است که از این آیه گرفته شده و یکی از مصادیق نسخ در این آیه است و همین معنا نیز از اطلاق آیه استفاده می‌شود.

از نظر آیه نامبرده نسخ باعث نمی‌شود که خود آیت نسخ شده بکلی از عالم هستی نابود گردد، بلکه حکم در آن عمرش کوتاه است، چون به وضعی وابسته است که با نسخ، آن صفت از بین می‌رود و آن صفت صفت آیت و علامت بودن است، پس خود این صفت به ضمیمه تعلیل ذیلش که می‌فرماید: «مگر نمی‌دانی که خدا بر هر

چیز قادر است!» بما می‌فهماند که مراد از نسخ از بین بردن اثر آیت ، از جهت آیت بودنش می باشد ، یعنی از بین بردن علامت بودنش ، با حفظ اصلش ، پس با نسخ اثر آن آیت از بین می‌رود و اما خود آن باقی است، حال اثر آن یا تکلیف است و یا چیزی دیگر .

**هدف آیه ۱۰۸ تا ۱۱۵ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۳۸۷

### نهی از طرح سوالات نظیر سوالات یهود از موسی «ع»

« أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَّبِدَلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ...! »

سیاق آیه اول دلالت دارد بر اینکه بعضی از مسلمانان که به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورده بودند، از آنجناب سؤالهایی نظیر سؤالهای یهود از حضرت موسی کرده‌اند و لذا خدای سبحان در این آیه ایشان را سرزنش می‌کند ، البته در ضمنی که یهود را توبیخ می‌کند بر آن رفتاری که با موسی و سایر انبیاء بعد از او کردند، روایات هم بر همین معنا دلالت دارد .

**هدف آیه ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۳۹۳

### نفی اعتقادات اهل کتاب درباره پسر خواندگی برای خدا

« وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وُلْدًا سُبْحٰنَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قٰنِوٰنٌ اٰ بَدِيعِ السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ وَ اِذَا قُضِيَ اٰمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ! »

سیاق چنین می‌رساند: مراد از گویندگان این سخن، یهود و نصاری هستند که یهود می‌گفت: عزیز پسر خداست و نصاری می‌گفت: مسیح پسر خداست، چون در آیات قبل نیز روی سخن با یهود و نصاری بود.

منظور اهل کتاب در اولین بار که این سخن را گفتند، یعنی گفتند خدا فرزند برای خود گرفته، این بوده که از پیغمبر خود، احترامی کرده باشند، همانطور که در احترام و تشریف خود می‌گفتند: « نحن ابناء الله و احباؤه - ما فرزندان و دوستان خدائیم! » و لیکن چیزی نگذشت که این تعارف، صورت جدی بخود گرفت و آن را یک حقیقت پنداشتند و لذا خدای سبحان در دو آیه مورد بحث، آن را رد نموده ، بعنوان اعراض از گفتارشان فرمود: « بلکه آسمان و زمین و هر چه در آن دو است از خداست...! »

**هدف آیه ۱۱۸ تا ۱۱۹ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۳۹۸****بیان تشابه عقاید اهل کتاب با عقاید و طرز فکر کفار**

« وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ لَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ...! »

در این آیه مشرکین و کفار را ملحق به اهل کتاب می‌کند و می‌فرماید: « آنها که نمی‌دانند گفتند: چرا خدا با خود ما سخن نمی‌گوید؟ و یا معجزه‌ای بخود ما نمیدهد؟ آنها هم که قبل از ایشان بودند- یعنی یهود و نصاری- همین حرف را زدند چون در میان اهل کتاب یهودیان همین حرف را به پیغمبر خدا موسی «ع» زدند، پس اهل کتاب و کفار در طرز فکر و در عقائدشان مثل هم هستند، آنچه آنها می‌گویند، اینها هم می‌گویند و آنچه اینها می‌گویند آنها نیز می‌گویند: « تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ...! » طرز فکرهاشان یک جور است!

**هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۳۹۹****هشدار به رسول الله «ص» درباره نیت باطنی اهل کتاب**

« وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصْرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَكِنَّ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ... وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ...! »

بعد از آن خطابه‌ها و توبیخ‌ها که از یهود و نصاری کرد، روی سخن به رسول خود کرده که این یهودیان و مسیحیان که تاکنون در باره آنها سخن می‌گفتیم هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر وقتی که تو به دین آنان درآئی، دینی که خودشان به پیروی از هوی و هوسشان تراشیده و با آراء خود درست کرده‌اند .

لذا در رد این توقع بیجای آنان ، دستور می‌دهد به ایشان بگو: «ان هدی الله هو الهدی - هدایت خدا هدایت است، نه من درآوری‌های شما!» می‌خواهد بفرماید: پیروی دیگران کردن، بخاطر هدایت است و هدایتی بغیر هدایت خدا نیست و حقی بجز حق خدا نیست تا پیروی شود و غیر هدایت خدا - یعنی این کیش و آئین شما - هدایت نیست ، بلکه هواهای نفسانی خود شماست که لباس دین بر تنش کرده‌اید و نام دین بر آن نهاده‌اید .

حال ببین که در این یک آیه چه اصولی ریشه‌دار از برهانی عقلی نهفته شده و با همه اختصار و کوتاهی، چه وجوهی از بلاغت بکار رفته و در عین حال چقدر بیان آن سلیس و روان است !

**هدف آیه ۱۲۴ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۴۰۳**مقدمه چینی برای نزول آیات مربوط به تغییر قبله و حج**

« وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ! »

این آیه به فرازی دیگر شروع شده و آن ذکر پاره‌ای از داستانهای ابراهیم علیه‌السلام است که نسبت به آیات مربوط به قبله و تغییر آن از بیت المقدس بطرف کعبه بمنزله مقدمه و زمینه چینی است، همچنین نسبت به آیات راجع به حج و بیانی که در خلال آن در باره حقیقت دین حنیف اسلامی و مراتب آن به میان آمده، مرتبه اول بیان اصول معارف اسلامی و مرتبه دوم اخلاق و مرتبه سوم احکام فرعیه که همه اینها بطور اجمال در آن آیات آمده است.

آیات نامبرده این معنا را نیز در برگرفته که خدای تعالی ابراهیم علیه‌السلام را بچند خصیصه اختصاص داده، یکی به امامت و یکی به بنای کعبه و دیگر بعثتش برای دعوت به دین توحید!

**هدف آیه ۱۲۵ تا ۱۲۹ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۴۲۳**تشریح حج و مأمن و مرجع قراردادادن خانه خدا**

« وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ...! »

شروع آیات اشاره به تشریح حج و نیز مامن بودن خانه خدا و مثبت، یعنی مرجع بودن آن دارد.

**هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۴ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۴۵۱**شرح برگزیده شدن ابراهیم (ع) و اسلام آوردن او به رب العالمین**

« وَ مَن يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ...! »

مقام اصطفاء عینا همان مقام اسلام است، شاهد بر آن آیه: « اذ قال له ربه: اسلم! قال: اسلمت لرب العالمین! » است. اصطفاء ابراهیم در زمانی بود که پروردگارش به او گفت: اسلام آور! و او هم برای خدای رب العالمین اسلام آورد!

خدای تعالی کلام ابراهیم را اینطور حکایت می‌کند که گفت: « من اسلام آوردم برای رب العالمین! » با اینکه جا داشت بگوید: « پروردگارا من اسلام آوردم برای تو! »

آنچه پروردگار به او فرموده، سرّی بوده که پروردگارش با او در میان نهاده و در مقامی نهاده که مقام خلوت بوده است. در جمله: «و چون پروردگارش به او گفت!» هر چند از یک لطف خاصی حکایت می‌کند، که مقتضایش آزادی ابراهیم در گفتگو است و لیکن از آنجا که ابراهیم علیه‌السلام هر چه باشد بالأخره بنده است و طبع بنده ذلت و تواضع است، لذا ایجاب می‌کند که خود را در این مقام آزاد و رها نبیند، بلکه در عوض ادب حضور را مراعات کند، چون در غیر این صورت در حقیقت خود را مختص به مقام قرب و متشرف به حظیره انس حساب کرده، در حالی که ادب بندگی اقتضاء می‌کند او در همان حال هم خود را یکی از بندگان ذلیل و مربوب ببیند و در برابر کسی اظهار ذلت کند که تمامی عالمیان در برابرش تسلیم هستند، پس نباید می‌گفت: «اسلمت لک - من تسلیم توام!» بلکه باید می‌گفت: «اسلمت لرب العالمین - تسلیم آنم که همه عالم مربوب و تسلیم اویند!»

اصولاً کلمه اسلام و تسلیم و استسلام، هر سه یک معنا را می‌دهند و آن این است که کسی و یا چیزی در برابر کس دیگر حالتی داشته باشد که هرگز او را نافرمانی نکند و او را از خود دور نسازد. این حالت اسلام و تسلیم و استسلام است. اسلام انسان برای خدای تعالی وصف رام بودن و پذیرش انسان است، نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تنظیم می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضاء و چه تشریحی از اوامر و نواهی و غیر آن، به همین جهت می‌توان گفت: مراتب تسلیم بر حسب شدت و ضعف وارده بر انسان و آسانی و سختی پیش آمدها، مختلف می‌شود، آنکه در برابر پیش آمدهای ناگوارتر و تکالیف دشوارتر تسلیم می‌شود، اسلامش قوی‌تر است، از اسلام آن کس که در برابر ناگواری‌ها و تکالیف آسانتری تسلیم می‌شود، پس بنا بر این اسلام دارای مراتبی است!

**هدف آیه ۱۳۵ تا ۱۴۱ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۴۶۷**

### بیان منشاء انشعاب‌ها در دین ابراهیم «ع»

« وَ قَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصْرَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه بیان کرد: دین حق که اولاد ابراهیم از اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان وی بر آن دین بودند اسلام بود و خود ابراهیم هم آنرا دین حنیف خود داشت، اینک در این آیه نتیجه می‌گیرد که اختلاف و انشعاب‌هایی که در بشر پیدا شده، دسته‌ای خود را یهودی و دسته‌ای دیگر مسیحی خواندند، همه ساخته‌های هوی و هوس خود بشر است و بازیگریهائی است که خود در دین ابراهیم

کرده‌اند و دشمنی‌هایی که با هم داشتند به حساب خدا و دین او گذاشتند .  
در نتیجه طائفه‌های مختلف و احزابی دینی و متفرق گشتند ، رنگ هوی و هوسها و اغراض و مطامع خود را به دین خدای سبحان یعنی دین توحید زدند ، با اینکه دین بطور کلی یکی بود ، همچنانکه معبودی که به وسیله دین عبادت می‌شود یکی است و آن دین ابراهیم است و باید مسلمین به آن دین تمسک جویند و شقاق و اختلاف اهل کتاب را پیروی ننموده ، آن را برای خود اهل کتاب بگذارند!

یهود گفتند: بیائید همه یهودی شوید ، تا هدایت یابید ، نصاری هم گفتند: بیائید مسیحی شوید ، تا همه راه یابید! منشا این اختلاف دشمنی با یکدیگرشان بود.

« قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا و مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! » می‌فرماید: بگو بلکه ملت ابراهیم را پیروی می‌کنیم، که فطری است و ملت واحده‌ای است که تمامی انبیاء شما از ابراهیم گرفته تا بعد از او همه بر آن ملت بودند و صاحب این ملت یعنی ابراهیم از مشرکین نبود!

#### هدف آیه ۱۴۲ تا ۱۵۱ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۴۷۶

#### **بیان مسائل مربوط به قبله شدن مسجدالحرام و رد اعتراضات یهود**

« سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...! »

این آیات اگر مورد دقت قرار گیرد، آیاتی است زنجیروار ، منتظم و مترتب بر هم که داستان قبله شدن کعبه برای مسلمین را بیان می‌کند.

قبل از این آیات، داستان ابراهیم علیه‌السلام خاطر نشان می‌شد، که نسبت به مسئله قبله جنبه توطئه و زمینه چینی داشت ، آیه مورد بحث توطئه دوم است و نیز می‌خواهد جواب از اعتراض ماجراجویانی را که می‌خواهند حادثه‌ای سوژه آفرین پیش آید، تا مشغول جدال و بگو مگو شوند ، به رسول خود تعلیم دهد.

در آیات قبل زمینه مسئله قبله را چیده بود سرگذشت ابراهیم و کرامتهایی که در درگاه خدا داشت و کرامت فرزندش اسماعیل، دعای آن دو بزرگوار برای کعبه، مکه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امت مسلمان و نیز بنا کردن خانه کعبه و ماموریتشان در خصوص تطهیر خانه برای عبادت را ذکر فرموده بود .

معلوم است که برگشتن قبله از بیت المقدس به کعبه، از بزرگترین حوادث دینی و اهم احکام تشریعی است، که مردم بعد از هجرت رسول خدا«ص» به مدینه با آن روبرو شدند ، آری در این ایام اسلام دست به انقلابی ریشه‌دار می‌زند و معارف و حقایق خود را نشر می‌دهد. معلوم است که یهود و غیر یهود در مقابل این انقلاب ،

ساکت نمی‌نشینند ، چون می‌بینند اسلام یکی از بزرگترین مفاخر دینی آنان را که همان قبله ایشان بود ، از بین می‌برد ، قبله‌ای که سایر ملل بخاطر آن تابع یهود و یهود در این شعار دینی متقدم بر آنان بودند .

علاوه بر اینکه این تحویل قبله باعث تقدم مسلمانان و دین اسلام می‌شود چون توجه تمامی امت را یکجا جمع می‌کند و همه در مراسم دینی به یک نقطه رو می‌کنند و این تمرکز همه توجهات به یک سو ، ایشان را از تفرق نجات می‌دهد هم تفرق وجوهشان در ظاهر و هم تفرق کلمه‌شان در باطن، مسلماً قبله‌شان کعبه تأثیری بیشتر و قوی‌تر دارد ، تا سایر احکام اسلام ، از قبیل طهارت و دعا و امثال آن و یهود و مشرکین عرب را سخت نگران می‌سازد ، مخصوصاً یهود را که به شهادت داستانهائی که از ایشان در قرآن آمده ، مردمی هستند که از همه عالم طبیعت جز برای محسوسات اصلتی قائل نیستند و برای غیر حس کمترین وقعی نمی‌گذارند مردمی هستند که از احکام خدا آنچه مربوط به معنویات است ، بدون چون و چرا می‌پذیرند ، ولی اگر حکمی در باره امری صوری و محسوس از ناحیه پروردگارشان بیاید ، مانند قتال و هجرت و سجده و خضوع و امثال آن ، زیر بارش نمی‌روند و در مقابلش به شدیدترین وجهی مقاومت می‌کنند .

سخن کوتاه اینکه خدای تعالی هم خبر داد که بزودی یهود بر مسئله تحویل قبله اعتراض خواهند کرد ، لذا به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تعلیم کرد که چگونه اعتراضشان را پاسخ گوید تا دیگر اعتراض نکنند!

#### هدف آیه ۱۵۲ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۵۰۹

#### **دستور شکرگزاری در برابر نعمت بعثت رسول الله «ص» و تغییر قبله**

«فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَا لَا تَكْفُرُونِ!»

بعد از آن که خدای تعالی بر پیامبر اسلام و امت مسلمان منت نهاد ، نخست پیامبر بزرگوار را که از خود مردم بود بسوی ایشان گسیل داشت و این خود نعمتی بود که با هیچ مقیاسی اندازه‌گیری نمی‌شود ، نعمتی که منشا هزاران نعمت شد - و فهماند خدا از یاد بندگان غافل نیست - آری خدا بشر را از اینکه بسوی صراط مستقیم هدایت کند و به اقصی درجات کمال سوق دهد ، فراموش نکرده بود .

در مرحله دوم قبله را که مایه کمال دین و توحید در عبادت و تقویت فضائل دینی و اجتماعیشان بود ، تشریح فرمود، اینک در این آیه متفرع بر آن دو نعمت ، دعوتشان می‌کند: به این که بیاد او باشند و شکرش بگذارند ، تا او هم در مقابل یاد بندگان به عبودیت و طاعت ، ایشان را به دادن نعمت یاد کند و در پاداش شکرگزاری و کفران

نکردن ، نعمتشان را بیشتر کند .

آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه ذکر قلبی هم برای خود مراتبی دارد ، از اینجا روشن می شود اینکه بعضی گفته اند : ذکر بمعنای حضور معنا است در نفس ، سخنی است درست ، برای اینکه حضور دارای مراتبی است .

### هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره المیزان ج : ۱ ص : ۵۱۵

#### ایجاد آمادگی فکری برای شروع جهاد و تحمل مصایب با استعانت از صبر و نماز

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ »  
 « وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ »  
 « وَ لَنْبَلُوتِكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ »

« الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ »  
 « أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ »

این پنج آیه در سیاق متحد و جملاتش از نظر لفظ در یک سیاق و از نظر معنا هم بیکدیگر مرتبطند، اول آنها به آخر نظر دارد و آخرش به اولش، از اینجا فهمیده می شود که این پنج آیه یکباره نازل شده نه در چند هنگام.

و سیاق آن داد می زند که قبل از نازل شدن دستور جهاد و تشریح آن نازل شده ، چون در این آیات از بلائی پیشگوئی شده که بعدها مسلمانان با آن روبرو می شوند و مصائبی را بزودی می بینند ، البته نه هر بلا و مصیبت ، بلکه بلای عمومی که چون سایر بلیات معمولی و همیشگی نیست .

بلائی که در آیات مورد بحث از آن سخن رفته ، هر بلای عمومی نیست، وبا و قحطی نیست، بلکه بلائی است عام که خود مسلمانان خود را بدان نزدیک کرده اند.

در آیات مورد بحث بطور اشاره خبر می دهد که: چنین محنتی و بلائی رو به آمدن است ، چون در آیات ، سخن از قتال و جهاد در راه خدا کرده، چیزی که هست این بلا را به وصفی معرفی کرده که دیگر چون سایر بلاها مکروه و ناگوار نیست و صفت سوئی در آن باقی نمانده و آن این است که این قتال مرگ و نابودی نیست ، بلکه حیات است و چه حیاتی!! پس این آیات مؤمنین را تحریک می کند که خود را برای قتال آماده کنند و به ایشان خبر می دهد که بلا و محنتی در پیش دارند ، بلائی که هرگز به مدارج تعالی و رحمت پروردگاری و به اهتداء و به هدایتش نمی رسند ، مگر آنکه در برابر آن صبر کنند و مشقت هایش را تحمل نمایند و به ایشان این



حقیقت را تعلیم می دهد که باید برای رسیدن به هدف از قتال استمداد بگیرند ، می فرماید: از صبر و نماز استعانت بجوئید ، از صبر که عبارتست از خودداری از جزع و ناشکیبائی و از دست ندادن امر تدبیر و از نماز که عبارت است از توجه بسوی پروردگار و انقطاع بسوی کسی که همه امور بدست او است! آری: «ان القوة لله جميعا - نیرو همه اش از خداست!»

#### هدف آیه ۱۵۸ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۵۷۸

#### **معرفی و تشریح سعی بین صفا و مروه به عنوان شعائر الهی**

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»

این آیه اشاره دارد به اینکه صفا و مروه دو محل است که به علامت الهی نشاندار شده و آن علامت، بندگان خدای را بسوی خدا دلالت می کند و خدا را بیادشان می آورد و از اینکه صفا و مروه را در مقابل همه موجودات اختصاص داده به اینکه از شعایرند با اینکه تمامی موجودات آدمی را بسوی آفریدگارش دلالت می کند، فهمیده می شود که مراد از شعائر، شعائر و آیت ها و نشانه های تکوینی نیست که تمامی موجودات آن را دارند بلکه خدای تعالی آن دو را شعائر قرار داده و معبد خود کرده، تا بندگان در آن موضع وی را عبادت کنند، در نتیجه دو موضع نامبرده علاوه بر آن دلالتی که همه کائنات دارند، به دلالت خاصی بندگان را بیاد خدا می اندازد، پس شعیره بودن صفا و مروه خود دلالت دارد بر اینکه خدا برای این دو موضع عبادت خاصی مقرر کرده است.

#### هدف آیه ۱۵۹ تا ۱۶۲ سوره بقره المیزان ج: ۱ ص: ۵۸۴

#### **بیان انحراف علما و کتمان آیات الهی دلیل اختلافات دینی**

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ...!»

اختلاف های دینی و انحراف از جاده صواب، معلول ستمکاری علماء بوده که مطالب کتاب را برای مردم نگفتند و یا اگر گفتند، تاویلش کردند و یا در آن دست انداخته تحریفش نمودند.

« أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ! » این جمله کیفر کسانی را بیان می‌کند که آنچه هدایت و آیات که خدا نازل کرده بود، کتمان کردند و آن کیفر عبارت است از لعنتی از خدا و لعنتی دیگر از هر لعنت کننده است. اینکه هم لعنت خدا و هم لعنت کنندگان را مطلق آورد، دلالت دارد بر اینکه تمامی لعنت‌هایی که از هر لعنت کننده سر بزنند، متوجه ایشان است.

**هدف آیه ۱۶۳ تا ۱۶۷ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۵۹۲**

### بیان مفهوم واحد بودن خدا

« وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ...! »

این آیات که مسئله توحید را خاطر نشان می‌کند، همه در یک سیاق و در یک نظم قرار دارند و بر مسئله نامبرده اقامه برهان نموده، شرک و سرانجام امر آن را بیان می‌کند! جمله: «الهکم اله واحد!» با همه کوتاهی‌هاش می‌فهماند که: الوهیت مختص و منحصر به خدای تعالی است و وحدت او وحدتی مخصوص است، وحدتی است که لایق ساحت قدس اوست!

**هدف آیه ۱۶۸ تا ۱۷۱ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۶۳۰**

### بیان دست درازی شیطان از طریق غذاهای حلال و حرام

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ...! »

خطاب در آیه، متوجه عموم مردم است که آنچه در زمین هست برایشان حلال است و می‌توانند بخورند و پای بند احکام خرافی قدیم نباشند.

این جمله اباحه‌ای عمومی و بدون قید و شرط را آماده می‌کند، چیزی که هست جمله: «و لا تتبعوا خطوات الشیطان...!» می‌فهماند که در این میان چیزهای دیگری هم هست که نامش خطوات شیطان است و مربوط به همین اکل حلال طیب است و این امور، یا مربوط به نخوردن بخاطر پیروی شیطان است و یا خوردن بخاطر پیروی شیطان است و چون تا اینجا معلوم نکرد که آن امور چیست؟ لذا برای اینکه ضابطه‌ای دست داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است؟ کلمه سوء و فحشاء و سخن بدون علم را خاطر نشان کرد و فهماند که هر چیزی که بد است، یا فحشاء است یا بدون علم حکم کردن است، پیروی از آن، پیروی شیطان است!

**هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۶ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۶۴۳**

### دستور استفاده از طیبات برای مومنین به خدا

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ! إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ...! »

این جمله خطابی است خاص به مؤمنین ، که بعد از خطاب قبلی که به عموم مردم بود قرار گرفته ، پس از قبیل انتزاع خطابی از خطابی دیگر است، گویا از خطاب جماعتی که پذیرای نصیحت نیستند ، منصرف شده و روی سخن به عده خاص کرده که دعوت داعی خود را اجابت می‌گویند ، چون به او ایمان دارند .

التفاتی که بین دو خطاب واقع شده ناشی از تفاوتی است که در افراد مخاطب است ، چون از دارندگان ایمان بخدا این توقع می‌رفت که دعوت را بپذیرند به همین جهت عبارت قبلی: « ما فی الارض حلالا طيبا! » را به عبارت: « طیبات ما رزقناکم! » عوض کرد ، تا وسیله شود ، بعد از آن از ایشان بخواهد تنها خدا را شکر گویند ، چون مردمی موحد بودند و بجز خدای سبحان کسی را نمی‌پرستیدند .

عین این نکته باعث شد بفرماید: « ما رزقناکم - آنچه ما روزیتان کردیم! » و نفرماید: « ما رزقتم - آنچه روزی شده‌اید! » و یا « ما فی الارض - آنچه در زمین است! » و یا تعبیر دیگر نظیر اینها ، تا اشاره و یا دلالت کند بر اینکه خدا در نظر آنان معروف و به ایشان نزدیک و نسبت به آنان مهربان و رئوف است .

**هدف آیه ۱۷۷ سوره بقره میزان ج: ۱ ص: ۶۴۸**

### معرفی ابرار و اعتقاد، اعمال و اخلاق آنها

« لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ! »

این خود دأب قرآن در تمامی بیاناتش است که وقتی می خواهد مقامات معنوی را بیان کند، با شرح احوال و تعریف رجال دارنده آن مقام ، بیان می کند و به بیان مفهوم تنها قناعت نمی کند.

جمله: « و لكن البر من آمن بالله و اليوم الاخر...! » تعریف ابرار و بیان حقیقت

حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریفشان می‌کند و هم در مرتبه اعمال و هم اخلاق، در باره اعتقادشان می‌فرماید: «من آمن بالله!» و در باره اعمالشان می‌فرماید: «اولئك الذين صدقوا!» و در باره اخلاقشان می‌فرماید: «و اولئك هم المتقون!»

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که هر کس به این آیه عمل کند ایمان خود را به کمال رسانده باشد!

**هدف آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره** المیزان ج: ۱ ص: ۶۵۵

### بیان قانون قصاص و مفهوم حیات در قصاص

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَنِ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكَمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»  
«و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ!»

آیه شریفه در اینکه خطاب را متوجه خصوص مؤمنین کرده، اشاره است به اینکه حکم قصاص مخصوص جامعه مسلمین است و کفاری که در کشورهای اسلامی بعنوان اهل ذمه زندگی می‌کنند و غیر آنان از کفار، مشمول آیه نیستند و آیه از کار آنها ساکت است!

«و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب، لعلکم تتقون!» این جمله به حکمت تشریح قصاص اشاره می‌کند. حاصل معنای این جمله این است که عفو هر چند تخفیفی و رحمتی است نسبت به قاتل (و رحمت خود یکی از فضائل انسانی است!) و لکن مصلحت عموم تنها با قصاص تامین می‌شود، قصاص است که حیات را ضمانت می‌کند نه عفو کردن و دیه گرفتن و نه هیچ چیز دیگر! و این حکم هر انسان دارای عقل است و اینکه فرمود: «لعلکم تتقون!» معنایش این است که بلکه شما از قتل بپرهیزید! و این جمله به منزله تعلیل است برای تشریح قصاص.

### لطایف و شیوائی و بلاغت این آیه شریفه:

آیه شریفه، همه کلمات بلیغی را که در این باب از طرف حکما و گویندگان در تاریخ بشر گفته شده بود، از یاد برد و همه را عقب زد، زیرا جمله: «و لکم فی القصاص حیوة» - در قصاص برای شما حیات است! از همه آن کلمات کوتاهتر و تلفظش آسانتر است، علاوه در این جمله، کلمه قصاص معرفه یعنی با الف و لام آمده و کلمه حیات نکره، یعنی بدون الف و لام آمده است تا دلالت کند بر اینکه نتیجه قصاص و برکات آن، دامنه‌دارتر و عظیمتر از آن است که با زبان گفته شود.

و باز با همه کوتاهی‌ش، نتیجه قصاص را بیان کرده و حقیقت مصلحت را ذکر کرده، که حیات است و همین کلمه حیات حقیقت آن معنائی را که نتیجه را افاده می‌کند متضمن است.

**هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲ سوره بقره** میزان ج: ۱ ص: ۶۶۶

### بیان قانون وصیت

« كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ...! »

لسان این آیه، لسان وجوب است نه استحباب، چون در قرآن کریم هر جا فرموده: فلان امر بر فلان قوم نوشته شده، معنایش این است که این حکم یا سرنوشت، قطعی و لازم شده است. مؤید آن، جمله آخر آیه است که می‌فرماید: «حقا...!» چون کلمه حق، نیز مانند کتابت اقتضای معنای لزوم را دارد!

لکن از آنجا که همین کلمه را مقید به: «متقین» کرده دلالت بر وجوب را سست می‌کند، برای اینکه اگر وصیت تکلیفی واجب بود، مناسب‌تر آن بود که بفرماید: «حقا علی المؤمنین!» و چون فرموده: «... علی المتقین!» می‌فهمیم این تکلیف امری است که تنها تقوی باعث رعایت آن می‌شود و در نتیجه برای عموم مؤمنین واجب نیست، بلکه آنهایی که متقی هستند به رعایت آن اهتمام می‌ورزند! بعضی از مفسرین گفته‌اند: این آیه بوسیله آیات ارث (که تکلیف مال میت را معین کرده، چه وصیت کرده باشد و چه نکرده باشد)، نسخ شده و به فرضی که این سخن درست باشد، وجوبش نسخ شده نه استحباب و اصل محبوبیتش و شاید تقیید کلمه حق به کلمه: «متقین!» هم برای افاده همین غرض باشد.

**هدف آیه ۱۸۳ تا ۱۸۵ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۳

### اعلام وجوب روزه ماه رمضان و تمهیدات قبلی آن

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ...! »

سیاق این سه آیه دلالت دارد بر اینکه:

اولا هر سه با هم نازل شده‌اند. آیات سه‌گانه مورد بحث به هم متصل و نظیر کلام واحدی است که یک غرض را دربردارد و آن غرض عبارت است از بیان وجوب روزه ماه رمضان!

ثانیا دلالت دارد بر اینکه قسمتی از گفتار این سه آیه به منزله زمینه‌چینی

برای قسمت دیگر آن است.

یعنی دو آیه اول به منزله مقدمه است برای آیه سوم، چون در آیه سوم تکلیفی واجب می‌شود که صاحب کلام، اطمینان ندارد از اینکه شنونده از اطاعت آن سرپیچی نکند، برای اینکه تکلیف نامبرده تکلیفی است که بالطبع برای مخاطب، شاق و سنگین است!

حکم روزه که عبارت است از محرومیت نفوس از بزرگترین مشتهیات و مهم‌ترین تمایلاتش، یعنی خوردن و نوشیدن و جماع، که چون محرومیت از آنها ثقیل بر طبع و مصیبتی برای نفس آدمی است! در توجیه حکمش ناگزیر از این است که قبلاً برای شنوندگان - با در نظر گرفتن اینکه عموم مردمند و بیشتر مردم عوام و پیرو مشتهیات نفسند - مقدمه‌ای بچیند و دلهاشان را علاقه‌مند بدان سازد، تا تشنه پذیرش آن شوند، بدین جهت است که آیه: «کتب علیکم الصیام!» تا آخر دو آیه که مشتمل بر هفت فقره است و خبر می‌دهد از اینکه بعدها چنین حکمی انشاء می‌شود! «یا ایها الذین آمنوا!...» اینگونه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید!» به منظور توجه دادن مردم به صفت ایمانشان است و گرنه می‌فرمود: «ای مردم!» لیکن خواست بفهماند با توجه به اینکه دارای ایمانید باید هر حکمی را که از ناحیه پروردگارتان می‌آید بپذیرید، هر چند که بر خلاف مشتهیات و ناسازگار با عادات شما باشد!

**هدف آیه ۱۸۶ سوره بقره** المیزان ج: ۲ ص: ۴۱

### بیان دستورالعملی برای دعا کردن

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»

این آیه در افاده مضمونش بهترین اسلوب و لطیف‌ترین و زیباترین معنا را برای دعا دارد:

**اولا:** اساس گفتار را بر تکلم وحده (من چنین و چنانم!) قرار داده، نه غیبت (خدا چنین و چنان است!) و نه سیاقی دیگر نظیر غیبت و این سیاق دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی نسبت به مضمون آیه کمال عنایت را دارد!

**ثانیا:** تعبیر فرموده به: «عبادی - بندگانم!» و نفرمود: «ناس - مردم!» و یا تعبیری دیگر نظیر آن و این نیز عنایت یاد شده را بیشتر می‌رساند!

**ثالثا:** واسطه را انداخته و نفرموده (در پاسخشان بگو چنین و چنان!) بلکه فرمود: «چون بندگانم از تو سراغ مرا می‌گیرند من نزدیکم!»

رابعا : جمله: « من نزدیکم!» را با حرف « ان » که تاکید را می‌رساند مؤکد کرده و فرموده: « فانی قریب - پس به درستی که من نزدیکم!»

خامسا : نزدیکی را با صفت بیان کرده و فرموده: « نزدیکم!» نه با فعل ( من نزدیک می‌شوم!) تا ثبوت و دوام نزدیکی را برساند!

سادسا : در افاده اینکه دعا را مستجاب می‌کند تعبیر به مضارع آورد نه ماضی ، تا تجدد اجابت و استمرار آن را برساند!

سابعا : وعده اجابت یعنی عبارت: « اجابت می‌کنم دعای دعا کننده را!» مقید کرد به قید: « اذا دعان - در صورتی که مرا بخواند!» با اینکه این قید چیزی جز خود مقید نیست ، چون مقید خواندن خدا است و قید هم همان خواندن خدا است و این دلالت دارد بر اینکه دعوت داعی بدون هیچ شرطی و قیدی مستجاب است نظیر آیه: « ادعونی استجب لکم!»

این هفت نکته همه دلالت دارد بر اینکه خدای سبحان به استجاب دعا اهتمام و عنایت دارد .

از طرفی در این آیه با همه اختصارش هفت مرتبه ضمیر متکلم: « من!» تکرار شده و آیه‌ای به چنین اسلوب در قرآن منحصر به همین آیه است!

اینکه فرموده: « و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان!» همانطور که متعرض حکم مساله اجابت دعا است متعرض بیان علل آن نیز هست و می‌فهماند علت نزدیک بودن خدا به بندگان همین است که دعا کنندگان بنده اویند و علت اجابت بی‌قید و شرط دعای ایشان همان نزدیکی خدا به ایشان است و بی‌قید و شرط بودن اجابت دعا ، مستلزم بی‌قید و شرط بودن دعا است، پس تمامی دعاهائی که خدا برای اجابت آن خوانده می‌شود مستجاب است!

البته در اینجا نکته‌ای است که نباید از نظر دور داشت و آن اینکه خدای تعالی وعده: « اجیب دعوه الداع!» خود را مقید کرده به قید: « اذا دعان ...!» و چون این قید چیزی زائد بر مقید نیست ، می‌فهماند که دعا باید حقیقتا دعا باشد ، نه اینکه مجازا و صورت آن را آوردن! وعده اجابت هر چند مطلق و بی‌قید و شرط است، اما این شرط را دارد که داعی حقیقتا دعا کند و علم غریزی و فطریش منشا خواسته‌اش باشد، خلاصه قلبش با زبانش موافق باشد ، چون دعای حقیقی آن دعائی است که قبل از زبان سر ، زبان قلب و فطرت که دروغ در کارش نیست آن را بخواهد نه تنها زبان سر ، که به هر طرف می‌چرخد ، به دروغ و راست و شوخی و جدی و حقیقت و مجاز!

**هدف آیه ۱۸۷ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۶۳****بیان احکام شبهای ماه رمضان**

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَشِرُوهِنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِّلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»

آیه شریفه دلالت می کند بر اینکه قبل از نزول این آیه حکم روزه این بوده که در شب روزه، زناشویی هم حرام بوده و با نازل شدن این آیه حلیت آن تشریح و حرمتش نسخ شده است.

کلمه «ابتغاء» به معنای طلب کردن است و منظور از «طلب کردن آنچه خدا نوشته است»، طلب فرزند است، که خدای سبحان آن را نوشته و مقرر کرده، که نوع انسانی این کار را از راه جماع انجام دهد و جنس بشر را با تجهیز شهوت و اشتیاق به مباشرت مفسور بر این عمل کرده و به این وسیله ایشان را مسخر و رام در مقابل این عمل نموده است!

البته کمتر کسی در حین عمل توجه به فرزنددار شدن دارد، بیشتر منظورشان شهوترانی است (غافل از اینکه خدای تعالی در بین این دو سنگ آرد خود را می گیرد و قضای خود را به کرسی می نشانند!) همچنانکه افراد منظورشان از اکل و شرب لذت بردن از غذا است و غافلند از اینکه این جذبه و رابطه بین انسان و غذا را خدا قرار داده، تا زندگی بشر بقا یافته، بدنش نمو کند، این همان تسخیر الهی است!

**هدف آیه ۱۸۸ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۷۳****نهی از تصرف باطل در اموال مردم با پرداخت و دریافت رشوه**

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

این آیه شریفه به منزله بیان و شرح است برای آیه شریفه: «خلق لكم ما فى الارض جميعا!» و اگر اموال را اضافه کرد به ضمیری که به مردم بر می گردد و فرمود: «اموالتان» برای این بود که اصل مالکیت را که بنای مجتمع انسانی بر آن مستقر شده، امضا کرده و محترم شمرده باشد!

اینکه حکم: «مخورید مال خود به باطل!» را مقید کرد به قید: «بینکم»



دلالت دارد بر اینکه مجموعه اموال دنیا متعلق است به مجموعه مردم دنیا، منتها خدای تعالی از راه وضع قوانین عادلانه اموال را میان افراد تقسیم کرده، تا مالکیت آنان به حق تعدیل شود و در نتیجه ریشه‌های فساد قطع گردد، قوانینی که تصرفات بیرون از آن قوانین هر چه باشد باطل است!

« و تدلوا بها الی الحکام لتاکلوا فریقا من اموال الناس! » مجموع آیه کلام واحدی است، که یک غرض را افاده کند و آن نهی از مصالحه‌ای است که راشی و مرتشی بر سر خوردن مال مردم می‌کنند و مال مردم را بین خود تقسیم نموده حاکم یک مقدار از آن را که راشی به او می‌دهد بگیرد و خود راشی هم یک مقدار دیگر را، با اینکه می‌دانند این مال باطل است و حقی در آن ندارند!

هدف آیه ۱۸۹ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۷۹

### تعیین ماههای قمری برای شناخت اوقات شرعی و اجرای احکام الهی

« یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوْقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! »

صدر و ذیل آیه شریفه تنها می‌خواهد یک حکم را بیان کند: این ماهها اوقاتی است که برای اعمال شرعی تعیین شده و تجاوز از آن اوقات به اوقات دیگر جایز نیست مثلا حج را نباید در غیر ماههایش و روزه را در غیر ماه رمضان و سایر وظائف را در غیر موعد مقرر انجام داد، که در این صورت به منزله وارد شدن به خانه است از غیر دروازه آن!

تقطیع و تکه تکه کردن زمان به دو صورت ممکن است، یکی بر حسب حرکت سالیانه زمین به دور خورشید، که از آن چهار فصل درست می‌شود و یکی هم بر حسب حرکت ماه به دور زمین. چون این تقطیع باید طوری باشد که همه مردم حتی عوام آنان نیز بتوانند به آسانی از حساب آن سردرآورند، لذا ماههای قمری را نام برد، که هر انسان دارای ادراک صحیح و حواس مستقیم آن را می‌فهمد، چون ماه و طلوع و غروب آن را هر سال دوازده بار مشاهده می‌کند به خلاف خورشید که برجهایش دیدنی نیست.

پس ماههای قمری اوقاتی هستند که مردم امور دین و دنیای خود را با آن تعیین می‌کنند و مخصوصا در امور دینی مساله حج را معین می‌کنند که در ماههای معلومی انجام می‌شود و اینکه از میان همه عبادات حج را دوباره نام برد، گویا از این جهت بوده که خواسته است زمینه را برای آیات بعدی که حج را به بعضی از ماهها

اختصاص می دهد فراهم سازد .

**هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره المیزان ج : ۲ ص : ۸۶**

### معرفی جهادی که خدا فرمان داده است!

« وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتَلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ...! »

سیاق آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه همه یکباره و با هم نازل شده و اینکه همه یک غرض را ایفا می کنند و آن عبارت است از فرمان جنگ برای اولین بار با مشرکین مکه!

فعل « یقاتلونکم » معرفی دشمن است. مراد از جمله: «الذین یقاتلونکم!» یعنی کسانی که حالشان حال قتال با مؤمنین است و کسانی که در مکه چنین حالی را داشته اند همان مشرکین مکه بودند .

علاوه بر اینکه آیات پنجگانه همه متعرض بیان یک حکم است ، با حدود و اطرافش و لوازمش به این بیان که جمله: « و قاتلوا فی سبیل الله!» اصل حکم را بیان می کند و جمله: « لا تعتدوا...!» حکم نامبرده را از نظر انتظام تحدید می کند و جمله «و اقتلوهم...!» از جهت تشدید آن را تحدید می نماید و جمله: « و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام...!» آن را از جهت مکان و جمله: « و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة...!» از جهت زمان و مدت تحدید می نماید و جمله: « الشهر الحرام...!» بیان می کند که این حکم جنبه قصاص در جنگ و آدم کشی و خلاصه معامله به مثل دارد، نه جنگ ابتدائی و تهاجمی و جمله: « و انفقوا...!» مقدمات مالی این قتال را فراهم می کند ، تا مردم برای مجهز شدن انفاق کنند!

پس به نظر نزدیک چنین می رسد که نزول هر پنج آیه در باره یک امر بوده باشد و آن تشریح قتال با مشرکین مکه است که ، سر جنگ با مؤمنین داشتند!

«قتال» به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی را کند ، که او قصد کشتن وی را دارد و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض تصمیم گیرنده اقامه دین و اعلائی کلمه توحید باشد ، که چنین قتالی عبادت است که باید با نیت انجام شود و آن نیت عبارت است از رضای خدا و تقرب به او ، نه استیلا بر اموال مردم و ناموس آنان .

پس قتال در اسلام جنبه دفاع دارد، اسلام می خواهد به وسیله قتال با کفار از حق قانونی انسان ها دفاع کند، حقی که فطرت سلیم هر انسانی آن را برای انسانیت قائل است!

**هدف آیه ۱۹۶ تا ۲۰۳ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۱۰۹****تشریح حج تمتع**

« وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...! »

این آیات در حجهٔ الوداع یعنی آخرین حجی که رسول خدا «ص» انجام داد نازل شده و در آن حج تمتع تشریح شده است .  
حج تمتع در سال آخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تشریح شد.  
عمل عمره عملی دیگر است و آن عبارت است از رفتن به زیارت خانه کعبه، از مسیر یکی از میقاتها، طواف و نماز آن، سعی بین صفا و مروه و تقصیر.  
این حج و عمره دو عبادتند که جز با قصد قربت تمام نمی‌شوند، به دلیل اینکه فرموده: « و اتموا الحج و العمره لله - حج و عمره را برای خدا تمام کنید...! »

**هدف آیه ۲۰۴ تا ۲۰۷ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۱۴۲****تقسیم انسانها از لحاظ نتایج صفات آنها**

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ...! »

این آیات مردم را از حیث نتایج صفاتشان تقسیم می‌کند ، همچنانکه آیات قبلی یعنی از آیه: «فمن الناس من يقول ربنا آتنا...!» به بعد مردم را از حیث اصل صفاتشان تقسیم می‌کرد، که یا طالب دنیایند و یا طالب آخرت. آیات مورد بحث از حیث نتیجه دنیاطلبی و عقبی‌طلبی که در اولی نفاق و در دومی خلوص در ایمان است تقسیم می‌کند. تناسب این آیات با مساله حج تمتع بر کسی پوشیده نیست .  
بعضی از مردمند که وقتی با تو سخن می‌گویند ، طوری وانمود می‌کنند که افرادی حق‌پرستند ، جانب حق را رعایت می‌کنند، به صلاح خلق عنایت دارند، پیشرفت دین و امت را می‌خواهند ، در حالی که دشمن‌ترین مردم نسبت به حقد و دشمنیشان با حق از هر دشمن دیگر شدیدتر است . این منافق شدید الخصومه وقتی دستش برسد و دارای قدرتی شود و ریاستی به دست آرد ، سعی می‌کند فساد را در زمین بگستراند.

**هدف آیه ۲۰۸ تا ۲۱۰ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۱۵۰****ارائه راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

## عَدُوٌّ مُّبِينٌ...!»

این آیات هفت آیه کامل است، که راه تحفظ و نگهداری وحدت دینی در جامعه انسانی را بیان می‌کند و آن این است که مسلمانان داخل در سلم شوند و تنها آن سخنانی که قرآن تجویز کرده بگویند و آن طریقه عملی را که قرآن نشان داده پیش گیرند، که وحدت دینی از بین نمی‌رود و سعادت دو سرای انسانها رخت بر نمی‌بندد و هلاکت به سراغ هیچ قومی نمی‌رود، مگر به خاطر خارج شدن از سلم، و تصرف در آیات خدا و جابجا کردن آنها، که در امت بنی اسرائیل و امتهای گذشته دیگر دیده شد و به زودی نظیر آن هم در این امت جریان خواهد یافت ولی خدای تعالی این امت را وعده نصرت داده و فرموده: «الا ان نصر الله قریب!»

از آنجائی که خطاب به خصوص مؤمنین شده، آن سلمی هم که به سویش دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنان، پس هم بر یک یک مؤمنین واجب است و هم بر مجموع آنان، پس سلمی که بدان دعوت شده‌اند عبارت شد از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به او.

مراد از پیروی خطوات شیطان، پیروی او در تمامی دعوت‌های او به باطل نیست، بلکه منظور پیروی او است در دعوت‌هایی که به عنوان دین می‌کند و باطلی را که اجنبی از دین است زینت داده و در لفافه زیبای دین می‌پیچد و نام دین بر آن می‌گذارد و انسانهای جاهل هم بدون دلیل آن را می‌پذیرند. علامت شیطانی بودن آن این است که خدا و رسول در ضمن تعالیم دینی خود نامی از آن نبرده باشند.

و از خصوصیات سیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می‌شود، که خطوات شیطان تنها آن گام‌هایی از شیطان است، که در طریقه و روش پیروی شود و اگر فرض کنیم که این پیروی کننده مؤمن باشد - که طریقه او همان طریقه ایمان است لا جرم طریقه چنین مؤمنی طریقه شیطانی در ایمان است، وقتی بر هر مؤمنی دخول در سلم واجب باشد، قهرا هر طریقی که بدون سلم طی کند خطوات شیطان و پیروی از آن پیروی از خطوات شیطان خواهد بود.

از آیه شریفه استفاده می‌شود که اسلام تمامی احکام و معارفی را که مورد حاجت بشر است و صلاح مردم را تامین می‌کند تکفل کرده است!

هدف آیه ۲۱۱ و ۲۱۲ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۱۶۴

## بیان سرنوشت بنی اسرائیل برای عبرت مسلمانان

«سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ وَمَنْ يَبْدُلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا

### جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ...!»

می‌فرماید: این بنی اسرائیل در پیش روی شما هستند، این امتی است که خدای تعالی کتاب و حکم و نبوت و ملکشان داد و از طیبات روزیشان کرد و از سایر امت‌های معاصرشان برتریشان داده بود، از ایشان بپرس که چقدر آیت روشن و معجزات هویدا برایشان فرستادیم، خوب در وضعشان بنگر، که چه بودند و چه شدند؟ و در آخر کلمات را از جایی که داشت تغییر داده و تحریف کردند و به خاطر دشمنی که با هم داشتند در قبال خدا و آیاتش و کتابش اموری دیگر از پیش خود ساختند و خدا به خاطر شرکی که در ایشان پیدا شد به شدیدترین وضعی عقابشان کرد و دچار اختلاف و تشتت آرائشان ساخت، تا یکدیگر را جویدند و آقائیشان از دست برفت و سعادتشان تباہ شد و دچار عذاب ذلت و مسکنت در دنیا و عذاب خزی و خواری در آخرت شدند، در حالی که دیگر یآوری نداشتند.

و این سنت جاریه از ناحیه خدای سبحان اختصاص به قومی و ملتی ندارد، هر کس نعمت خدا را تغییر دهد و از مجرایش منحرف کند، خدا عقابش می‌کند و چقدر شدید العقاب است!

**هدف آیه ۲۱۳ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۱۶۷**

### بیان سبب تشریح اصل دین

« كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ!»

این آیه سبب تشریح اصل دین را بیان می‌کند، که چرا اصلا دینی تشریح شده و مردم مکلف به پیروی آن دین شوند؟ و در نتیجه بینشان اختلاف بیفتد، یک دسته به دین خدا بگروند، دسته‌ای دیگر کافر شوند.

این معنا را اینطور بیان کرده: که انسان - این موجودی که به حسب فطرتش اجتماعی و تعاونی است - در اولین اجتماعی که تشکیل داد یک امت بود، آنگاه همان فطرتش وادارش کرد تا برای اختصاص دادن منافع به خود با یکدیگر اختلاف کنند، از اینجا احتیاج به وضع قوانین که اختلافات پدید آمده را برطرف سازد پیدا شد و این قوانین لباس دین به خود گرفت و مستلزم بشارت و انذار و ثواب و عقاب گردید و برای اصلاح و تکمیلش لازم شد عباداتی در آن تشریح شود، تا مردم از آن راه تهذیب گردند و به منظور این کار پیامبرانی مبعوث شدند و رفته رفته آن اختلافها در دین راه یافت، بر سر معارف دین و مبدأ و معادش اختلاف کردند و در نتیجه به

وحدت دینی هم خلل وارد شد ، شعبه‌ها و حزبها پیدا شد و به تبع اختلاف در دین اختلاف‌هایی دیگر نیز در گرفت. این اختلاف‌ها بعد از تشریح دین به جز دشمنی از خود مردم دین‌دار هیچ علت دیگری نداشت ، چون دین برای حل اختلاف آمده بود ، ولی یک عده از در ظلم و طغیان خود دین را هم با اینکه اصول و معارفش روشن بود و حجت را بر آنان تمام کرده بود مایه اختلاف کردند .

پس در نتیجه اختلاف‌ها دو قسم شد ، یکی اختلاف در دین که منشا ستمگری و طغیان بود ، یکی دیگر اختلافی که منشا فطرت و غریزه بشری بود ، اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد باعث تشریح دین شد و خدا به وسیله دین خود ، عده‌ای را به سوی حق هدایت کرد و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت و خدا هر کس را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند .

پس دین الهی تنها و تنها وسیله سعادت برای نوع بشر است و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند ، چون فطرت را با فطرت اصلاح می‌کند و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده ، برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم و راه مادیت و معنویتش را هموار می‌نماید ، این بود یک تاریخ اجمالی از حیات اجتماعی و دینی نوع انسان ، اجمالی که از آیه شریفه مورد بحث استفاده می‌شود و اگر آن را به تفصیل بیان نکرد ، در حقیقت به تفصیلی که در سایر آیات آمده اکتفا نموده است .

#### هدف آیه ۲۱۴ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۲۳۵

#### **بیان لزوم تسلیم انسانها در برابر نعمت دین**

« أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمُونَ  
الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرَ اللَّهِ أَلَا  
إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ! »

« ام حسبتم ان تدخلوا الجنة...! » در این جمله آنچه را که آیات سابق بر آن دلالت می‌کرد تثبیت می‌کند و آن این بود که دین یک نوع هدایت خدائی است، برای مردم هدایتی است به سوی سعادتشان در دنیا و آخرت و نعمتی است که خداوند بشر را به آن اختصاص داده است .

پس بر انسانها واجب است در برابر آن تسلیم شوند و با وجود آن دیگر گامهای شیطان را پیروی نکنند و در این هدایت اختلاف نیندازند و دوا را به صورت دردی جدید در نیاورند و بوسیله پیروی هوا و به طمع زخرف دنیا نعمت خدای

سبحان را با کفر و عذاب معاوضه نمایند که اگر چنین کنند غضبی از ناحیه پروردگارشان به ایشان می‌رسد، همانطوری که به بنی اسرائیل رسید، چون آنها هم نعمت پروردگار را بعد از آنکه در اختیارشان قرار گرفت تغییر دادند آری خدا با بنی اسرائیل عداوت خاصی نداشت، این سنت دائمی خدا است که فتنه‌ها پیش آورد و احدی از مردم به سعادت دین و قرب رب العالمین نمی‌رسد مگر با ثبات و تسلیم.

**هدف آیه ۲۱۵ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۲۳۹**

### بیان محل استفاده و مصرف وجوه انفاق

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»

این آیه سؤال و جوابی است که جواب آن طبق اسلوب حکمت داده شده، برای اینکه سؤال از جنس و نوع انفاقات کرده‌اند، که از چه جنسی و چه نوعی انفاق کنند و این سؤال بی‌شبهت به لغو نیست، برای اینکه هر کسی می‌داند که انفاق با چه چیز انجام می‌شود (با انواع مال!) پس جا داشت بپرسند به چه کسی انفاق کنیم، و بهمین جهت سؤال ایشان را پاسخ نداده، جواب را از سؤال صحیحی داد که آنها نکرده بودند، یعنی بیان حال و انواع کسانی که باید به ایشان انفاق کرد، تا هم جوابی داده باشد و هم تعلیمشان کرده باشد که چگونه سؤال کنند.

آیه شریفه در عین حال جنس مورد انفاق را هم بیان کرده و با دو جمله بطور اجمال متعرض آن نیز شده، اول با کلمه: «من خیر!» و دوم با جمله: «و ما تفعلوا من خیر فان الله به علیم!» پس آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه آن چیزی که باید انفاق شود مال است، حال هر چه می‌خواهد باشد، چه کم و چه زیاد و اینکه این عمل خیری است و خدا بدان آگاه است و لیکن ایشان باید می‌پرسیدند به چه کسی انفاق کنند و مستحق انفاق را بشناسند. مستحقین انفاق عبارتند از والدین، اقربا، ایتام، مساکین و ابن السبیل.

**هدف آیه ۲۱۶ تا ۲۱۸ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۲۴۵**

### بیان وجوب جهاد و دفاع بر همه مسلمانان

«كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...!»

این آیات دلالت دارند بر اینکه جنگ و قتال بر تمامی مؤمنین واجب است، چون خطاب متوجه مؤمنین شده، مگر کسانی که دلیل آنها را استثنا کرده باشد، مانند آیه: «لیس علی الاعمی حرج و لا علی الاعرج حرج و لا علی المریض حرج...!» و

آیات و ادله دیگر .

هدف آیه ۲۱۹ و ۲۲۰ سوره بقره المیزان ج: ۲ ص: ۲۸۷

### تحریم تدریجی می گساری توسط شارع اسلام

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ...! »

قبل از ظهور دین مقدس اسلام یکی از این عادات زشت و شایع در بین مردم می گساری بود، که شارع اسلام به تدریج تحریم آن را شروع کرد. این مطلب با تدبیر در آیات مربوط به این تحریم که می بینیم چهار بار نازل شده کاملاً به چشم می خورد. بار اول فرموده: " قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بَعِيْرَ الْحَقِّ...! " (اعراف/۳۲) و این آیه در مکه نازل شده، و بطور کلی هر عملی را مصداق اثم باشد تحریم کرده و دیگر نفرموده که شرب خمر هم مصداق اثم است و اینکه در آن اثمی کبیر است. احتمالاً این همان جهت است خواسته است رعایت سهولت و ارفاق را کرده باشد، چون سکوت از اینکه شراب هم اثم است خود نوعی اغماض است، هم چنان که آیه شریفه: " وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا...! " (نحل/۶۷) نیز اشاره به این اغماض دارد (چون شراب را در مقابل رزق نیکو قرار داده) و گویا مردم با اینکه صراحتاً بفرماید شراب حرمتی بزرگ دارد، دست بردار نبودند، تا آنکه آیه شریفه: " لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى! " (نسا/۴۲) در مدینه نازل شد و تنها از می گساری در بهترین حالات انسان و در بهترین اماکن یعنی نماز در مسجد نهی کرده است. سپس آیه سوره بقره که مورد بحث ما است نازل شد و فرمود: " يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا " و این آیه بعد از آیه سوره نسا نازل شد و دلالت بر تحریم هم دارد، برای اینکه در اینجا تصریح می کند بر اینکه شرب خمر اثم است و در سوره اعراف بطور صریح بیان می کند که هر چه مصداق اثم باشد خدا از آن نهی کرده است.

آن گاه دو آیه سوره مائده نازل شد، و فرمود: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ، فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ " (مائده/۹۰ و ۹۱)

از ذیل این دو آیه بر می آید که مسلمانان بعد از شنیدن آیه سوره بقره هنوز از می گساری دست بردار نبودند، و به کلی آن را ترک نکرده بودند، تا این دو آیه نازل شد، و در آخرش فرمود حالا دیگر دست بر می دارید یا خیر؟ .



**هدف آیه ۲۲۱ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۳۰۲****نهی ازدواج با زن و مرد بت پرست**

« وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ وَ لِأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِأَذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ »

ظاهر آیه شریفه که می‌فرماید: « و لا تنکحوا المشرکات...! » تنها می‌خواهد

ازدواج با زن و مرد بت‌پرست را تحریم کند ، نه ازدواج با اهل کتاب را .

**هدف آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۳۱۰****بیان برخی احکام زناشویی**

« وَ یَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ لَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ! نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاَقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ »

اسلام در مساله حیض زنان راه وسط را اتخاذ کرده، راهی میانه در بین تشدید تمامی که یهود اتخاذ کرده و در بین اهمال مطلقى که نصارا پیش گرفته‌اند و آن راه میانه این است که مردان در هنگام عادت زنان از محل ترشح خون نزدیکی نکنند و تمتعات غیر این را می‌توانند ببرند.

جمله: « فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ ! » بطور کنایه می‌فهماند: بعد از پاک شدن و یا غسل کردن زن، نزدیکی کردن با او جایز است. این ادبی است الهی و لایق به قرآن کریم! و اگر امر نامبرده را مقید کرد به قید «أَمَرَكُمُ اللَّهُ» برای این بود که آن ادب را تکمیل کرده باشد چون عمل جماع در نظر بدوی امری است لغو و لهو، لذا آن را مقید کرد به امر خدا و با این قید از اموری قرارش داد که خدا تکویناً به آن امر کرده، تا دلالت کند بر اینکه جماع یکی از اموری است که تمامیت نظام نوع انسانی هم در حیاتش و هم در بقایش منوط به آن است، پس سزاوار نیست چنین امری را بازیچه قرار داد، بلکه باید از دیدگاه یکی از اصول نوامیس تکوینیش نظر کرد .

"نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ، فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ!"

حاصل کلام در معنای آیه این است که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار است به انسان کشت‌کار، همانطور که کشتزار برای بقای بذر لازم است و اگر نباشد بذرها به کلی نابود می‌شود و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن

نمی ماند، همچنین اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی یابد و نسلش قطع می شود! مراد از اینکه فرمود: "قَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ...!" تقدیم عمل صالح و تقدیم اولاد به این امید است که اولاد نیز افرادی صالح برای جامعه باشند، و مراد از جمله: "وَاتَّقُوا اللَّهَ...!" تقوا به صورت عمل صالح در خصوص نزدیکی با حرث است و خلاصه می خواهد بفرماید در نزدیکی با زنان از حدود خدا تعدی نکنید و پاس حرمت خدا را بدارید و محارم خدا را هتک مکنید و مراد از جمله: "وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ...!" تشویق به تقوا و شکافتن معنای آن است، می فرماید از روز لقای الله و سوء حساب بترسید!

#### هدف آیه ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۳۳۱

##### بیان حکم سوگند اعترال و اجتناب از سوگندهای لغو

« وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

هر کس سوگند بخورد که دیگر به همسرش نزدیک نشود، حاکم شرع چهار ماه صبر می کند، اگر برگشت و حق همسرش را ادا کرد، یعنی با او هم بستری نمود و کفاره شکستن قسم خود را داد، که او را عقاب نمی کند و اگر تصمیم گرفت طلاقش دهد و طلاقش داد که باز عقابی ندارد چون طلاق هم گریزگاه دیگری است از عقاب، و خدای شنوای دانا است!

#### هدف آیه ۲۲۸ تا ۲۴۲ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۳۴۲

##### بیان احکام طلاق و نگهداشتن عده و شیردادن فرزند

« وَ الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ بَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ...! »

این آیات در باره احکام طلاق و عده و شیر دادن زن مطلقه به فرزند خود و در خلالش بعضی از احکام نماز است.

#### هدف آیه ۲۴۳ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۴۲۱

##### بیان سرگذشت جمعیتی زنده شده بعد از مرگ

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ هُمْ أَلُوفٌ حَدَرَ الْمَوْتَ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ! »

این آیه بدون مناسبت با آیات بعدی خود که متعرض فریضه قتال است

نیست، چون قتال نیز باعث می‌شود که مردمی بعد از مردن زنده شوند.

امر در این آیه شریفه، امر تکوینی است و منافاتی ندارد که مرگ این گروه از مجرای طبیعی واقع شده باشد و جمله: «ثم احياهم!» تا حدی دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی زنده‌شان کرده تا زندگی کنند و بعد از زنده شدن مدتی زندگی کرده‌اند. جمله بعدش هم که می‌فرماید: «ان الله لذو فضل على الناس...!» اشعاری بر این معنا دارد، چون زنده کردن وقتی فضل می‌شود که زنده شده چند صباح دیگر زنده بماند!

**هدف آیه ۲۴۴ تا ۲۵۲ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۴۲۸**

### بیان تأثیر جنگ و دفاع در حیات دینی

« وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

اتصال روشنی که در بین این آیات به چشم می‌خورد، ارتباطی که میان مساله قتال و مساله ترغیب در قرض الحسنه و نیز ارتباطی که میان این دو مساله با سرگذشت طالوت و داود و جالوت هست، این نکته را به ما می‌فهماند که این آیات یک باره نازل شده و منظور از آن، بیان دخالتی است که قتال در شؤون حیات و پدید آوردن روحیه پیشرفت امت در حیات دینی و دنیائیش دارد و اهل قتال را به سعادت حقیقیشان می‌رساند .

آری، خدای سبحان در این آیات فریضه جهاد را بیان نموده و مردم را دعوت می‌کند به اینکه در تجهیز یکدیگر و فراهم نمودن نفقات و تجهیزات، انفاق کنند و اگر این انفاق را قرض دادن به خدا خوانده، چون انفاق در راه خدا است، علاوه بر اینکه این تعبیر هم تعبیری است سلیس و هم مشعر به قرب خدا، می‌فهماند انفاق کنندگان نزدیک به خدا هستند بطوری که با او دادوستد دارند .

آنگاه داستان طالوت و جالوت و داوود را خاطر نشان می‌کند ، تا مؤمنین که مامور به قتال با دشمنان دین هستند عبرت بگیرند و بدانند که حکومت و غلبه همواره از آن ایمان و تقوا است ، هر چند که دارندگان آن کم باشند و خواری و نابودی از آن نفاق و فسق است ، هر چند که صاحبانش بسیار باشند ، برای اینکه بنی اسرائیل که این داستان مربوط به ایشان است مادام که در کنج خمود و کسالت و سستی خزیده بودند مردمی ذلیل و تو سری خور بودند ، همینکه قیام کرده و در راه خدا کارزار نمودند ، کلمه حق را پشتیبان خود قرار دادند ، هر چند که افراد صادق ایشان در این دعوی اندک بودند و اکثرشان وقتی جنگ حتمی شد فرار کردند، دوم اینکه سر اعتراض بر طالوت را باز نمودند، سوم اینکه ، از آن نهی که مامور بودند

ننوشند، نوشیدند، چهارم اینکه ، به طالوت گفتند ما حریف جالوت و لشگر او نمی شویم ولی مع ذلک خدا یاریشان کرد و بر دشمن پیروزیشان داد و دشمن را به اذن خدا فراری دادند و داوود، جالوت را به قتل رساند و ملک و سلطنت در بنی اسرائیل مستقر گردید و حیات از دست رفته آنان دو باره به ایشان بازگشت و بار دیگر سیادت و قوت خود را باز یافتند.

همه این موفقیت‌ها جز به خاطر آن کلامی که ایمان و تقوا به زبانشان انداخت نبود و آن کلام این بود که وقتی با جالوت و لشگرش برخوردند گفتند:

« ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین! »

این ماجرا عبرتی است که اگر همه مؤمنینی که در هر عصر می آیند آن را نصب العین خود قرار داده و راه گذشتگان صالح را پیش بگیرند، بر دشمنان خود غلبه خواهند کرد ، البته مادام که مؤمن باشند .

**هدف آیه ۲۵۳ و ۲۵۴ سوره بقره میزان ج: ۲ ص: ۴۶۸**

### بیان دلایل جنگ و اختلاف در امت رسولان بعد از آنان

« تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدَانَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مَّنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتِ وَ لَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَ مِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ...! »

سیاق این دو آیه خیلی از سیاق آیات قبل که امر به جهاد و تشویق به انفاق می کرد دور نیست، چون در آخر آن آیات، داستان جنگ طالوت را آورده تا مؤمنین از آن عبرت بگیرند و آن قصه با جمله: « و انک لمن المرسلین ...! » خاتمه یافت و دو آیه مورد بحث هم با جمله: « تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض! » آغاز شده و سپس به مساله جنگ در امت‌های انبیای بعد از آن حضرات بر می گردد .

و نیز در داستان قبلی یعنی قصه طالوت می فرمود: « ا لم تر الى الملا من بنی اسرائیل من بعد موسی ... ! » و قید: « من بعد موسی، » را ذکر نموده ، دو باره به دعوت و تشویق به انفاق برگشت و فرمود: انفاق کنید قبل از اینکه روزی فرا رسد که ... پس همه اینها این احتمال را تایید می کند که دو آیه مورد بحث، ذیل آیات سابق بوده و همه با هم نازل شده اند .

و سخن کوتاه آنکه: آیه شریفه، در مقام رد و دفع توهمی است که چه بسا به ذهن برسد و آن توهم این است که رسالت ، خصوصا از این جهت که همراه با معجزاتی روشن است که بر حقانیت آن دلالت می کند ، باید بلای جنگ‌های خانمان

برانداز را از بین ببرد، نه اینکه خود رسالت، آتش جنگ را برافروزد، حال یا از این جهت باید از بین ببرد که غرض خدای سبحان از ارسال رسولان و دادن معجزات به ایشان، این است که مردم را به سوی سعادت دنیوی و اخرویشان هدایت کند، پس برای بدست آمدن این غرض، باید آنان را از قتل باز داشته، دیگر اجازه چنین عملی را ندهد و همه را در راه هدایت جمع و متحد سازد و حال آنکه می‌بینیم بعد از انبیا باز هم جنگ‌ها و مشاجرات در میان امت‌های آنان ادامه دارد و مخصوصاً بعد از انتشار دعوت اسلام که اتحاد و اتفاق از ارکان و اصول احکام و قوانین آن است، چرا باید هنوز این درگیری‌ها در این امت پدید آید؟

و یا از این جهت باید از بین ببرد که مگر غیر از این است که فرستادن رسولان و آوردن معجزات روشن، برای دعوت به سوی حق است و برای این است که ایمان در دلها پدید آید؟ ایمان هم از صفات قلب است و نمی‌شود آن را با زور در دلها ایجاد کرد، پس فایده قتل چیست؟ و بعد از استقرار نبوت و پا گرفتن دعوت دینی دیگر جنگ چه معنا دارد؟

در آیه مورد بحث، خدای تعالی چنین پاسخ می‌دهد که قتل معلول اختلافی است که امتها خودشان پدید می‌آورند، چون اگر اختلافی نباشد کار اجتماعات به جنگ نمی‌کشد.

پس علت به وجود آمدن جنگها در بین مردم، اختلاف آنان است و اگر خدا می‌خواست، یا به کلی نمی‌گذاشت اختلافی پدید آید و در نتیجه، جنگ هم پدید نمی‌آمد و یا بعد از پیدا شدن این علت آن را خنثی می‌کرد، لیکن خدای سبحان آنچه را که ما می‌خواهیم، انجام نمی‌دهد چون تابع خواست ما نیست، او هر چه بخواهد می‌کند و یکی از چیزهایی را که خواسته، این است که جلوی علت‌ها را نگیرد و امور عالم طبق سنت العلل و الاسباب جریان یابد، این اجمال و خلاصه پاسخی است که از آیه استفاده می‌شود!

**هدف آیه ۲۵۵ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۵۰۰

### **بیان وحدانیت خدا در الوهیت، قیومیت، مالکیت و انحصار شفاعت**

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ!»

حاصل آن معنایی که از آیه استفاده می‌شود این است که خدای تعالی که

هیچ معبودی به جز او نیست، تمام حیات و زندگی مال اوست و او قیومیتی مطلق دارد، قیومیتی که هیچ عاملی آن را دستخوش ضعف و سستی نمی‌سازد و به همین جهت وقتی می‌خواهد این معنا را تعلیل کند با دو نام مقدس "علی" و "عظیم" تعلیل می‌کند و می‌فهماند که خدا به خاطر علو مقامی که دارا است مخلوقات به او نمی‌رسند تا به وسیله‌ای در وجود او سستی و در کار او وضعی پدید آورند و به خاطر عظمتش از کثرت مخلوقات به تنگ نیامده و عظمت آسمانها و زمین طاقتش را طاق نمی‌سازد، و جمله: " وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ! " خالی از دلالت بر حصر نیست و تا حدی از آن بر می‌آید که می‌خواهد علو و عظمت را منحصر در خدا کند و این حصر، یا حصر حقیقی است که حق هم همین است، برای اینکه علو و عظمت، خود از کمالات است و حقیقت هر کمالی از آن او است و یا حصری ادعایی است، که چون مقام، مقام تعلیل بود احتیاج پیدا شد که بطور ادعا، علو و عظمت را منحصر در خدا کند، تا آسمانها و زمین در قبال علو و عظمت خدای تعالی از علو و عظمت ساقط شود.

در این آیه شریفه چند صفت از صفات خدای سبحان ذکر شده: ۱- اینکه معبودی جز او نیست، ۲- اینکه او حی و قیوم است، ۳- اینکه هیچ عاملی از قبیل چرت و خواب با تسلط خود، قیومیت او را از کار نمی‌اندازد، ۴- اینکه او مالک آنچه در آسمانها و زمین است می‌باشد، ۵- اینکه کسی بدون اذن او حق شفاعت در درگاه او ندارد!

در ذکر این صفات رعایت ترتیب شده است، نخست وحدانیت خدا در الوهیت آمده و بعد قیومیت او، چون قیومیت بدون توحید تمام نمی‌شود و سپس مساله مالکیت او نسبت به آسمانها و زمین را آورد تا تمامیت قیومیت او را برساند، چون قیومیت وقتی تمام است که صاحب آن مالک حقیقی آسمانها و زمین و موجودات بین آن دو باشد.

**هدف آیه ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره** المیزان ج: ۲ ص: ۵۲۲

### نفی دین اجباری

« لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...! »

این آیه شریفه یکی از آیاتی است که دلالت می‌کند بر اینکه مبنا و اساس دین اسلام شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده، پس سست بودن سخن عده‌ای از آنها که خود را دانشمند دانسته، یا متدین به ادیان دیگر هستند و یا به هیچ دیانتی متدین نیستند و گفته‌اند که: اسلام دین شمشیر است و به مساله

جهاد که یکی از ارکان این دین است استدلال نموده‌اند، معلوم می‌شود!

در جمله: «لا اکراه فی الدین!» دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات، اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است، که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی و اما اعتقاد قلبی برای خود، علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزیاید.

خدای تعالی دنبال جمله: «لا اکراه فی الدین!» جمله: «قد تبین الرشد من الغی!» را آورده، تا جمله اول را تعلیل کند و بفرماید که چرا در دین اکراه نیست، حاصل تعلیل این است که اکراه و اجبار - که معمولاً از قوی نسبت به ضعیف سر می‌زند - وقتی مورد حاجت قرار می‌گیرد که قوی و ما فوق (البته به شرط اینکه حکیم و عاقل باشد و بخواهد ضعیف را تربیت کند)، مقصد مهمی در نظر داشته باشد، که نتواند فلسفه آن را به زیر دست خود بفهماند (حال یا فهم زیر دست قاصر از درک آن است و یا اینکه علت دیگری در کار است)، ناگزیر متوسل به اکراه می‌شود و یا به زیردست دستور می‌دهد که کورانه از او تقلید کند و ... و اما امور مهمی که خوبی و بدی و خیر و شر آنها واضح است و حتی آثار سوء و آثار خیری هم که به دنبال دارند، معلوم است، در چنین جایی نیازی به اکراه نخواهد بود، بلکه خود انسان یکی از دو طرف خیر و شر را انتخاب کرده و عاقبت آن را هم (چه خوب و چه بد)، می‌پذیرد و دین از این قبیل امور است، چون حقایق آن روشن و راه آن با بیانات الهیه واضح است و سنت نبویه هم آن بیانات را روشن‌تر کرده پس معنی رشد و غی روشن شده و معلوم می‌گردد که رشد در پیروی دین و غی در ترک دین و روگردانی از آن است، بنابراین دیگر علت ندارد که کسی را بر دین اکراه کنند.

و آن قتال و جهادی که اسلام مسلمانان را به سوی آن خوانده، قتال و جهاد به ملاک زورمداری نیست، نخواستنه است با زور و اکراه دین را گسترش داده و آن را در قلب تعداد بیشتری از مردم رسوخ دهد، بلکه به ملاک حق مداری است و اسلام به این جهت جهاد را رکن شمرده تا حق را زنده کرده و از نفیس‌ترین سرمایه‌های فطرت یعنی توحید دفاع کند و اما بعد از آنکه توحید در بین مردم گسترش یافت و همه به آن گردن نهادند، هر چند آن دین، دین اسلام نباشد، بلکه دین یهود یا نصارا باشد، دیگر اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانی با یک موحد دیگری نزاع و جدال

کند!

به عبارتی دیگر در آیه شریفه، جمله: «لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ!» اینطور تعلیل می‌شود که چون حق روشن است، بنا بر این قبولاندن حق روشن، اِکْرَاهَ نمی‌خواهد!

**هدف آیه ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره** المیزان ج: ۲ ص: ۵۳۱

### بیان معنای توحید

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَهِیمَ فِی رَبِّهِ أَنْ ءَاتَاهُ اللّهُ الْمُلْکَ...!»

این آیات در بر دارنده معنای توحید است و بهمین جهت بی‌ارتباط با آیات قبل نیست و احتمال دارد با همان آیات یکجا نازل شده باشد. این کسی که با ابراهیم در خصوص پروردگار ابراهیم بحث و محاجه می‌کرده پادشاه معاصر او یعنی نمرود بود و بنا به گفته تاریخ و روایات یکی از سلاطین بابل قدیم بوده است.

**هدف آیه ۲۶۱ تا ۲۷۴ سوره بقره** المیزان ج: ۲ ص: ۵۸۴

### نشان دادن اهمیت انفاق و مورد و محل مصرف آن

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سَنَبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللّهُ یُضَعِفُ لِمَن یَشَاءُ وَ اللّهُ وَسِعٌ عَلِیمٌ...!»

سیاق این آیات از این جهت که همه در باره انفاق است و مضامین آنها به یکدیگر ارتباط دارد این را می‌فهماند که همه یک باره نازل شده و این آیات مؤمنین را تحریک و تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند.

نخست برای زیاد شدن و برکت مالی که انفاق می‌کنند مثلی می‌زند، که یک درهم آن هفتصد درهم می‌شود و چه بسا که خدا بیشترش هم می‌کند. سپس برای انفاق ریائی و غیر خدائی مثلی می‌آورد تا بفهماند که چنین انفاقی برکت و بهره‌ای ندارد! در مرحله سوم مسلمانان را از انفاق با منت و اذیت نهی می‌کند، زیرا که منت و اذیت اثر آن را خنثی می‌کند و اجر عظیمش را حبط نموده و از بین می‌برد! سپس دستور می‌دهد که از مال پاکیزه خود انفاق کنند، نه اینکه از جهت بخل و تنگ نظری هر مال ناپاک و دور انداختنی را در راه خدا بدهند!

آنگاه موردی را که باید مال در آن مورد انفاق شود ذکر می‌کند که عبارت است از فقرائی که در راه خدا از هستی ساقط شده‌اند! در آخر اجر عظیمی که این انفاق نزد خدای تعالی دارد بیان می‌کند.



و سخن کوتاه اینکه: آیات مورد بحث ، مردم را دعوت به انفاق می‌کند و در مرحله اول، جهت این دعوت و غرضی را که در آن است بیان نموده و می‌فرماید : هدف از این کار باید خدا باشد نه مردم، در مرحله دوم صورت عمل و کیفیت آن را تبیین کرده که باید منت و اذیت به دنبال نداشته باشد، در مرحله سوم وضع آن مال را بیان می‌کند که باید طیب باشد نه خبیث، در مرحله چهارم مورد آن را که باید فقیری باشد که در راه خدا فقیر شده و در مرحله پنجم اجر عظیمی که در دنیا و آخرت دارد بیان نموده است .

**هدف آیه ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۶۲۵

### نشان دادن اثر سوء ربا در از هم پاشیده شدن جامعه

« الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ...! »

این آیات در مقام تاکید حرمت ربا و تشدید بر رباخواران است، نه اینکه بخواهد ابتداء ربا را حرام کند، چون لحن تشریح لحن دیگر است، آن آیه‌ای که می‌توان گفت حرمت ربا را تشریح کرده آیه زیر است که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربوا اضعافا مضاعفة و اتقوا الله لعلکم تفلحون!»

از سیاق آیه بر می‌آید مسلمانان از آیه سوره آل عمران که ایشان را نهی می‌کرده منتهی نشده بودند و از ربا خواری دست برداشته بودند و بلکه تا اندازه‌ای همچنان در بینشان معمول بود ، لذا خدای سبحان در این سوره نیز برای بار دوم به آنان دستور می‌دهد که از ربا خواری دست بردارند و آنچه از ربا که در ذمه بدهکاران مانده نگرفته و مطالبه نمایند!

قبل از آنکه آیه سوره آل عمران نازل شود سوره روم نازل شده بود ، چون سوره روم در مکه نازل شده ، در آنجا می‌فرماید: «و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله و ما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون!» از اینجا این معنا روشن می‌شود که مساله ربا خواری از همان اوائل بعثت رسول خدا و قبل از هجرت عملی منفور بود، تا آنکه در آیه سوره آل عمران صریحا تحریم و سپس در آیه سوره بقره (یعنی همین آیات مورد بحث)، در باره آن تشدید شده است.

علاوه بر اینکه حرمت ربا بنا به حکایت قرآن کریم در بین یهود معروف بوده ،

چون قرآن کریم می‌فرماید: «و اخذهم الربوا و قد نهوا عنه...» و نیز آیه‌ای که قرآن مجید از یهودیان ، نقل می‌کند که می‌گفتند: « لیس علینا فی الامیین سبیل!» اشاره‌ای به این معنا دارد با در نظر گرفتن اینکه قرآن کریم کتاب یهود را تصدیق کرده و در مورد ربا نسخ روشنی ننموده ، دلالت دارد بر اینکه ربا در اسلام حرام بوده است .

و این آیات یعنی آیات مورد بحث با آیات قبلش که در باره انفاق است، بی‌ارتباط نیست ، همچنانکه از جمله: « یمحق الله الربوا و یربی الصدقات!» و جمله: «و ان تصدقوا خیر لکم!» که در ضمن این آیات آمده ، این ارتباط فهمیده می‌شود همچنانکه در سوره روم و آل عمران نیز مساله ربا مقارن با مساله انفاق و صدقه واقع شده است بعلاوه دقت در آیات نیز این ارتباط را تایید می‌کند زیرا ربا خواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است ، چون ربا خوار ، پول بلا عوض می‌گیرد و انفاق‌گر پول بلاعوض می‌دهد و نیز آثار سوئی که بر ربا خواری بار می‌شود درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می‌آید، آن ، اختلاف طبقاتی و دشمنی می‌آورد و این بر رحمت و محبت می‌افزاید ، آن خون مسکینان را به شیشه می‌گیرد و این باعث قوام زندگی محتاجان و مسکینان می‌شود آن اختلاف در نظام و نا امنی می‌آورد و این انتظام در امور و امنیت .

خدای سبحان در این آیات در امر ربا خواری شدتی به کار برده که در باره هیچ یک از فروع دین این شدت را به کار نبرده است مگر یک مورد که سخت‌گیری در آن نظیر سخت‌گیری در امر ربا است ، و آن این است که : مسلمانان ، دشمنان دین را بر خود حاکم سازند و اما بقیه گناهان کبیره هر چند قرآن کریم مخالفت خود را با آنها اعلام نموده و در امر آنها سخت‌گیری هم کرده و لیکن لحن کلام خدا ملایم‌تر از مساله ربا و حکومت دادن دشمنان خدا بر جامعه اسلامی است و حتی لحن قرآن در مورد زنا و شرب خمر و قمار و ظلم و گناهانی بزرگتر از این ، چون کشتن افراد بی‌گناه ، ملایم‌تر از این دو گناه است .

و این نیست مگر برای اینکه فساد آن گناهان از یک نفر و یا چند نفر تجاوز نمی‌کند و آثار شومش تنها به بعضی از ابعاد زندگانی را در بر می‌گیرد و آن عبارت است از فساد ظاهر اجتماع و اعمال ظاهری افراد ، به خلاف ربا و حکومت بی‌دینان که آثار سوئش بنیان دین را منهدم می‌سازد و آثارش را به کلی از بین می‌برد و نظام حیات را تباه می‌سازد و پرده‌ای بر روی فطرت انسانی می‌افکند و حکم فطرت را ساقط می‌کند و دین را به دست فراموشی می‌سپارد!

جریان تاریخ نیز این نظریه قرآن را تصدیق کرده و شهادت می‌دهد که امت اسلام از اوج عزت به پائین‌ترین درجه ذلت نیفتاد و مجد و شرفش به غارت نرفت و فاقد مال و عرض و جان خود نشد، مگر وقتی که در امر دین خود سهل‌انگاری کرد و دشمنان دین را دوست خود گرفته، زمام امر حکومت خود را به دست ایشان سپرد و کارش به جایی رسید که نه مالک مرگ خود بود و نه مالک زندگی‌اش، نه اجازه می‌یافت تا بمیرد و نه فرصت پیدا می‌کرد تا از مواهب و نعمتهای زندگانی برخوردار گردد، لذا دین از میان مسلمانان رخت بر بست و فضائل نفسانی از میان آنان کوچ نمود.

رباخواران به جمع کردن اموال و انباشتن ثروت پرداختند و در راه به دست آوردن جاه و مقام با یکدیگر مسابقه گذاشتند و همین باعث به راه افتادن جنگهای جهانی شد و جمعیت دنیا به دو دسته تقسیم گردیده و رو بروی هم ایستادند، یک طرف ثروتمندان مرفه و طرف دیگر استثمار شدگان بدبختی که همه چیزشان به غارت رفته بود و این جنگهای جهانی بلائی شد که کوهها را از جای کند و زلزله در زمین افکند انسانیت را تهدید به فنا کرد و دنیا را به ویرانه‌ای تبدیل نمود:

«ثم كان عاقبة الذين اساءوا السواى!»

آری عاقبت کسانی که بد کردند همان بدی بود!

آنچه قرآن کریم در باب رباخواری و سرپرستی دشمنان دین فرموده از پیشگوئی‌های قرآن است!

**هدف آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۶۶۶

### بیان اصول احکام قرض و رهن و مسائل مربوط به آن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...!»

این دو آیه دلالت دارند بر قریب بیست حکم از اصول احکام قرض و رهن و غیر آن دو.

**هدف آیه ۲۸۴ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۶۷۰

### بیان احاطه خدا به انسانها و نیات و اعمال آنها

«لَلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُخَاسِبِكُمْ

بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ!»

می‌خواهد بفرماید آنچه در آسمانها و زمین است، که از آن جمله، شما انسانها و اعمال شما است و آنچه که دل‌های شما کسب می‌کند همه و همه ملک خدا است و

خدا محیط به شما و مسلط و مشرف بر اعمال شما است و برای او هیچ تفاوتی ندارد که شما اعمالتان را علنی انجام دهید و یا پنهانی ، هر جور انجام دهید ، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند!

**هدف آیه ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره** میزان ج: ۲ ص: ۶۷۸

### خلاصه هدف سوره بقره: ایمان به خدا، ملائکه، کتب آسمانی و رسولان

«ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ! لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصِرْنَا عَلَى الْكُفْرِينَ!»

گفتار در این دو آیه خلاصه مطالبی است که غرض خود سوره بقره بود و آن بیان این معنا است که حق عبادت خدای تعالی این است که عبد، به تمامی آنچه او به زبان پیامبرانش بر بندگانش نازل کرده ایمان آورد، بدون اینکه میان پیامبران او فرقی بگذارند و این غرض، همان غرضی است که آیه اولی تا کلمه: «من رسله» ایفا نموده و در سوره قصص هم مخالف این دستور را از بنی اسرائیل حکایت می‌کند که با اینکه انواعی از نعمت‌ها از قبیل کتاب و نبوت و ملک و غیر آن را به ایشان داده بود ، آنان این نعمت‌ها را با عصیان و تمرد و شکستن میثاقها و کفر ، تلافی کردند. این همان معنائی است که ذیل آیه اول و همه آیه دوم به آن اشاره نموده، می‌فرماید: باید بندگان برای اجتناب از آنها به خدا پناه ببرند، بنا بر این، آخر آیه به اولش و خاتمه‌اش به آغازش برمی‌گردد .

از اینجا خصوصیت مقام بیان در این دو آیه روشن می‌شود، توضیح اینکه خدای سبحان سوره را با صفتی شروع کرد که واجب است هر فرد با تقوائی متصف به آن صفت بوده باشد و آن صفت عبارت است از اینکه بر بنده خدا واجب است از عهده حق پروردگار برآید .

می‌فرماید: بندگان با تقوای او ، به غیب ایمان دارند و نماز را بپا می‌دارند ، و از آنچه خدا روزیشان کرده انفاق می‌کنند و به آنچه بر پیامبر اسلام و سایر رسولان نازل کرده ، ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند!

و به دنبال چنین صفتی است که خدا آنان را مورد انعام قرار داده و هدایت قرآن را روزیشان کرد.

دنبال این مطلب به شرح حال کفار و منافقین پرداخت و سپس بطور مفصل ، وضع اهل کتاب و مخصوصا یهود را بیان کرد و فرمود که خدای تعالی با هدایت کردن آنان بر ایشان منت نهاد و با انواعی از نعمت‌ها گرامیشان داشت و مورد عنایات عظیمی قرار داد ، ولی در مقام تلافی ، جز با طغیان و عصیان نسبت به خدا و کفران نعمت‌ها و انکار او و رسولانش و دشمنی با فرشتگانش و تفرقه انداختن میان رسولان و کتب او بر نیامده و عکس‌العملی نشان ندادند.

خدای تعالی هم همانگونه با آنان مقابله کرد ، که با تکالیفی دشوار و احکامی سخت ، از قبیل به جان هم افتادن و یکدیگر را کشتن و به صورت میمون و خوک مسخ شدن و با صاعقه و عذاب آسمانی معذب نمودن ، محکومشان نمود!

سپس در خاتمه سوره ، به همین مطالب برگشته ، بعد از بیان وصف رسول و مؤمنین به او می‌فرماید : اینها بر خلاف آنان هستند ، اینان هدایت و ارشاد خدا را تلقی به قبول و اطاعت کرده ، به خدا و ملائکه و کتب و رسولان او ایمان آوردند ، بدون اینکه میان هیچ یک از پیامبران فرق بگذارند و با این طرز رفتار ، موقف خود را که همانا موقف بندگی است که ذلت عبودیت و عزت ربوبیت بر آن احاطه دارد ، حفظ کردند ، چون مؤمنین در عین اینکه به تمام معنا دعوت حق را اجابت کرده‌اند ، به این مطلب اعتراف دارند که از ایفای حق بندگی و اجابت دعوت خدا عاجزند ، چون اساس و پایه هستیشان بر ضعف و جهل است .

به همین جهت گاهی از تحفظ نسبت به وظائف و مراقبت از آن کوتاهی می‌کنند ، یا فراموش می‌کنند ، یا دچار خطا می‌شوند و یا در انجام واجبات الهی کوتاهی نموده ، نفسشان با ارتکاب گناهان به ایشان خیانت می‌کند و ایشان را به ورطه غضب و مؤاخذه خدا نزدیک می‌سازد ، همانطور که اهل کتاب را قبل از ایشان به آن نزدیک ساخت ، از این جهت به ساحت مقدس خدا و به عزت و رحمت او پناه می‌برند از اینکه ایشان را در صورت خطا و نسیان مؤاخذه فرماید! درخواست می‌کنند به خاطر خطا و نسیان ما را به تکالیف دشوار مکلف مفرما و به عذاب‌هایی که طاقتش را نداریم معذب مدار و ما را عفو کن و بیامرز و بر قوم کفار پیروز کن!

پس این است آن معنائی که آیات مورد بحث در صدد بیان آن هستند و بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید ، همین معنا موافق با غرضی است که آن را دنبال کرده است.

## هدف و فلسفه نزول سوره آل عمران

(المیزان ج: ۳ ص: ۴)

### دعوت به توحید کلمه و تشویق به مقابله با یهود و نصاری و مشرکین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! الم ! اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ! نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ! مِنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ! إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ! هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ! » (آل عمران/۶)

سوره آل عمران، این مقصود را دنبال می‌کند که مؤمنین را به توحید کلمه بخواند، تشویقشان کند تا هر چه زودتر یک پارچه شوند و خود را برای مقابله با دشمنان یعنی یهود و نصارا و مشرکین آماده سازند. باید در مقابل ناملایماتی که می‌بینند صبر کنند، زیرا موقعیتی بس خطرناک دارند، چون دشمنان مشغول جمع‌آوری نیرو هستند و در خاموش کردن نور خدا با دست و دهان خود یکدل و یک جهت شده‌اند.

این احتمال خیلی به ذهن نزدیک می‌رسد که سوره آل عمران همه‌اش یکباره نازل شده باشد، برای اینکه آیاتش که دوپست آیه است ظهوری روشن در بهم پیوستگی و انسجام دارد و از اول تا به آخر متناسب با هم است و پیداست که همه اغراض آنها بهم مربوط است و به همین جهت این احتمال از هر احتمالی دیگر بنظر قوی‌تر می‌آید، که بگوئیم این سوره وقتی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده که تا حدودی دعوتش جا افتاده بود برای اینکه در بین آیاتش، هم سخنی از جنگ احد و واقعه مباحله و نفرین کردن با نصارای نجران و یادی از کار یهود دیده می‌شود و هم تحریکی نسبت به مشرکین است.

و نیز مسلمانان را به صبر می‌خواند و دستور می‌دهد تا یکدیگر را به صبر سفارش کنند و دست به دست یکدیگر داده وحدتی تشکیل دهند و همه اینها مؤید این معنا است که سوره مورد بحث، در روزگاری نازل شده که مسلمانان، مبتلا به دفاع از حوزه دین بودند، دفاعی که برای آن، همه قوا و ارکان خود را بسیج کرده بودند.

از یک طرف در اثر فتنه‌جوئیهای یهود و نصارا در داخل جمعیت خود، با درگیریها و فتنه و آشوبها روبرو بودند، فتنه‌هایی که تشکل آنان را سست می‌کرد، باید برای خاموش کردن آشوبهای آنان قسمت عمده‌ای از وقت خود را صرف احتجاج و بگومگویی با آنان کنند. از سوی دیگر با مشرکین درگیر بودند و باید با آنها بجنگند و همیشه در حال آماده باش بوده و لحظه‌ای امنیت نداشته باشند، چون در آن ایام اسلام در حال انتشار بوده و آوزاه‌اش همه جا را پر کرده بود و مردم دنیا چه یهودش و چه مسیحیش و چه مشرکش همه علیه اسلام قیام کرده بودند.

از پشت سر این سه طایفه دو امپراطوری بزرگ آن روز دنیا یعنی روم و ایران و غیره نیز چنگ و دندان نشان می‌دادند.

خدای سبحان در این سوره از حقایق و معارفی که بشر را به سوی آنها هدایت فرموده آن مقداری را که باعث دلگرمی مؤمنین است یادآور می‌شود تا مؤمنین، هم دلخوش شوند و هم آلودگی شبهات و وساوس شیطانی و تسویلات اهل کتاب از دلهاشان زایل شود و هم برایشان روشن گردد که خدای تعالی هرگز از تدبیر ملک خود غافل نبوده و خلق او را عاجز نکرده‌اند و اگر دین خود را تشریح نموده و جمعی از بندگانش را بسوی آن دین هدایت نموده، همه بر طبق طریقه و عادت جاریه و سنت دائمی خود بوده و آن سنت عبارت است از سنت علل و اسباب پس مؤمن و کافر هم طبق همین سنت علل و اسباب زندگی می‌کنند، یک روز دنیا به کام کافر و روزی دیگر به کام مؤمن است، چون دنیا میدان امتحان است و امروز روز عمل و فردا روز جزا است!

**هدف آیه ۷ تا ۹ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۲۸**

### تفہیم موضوع آیات محکم و متشابہ

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ...!»

خدای تعالی در آیه نخست، فرستادن کتاب بر خاتم الانبیا «ص» را انزال خوانده، انزال به معنای فرو فرستادن یکپارچه است. علت این تعبیر این بوده که مقصود، بیان پاره‌ای از اوصاف و خواص مجموع کتاب نازل است نه اوصاف اجزای آن! و یکی از اوصاف مجموع کتاب این است که این کتاب مشتمل است بر آیات محکم و آیات متشابہ، که برگشت قسمت دوم (متشابہات) به قسمت اول )

محکمت) است و به وسیله آنها، آیات متشابه شرح و تبیین می‌شود. در آیه مورد بحث، منظور از احکام محکمت، صراحت و ائقان این آیات است و می‌خواهد بفرماید آیات محکم مانند آیات متشابه هیچ تشابهی در آنها نیست و خواننده بدون تردید و اشتباه به معنایش پی می‌برد، نه اینکه العیاذ بالله معنایش این باشد که بعضی از آیات قرآن معنادار است و بعضی دیگر سست و بی‌معنا است چون خدای عزوجل در سوره هود آیه اول تمامی آیات قرآن را محکم و متقن خوانده و فرموده: «کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر!»

چیزی که هست از آنجائی که دنبال جمله: «احکمت آیاته!» فرموده: «ثم فصلت!» می‌فهمیم که مراد از احکام، حالی است از حالات تمامی آیات کتاب، می‌خواهد بفرماید قرآن کریم قبل از نزول، امری واحد بوده و هنوز دستخوش تجزی و تبعض نشده بود، در آن موقع آیاتش متعدد نبود( و وقتی قرار شد نازل شود یعنی در خور فهم بشر گردد دارای آیات و اجزا شد. مترجم.)

پس کلمه احکام در آیه سوره هود وصف تمامی کتاب است و در آیه مورد بحث وصف بعضی از آیات نسبت به بعضی دیگر است چون معنای بعضی از آیات قرآن روشن است و تشابهی در آنها نیست و بعضی دیگر اینطور نیست .

#### هدف آیه ۱۰ تا ۱۸ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۱۳۶

#### **دفع شبهات منافقین در روزهای بحرانی اسلام**

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَ أُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ...!»

مسلمانان در روزهایی که سوره آل عمران نازل می‌شد مبتلا به توطئه‌گری های منافقینی بودند که در داخل جماعتشان رخنه کرده بودند، یک عده ساده لوح هم وجود داشتند که آنچه را منافقین و یا دشمنان اسلام به منظور واژگونه کردن امور و تباه ساختن دعوت اسلام شایع می‌کردند باور نموده و دچار وسوسه می‌شدند .

این گرفتاریهای مسلمین از داخل بود، گرفتاریهایی هم از خارج داشتند و آن این بود که همه دنیا که یا مشرک بودند و یا یهود و یا نصارا ، علیه دعوت اسلام قیام کرده بودند و برای خاموش کردن نور دین و ابطال دعوت مسلمین و بی اثر کردن تلاشهای آنان دست به دست هم داده ، به هر وسیله ممکن ( قلماً و قدماً) تمسک می‌کردند.

غرض این سوره دعوت مسلمین است به توحید کلمه و صبر و ثبات، تا از این راه امورشان اصلاح شود و فسادهایی که در داخل اجتماعشان هست و هجوم‌هایی که



از خارج به ایشان می‌شود، رفع گردد.

آیات قبل، از آنجا که می‌فرمود: «هو الذی انزل علیک الکتاب ... ان الله لا یخلف المیعاد!» اشاره‌ای بود به منافقین و آنهایی که دلپایشان مبتلا به زیغ و انحراف بود و مسلمانان را دعوت می‌کرد به اینکه در آنچه از معارف دینی درک کرده‌اند ثبات قدم به خرج دهند و در آنچه هم درک نکرده‌اند و بر ایشان مشتبه است ایمان و تسلیم داشته باشند، هر چند که کنه و حقیقت آنرا نفهمیده باشند و خاطر نشان می‌ساخت که هر فتنه‌ای گریبان مسلمین را بگیرد و نظام سعادتشان را مختل سازد از ناحیه پیروی متشابهات و تاویل کردن آیات خدا است، که اگر چنین کنند دینی که برای هدایت آنان نازل شده، همان دین، وسیله ضلالت و بدبختیشان می‌شود و اجتماعشان مبدل به افتراق شده و نظامشان مختل می‌گردد.

و اما در این آیات به بیان حال مشرکین و کفار پرداخته و می‌فرماید: بزودی شکست خواهند خورد و نمی‌توانند خدای را به ستوه بیاورند و در طغیان خود پیروز نمی‌شوند!

بنا بر این بیان، آیات مورد بحث همانطور که از مضامینش پیداست متعرض حال کفار است، همچنان که آیات بعد از این چند آیه، متعرض حال اهل کتاب از یهود و نصارا است.

#### هدف آیه ۱۹ تا ۲۵ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۱۸۷

#### **بیان انحصاری بودن دین به اسلام (تسلیم حق شدن)**

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَلْدِينِ أَوْ تَوَّاءُ الْكِتَابِ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ...!»

این آیات در بیان حال اهل کتاب است که آخرین طوائف سه‌گانه‌ای است که گفتیم در این سوره به شرح حال آنان می‌پردازد و مقصود مهم و اصلی از ذکر طوائف نامبرده، همین طایفه است و قسمت عمده این سوره در باره همین طایفه یعنی یهود و نصارا نازل شده و یا بالآخره به ایشان مربوط می‌شود.

«ان الدین عند الله الاسلام...!»

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده مگر در باره همان دین و هیچ آیت و معجزه‌ای به پا نکرده مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن و به عقیده‌های حق معتقد گشتن و اعمال حق انجام دادن و به عبارتی دیگر: آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در

برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقائد و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می‌شود!

و این بیان هر چند به طوری که در قرآن حکایت شده در شرایع رسولان و انبیای او از نظر مقدار و کیفیت مختلف است، لیکن در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست، اختلافی که در شریعت‌ها هست از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد و معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگان می‌خواهد.

### هدف آیه ۲۶ و ۲۷ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۲۰۰

#### بیان مالک ملک بودن خدا

« قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ! »  
 « تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيَّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَمِيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرُزِّقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ! »

این دو آیه خیلی با آیات قبل که در باره اهل کتاب و مخصوصا یهود بود بی‌ارتباط نیست، چون این دو آیه مشتمل است بر تهدید یهود به عذاب دنیا و آخرت و یکی از عذابها همین است که خدا ملک را از ایشان سلب کرد و ذلت و مسکنت را تا روز قیامت بر آنان حتمی نمود و نفسشان را قطع کرد و استقلال در زندگی و سروری را از ایشان سلب کرد!

علاوه بر اینکه غرض این سوره به بیانی که در آغاز گذشت این بود که بفهماند خدا قائم بر خلق عالم و تدبیر آن است، پس مالک ملک او است و او است که ملک را به هر کس بخواهد می‌دهد، هر که را بخواهد عزت می‌بخشد. کوتاه سخن آنکه تنها کسی که به هر کس بخواهد خیر دهد می‌تواند بدهد او است و تنها او است که ملک و عزت و هر چیز دیگر را از هر کس بخواهد می‌گیرد، پس مضمون دو آیه مورد بحث خارج از غرض سوره نیست.

در این آیه خداوند رسول گرامی خود را امر می‌کند به اینکه به خدائی پناهنده شود که تمامی خیرها به طور مطلق به دست او است و قدرت مطلقه خاص او است، تا از این ادعاهای موهومی که در دل منافقین و متمردين از حق (از مشرکین و اهل کتاب) جوانه زده و در نتیجه گمراه و هلاک شده‌اند، نجات یابد! آری اینان برای خود ملک و عزت فرض کردند و خود را بی‌نیاز از خدا پنداشتند و خدا آنجناب و هر

کس دیگر را امر می‌کند به اینکه نفس خود را در معرض افاضه خدا، که مفوض هر خیر و رازق بی حساب هر روزی خوار است، قرار دهد!

### هدف آیه ۲۸ تا ۳۲ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۲۳۵

#### **دستور نهی از دوستی مومنین با کافرین**

« لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ...! »

مقام آیات مقام تعرض حال اهل کتاب و مشرکین و تعریض برایشان است، پس بین این آیات و آیات قبل ارتباط هست، در نتیجه مراد از کافرین در این آیات نیز اعم از اهل کتاب و مشرکین است.

اگر از دوستی و اختلاط روحی با کفار نهی می‌کند، از دو طایفه نهی می‌کند و اگر مراد از کفار تنها مشرکین باشند، باید گفت آیات متعرض حال آنان است و مردم را دعوت می‌کند به اینکه مشرکین را رها نموده به حزب خدا متصل شوند و خدا را دوست بدارند و رسول او را اطاعت کنند!

غالباً ولایت مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است، یک ولی در امور مولی علیه (یعنی کسی که تحت سرپرستی او است)، دخالت می‌کند، تا پاسخگوی علاقه او نسبت به خودش باشد، یک مولی علیه اجازه دخالت در امور خود را به ولیش می‌دهد، تا بیشتر به او تقرب جوید، اجازه می‌دهد چون متاثر از خواست و سایر شؤون روحی او است، پس تصرف محبوب در زندگی محب، هیچگاه خالی از حب نیست.

در نتیجه اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده‌ایم، امتزاج روحی هم ما را می‌کشاند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شؤون حیاتی آنان متاثر گردیم و آنان می‌توانند در اخلاق و رفتار ما دست بیندازند! دلیل بر این معنا آیه مورد بحث است که جمله: «من دون المؤمنین»، را قید نهی قرار داده و می‌فرماید مؤمنین کفار را اولیای خود نگیرند در حالی که با سایر مؤمنین دوستی نمی‌ورزند، که از این قید به خوبی فهمیده می‌شود که منظور آیه این است که بفرماید اگر تو مسلمان اجتماعی و به اصطلاح نوع دوست هستی، باید حداقل مؤمن و کافر را به اندازه هم دوست بداری و اما اینکه کافر را دوست بداری و زمام امور جامعه و زندگی جامعه را به او بسپاری و با مؤمنین هیچ ارتباطی و علاقه‌ای نداشته باشی، این بهترین دلیل است که تو با کفار سنخیت داری و از مؤمنین جدا و بریده‌ای و این صحیح نیست پس زنهار باید از دوستی با کفار اجتناب کنی!

در آیات کریمه قرآن هم نهی از دوستی با کفار و یهود و نصارا مکرر آمده و لیکن موارد نهی مشتمل بر بیانی است که معنای این نهی را تفسیر می‌کند و کیفیت ولایتی را که از آن نهی فرموده تعریف می‌کند.

وقتی یک فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد و این ولایت قوی هم باشد، خود به خود خواص ایمانش و آثار آن فاسد گشته و بتدریج اصل ایمانش هم تباه می‌شود و به همین جهت است که در دنبال آیه مورد بحث اضافه کرد: «و من یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء!» و سپس اضافه کرد: «الا ان تتقوا منهم تقیة!» در جمله اول فرمود کسی که چنین کند هیچ ارتباطی با حزب خدا ندارد و در جمله دوم، مورد تقیه را استثنا کرد، چون تقیه معنایش این است که مؤمن از ترس کافر اظهار ولایت برای او می‌کند و حقیقت ولایت را ندارد!

**هدف آیه ۳۳ تا ۶۰ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۲۵۷**

### داستان عیسی و مریم و زکریا (ع)

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ ءَالَ إِبْرَاهِيمَ وَ ءَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ...!»

از اینجا آیات راجع به قصص عیسی بن مریم علیهما السلام و مطالب مربوط به آن قصص خالی از خرافاتی که به این قصص چسبانده‌اند آغاز می‌شود و در این آیات علیه اهل کتاب احتجاج شده و دو آیه اول رابط بین آیات قبل با آیات بعد است، چون آیات قبل هم متعرض حال اهل کتاب بود.

**هدف آیه ۶۱ تا ۶۳ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۲۵۰**

### تعلیم گفتمان مباحله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ...!»

مضمون آیه که دعوت به مباحله است، نتیجه‌گیری و تفریع بر تعلیم الهی است که در دو آیه قبل خاطر نشان نموده، فرمود: «ذلک نتلوه علیک - این داستان عیسی بر تو تعلیم کردیم از آیات ما و ذکر حکیم است!» و در آیه بعدش مطلب را با جمله: «حق از ناحیه پروردگار تو است، پس از مرددین مباش!» تاکید و ختم کرد و در آیه مورد بحث آن تعلیم الهی را با بیانی واضح‌تر بیان می‌کند و چه بیانی روشن‌تر از مباحله!

**هدف آیه ۶۴ تا ۷۸ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۳۸۶****تعلیم گفتمان با اهل کتاب**

« قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ...! »

این آیات بیان مرحله دوم از حالات اهل کتاب - عموماً - و نصارا را - خصوصاً - آغاز نموده و ملحقاتی مربوط به این غرض چون در سابق متعرض مرحله اول یعنی بیان حال عموم اهل کتاب شده، در این آیات دو باره متعرض حال عموم اهل کتاب می‌شود، اما با لسان و نظمی دیگر، غیر از آن نظمی که در سابق داشت، در این آیات و آیات ملحق به آن که بعداً می‌آید بر حسب مناسبتی که با خصوصیات بیانات داشته، مسائل متفرقه‌ای را ایراد می‌کند، مانند آیه: «قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات الله...!» و آیه: «قل یا اهل الکتاب لم تصدون عن سبیل الله!» و متعرض حال نصارا و ادعاهائی که درباره عیسی دارند شده و می‌فرماید: «ما کان لبشر ان یتوبه الله الکتاب...!» و در آیاتی بسیار و متفرق، متعرض اموری شده که مربوط به مؤمنین است، نظیر دعوتشان به اسلام و اتحاد و پرهیز از ولایت کفار و گرفتن محرم اسراری از غیر مؤمنین.

**هدف آیه ۷۹ و ۸۰ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۴۲۲****بیان پاکی ساحت مسیح از عقاید خرافی**

« مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِّي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِن كُونُوا رَبَّيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ...! »

قرار گرفتن این آیات به دنبال آیات مربوط به داستان عیسی علیه‌السلام این معنا را می‌رساند که گوئی این آیات فصل دوم از احتجاج و استدلال بر پاکی ساحت مسیح از عقائد خرافی است که اهل کتاب یعنی نصارا نسبت به او دارند و گویا خواسته است بفرماید: عیسی آنطور که شما پنداشته‌اید نیست، او نه رب است و نه خودش ربوبیت برای خود قائل شده است!

**هدف آیه ۸۱ تا ۸۵ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۵۱۲****بیان میثاق پیامبران**

« وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي

قَالُوا أَفَرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشَّاهِدِينَ...!»

این آیات بی ارتباط با آیات قبل نیست، سیاق آن و سیاق آیات قبل هم یکی است و سخن با همان وحدتش جریان دارد و خلاصه اینکه این آیات دنباله همان آیات است گوئی خدای تعالی بعد از آنکه بیان کرد که اهل کتاب در علمی که به کتاب داشتند و در دینی که خدا به ایشان داده بود همواره اخلال و سنگ اندازی می کردند و کلمات خدا را جابجا می نمودند و می خواستند به این وسیله حقایق را بر مردم مشتبه سازند و بین پیامبران تفرقه انداخته و بگویند: ما آن پیامبر را قبول داریم ولی این (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول نداریم و نیز بعد از اینکه این تهمت را نفی کرد، که پیغمبری از پیامبران چون موسی و عیسی علیهما السلام دستور داده باشد که خود او و یا غیر او را مثلاً یکی از پیامبران را و یا ملائکه را ارباب خود بگیرند، همانطور که نصارا به صراحت و بی رودربایستی می گویند، عیسی خداست و همانطور که از ظاهر کلام یهود چنین چیزی استفاده می شود اینک در این آیات ، تخطئه یهود و نصارا را شدت بخشیده و می فرماید: نه تنها آن دو بزرگوار چنین چیزی را نگفته بودند بلکه نمی توانستند بگویند، برای اینکه خدای تعالی از تمامی انبیا پیمان گرفته که به همه پیامبران ایمان آورند - چه پیغمبران قبل از خودشان و چه بعد از ایشان - و او را یاری کنند ، به این معنا که هر پیغمبری، پیغمبران قبل از خود را تصدیق کند و مردم را به آمدن پیغمبران بعد از خودش بشارت دهد .

همانطور که عیسی علیه السلام، پیامبر قبل از خود یعنی موسی را تصدیق کرد و به آمدن پیامبر بعد از خودش یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشارت داد و همچنین خدای تعالی از انبیا پیمان گرفت ، که از مردم و امت خود پیمان بگیرند و حداقل آنان را شاهد بر خودشان قرار دهند .

و در دو آیه بعد بیان می کند که این همان اسلام است که حکمش در همه آسمانها و زمین گسترش می یابد و در چهار آیه بعد به رسول گرامی خود دستور می دهد که خود آن جناب نیز طبق این پیمان عمل نموده و آنرا قبول کند و در نتیجه هم به خدا ایمان بیاورد و هم به تمامی احکامی که خدای تعالی بر انبیای خود نازل کرده است .

**هدف آیه ۹۶ و ۹۷ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۴۱**

**بیان تقدم خانه کعبه به بیت المقدس و پاسخ شبهات یهود**

« إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ أ فِيهِ ءآيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا قَامُوا عَلَيْهِمْ وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ أ»

این دو آیه، به یک شبهه دیگر یهود پاسخ می‌دهد، شبهه‌ای که باز از جهت نسخ بر مؤمنین وارد می‌کردند و آن شبهه در مساله قبله و برگشتن آن از مسجد الاقصی به مسجد الحرام پیش آمد. برگشتن قبله یکی از امور مهمی بود که تاثیرهای عمیقی - هم مادی و هم معنوی - در زندگی اهل کتاب و مخصوصا یهود گذاشت . علاوه بر اینکه با عقیده آنان به محال بودن نسخ سازگار نبود، به خاطر همین جهات، بعد از آمدن حکم قبله و برگشتن آن به طرف مکه تا مدت‌های مدید مشاجره و بگومگوی آنان با مسلمین به درازا کشید .

و آنچه از آیه مورد بحث بر می‌آید این است که یهودیان در القای شبهه ، هم شبهه نسخ را پیش کشیده بودند و هم شبهه انتساب حکم به ملت ابراهیم را . در نتیجه حاصل شبهه آنان این می‌شود که چگونه ممکن است ، در ملت ابراهیم مکه قبله شود با اینکه خدای تعالی در این ملت ، بیت المقدس را قبله کرده و آیا این سخن غیر از نسخ چیز دیگری است؟ با اینکه نسخ در ملت حقه ابراهیم محال و باطل است .

آیه شریفه جواب داده که کعبه قبل از سایر معابد برای عبادت ساخته شده چون این خانه را ابراهیم ساخت و بیت المقدس را سلیمان بنا نهاد که قرن‌ها بعد از ابراهیم بوده است!

#### هدف آیه ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۵۶۲

#### **بیان توطئه‌ها و شبهات یهود برای بازداشتن مردم از راه خدا**

« قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ...! »

این آیات بطوری که ملاحظه می‌کنید با اتصالی که در سیاق دارد، دلالت دارد بر اینکه اهل کتاب (البته طایفه‌ای از ایشان ، یعنی یهود و یا طایفه‌ای از یهود)، کفر به آیات خدا داشته‌اند و مؤمنین را از راه خدا باز می‌داشته‌اند، به این طریق که راه خدا را در نظر مؤمنین کج و معوج جلوه داده و راه ضلالت و انحراف را در نظر آنان ، راه مستقیم خدا جلوه‌گر می‌ساختند . برای مؤمنین القای شبهه‌ها می‌کردند، تا به این وسیله حق را که راه آنان است ، باطل و باطل خود را حق جلوه دهند .

این آیات به دنبال همان بیانات می‌خواهد یهود و یا طایفه‌ای از ایشان را تویخ کند که چرا القای شبهه می‌کنند؟ و چرا مؤمنین را در دینشان دچار سرگیجه می‌سازند؟ و نیز می‌خواهد مؤمنین را تحذیر کند ، از اینکه یهودیان را در دعوتشان اطاعت کنند و بفهماند که اگر اطاعت کنند کارشان به کفر به دین حق می‌انجامد و نیز می‌خواهد ترغیب و تشویقشان کند به اینکه متمسک بخدا گردند ، تا به سوی

صراط ایمان راه یافته هدایتشان دوام بپذیرد!

**هدف آیه ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۵۶۷**

### فرمان اعتصام به حبل الله و حذر از اهل کتاب و فتنه آنان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ! وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا...! »

این آیات را می توان تتمه دو آیه قبل دانست که به مؤمنین خطاب می کرد از اهل کتاب و فتنه انگیزیهای آنان بر حذر باشند و نیز می فرمود: شما پیامبری دارید که اعتصام به حق را برایتان ممکن می سازد، پس زنهار گمراه مشوید و در حفره مهالک ساقط نگردید.

این آیات علاوه بر اینکه گفتیم به آیات قبل ارتباط دارد، جنبه الکلام یجر الکلام را هم دارد، بدون اینکه سیاق سابق را، یعنی تعرض به حال اهل کتاب را تغییر دهد، بلکه هنوز آن سیاق را محفوظ نگه داشته است، به دلیل اینکه بعد از نه آیه دو باره سخن از اهل کتاب را پیش می کشد و می فرماید: « لن یضروکم الا اذی...! »

**هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۰ سوره آل عمران المیزان ج: ۳ ص: ۵۹۲**

### بیان ذلت یهود بر اساس حکم شرع اسلامی

« لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَ إِنْ يُقْتَلُوا كُمْ يُؤْتُواكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ!... »

این آیات کریمه توجه و انعطاف به هدفی دارد که آیات قبل متعرض آن بود و آن بیان حال اهل کتاب و مخصوصاً یهودیان بود که به آیات خدا کفر ورزیده و خود را گمراه و مؤمنین را از راه خدا بازداشتند و آیات دهگانه ای که گذشت، از باب الکلام یجر الکلام، در بین این دو دسته آیات قرار گرفته بود، پس اتصال آیات مورد بحث با آیات دهگانه قبل به حال خود باقی است.

مراد از ضرب ذلت بر اهل کتاب این است که خدای تعالی حکم تشریحی به ذلت آنان کرده، به دلیل اینکه دنبال ضرب ذلت می فرماید: « اینما ثقفوا - هر جا که یافت شوند! » چون معنای ظاهر این جمله این است که مؤمنین هر جا ایشان را دیدند و بر آنان مسلط شدند، چنین و چنان کنند!

و این تعبیر با ذلت تشریحی که یکی از آثارش جزیه گرفتن است، مناسبت دارد. در نتیجه برگشت معنای آیه به این می شود که اهل کتاب به حسب حکم شرع اسلامی ذلیلند، مگر اینکه یا داخل در ذمه اسلام شوند و یا امانی از مردم مسلمان به نحوی از انحاء ایشان را حفظ کنند!



**هدف آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۳****هشدار مومنین نسبت به موقعیت دشوارشان و نکاتی از جنگ احد و بدر**

«وَ إِذْ غَدَوْتُ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...!»

از اینجا سیاق آیات سیاقی دیگر شده و به مطلبی که در آغاز سوره ذکر شده بود برگشته، در آنجا مؤمنین را به موقعیت و موقف دشواری که دارند هشدار می‌داد و نعمت‌هائی را که به ایشان ارزانی داشته بود( از قبیل: ایمان و نصرت و کفایت شر دشمنان را)، به یادشان می‌آورد و رموزی را تعلیمشان می‌داد که به وسیله آن به مقصد شریفشان برسند و به دستوراتی هدایتشان کرد که سعادتشان را هم در زندگی و هم بعد از مردن تامین کند.

در این آیات داستان جنگ احد نیز آمده و اما آیاتی که اشاره‌ای به داستان جنگ بدر دارد در حقیقت ضمیمه‌ای برای تکمیل داستان جنگ بدر است و جنبه شاهد برای آن قصه دارد، نه اینکه مقصود اصلی طرح داستان بدر باشد.

**هدف آیه ۱۳۰ تا ۱۳۸ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۲۳****امر به انفاق و ترک ربا و اصلاح نقص‌ها با درس از شکستها**

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَانْقُوا لِلَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...!»

آیات فوق، بشر را به سوی خیر دعوت و از شر و بدی نهی می‌کند و در عین حال اتصالش به ما قبل و همچنین به ما بعدش که شرح داستان جنگ احد را می‌دهد، محفوظ است، آری آیات بعد نیز مربوط به این داستان است، حال مؤمنین در آن روز را بیان می‌کند، حال و خصال مذمومی را که خدای سبحان آن را از مؤمنین نمی‌پسندد، حال و خصالی که باعث آن وهن و ضعف و علت معصیت خدا و نافرمانی رسولش گردید، پس آیات مورد بحث در حقیقت تتمه آیاتی است که در باره جنگ احد نازل گردیده است.

پس خصوص این آیات نه‌گانه برای ترغیب و تهدید مؤمنین است، آنان را ترغیب می‌کند به اینکه به سوی خیرات یعنی انفاق در راه خدا در دو حال دارائی و نداری و کظم غیظ و عفو از مردم، بشتابند که جامع همه آنها منتشر شدن احسان و خیر در جامعه و صبر در تحمل آزارها و بدیها و گذشت از بدرفتاریها است!، پس تنها طریقی که حیات جامعه به وسیله آن محفوظ می‌ماند و استخوانش محکم شده و روی پای خود می‌ایستد همین طریق است یعنی طریقه انفاق و احسان که از لوازم آن ترک ربا است و به همین جهت مطالب نامبرده در آیات مورد بحث را با نهی از ربا

خواری آغاز فرمود و در حقیقت این نهی جنبه زمینه چینی برای دعوت به احسان و انفاق را دارد .

خدای تعالی مسلمین را تشویق و ترغیب می‌کند که از پروردگارشان به خاطر گناهان و زشتی‌ها منقطع نگردند و اگر احیانا عملی کردند که مورد رضای پروردگارشان نیست ، این نقیصه را با توبه و برگشتن بسوی او تدارک و تلافی کنند ، بار دوم و بار سوم هم همین طور بدون اینکه کسالت و سستی از خود نشان دهند!

خدای سبحان در اولین بار که می‌خواهد مساله جهاد را تشریح کند کلیاتی از جهاد را بیان نموده می‌فرماید: « کتب علیکم القتال! » و در این آیات مؤمنین را به جهاد امر نموده، می‌فهماند که این عمل بر آنان واجب شده ، آنگاه داستان جنگ بدر را به عنوان اولین مشقی که شاگرد نوشته تحویل می‌گیرد و عیب‌های آن را گوشزد نموده مشقی دیگر به نام جنگ احد به او می‌دهد ، باز عیب‌های آن را می‌گیرد و همچنان ادامه می‌دهد تا امت مسلمان در انجام این تکلیف ، بی عیب و ماهر شود.

همچنین خدای تعالی سرگذشت انبیای گذشته و امت‌های آنان را درس می‌دهد ، نقاط ضعف و خطا و انحراف آنها را بیان می‌کند و حق مطلب و آنچه که صحیح است معین نموده از امت اسلام می‌خواهد تا آن طور عمل کنند و آن سرگذشت غلط‌گیری شده را دستور العمل خود قرار دهند . در آیات مورد بحث نیز همین روش به کار رفته است، در آیه ۱۳۷ همین سوره هشدار می‌دهد که گذشتگانی بوده‌اند و چنین و چنان کرده‌اند و در آیه ۱۴۶ روشن‌تر سخن گفته، می‌فرماید آنها هم قتال و کارزار داشته‌اند و شما نیز باید آماده کارزار شوید!

**هدف آیه ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۲۷**

### درسی از شکست جنگ احد

« وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات به طوری که ملاحظه می‌کنید تتمه آیات سابق است، که با آیه: « یا ایها الذین آمنوا...! » آغاز شد، همچنان که آیات سابق با اوامر و نواهی زمینه چینی بود برای این آیات، که منظور اصلی از آن اوامر و نواهی و از آن ثناها و مذمت‌ها را در بر دارد .

در دو آیه: « و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین! ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله...! » دلالتی هست بر اینکه علت وهن و اندوه مسلمانان در جنگ احد این بوده که دیده‌اند عده‌ای مجروح شده‌اند و کفار قوی‌تر از ایشان بوده و بر آنان مسلط بوده‌اند. به خاطر دیدن این وضع بوده که مسلمانان آن

روز دچار سستی و اندوه شدند.

و اگر علو مسلمانان را مشروط کرد به ایمان، با اینکه خطاب به مسلمانان با ایمان است، برای این بود که اشاره کند به اینکه هر چند مخاطبین مسلمان و مؤمن بودند و لیکن به مقتضای ایمانشان عمل نکردند و صفاتی چون صبر و تقوا که داشتن آن مقتضای ایمان است نداشتند و گرنه اثر خود را می‌بخشید و در این جنگ ضربه نمی‌خوردند و آن آسیب‌ها را نمی‌دیدند .

### هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۵۵ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۶۳

#### **شرح روزهای بعد از جنگ احد و تقویت روحیه مسلمین**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَسِرِينَ ۗ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ...! »

این آیات تتمه آیاتی است که در باره جنگ احد نازل شده و در آن مؤمنین تشویق و ترغیب شده‌اند به اینکه جز پروردگار خود، کسی را اطاعت نکنند، چون مولایشان و ناصرشان او است و خود مؤمنین را شاهد می‌گیرد بر اینکه هر چه وعده داده به وعده‌اش وفا کرده و تذکر می‌دهد که فراری شدن مؤمنین و یاری رسول نکردنشان در جنگ احد تنها از ناحیه خودشان بود، این خودشان بودند که از دستور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم نسبت به نگهبانی از آن دره سرباز زدند و تازه خدای تعالی از جرمشان گذشت، چون او غفور و حلیم است!

بعید نیست که از سیاق آیات استفاده شود که گویا کفار بعد از داستان جنگ احد و در روزهایی که این آیات نازل می‌شده یکی یکی مؤمنین را می‌دیدند و این مطلب را به عنوان خیرخواهی به آنان القا می‌کردند که مثلاً جنگ با کفار قریش در احد اشتباه بوده و از این به بعد بطور کلی این کار صلاح نیست و کوتاه سخن اینکه به مؤمنین چیزهایی می‌گفتند که در آینده حاضر به قتال نشوند و نیز مطالبی در میان می‌آورده‌اند که باعث نزاع و تفرقه و تشتت کلمه و اختلاف بین آنان شود .

و چه بسا که جمله آخر این آیات که می‌فرماید: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم ... ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین!» این استفاده را تایید کند .

« سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا بالله ...! » این آیه وعده‌ای است به مؤمنین و مایه دل خوشی آن است به اینکه خدای تعالی بزودی از طریق رعب و وحشتی که از آنان بر دل کفار می‌اندازد یاریشان خواهد کرد و همانطوری که در روایات شیعه و سنی آمده، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم مساله رعب را یکی از

خصایص خود دانسته، از خصایصی که خدای تعالی در بین همه انبیا علیهم السلام تنها به آن جناب داده و به وسیله آن، او را یاری و دشمنانش را از بین برده است!

**هدف آیه ۱۵۶ تا ۱۶۴ سوره آل عمران** المیزان ج: ۴ ص: ۸۲

### معرفی عامل خسارت های جانی جنگ احد

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لَأَخُونَهُمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكِ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَخِي وَيَمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...! »

این آیات نیز تنممه آیاتی است که در خصوص جنگ احد نازل شده و این آیات متعرض مساله دیگری است که برای مسلمین پیش آمد و آن عبارت بود از تاسف و حسرتی که از کشته شدن جنگجویانشان و بزرگانیشان در دلشان پر شده بود. آیات مورد بحث خطا و خبطی را که باعث این اسف و حسرت شد بیان می کند و سپس به امر دیگری اشاره می کند که زائیده آن اسف و حسرت بود و آن عبارت بود از سوء ظن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اینکه آن جناب، باعث شد که مسلمانان گرفتار آن حسرت و اسف شوند و در آن مهلکه بیفتند. این معنا از گفتار آنان استفاده می شود. اگر رودربایستی نبود صریحا می گفتند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به کشتن داد.

و آیات مورد بحث بیان می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به احدی خیانت نمی کند و این شان او نیست، بلکه او که فرستاده ای از ناحیه خدای تعالی است، شریف النفس و کریم الاصل و عظیم الخلق است و به رحمتی از خدای تعالی دارای خوئی نرم است، از خطاکاران مردم عفو می کند، برایشان استغفار می نماید و در امور، به دستور خدای تعالی با ایشان مشورت می کند و خدا با فرستادن چنین پیامبری بر آنان منت نهاده تا از ضلالت به سوی هدایت خارجشان کند!

**هدف آیه ۱۶۵ تا ۱۷۱ سوره آل عمران** المیزان ج: ۴ ص: ۹۰

### بیان مقام شهدا نزد خدا و مشیت الهی در مرگ و زندگی انسانها

« أَوْ لَمَّا أَصَبْتُمْ مُمْسِبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أُنِي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! »

این آیات ادامه و تنممه آیاتی است که در خصوص جنگ احد نازل شده و در آن متعرض حال عده ای از منافقین شده، که جماعت مؤمنین را در هنگام بیرون شدن از مدینه به سوی احد تنها گذاشتند و در این آیات پاسخ آن گفتاری هم که در باره کشتگان داشتند داده و حال به شهادت رسیدگان را وصف می کند و می فرماید:

که این طایفه بعد از شهادتشان در مقام قرب الهی متنعم هستند و به بازماندگان بشارت می‌دهند که چنین مقام و منزلتی در انتظار شما نیز هست!

بعد از آنکه مؤمنین را نهی کرد از اینکه مثل کفار نباشند و بر کشتگان خود حسرت و اندوه نخورند، به این بیان که مرگ و زندگی تنها به دست خدا است، نه به دست ایشان تا بگویند اگر چنین نمی‌کردیم چنان نمی‌شد و اگر به دشمن نزدیک نمی‌شدیم و از شهر بیرون نمی‌رفتیم و یا اگر اصلاً حاضر به جنگ نمی‌شدیم اینطور نمی‌شد، اینک در این آیه همان مطلب را با بیان سبب نزدیکش که به حکم سنت اسباب باعث پدید آمدن شد شرح داده و می‌فرماید: سبب آن مصائب، نا فرمانی تیراندازان بود، که مراکز خود را خالی کردند و تازه بعد از خالی کردن نیز، از در معصیت پشت به قتل نمودند و خلاصه کلام اینکه سبب آن نا فرمانی و سرپیچی از دستور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمانده این جنگ بود و این نا فرمانی باعث فشل و تنازعشان در امر و در آخر سبب شکستشان گردید و این خود سنتی است طبیعی و عادی!

**هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۹۷**

### بیان مقام مقاومت کنندگان در جنگ احد

«الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ...!»

این آیات هم مربوط به آیات جنگ احد است.

اگر در مورد کسانی که دعوت خدا را اجابت کردند، هم نام خدا را برد و هم نام رسول را، با اینکه در این مقام می‌توانست به ذکر یکی از آن دو اکتفا کند، برای این بود که در داستان جنگ احد متخلفین هم نا فرمانی خدا را کردند و هم نا فرمانی رسول را، اما نا فرمانی خدا برای اینکه خدای تعالی آنان را از فرار از جنگ نهی کرده بود و به جهاد امرشان فرموده بود و آنان جهاد نکردند و بر عکس فرار نمودند و اما نا فرمانی رسول را کردند، برای اینکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن عده تیرانداز دستور داده بود از جای خود حرکت نکنند و مرکز خود را خالی ننمایند و آنان نا فرمانی کردند و نیز وقتی که بلندیه‌های کوه را پیش گرفته بودند و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آخرشان صداشان می‌زد، گوش به سخنش ندادند، به همین جهت در داستان آیات مورد بحث بدان جهت که دعوت خدا را اجابت کردند هم نام خدا را برد و هم نام رسول را و گویا فرموده در این داستان مثل داستان احد که خدا و رسول را نا فرمانی کرده بودند عمل نکردند بلکه دعوت خدا و رسول را اجابت نمودند.

**هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۸۰ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۱۲۰****نتیجه گیری از جنگ احد و بیان امتحان الهی**

« وَ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْأَخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات با آیات قبلی که در باره جنگ احد نازل شده بود ارتباط دارد و گویا همه آنها و مخصوصا چهار آیه اولش جزء همان آیات و تتمه آنها است ، چون مهم ترین مطلبی که در این آیات به چشم می خورد مساله ابتلا و امتحان الهی بر بندگان است و بنابر این آیات مورد بحث به منزله پایان و نتیجه گیری از آیات احد است و این معنا را بیان می کند که سنت ابتلا و امتحان سنتی است که خواه نا خواه جاری می شود ، هیچ فردی از افراد بشر نمی تواند از آن بگریزد ( نه کافر و نه مؤمن) پس خدای سبحان هر دو طایفه را مبتلا می کند تا آنچه در باطن این دو طایفه است بیرون بریزد و کافر برای آتش خالص شود و در بین مؤمنین هم خبیث از طیب جدا گردد.

**هدف آیه ۱۸۱ تا ۱۸۹ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۱۲۷****رد گفتارهای واهی یهود و تقویت روحیه مقاومت و انفاق در مسلمین**

« لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَ قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءُ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ...! »

این آیات مرتبط به ما قبل است، چون آیات سابق همه اش در این مقام بود که مردم را برای جهاد با جان و مال خود در راه خدا برانگیزاند و تشویق کند و از سستی و فشل و بخل بر حذر بدارد و این معانی کاملا با آیات مورد بحث که سخن از گفتار یهودیان دارد مرتبط است، چون یهودیان گفته بودند خدا فقیر است و ما همه اغنیائیم و از این گذشته امور را علیه مسلمین واژگونه می کردند و آیات خدای را تکذیب می نمودند و آنچه خدا از ایشان به عنوان پیمان گرفته بود که برای مردم بیان کنند بیان نکردند ، بلکه در مقابل ، سرپوش روی آن گذاشته و انکار و کتمانش کردند ، اینها است مطالبی که در این آیات آمده که هم از نظر آنچه گفتیم مرتبط با آیات قبل است و هم از این جهت که خود مایه تقویت قلوب مؤمنین ، در برابر استقامت و صبر و ثبات گشته و هم بر انفاق در راه خدا تشویقشان می کند .

**هدف آیه ۱۹۰ تا ۱۹۹ سوره آل عمران المیزان ج: ۴ ص: ۱۳۴****بیان حال ابرار و دعا و درخواست آنها**

« إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ! الَّذِينَ

يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ...!»

این آیات به منزله خلاصه‌گیری از بیان حال مؤمنین و مشرکین و اهل کتاب است که شرح حالشان در این سوره آمده بود ، به این بیان که می‌فرماید حال ابرار نیکان از مؤمنین ذکر خدای سبحان و تفکر در آیات او و پناه بردن به دامن او از عذاب آتش و در خواست مغفرت و جنت است ، خدای تعالی هم خواسته‌شان را بر آورد و به زودی نیز بر می‌آورد (این حال عمومی ایشان است!) و اما کسانی که کافر شدند حالشان این است که در دنیا در میان متاعی قلیل می‌لوندند و در آخرت جایگاهی آتشین دارند .

پس وضع مؤمنین را نباید با وضع کفار مقایسه کرد ، دسته سوم اهل کتابند که از کفار استثنا شده‌اند، البته نه همه آنها بلکه افرادی که از حق پیروی می‌کنند که چنین کسانی با مؤمنین هستند.

## هدف و فلسفه نزول سوره نساء

(المیزان ج : ۴ ص : ۲۱۲)

### بیان برخی احکام زناشوئی، ارث، نماز ، جهاد ، شهادت و تجارت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا! » (۱/نساء)

بطوری که از همین آیه (که اولین آیه این سوره است)، بر می‌آید سوره نساء در مقام بیان احکام زناشوئی است، از قبیل اینکه: چند همسر می‌توان گرفت، با چه کسانی نمی‌توان ازدواج کرد و ... و نیز در مقام بیان احکام ارث است و در خلال آیاتش اموری دیگر نیز ذکر شده ، نظیر احکامی از نماز ، جهاد ، شهادت ، تجارت و غیره و مختصری هم در باره اهل کتاب سخن رفته است .

و مضامین آیاتش شهادت می‌دهد بر اینکه این سوره در مدینه و بعد از هجرت نازل شده و از ظاهر آنها بر می‌آید که یک باره نازل نشده است ، هر چند که غالب آیات آن بی‌ارتباط به هم نیستند .

و اما آیه مورد بحث با چند آیه بعدش که متعرض حال یتیمان و زنان است فی نفسه به منزله زمینه چینی برای مسائل ارث و محارم است که بزودی متعرض آن

خواهد شد و اما عدد زوجات که در آیه سوم از آن سخن رفته هر چند که مساله زوجات از امهات مسائل سوره است اما آیه شریفه به عنوان طفیلی و استفاده از کلام ذکر شده ، کلامی که گفتیم جنبه مقدمه و زمینه چینی دارد .

در آیه: «یا ایها الناس اتقوا ربکم ...!» می خواهد مردم را به تقوا و پروا داشتن از پروردگار خویش دعوت کند ، مردمی که در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت با هم متحدند و در این حقیقت بین زنشان و مردشان، صغیرشان و کبیرشان، عاجزشان و نیرومندشان، فرقی نیست، دعوت کند تا مردم در باره خویش به این بی تفاوتی پی ببرند تا دیگر مرد به زن و کبیر به صغیر ظلم نکند و با ظلم خود مجتمعی را که خداوند آنان را به داشتن آن اجتماع هدایت نموده آلوده نسازد ، اجتماعی که به منظور تتمیم سعادتشان و با احکام و قوانین نجات بخش تشکیل شده ، مجتمعی که خدای عز و جل آنان را به تاسیس آن ملهم نمود ، تا راه زندگیشان را هموار و آسان کند همچنین هستی و بقای فرد فرد و مجموعشان را حفظ فرماید .

**هدف آیه ۳ تا ۶ سوره نساء المیزان ج: ۴ ص: ۲۳۸**

### بیان قانون ازدواج و قانون ارث، دو اصل مهم حیات انسان

« وَ ءَاتُوا الْيَتَمٰی اَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَبِیْثَ بِالطَّیْبِ وَ لَا تَاْكُلُوا اَمْوَالَهُمْ اِلٰی اَمْوَالِكُمْ اِنَّهٗ كَانَ حُوبًا كَبِیْرًا...! »

این آیات، هم تتمه آیات قبل است و هم توطئه و مقدمه است که در ابتدای سوره آمده تا زمینه را برای بیان احکام ارث (مسائل مهمی از احکام ازدواج از قبیل تعدد زوجات و اینکه چند طایفه محرمند و نمی شود با آنان ازدواج کرد!) فراهم سازد . این دو باب از بزرگترین و باعظمت ترین ابواب قوانین حاکمه در جامعه انسانی است. از همین جا روشن می شود که چرا و به چه عنایت برای بیان این احکام در اول سوره، آن زمینه چینی را کرد و بدون مقدمه مساله انتشار نسل بشر از یک زن و مرد را پیش کشید، آنگاه به بیان احکامی پرداخت که مربوط به اجتماع انسانی است، احکامی که اصول و فروع اجتماع بشر بستگی به آن دارد، آری ، منصرف کردن مردم از سنت های غلط اجتماعی که بدان عادت کرده و افکارشان با آن پرورش یافته، گوشت و خونشان با آن روئیده، نیاکانشان بر آن سنت ها مرده اند و اخلاقشان بر آن نمو و رشد نموده اند، کاری است دشوار و در نهایت دشواری .

پس تشریح احکام نامبرده، نیازمند به آن مقدمه و زمینه چینی بود تا بتدریج افکار را متوجه غلط بودن سنت های جاهلیشان بکند و این معنا وقتی روشن می شود که خواننده محترم در وصف و حالتی که عالم بشریت عموماً و عالم عربی خصوصاً که



سرزمینشان محل نزول قرآن بود،) در آن دوره داشت، دقت و تامل کند، آنگاه برایش روشن می‌گردد که چرا احکام نامبرده را بدون مقدمه بیان نکرد و چرا قرآن در همه احکام خود طریقه تدریج را طی نموده و آیاتش به تدریج نازل گردیده است!

**هدف آیه ۱۰ تا ۱۰۷ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۳۱۲

### بیان دستور العمل اجرائی احکام ارث

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا...!»

از این آیه قانون احکام ارث آغاز می‌شود و آیات قبل جنبه مقدمه برای این تشریح را داشت و قبل از بیان تفصیلی و تک تک مسائل آن، بیانی اجمالی و مجموعی آورد تا به منزله قاعده کلی بوده باشد و بفهماند که بعد از ثبوت ولادت یک فرد از فردی دیگر و یا خویشاوندیش با او ، دیگر کسی بطور ثابت و دائم از ارث محروم نیست و دیگر مثل ایام جاهلیت اطفال صغیر میت و زن او از ارث محروم نیست و علاوه بر اثبات این قاعده مردم را تحذیر هم کرد از اینکه یتیمان مردم را از ارث محروم نکنند که بی بهره کردن یتیم از ارث مستلزم آن است که سایر ورثه ، اموال آنان را به ظلم بخورند و در جای دیگر این نهی را تشدید کرده بود و با این بیانات مساله رزق دادن یعنی دادن سهمی از اموال میت به خویشاوندان و ایتام و مساکین را در صورتی که هنگام تقسیم ارث حاضر باشند ، بیان کرد و فرمود : به اینان هر چند وارث نیستند سهمی از مال بدهید!

در آیه شریفه: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ...!» حکمی کلی و سنتی جدید تشریح شده که در اذهان مکلفین غیر مانوس و نا آشنا است چرا که مساله وراثت، آنگونه که در اسلام تشریح شده، هیچ نظیری نداشته است بلکه عادات و رسوم بر این جاری بود که عده‌ای از وراثت ، محروم از ارث باشند و این مرام آنقدر رایج بود که گوئی یک طبیعت ثانوی برای مردم به وجود آمده است ، بطوری که اگر خلاف آن را می‌شنیدند عواطفشان تحریک می‌شد( البته عواطف کاذبی که در این مورد داشتند!»

بعد از آنکه استخوان‌بندی دین محکم شد و حکومت دین روی پای خود ایستاد، توارث بین ارحام را تشریح کرد، اسلام قانون ارث را زمانی تشریح کرد که عده‌ای کافی از مؤمنین آن تشریح را با بهترین وجه لبیک گفتند .

بعد از تاسیس آن قاعده می‌فرماید: «و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ!» این جمله نیز مانند جمله قبلی تاسیس قاعده است و نیز مانند آن عام

است و شائبه هیچ تخصیصی در آن نیست ، در نتیجه شامل همه زنان می‌شود، بدون هیچ تخصیصی و یا تقيیدی .

**هدف آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۳۶۹

### بیان دستورالعمل اجرائی قانون منع فحشا و زنا

« وَ أَلَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحِشَةَ مِنْ نُسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا...! »  
آیه شریفه در باره زنا نازل شده است.

کلمه فاحشه به معنای طریقه شنیعه است، ولی استعمالش در عمل شنیع زنا شایع شده است. از لحن آیه شریفه فهمیده می‌شود که حکمش دائمی نیست و بزودی نسخ می‌شود چون می‌فرماید: « او يجعل الله لهن سبيلا - و یا خدا راه علاجی برایشان قرار دهد! »

**هدف آیه ۱۷ و ۱۸ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۳۷۵

### بیان حقیقت توبه و آثار و احکام آن

« إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ التَّنَّ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَغْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا! »

مضمون این دو آیه بی ارتباط با آیات قبلش نیست، چون این دو آیه نیز با ذکر توبه ختم شده، پس ممکن است که این دو با آن دو یک باره نازل شده باشد، البته در عین حال دو آیه آن مضمونی مستقل از مضمون دو آیه دیگر دارد و مشتمل است بر یکی از حقایق عالییه اسلام و از تعالیم مترقی قرآنی و آن عبارت است از حقیقت توبه و آثار و احکامش .

**هدف آیه ۱۹ تا ۲۲ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۴۰۱

### بیان برخی مسائل زندگی اجتماعی زنان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَ لَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...! »

در این آیات به مسائل مربوط به زنان که قبلا در آن سخن داشت برگشته بعضی دیگر از آن مسائل را بیان می‌کند و این آیات در عین حال مشتمل بر جمله: « وعاشروهن بالمعروف فان كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا ويجعل الله فيه خيرا كثيرا! »

نیز هست که مضمونش اصلی است قرآنی، برای زندگی اجتماعی زن!

**هدف آیه ۲۳ تا ۲۸ سوره نساء المیزان ج: ۴ ص: ۴۱۴**

### بیان محرمات در ازدواج

« حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أُمَّهَاتُكُمْ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ مِّنَ الرَّضْعَةِ وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ رَبِّبَاتُكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَ أَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً...! »

این آیات، آیات محکمه‌ای است که محرمات در باب ازدواج و آنچه را که در این باب حلال است بر می‌شمارد.

آیه قبل از این که حرمت ازدواج با زن پدر را بیان می‌کرد، هر چند به حسب مضمون جزء این آیات بود، الا اینکه چون از ظاهر سیاقش بر می‌آید که تتمه آیات سابق است، لذا ما آنرا جزء آن دسته آیات مورد بحث قرار دادیم، علاوه بر اینکه از نظر معنا نیز ملحق به آن آیات بود.

و به هر حال آیات مورد بحث همانطور که گفتیم در مقام بیان تمامی اقسام ازدواج‌های حرام است و در حرام بودن آنها هیچ تخصیصی و یا تقیدی نیآورده، ظاهر جمله: «و احل لکم ماوراء ذلکم - جز اینها که بر شمردیم همه برایتان حلال است!» که بعد از شمردن محرمات آمده، نیز همین است، که محرمات نامبرده بدون هیچ قیدی حرامند و در هیچ حالی حلال نمی‌شوند.

**هدف آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء المیزان ج: ۴ ص: ۴۹۹**

### نهی از خوردن مال به باطل

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً...! »

این آیه شبهه اتصالی به آیات قبل دارد، چون مشتمل است بر نهی از خوردن مال به باطل، آیات سابق مشتمل بود بر نهی از خوردن مهر زنان از راه سخت‌گیری و تعدی، پس در حقیقت در این آیه از یک مساله خصوصی به مساله‌ای کلی انتقال حاصل شده است.

**هدف آیه ۳۱ سوره نساء المیزان ج: ۴ ص: ۵۱۱**

### بیان شرط آموزش گناهان صغیره

« إِنَّ تَجَنَّبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا! »

این آیه بی ارتباط به ما قبلش نیست، چون در آیات قبل نیز سخن از معاصی رفته بود. از آیه شریفه دو چیز استفاده می‌شود: اول اینکه گناهان دو نوعند: صغیره و کبیره، دوم اینکه گناهانی که طبق آیه شریفه خدا از آن می‌گذرد به دلیل مقابله، گناهان صغیره است.

هیچ تردیدی نیست در اینکه آیه شریفه در مقام منت نهادن بوده و نویدی است که با عنایتی لطیف و الهی به گوش مؤمنین می‌رسد، که اگر از بعضی گناهان اجتناب کنند خدای عز و جل از بعضی دیگر گناهانشان در می‌گذرد، پس نباید پنداشت که این آیه شریفه مؤمنین را در ارتکاب گناهان صغیره جرأت می‌دهد، چرا که معنایی برای چنین توهمی نیست، چون هیچ تردیدی در این نیست که آیه شریفه از ارتکاب گناهان کبیره نهی می‌کند و ارتکاب صغیره از این جهت که مرتکبش به آن بی‌اعتنا است، خود مصداقی از مصادیق گناه کبیره است و آن عبارت است از طغیانگری و ناچیز شمردن دستور خدای سبحان، که نه تنها گناهی کبیره است، بلکه از بزرگترین گناهان به حساب آمده است.

آری آیه شریفه در چنین مقامی نیست، بلکه می‌خواهد به انسانی که خلقتش بر اساس ضعف و جهالت است و چون جهل و هوا بر او غلبه دارد هیچگاه خالی از ارتکاب گناهان نیست، وعده تکفیر بدهد و بفرماید تو ای انسان که همواره دستخوش کورانهای هوا و شهوتی اگر بتوانی خود را از ارتکاب کبایر کنترل کنی من وعده می‌دهم که از گناهان کوچکت صرفنظر کنم، پس زمینه آیه همان زمینه‌ای است که آیات توبه دارد، و بشر را به سوی توبه دعوت می‌کند!

**هدف آیه ۳۲ تا ۳۵ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۵۳۱

### اصلاح روابط معاشرت بین زنان و مردان

« وَ لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا...! »

این آیات مربوط به آیات گذشته‌ای است، که متعرض احکام ارث و احکام نکاح بود، در این آیات آن احکام را تاکید می‌کند و بعضی از احکام کلی را هم نتیجه می‌گیرد، احکامی که پاره‌ای از خللهایی که در معاشرت بین مردان و زنان رخ می‌دهد را، اصلاح می‌کند.

**هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۵۵۹

### تشویق مسلمین به احسان و انفاق در راه خدا

« وَ اغْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ

الْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا...!»

هفت آیه است که در آن مسلمین را تشویق و تحریک بر احسان و انفاق در راه خدا نموده و در ازای آن وعده جمیل داده و ترک آن را که یا به انگیزه بخل است و یا به انگیزه انفاق در راه خود نمایی است، مذمت کرده است - آری کسی هم که به عنوان خود نمایی انفاق می کند انفاق در راه خدا را ترک کرده است!

**هدف آیه ۴۳ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۵۶۹

### نهی از نماز در حال مستی، و بیان حکم تیمم

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْمَغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا...!»

آیاتی که متعرض مساله شراب شده پنج طایفه است و اگر این پنج طایفه را پهلوی هم بگذاریم، این معنا به دست می آید که آیه مورد بحث بعد از آیه شریفه: «تتخذون منه سكرًا و رزقا حسنا»، و آیه شریفه: «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم!» و قبل از آیه شریفه: «يستلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما!» و نیز پیش از آیه شریفه: «يا ايها الذين آمنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه!» نازل شده و آیه سوره مائده، آخرین آیه ای است که در باره شراب نازل شده است.

وقوع آیه مورد بحث بین آیات قبل و آیات بعدش در حقیقت به منزله جمله معترضه آوردن در بین دو سنخ مطلب است.

**هدف آیه ۴۴ تا ۵۸ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۵۷۵

### شرح فتنه های یهود برای انحراف مسلمانان و جلوگیری از انفاق

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ...!»

این آیات متعرض حال اهل کتاب است، ستمکاریها و خیانتهایی را که آنان در دین خدا کردند تفصیل می دهد. روشن ترین طایفه ای که این آیات با وضع آنان تطبیق می کند یهودند و این آیات سیاقی واحد و متصل دارد. خلاصه کلام این که از آیات مورد بحث بر می آید، یهودیان به مؤمنین اظهار مودت و خیرخواهی می کرده اند

و از این راه آنان را فریب می‌داده‌اند، مثلاً به بخل و خودداری از انفاق وادار می‌کردند، تا از این راه نگذارند زحمات مؤمنین به نتیجه برسد و قدمی به سوی تقدم و تعالی بردارند، این آن چیزی است که از ظاهر آیه بر می‌آید و لازمه این که در شان یهود و دوستان و هم‌رازهای یهود نازل شده باشد، نیز همین معنا است چون ثمره دوستی و سر و سر داشتن با یهود همین بود که به وسیله تحریفات یهود از راه منحرف شوند و هر جا که آنها بروند، آنان نیز بروند.

**هدف آیه ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۶۱۴

### دعوت به اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و تجهیز مسلمین برای جهاد

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا...!»

در این آیات مردم را تشویق و تحریک می‌کند، به این که خدا را اطاعت کنند و رسول و اولی الامر را نیز اطاعت کنند و بدین وسیله ریشه‌های اختلاف و مشاجره و نزاع را قطع نموده، هر جا که با یکدیگر درگیر شدند مساله را به خدا و رسولش ارجاع دهند و از نفاق بپرهیزند، چنین نباشند که به ظاهر اظهار ایمان کنند ولی وقتی خدا و رسول بعد از ارجاع مساله مورد اختلاف به ضرر یکی حکم کرد، ناراحت شوند و کفر باطنیشان از این که تسلیم حکم خدا شوند بازشان بدارد و نیز تشویق می‌کند به این که تسلیم اوامر خدا و رسول باشند و هم چنان این مطالب را دنبال می‌کند، تا برسد به آیاتی که دعوت به جهاد می‌کند و حکم جهاد را روشن می‌سازد و به کوچ کردن از وطن در راه خدا می‌پردازد، پس همه این آیات مؤمنین را برای جهاد در راه خدا تجهیز می‌کند و نظام داخلی‌شان را منظم می‌سازد.

**هدف آیه ۷۱ تا ۷۶ سوره نساء** المیزان ج: ۴ ص: ۶۶۴

### تشویق به صبر و جهاد در راه خدا و مبارزه با فتنه انگیزی یهود

«يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا...!»

به طوری که ملاحظه می‌کنید این آیات در مقایسه با آیات قبل به منزله ذی المقدمه نسبت به مقدمه است. ساده‌تر بگوییم آن آیات سخن از اطاعت خدا و رسول و اولی الامر داشت تا در این آیات غرض از آن اطاعت را که صبر در مقابل جهاد در راه خدا است بیان کند و معلوم است که تحریک مؤمنین بسوی جهاد جز این که مردم مطیع خدا و رسول و اولی الامر باشند، به نتیجه نمی‌رسد مخصوصاً در ایامی که این آیات نازل می‌شده مؤمنین در محنتی شدید قرار داشتند، چون نزول این آیات در ربع

دوم از مدت اقامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه بوده، که دشمنان دین از هر طرف هجوم آوردند، تا نور خدا را خاموش سازند و بنیان دین را که در حال بالا رفتن بود براندازند.

از سوی دیگر اطراف شهر مدینه و پیرامون مسلمانان آن جا، قبایلی از یهود بودند، که دائماً برای مؤمنین در دسر ایجاد می کردند و با آنان می جنگیدند و همین یهودیان و منافقین، مشرکین را علیه مسلمانان تشجیع می کردند و در مقاومت علیه مسلمین دلخوش می ساختند و در بقا و ادامه بر کفر و جمود خود تشویق نموده و وادارشان می کردند تا بیشتر به آزار مسلمانانی که در مکه بودند بپردازند.

بنا بر این می توان گفت که این آیات مثل این که در همین مقام است، که کید یهودیان علیه مسلمین را خنثی کند و آثار القاتات آنان بر مؤمنین را از بین ببرد.

**هدف آیه ۷۷ تا ۸۰ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۳

### ملامت رفتار سست ایمانها در برخورد با فرمان جهاد

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَّعْتُ الدُّنْيَا قَلِيلًا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلِّمُونَ قَتِيلًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل می باشند و همه یک سیاق دارند و یک هدف را تعقیب می کنند. این آیات مشتمل است بر استشهاد به وضع طائفه ای دیگر از مؤمنین که ایمانشان ضعیف است و در آن اندرز و تذکری هم هست به اینکه دنیا ناپایدار و نعمت های آخرت پایدار و دائمی است و نیز در این آیات حقیقتی از حقائق قرآنی را در خصوص حسنات و سیئات بیان فرموده است.

**هدف آیه ۸۱ تا ۸۴ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۲۴

### بیان اندرز برای تقویت مسلمانان سست ایمان

« وَ يَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَ اللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا...! »

(۸۱ تا ۸۴/نساء)

این آیات بی ارتباط به ما قبلش نیست، گویا بقیه گفتاری است که در آیات قبل در ملامت مسلمانان ضعیف ایمان داشت و فائده این تتمه اندرز آنان است، اندرز به نصایحی که بصیرتشان می دهد، البته اگر بخواهند تدبیر نموده و دارای بصیرت بشوند!

**هدف آیه ۸۵ تا ۹۱ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۴۱**دستور قتال با مشرکین دو چهره و منافق**

« مَنْ يَشْفَعُ شَفَعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَ مَنْ يَشْفَعُ شَفَعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتِنًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل است و اتصالش از این جهت است که همه این هفت آیه درباره امر قتال با طائفه‌ای از مشرکین یعنی مشرکین دو چهره و منافق سخن می‌گوید. اگر در این آیات دقت شود روشن می‌گردد که درباره کسانی از مشرکین نازل شده که چون به مسلمانان بر می‌خورند اظهار ایمان می‌کردند و چون به محل خود برمی‌گشتند با مشرکین در شرک آنان شرکت می‌نمودند و در نتیجه درباره جنگیدن با آنان دچار تردید می‌شدند، مسلمانان نیز درباره قتال با اینگونه افراد مردد بودند! خدای سبحان در این آیات فرمان داده که باید یا مهاجرت کنند و یا قتال، و مؤمنین را از اینکه در حق آنان شفاعت کنند بر حذر می‌دارد!

ملحق به این طائفه قومی دیگرند که در این آیات به آنان فرمان می‌دهد باید یا تسلیم شوند و یا آماده جنگ گردند، چون در این آیات سخن صلح رفته و دو جمله در دو آیه آورده: یکی بیانگر حال شفاعت و دیگری بیانگر حال تحیت!

**هدف آیه ۹۲ تا ۹۴ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۵۸**نهی تشریحی قتل عمد**

« وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا! وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا...! »

چون آیه در مقابل آیه بعدی قرار دارد که می‌فرماید: « و من یقتل مؤمنا متعمدا ... ! » و مراد از نفی در جمله مورد بحث نفی اقتضاء است، می‌خواهد بفرماید: در مؤمن بعد از دخولش در حریم ایمان و قرقگاه آن، دیگر هیچ اقتضائی برای کشتن مؤمنی مثل خودش وجود ندارد، هیچ نوع کشتن مگر کشتن از روی خطا!

آیه مورد بحث با این حال در مقام آن است که بطور کنایه از کشتن مؤمن به عمد نهی تشریحی کند و بفرماید خدای تعالی هرگز این عمل را مباح نکرده و تا ابد نیز مباح نمی‌کند و او کشتن مؤمن، مؤمن دیگر را تحریم کرده، مگر در یک صورت و



آن صورت خطا است، چون در این فرض - که قاتل قصد کشتن مؤمن ندارد یا بدین جهت که اصلاً قصد کشتن را ندارد و یا اگر قصد دارد به این خیال قصد کرده که طرف کافری است جائز القتل که در مورد کشتن او هیچ حرمتی تشریح نشده است .

**هدف آیه ۹۵ تا ۱۰۰ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۷۰

### تبيين درجات مجاهدين و موقعيت قاعدین

« لَا يَسْتَوِي الْقَعْدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَعْدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَعْدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا...! »

غرض از جمله مورد بحث ترغیب و تحریک مسلمانان بر قیام به امر جهاد است ، تا مسلمین در رفتن به جهاد شتاب نموده ، از یکدیگر سبقت بگیرند! دلیل دیگر بر اینکه مراد این معنا است این است که خدای سبحان اولی الضرر ( بیماران و نابینایان و امثال آنان) را استثناء کرده ، سپس حکم کرد به اینکه قاعدون و مجاهدین یکسان نیستند، با اینکه اولی الضرر در مساوی نبودنشان با مجاهدین در راه خدا مانند قاعدینند .

**هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۰۴ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۹۶

### بیان نماز خوف و احکام آن

« وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ الْكُفْرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا...! » (۱۰۴ تا ۱۰۱/نساء)

در این آیات نماز خوف و نماز شکسته در سفر تشریح شده و منتهی می شود به ترغیب مؤمنین به اینکه مشرکین را تعقیب کنند و در جستجوی آنان باشند. این آیات مرتبط و متصل به آیات قبل است، چون سخن از نماز خوف دارد که مربوط به میدانهای جنگ است و سخن از شکستن نماز در سفر دارد که آن نیز بی ارتباط با جنگ نیست، چون جهاد غالباً مستلزم مسافرت است ، آیات قبل هم درباره جهاد سخن می گفت و متعرض شؤون مختلف آن بود .

**هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۶ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۱۰۹

### توصیه به عدل در داوری و قضاوت

« إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا...! »

آنچه دقت و تدبیر در این آیات به ما افاده می کند این است که این آیات سیاقی واحد دارند و در یک زمینه سخن دارند و آن توصیه به عدل در داوری و نهمی

از این که قاضی در قضای خود به یکی از دو طرف دعوی متمایل بشود و حاکم در حکم راندنش به سوی مبطلین گرایش یابد و بر صاحبان حق جور کند، حال مبطل هر که می‌خواهد باشد و محق هر که می‌خواهد باشد!

و این معنا را با اشاره به پاره‌ای از حوادثی که در زمان نزول این آیات رخ داده و سپس بحث پیرامون حقایق دینی‌ای که مربوط به آن حوادث است بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که پس مؤمنین باید ملتزم به آن حقایق دینی باشند و آن را رعایت کنند. به مؤمنین هشدار می‌دهد که دین خدا در واقع یک حقیقت است، نه صرف اسم و مردم وقتی از منافع آن برخوردار می‌شوند که به راستی متلبس به دین و متصف به دینداری باشند و صرف اینکه خود را متدین نام بگذارند آن منافع را به ایشان عاید نمی‌سازد.

و ظاهراً آن حادثه و قصه همان است که جمله: «و من یکسب خطیئة او اثما ثم یرم به بریئا فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا!» بدان اشاره دارد، چون از این آیه استفاده می‌شود که در آن روز گناهی از قبیل دزدی و قتل نفس یا اتلاف مال مردم یا اضرار به مردم و یا گناهی نظیر اینها که مرتکبش می‌تواند آن را به گردن دیگران بیندازد اتفاق افتاده بود و منظور مرتکب این بوده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم را در حکم کردن به اشتباه بیندازد و مثلاً مردی بی‌گناه را مجازات کند ولی خدای تعالی آن جناب را از اشتباه حفظ کرده است.

و ظاهراً همین داستان نیز مورد اشاره آیات اول مورد بحث بوده باشد، آنجا که می‌فرماید: «و لا تکن للکائنین خصیما!» و آنجا که می‌فرماید: «یستخفون من الناس!» و آنجا که می‌فرماید: «ها انتم هؤلاء جادلتم عنهم!» چون خیانت هر چند ظاهرش آن خیانت‌هایی است که در امانت‌ها و سپرده‌ها واقع می‌شود و لیکن سیاق آیه شریفه: «ان الله لایحب من کان خوانا ائیمما یستخفون من الناس...!» چنین دست می‌دهد که مراد از خیانت، آن قسم خیانتی است که در سرقت و امثال آن تحقق می‌یابد.

به این عنایت که مؤمنین تن واحدی فرض شده و اموال مؤمنین، اموال آن یک تن فرض شده، بطوری که اگر مال یکی به سرقت برود دیگران مسؤولند و دیگران باید رعایت احترام مال او را بکنند و در حفظ و حمایت آن اهتمام بورزند و بنا بر این عنایت اگر بعضی از این تن واحد به مال بعض دیگر تعدی کند در حقیقت به خود تعدی و خیانت کرده است.

و بنا بر این، تدبر در آیات شریفه این معنا را به ذهن نزدیک می‌کند که گویا

قصه مورد نظر آیه، سرقتی بوده که از بعضی مؤمنین سر زده و داستان به اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و سارق برای دفاع از خود یک فرد بی گناهی را متهم ساخته و خویشاوندان دزد واقعی اصرار ورزیده اند که به نفع آنان حکم بفرماید و مبالغه کرده اند در اینکه حکم را به نفع آنان و علیه متهم تغییر دهند و در نتیجه این آیات نازل شده و متهم را از تهمتی که به وی زده اند تبرئه نموده است .  
و از این آیات حجت بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عصمتش و حقایقی دیگر نیز استفاده می شود که بیانش ( در جای خود در المیزان) آمده است.

**هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۴ سوره نساء المیزان ج: ۵ ص: ۱۵۶**

### تاکید بر الهی بودن احکام نازل در باره حقوق زنان و ایتم

« وَ يَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمِّي النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُوهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَمَّىٰ بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا...! »

گفتار در این آیات در حقیقت برگشت به مطالب اول سوره است که آنجا نیز سخن در امور زنان بود، مسائل ازدواج و اینکه ازدواج با چه کسانی حرام است و مسائل ارث و غیره را بیان می کرد، در اینجا نیز به همان مسائل پرداخته شده و آنچه سیاق به ما می فهماند این است که این آیات بعد از آن آیات نازل شده و اینکه مردم بعد از شنیدن آن آیات در امر زنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال هائی کرده بودند، چون در آیات اول سوره رسوم ریشه دار عرب را لغو و باطل اعلام کرده و آنچه مردم جاهلیت از حقوق زنان در اموال و در معاشرت ها پایمال کرده بودند را احیاء کرده بود و جای آن داشت که سؤال کنند و توضیح بخواهند .

خدای تعالی رسول گرامی خود را دستور داد تا در پاسخشان بگوید که: احکامی که در شریعت او به نفع زنان و به ضرر مردان تشریح شده فتاوائی است آسمانی و احکامی است الهی و خود آن جناب در تشریح آنها هیچگونه دخالتی نداشته و نه تنها در تشریح این احکام دخالت ندارد بلکه در تشریح هیچ حکمی دیگر و از آن جمله تشریح احکام مربوط به ایتم زنان هیچ دخالتی ندارد و باز این تنها نیست بلکه خدای تعالی بطور کلی در باره ایتم دستورشان داده که به قسط و عدالت رفتار کنند!

آنگاه چند حکم از احکام اختلافی بین زن و شوهر را که مورد ابتلاء عموم است بیان فرموده است.

**هدف آیه ۱۳۵ سوره نساء المیزان ج: ۵ ص: ۱۷۵****بیان حکم ادای شهادت با قیام به عدل**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»

در این آیه (که غرض از آن بیان حکم شهادت است!) قبل از پرداختن به اصل غرض صفت قوام بالقسط را آورد، برای این بوده که خواسته است مطلب را به تدریج بیان کند، از بالا گرفته در دایره وسیعی حکم عمومی قیام به قسط را بیان کند ، آنگاه به اصطلاح عوام به مساله مورد غرض گریز بزند ، چون این مساله یکی از فروعات آن صفت است، پس گویا فرموده: « کونوا شهداء لله - گواهانی در راه خدا باشید!» و این برای شما میسر نمی‌شود مگر بعد از آنکه قوامین به قسط باشید، ناگزیر باید نخست قوامین به قسط شوید تا بتوانید گواهانی برای خدای تعالی بوده باشید .

در جمله: « شهداء لله!» می‌فرماید: گواهانی باشید و این گواهیتان برای خدا باشد، یعنی در شهادت خود غایت و هدفی به جز رضای خدای تعالی نداشته باشید و معنای برای خدا بودن شهادت این است که شهادت مصداق پیروی حق و به خاطر اظهار حق و زنده کردن حق باشد!

**هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۴۷ سوره نساء المیزان ج: ۵ ص: ۱۸۰****بیان الزامی بودن ایمان به جمیع معارف الهی**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ الْكُتُبِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا...! »

در اول آیات شریفه مؤمنین را با اینکه ایمان آورده‌اند دستور می‌دهد برای بار دوم ایمان بیاورند و اینکه گفتیم برای بار دوم ایمان بیاورند به خاطر دو قرینه بود، قرینه اول اینکه متعلق ایمان دوم را بطور تفصیل شرح می‌دهد و می‌فرماید: « به خدا و رسول او و کتاب او ایمان بیاورید ...!» و قرینه دوم این است که تهدید کرده که اگر به تک تک این جزئیات و تفصیلات ایمان نیاورید به ضلالتی بعید گمراه شده‌اید! پس معلوم می‌شود که مراد از ایمان اول ایمان بطور اجمال و سر بسته و در بسته است و مراد از ایمان دوم ، ایمان به تفصیلی است که در آیه بیان نموده و حاصل مضمون آیه این است که مؤمنین باید ایمان سر بسته و اجمالی خود را بر تک تک این جزئیات

بگسترند، برای اینکه این جزئیات معارفی هستند که به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند و هر یک مستلزم بقیه است.

یکی از مصادیق نفاق این است که مؤمنی که اظهار ایمان می‌کند روش و مسیری را پیش بگیرد که در آخر منتهی شود به رد بعضی از آن معارف و احکام، مثلاً از مجتمع مؤمنین کنار بکشد و به طرف مجتمع کفار نزدیک گردد و آنها را دوست خود بگیرد و خرده‌گیری‌هایی که آنان به دین و اهل ایمان دارند تصدیق کند و یا اعتراض و استهزائی که آنان نسبت به حق و اهل حق دارند بپذیرد و به همین جهت بوده که خدای تعالی بعد از این آیه متعرض حال منافقین شده و آنان را به عذاب الیم تهدید کرده است.

**هدف آیه ۱۴۸ تا ۱۴۹ سوره نساء المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۰**

### نهی از زشت کلامی و بددهانی مگر برای ظلم شدگان

« لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا...! »

اینکه فرمود: خدا سخن زشت به جهر گفتن را دوست نمی‌دارد کنایه است از اینکه در شریعتی که تشریح فرموده، این عمل را نکوهیده شمرده، حال چه نکوهیده به حد حرمت و چه اینکه زشتی آن به حد حرمت نرسد و از حد کراهت و اعانه تجاوز نکند! لیکن کسی که مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته، می‌تواند در مورد خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته، سخن زشت و با صدای بلند بگوید (و همین خود قرینه است بر اینکه چنین کسی نمی‌تواند هر چه از دهانش بیرون بیاید به او نسبت دهد و حتی آیه شریفه دلالت ندارد بر اینکه نمی‌تواند بدی‌های دیگر او را که ربطی به ظلمش ندارد به زبان بیاورد بلکه تنها می‌تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد.)

**هدف آیه ۱۵۰ تا ۱۵۲ سوره نساء المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۵**

### بیان حقیقت کفر یهود و نصاری

« إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَقُولُونَ

نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا...! »

این آیات، انعطاف و توجهی به حال اهل کتاب کرده، حقیقت کفر آنان را

بیان می‌کند و عده‌ای از مظالم و گناهان و سخنان فاسدشان را شرح می‌دهد:

منظور از این کفار که به خدا و پیامبران او کفر می‌ورزند، اهل کتاب یعنی یهود و

نصارا است که یهود به موسی ایمان می‌آورند ولی به عیسی و محمد علیهما السلام کفر

می‌ورزند و نصارا به موسی و عیسی علیهما السلام ایمان دارند ولی به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کفر می‌ورزند و این دو طائفه می‌پندارند که به خدا و به بعضی از رسولان او کفر نورزیده، تنها به بعضی دیگر از رسولان او کفر ورزیده‌اند، در حالی که در آیه مورد بحث بطور مطلق فرموده: اینها به خدا و همه رسولان خدا کفر ورزیده‌اند!

**هدف آیه ۱۵۳ تا ۱۶۹ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۲۰۸

### بیان ادعاها و ظلم های یهود

«يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا...!»

این آیات سؤالی را که اهل کتاب از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرده‌اند بازگو می‌کند و آن این بوده که خدای تعالی کتابی را از آسمان بر خود آنان نازل کند، چون آنها با نزول قرآن به وسیله وحی جبرئیل آن هم آیه آیه و تکه تکه قانع نشده بودند و خواستند تا کتابی در بسته مانند مرغی از هوا به سوی آنان پائین آید و سپس به جواب آنان پرداخته می‌فرماید: «از موسی بزرگتر از این را خواستند، بدو گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده که صاعقه آنان را به خاطر ظلمشان بگیرد، با این حال باز ایمان نیاورده، بعد از آن همه معجزه، گوساله را خدای خود گرفتند و ما از این ظلمشان نیز درگذشتیم و به موسی دلیلی قاطع و روشن دادیم!»

**هدف آیه ۱۷۰ تا ۱۷۵ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۲۴۰

### دعوت جامعه بشری برای ایمان به قرآن و رسول الله «ص»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَتَأْمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا...!»

بعد از آنکه از پیشنهاد اهل کتاب و درخواستشان مبنی بر اینکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کتابی از آسمان بر ایشان نازل کند پاسخشان داد و بیان کرد که رسول او هر چه آورده به حق آورده و از ناحیه پروردگارش آورده و کتابی که از ناحیه پروردگارش آورده، حجتی است قاطع که هیچ شکی و تردیدی در آن نیست، اینک در این آیات نتیجه گیری کرده که پس قرآن حق دارد تمامی بشر را دعوت کند به سوی رسول اسلام و کتاب او!

خطاب در اول آیات عمومی است و همه اهل کتاب و غیر اهل کتاب را و یا به عبارت دیگر تمامی بشر را مورد خطاب قرار داده است و مضمون آن متفرع و نتیجه گیری از بیانی است که قبلاً در باره اهل کتاب داشت و اگر خطاب را عمومی کرد

برای این بود که نه شایستگان برای این دعوت و برای ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منحصر در اهل کتاب بودند و نه رسالت رسول خدا اختصاص به قومی خاص داشت!

**هدف آیه ۱۷۶ سوره نساء** المیزان ج: ۵ ص: ۲۵۰

### بیان سهم کلاله

«يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرَأًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَدٌّ وَ لَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَدٌّ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا التُّلْتَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

از این آیه شریفه سهام و یا به عبارتی فریضه‌های کلاله یعنی خویشاوندان پدری و مادری و یا پدری تنها را بطوری که سنت آن را تفسیر کرده بیان می‌کند، همچنانکه بر حسب بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیه اول سوره سهام کلاله مادری را بیان می‌کرد، دلیل بر این معنا این است که سهام و فریضه‌هایی که در اینجا آمده بیشتر از سهامی است که در آنجا آمده و از این آیات استفاده می‌شود که سهام مردان از سهام زنان بیشتر است!

### هدف و فلسفه نزول سوره مائده

(المیزان ج: ۵ ص: ۲۵۵)

#### دعوت به وفای عهدها، پایداری در پیمانها، و نهی از نقض میثاقها

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مَجْلَى الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ...! »  
(مائده/۳ تا)

اگر در آیات این سوره، آیات اول و آخر و وسطش دقت کنیم و در مواضع و داستان‌هایی که این سوره متضمن آنها است تدبر کنیم، خواهیم دریافت که غرض جامع از این سوره دعوت به وفای عهدها و پایداری در پیمانها و تهدید و تحذیر شدید از شکستن آن و بی‌اعتنائی نکردن به امر آن است و اینکه عادت خدای تعالی به رحمت و آسان کردن تکلیف‌بندگان و تخفیف دادن به کسی که تقوا پیشه کند و ایمان آورد و باز از خدا بترسد و احسان کند جاری شده، نیز بر این معنا جاری شده که نسبت به کسی که پیمان با امام خویش را بشکند و گردن‌کشی و تجاوز آغاز نموده

از بند عهد و پیمان در آید و طاعت امام را ترک گوید و حدود و میثاقهائی که در دین گرفته شده بشکند، سخت گیری کند.

و به همین جهت است که می بینی بسیاری از احکام حدود و قصاص، داستان مائده زمان عیسی علیه السلام، که از خدا خواست مائده ای از آسمان برای او و یارانش بیاید، داستان دو پسران آدم و اشاره به بسیاری از ظلمهای بنی اسرائیل و پیمان شکنی های آنان در این سوره آمده است. در آیاتی بر مردم منت می گذارد که دینشان را کامل و نعمتشان را تمام کرد و طیبات را بر ایشان حلال و خبائث را بر ایشان حرام کرد و احکام و دستوراتی بر ایشان تشریح کرد که مایه طهارت آنان است و در عین حال عسر و حرجی هم نمی آورد.

مناسب با زمان نزول این سوره نیز تذکر این مطالب بوده، برای اینکه اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده آخرین سوره از سوره های مفصل قرآن است، که در اواخر ایام حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بر آن جناب نازل شده، در روایات شیعه و سنی هم آمده که در مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند و مناسب با این وضع همین بود که در این سوره به حفظ پیمانهای که خدای تعالی از بندگانش گرفته و خویشان داری در حفظ آنها سفارش کند!

#### هدف آیه ۴ و ۵ سوره مائده المیزان ج: ۵ ص: ۲۲۳

#### بیان ضابطه ای کلی برای تشخیص حلال از حرام

« يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلَّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ...! » ( ۵ و ۴ / مائده )

در آیه اول سؤال است مطلق و کلی و جوابی هم که از آن داده شده عمومی و مطلق است و در آن ضابطه ای کلی برای تشخیص حلال از حرام است داده و آن این است که حلال آن چیزی است که تصرف در آن - البته نه هر تصرف بلکه تصرفی که هر عاقلی غرض از آن چیز را همان تصرف می داند، از قبیل خوردن نان نه خفه کردن کودکی به وسیله نان - امری طیب و معقول شمرده شود.

و اگر طیبات را مطلق آورد این اطلاق نیز برای این است که بفهماند معتبر در تشخیص طیب از خبیث فهم متعارف عموم مردم است، نه فهم افراد استثنائی که یا از پاره ای خبائث لذت می برند و یا از پاره ای طیبات دچار تهوع می شوند، پس هر چیزی که فهم عادی عموم مردم آن را طیب بداند آن طیب است و هر چیزی هم که



طیب شد حلال است.

و اگر حلیت و طیب بودن را بفهم متعارف انسانها واگذار کردیم از پیش خود نکردیم ، بلکه همانطور که گفتیم از این جهت بود که هیچ مطلقى شامل فرد غیر متعارف نمی‌شود و این مساله در فن اصول ثابت شده است .

**هدف آیه ۶ و ۷ سوره مائده** میزان ج: ۵ ص: ۳۵۳

### بیان حکم طهارت‌های سه‌گانه

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ...! »

آیه اول از این آیات متعرض حکم طهارت‌های سه‌گانه یعنی غسل، وضو و تیمم است، آیه بعدش جنبه متمم و یا مؤکد حکم آن را دارد، البته در بیان حکم طهارت‌های سه‌گانه یک آیه دیگر هست که در سوره نساء قرار دارد و آن آیه زیر بود که می‌فرمود: «... و لا جنبا الا عابری سبیل حتی تغتسلوا و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا طيبا فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم ان الله کان عفوا غفورا!» و آیه سوره مائده از آیه سوره نساء روشنتر و گویاتر و نسبت به جهات حکم شاملتر است!

**هدف آیه ۸ تا ۱۴ سوره مائده** میزان ج: ۵ ص: ۳۸۳

### بیان کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی ، فردی و اجتماعی مومنین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ...! »

اتصال این آیات به آیات قبل روشن است و هیچ غباری بر آن نیست ، چون یک سلسله خطابهائی است به مؤمنین که در آنها کلیاتی از امور مهم دنیائی و آخرتی، فردی و اجتماعی آنان را بیان می‌کند .

**هدف آیه ۱۵ تا ۱۹ سوره مائده** میزان ج: ۵ ص: ۳۹۵

### دعوت اهل کتاب به پیروی از رسول الله و قرآن

« يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه مساله پیمان گرفتن از اهل کتاب بر اینکه رسولان او

را یاری و تعظیم و احکام او را حفظ کنند، خاطر نشان کرد و نیز بعد از آنکه مساله نقض پیمان را ذکر کرد، اینک در این آیات آنان را دعوت فرموده به اینکه به فرستاده‌ای که او فرستاده و به کتابی که او بر وی نازل کرده ایمان بیاورند چیزی که هست این دعوت را با زبان معرفی رسول و کتاب و استدلال بر اینکه آن رسول و کتاب حقد و اتمام حجت علیه آنان بیان کرده است.

علاوه بر تعریف و اقامه بینه و استدلال و اتمام حجت، این آیات مطلب دیگری را نیز متعرض شده و آن رد گفتار بعضی از مسیحیان است، که گفته‌اند: مسیح پسر خدا است و رد گفتار بعضی از یهودیان که گفته‌اند: ما یهودیان پسران و دوستان خدائیم!!

**هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره مائده المیزان ج: ۵ ص: ۴۶۴**

### بیان نقض میثاق یهود و گرفتاری آنها به سرگردانی و عذاب تیه

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلَ فِیْكُمْ اَنْبِیَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُّؤْتَاةً وَّ اٰتَاكُم مَّا لَمْ یُؤْتِ اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِیْنَ...! »

این آیات بی ربط با آیات قبل و بدون اتصال به آنها نیست برای اینکه آیات قبل بطوری که ملاحظه کردید سخنی از سر پیچی اهل کتاب در قبول دعوت اسلام داشت، این آیات نیز به پاره‌ای از میثاقهائی که از اهل کتاب گرفته شده بود اشاره دارد و آن میثاق این بود که با خدا پیمان بستند که نسبت بدانچه موسی می‌گوید مطیع محض باشند، ولی در برابر موسی جبهه‌گیری نموده، بطور صریح دعوتش را رد کردند و خدای تعالی در کیفر این گناهشان به عذاب تیه و سرگردانی که خود عذابی از ناحیه خدا بود گرفتار نمود!

**هدف آیه ۲۷ تا ۳۲ سوره مائده المیزان ج: ۵ ص: ۴۸۴**

### بیان جنایات حسد و داستان پسران آدم

« وَ اٰتٰلُ عَلَیْهِمْ نَبَا اِبْنِ اٰدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبٰنًا فَتَقَبَّلَ مِنْ اَحَدِهِمَا وَ لَمْ یَتَقَبَّلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَاقْتُلَنَّكَ قَالَ اِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ...! »

این آیات از داستان پسران آدم خبر می‌دهد و سبب پدید آمدن آنرا حسد دانسته، می‌فرماید حسد کار آدمی را به جایی می‌کشاند که حتی برادر برادر خود را بنا حق به قتل برساند و آنگاه که فهمید از زیانکاران شده پشیمان می‌گردد، پشیمانی‌ای که هیچ سودی ندارد.

این آیات به همین معنا مربوط به گفتار در آیات قبل است که در باره بنی اسرائیل می‌فرمود استنکافشان از ایمان به فرستاده خدا و امتناعشان از قبول دعوت

حقه جز به خاطر حسد و ستمگری نبود، آری همه اینها آثار شوم حسد است، حسد است که آدمی را وادار می‌کند برادر خود را بکشد و سپس او را در آتش ندامت و حسرتی می‌اندازد که راه فرار و نجاتی از آن نیست، پس باید که اهل عبرت از این داستان عبرت گرفته در حس حسادت و سپس در کفری که اثر آن حسادت است اصرار نورزند!

**هدف آیه ۳۳ تا ۴۰ سوره مائده** المیزان ج: ۵ ص: ۵۲۱

### بیان حد شرعی مفسدین و دزدان

« إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات خالی از ارتباط با آیات قبل نیست، برای اینکه آیات قبل که داستان برادرکشی فرزندان آدم را نقل می‌کرد و می‌فرمود به همین جهت بر بنی اسرائیل نوشتیم که چنین و چنان، گو اینکه ارتباط مستقیمش با مطالب قبل بود که پیرامون حال و وضع بنی اسرائیل سخن می‌گفت و گو اینکه در آن آیات بطور صریح نه یک حد شرعی بیان شده بود و نه یک حکم الهی و لیکن بطور ضمنی و یا به عبارتی به ملازمه با آیات مورد بحث که بیانگر حد شرعی مفسدین و دزدان است ارتباط دارد.

**هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مائده** المیزان ج: ۵ ص: ۵۵۱

### دستور العمل حکمیت و قضاوت‌های رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوْتِينَا هَذَا فَخَدُّوه وَ إِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَاحْذَرُوا وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات دارای اجزائی مرتبط به هم بوده و همه یک زمینه و یک سیاق دارند که از آن بر می‌آید در باره طائفه‌ای از اهل کتاب نازل شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در پاره‌ای از احکام تورات و اینکه آیا این حکم از تورات است و یا نیست حکم قرار داده بودند و امید داشتند که آن جناب حکمی بر خلاف حکم تورات کند تا بهانه‌ای به دست آورند و از حکم تورات فرار کنند و لذا به یکدیگر می‌گفتند: اگر بر طبق میل شما حکم کرد آنرا بگیری و اگر همان حکم تورات را کرد از او بر حذر باشید!

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به حکم تورات ارجاع داد، به همین جهت اهل کتاب از آن جناب اعراض کردند.

و نیز از سیاق آیات بر می آید که در آن میان طائفه‌ای از منافقین بودند که به هر طرف که اهل کتاب متمایل می شدند آنها نیز به همان سوی متمایل می شدند و منظورشان این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را وادار سازند تا بر طبق هوای دل آنان حکمی بکند و در مساله‌ای که برای اهل کتاب پیش آمده بود طرفداری از اقویاء کند و خلاصه همان رسم جاهلیت را به کار گیرد.

این آیات در عین اینکه در باره داستانی شخصی نازل شده بیاناتش مستقل است و مقید به آن قصه نیست و این خود از مشخصات آیات قرآنی است که هر چند در باره شان نزول معینی نازل شده باشد و سبب خاصی از حوادث واقعه، زمینه نزول آن آیات باشد مع ذلک آن سبب خاص به عنوان مصداقی از مصادیق بسیار تلقی شده که بعدها نیز تحقق می یابد و این بدان جهت است که قرآن کریم در باره عصر نزولش و مردم آن عصر نازل نشده کتابی است جهانی و دائمی، مقید به زمان و مکان خاصی نیست و به قوم یا حادثه خاصی اختصاص ندارد، همچنانکه در آن آمده: «ان هو الا ذکر للعالمین!»

**هدف آیه ۵۱ تا ۵۴ سوره مائده المیزان ج: ۵ ص: ۶۰۱**

### **نهی و تهدید شدید خدا در باره دوستی با اهل کتاب**

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ...!»

سیر اجمالی در این آیات آدمی را در باره اتصال آنها به ما قبلش و نیز به ما بعدش که می فرماید: «انما وليکم الله و رسوله...!» و نیز اتصال آن دو آیه به ما بعدش که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا...!» و نیز اتصال آنها به آیه: «یا ایها الرسول...!» دچار تردید و توقف می کند.

اما چهار آیه مورد بحث که به یهود و نصارا تذکر می دهد و ما این را می دانیم که قرآن کریم در آیتی که در مکه نازل شده هیچ صحبتی از یهود نکرده، چون آن روز احتیاج و سر و کاری با این دو طائفه نبوده و تنها در آیات مدنی سخن از این دو طائفه رفته است، آن هم در آیتی که در اول هجرت نازل شده، چون در اوائل هجرت بود که مسلمانان ناگزیر بودند با یهودیان معاشرت و آمیزش داشته باشند و یا با آنان پیمان و عهد ببندند و یا تنها در مقام دفع کید و مکر یهود بوده باشند ولی هیچ تماس و اصطکاک با نصارا نداشتند مگر در نیمه آخر ده سال توقف آن جناب در

مدینه و بعید نیست چهار آیه مورد بحث در این مدت نازل شده باشد و شاید مراد از کلمه فتح در این آیات فتح مکه باشد، لیکن احتمال قابل اعتماد این است که سوره مائده در سال حجۃ الوداع و بعد از فتح مکه نازل شده باشد.

بنا بر این یا مراد از کلمه فتح، فتح دیگری غیر از فتح مکه است و یا اینکه این آیات قبل از فتح مکه و قبل از نزول همه سوره نازل شده است.

سؤال دیگری که در این آیات هست این است که آیا آیه چهارم که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم ...!» متصل به سه آیه قبل از خودش است؟ و سؤال دیگر اینکه این گروهی که احتمال می‌رفته که از دین خود مرتد شوند و آیه به عنوان پیشگوئی از ارتداد آنها خبر می‌دهد چه کسانی بوده‌اند؟ سؤال چهارم اینکه منظور از آن طائفه‌ای که خدای تعالی وعده آمدنشان را داده کیانند؟ هر یک از این سؤاها بر ابهام آیه می‌افزاید و روایاتی که در شان نزول آمده، در این باره بسیار مختلف است و آن روایات چیزی جز نظریه شخصی مفسرین سلف نبوده، همچنانکه غالب روایات شان نزول همین وضع را دارند و این اختلاف شدید نیز خودش باعث ابهام بیشتر آیه و مایه اضطراب ذهن آدمی در فهم آیه شده است.

ابهام دیگری بر همه آن ابهام‌ها اضافه کن و آن این است که همه می‌دانیم که تعصب‌های مذهبی تا چه حد در اظهار نظرها دخالت می‌کرده و شواهدی از این دخالت‌ها در روایات و کلمات مفسرین سلف و خلف در المیزان از نظر خواننده گذشت.

و آنچه که بعد از تدبر در این آیات به دست می‌آید این است که همانطور که گفتیم اجزای این آیات به یکدیگر متصل است، ولی بریده از ما قبل و ما بعد است و آیه چهارم از متممات غرضی است که مقصود افاده و بیان آن است، چیزی که هست باید در فهم معنای آن باری به هر جهت کردن و مسامحه روا داشتن پرهیز کرد و مانند بسیاری از مفسرین در اظهار نظر مسامحه روا نداشت، آن هم در آیه‌ای که به بیانی که می‌آید صفات و خصوصیات قومی ذکر شده و نام و نشان‌های آن قوم آمده.

آنچه بطور اجمال از این آیات به دست می‌آید این است که خدای سبحان در این آیات مؤمنین را از اینکه یهود و نصارا را اولیای خود بگیرند، بر حذر داشته و با شدیدترین لحن تهدیدشان می‌کند و در یک پیشگوئی به آینده امر امت در اثر این موالات و دوستی با دشمنان خبر می‌دهد و می‌فرماید که اگر چنین کنید بنیه روش دینی خود را از دست می‌دهید و آن وقت است که خدای تعالی مردمی دیگر برمی‌انگیزد که قائم به امر دین شوند و بنیه دین را بعد از انهدام به حالت اصلی و

اولیش بر گردانند!

**هدف آیه ۵۵ تا ۵۶ سوره مائده** المیزان ج: ۶ ص: ۳

### تعیین ولی مومنین

« إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ! »

روایات بسیاری از طریق امامیه و هم از طریق خود اهل سنت هست که همه دلالت دارند بر اینکه این دو آیه در شان علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی که در نماز انگشتر خود را صدقه داد، نازل شده است!

**هدف آیه ۵۷ تا ۶۶ سوره مائده** المیزان ج: ۶ ص: ۳۵

### دستور پرهیز از دوستی با دشمنان دین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ ءَاوَتْوَا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ ءَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات از دوستی کفار و اهل کتابی که خدا و آیات خدا را استهزا می کنند نهی می کند و زشتیها و صفات پلید آنان و عهدشکنیشان را نسبت به خدا و مردم بر می شمرد و در ضمن مردم مسلمان را به رعایت عهد و پیمان تحریک نموده و نقض عهد و پیمان شکنی را مذمت می کند و با اینکه ممکن است شان نزول آنها مختلف باشد لیکن همه دارای یک سیاقند.

**هدف آیه ۶۷ سوره مائده** المیزان ج: ۶ ص: ۵۹

### دستور ابلاغ ولایت امیرالمومنین «ع»

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَ إِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ! »

در این آیه دو نکته بطور روشن بیان شده یکی دستوری است که خدای تعالی به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم داده است (البته دستور اکیدی که پشت سرش فشار و تهدید است!) به اینکه پیغام تازه ای را به بشر ابلاغ کند! و یکی هم وعده ای است که خدای تعالی به رسول خود داده که او را از خطراتی که در این ابلاغ ممکن است متوجه وی شود نگهداری کند!

آیه شریفه از یک امر مهمی - که یا عبارتست از مجموع دین و یا حکمی از احکام - آن کشف می کند .

و آن امر هر چه هست امری است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از

تبلیغ آن می‌ترسد و در دل بنا دارد آن را تا یک روز مناسبی تاخیر بیندازد، چه اگر ترس آن جناب و تاخیرش در بین نبود حاجتی به این تهدید نبود که بفرماید: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالت!»

آیه کشف می‌کند: آن حکم، حکمی است که مایه تمامیت دین و استقرار آن است، حکمی است که انتظار می‌رود مردم علیه آن قیام کنند و در نتیجه ورق را برگردانیده و آنچه را که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بنیان دین بنا کرده منهدم و متلاشی سازند و نیز کشف می‌کند از اینکه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم این معنا را تفرس می‌کرده و از آن اندیشناک بوده و لذا در انتظار فرصتی مناسب و محیطی آرام، امروز و فردا می‌کرده که بتواند مطلب را به عموم مسلمین ابلاغ کند و مسلمین هم آن را بپذیرند.

و در چنین موقعی این آیه نازل شده است و دستور فوری و اکید به تبلیغ آن حکم داده است!

در آیه شریفه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مامور به تبلیغ حکمی شده که تبلیغ و اجرای آن مردم را به این شبهه دچار می‌کند که نکند رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این حرف را بنفع خود می‌زند، چون جای چنین توهمی بوده که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اظهار آن اندیشناک بوده، از همین جهت بوده که خداوند امر اکید فرمود که بدون هیچ ترسی آنرا تبلیغ کند و او را وعده داد که اگر مخالفین در صدد مخالفت بر آیند آنها را هدایت نکند!

این مطلب روایاتی را که هم از طرق عامه و هم از طرق امامیه وارد شده است تایید می‌کند، چون مضمون آن روایات این است که آیه شریفه در باره ولایت علی علیه‌السلام نازل شده و خداوند رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مامور به تبلیغ آن نموده و آن جناب از این عمل بیمناک بوده که مبادا مردم خیال کنند وی از پیش خود پسر عم خود را جانشین خود قرار داده است و به همین ملاحظه انجام آن امر را به انتظار موقع مناسب تاخیر انداخت تا اینکه این آیه نازل شد، ناچار در غدیر خم آنرا عملی کرد و در آنجا فرمود:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه!»

«هر که من مولای اویم این - علی بن ابیطالب - نیز مولای اوست!»

هدف آیه ۶۸ تا ۸۶ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۹۰

**بیان مصایب اهل کتاب ناشی از عدم احیای دین و دوری از خدا**

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ

مَنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى  
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ...!»

در این آیات این معنا را بیان می‌کند که وسیله اقامه دین صحیح که همان دین فطرت است بازگشت به سوی خدا و حفظ ارتباط به حضرت او و قطع رابطه نکردن با اوست!

در این آیات به یهود و نصارا اعلام خطر شده است که بزودی دچار این مصیبت می‌شوند و نیز به آنان خبر می‌دهد که نخواهند توانست تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی شان را اقامه و احیا کنند!

اتفاقاً تاریخ هم این مطلب را تصدیق کرده و نشان داده که این دو ملت همواره به جرم بریدن رشته ارتباط با خدا دچار تشتت مذاهب و دشمنی و بغضی بین خودشان بوده‌اند!

در آیه: «فاقم وجهک للدين حنیفا!» و آیات دیگری از این سوره، مسلمانان را هم از اینکه روش اهل کتاب را پیش گرفته و از خدای تعالی بریده و بازگشت به سویش را ترک کنند زنهار می‌دهد!

#### هدف آیه ۸۷ تا ۸۹ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۱۵۶

#### بیان برخی از احکام فرعی دین اسلام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ  
الْمُعْتَدِينَ...! »

این سه آیه و تعدادی از آیاتی که بعد از آنها واقع شده‌اند، یعنی حدود صد و اندی از آیات این سوره در مقام بیان پاره‌ای از احکام فرعی هستند و این آیات مجموعاً نظیر جمله معترضه‌ایست که در بین دو دسته از آیاتی واقع شده‌اند که متعرض داستانهای مسیح علیه‌السلام و مسیحیان است.

و این آیات چون طوایف متفرقه‌ای هستند و در باره احکام مختلفی نازل شده‌اند، از این جهت می‌توان گفت هر کدام برای خود مستقل‌اند و در فهمانیدن مدلول خود تمام و غیر مربوط به ما بقی آیات‌اند، بنا بر این مشکل است گفته شود که همه آنها یکدفعه نازل شده‌اند و یا با بقیه آیات سوره نازل شده‌اند، زیرا مضامین این آیات طوری است که نمی‌توان بین آنها ارتباط برقرار کرد، تا بتوان آنرا شاهد این حرف قرار داد. در این سه آیه نیز مطلب از همین قرار است.

#### هدف آیه ۹۰ تا ۹۳ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۱۷۲

#### بیان حکم تحریم شراب، قمار، انصاب و ازلام



« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلُمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَأَجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...! »

این آیات همگی در مقام بیان احکام شراب هستند و در بعضی از آنها قمار و در بعضی دیگر انصاب و ازلام هم علاوه شده است. اگر دو آیه: « یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر و منافع للناس و اثمہما اکبر من نفعہما! » و آیه: « یا ایہا الذین آمنوا لا تقربوا الصلوٰۃ و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون! » با آیه: « قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم! » و آیه مورد بحث تا جمله: « انتم منتہون! » همه به هم منضم و یکجا در نظر گرفته شوند سیاقهای مختلفشان این معنا را می‌رساند که شارع مقدس شراب را بتدریج تحریم فرموده است!

هدف آیه ۹۴ تا ۹۹ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۰۲

### بیان حکم شکار در حال احرام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَيْبَلُونَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ...! »

این آیات در باره حکم شکارهای دریایی و صحرایی در حال احرام، نازل شده است.

هدف آیه ۱۰۰ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۱۶

### بیان مثالی برای غلبه حق و دین حق

« قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ! »

این آیه آیه‌ای است مشتمل بر یک مثال کلی که خداوند آن مثال را برای بیان خصوصیتی که برای دین حق است در بین سایر ادیان و رفتار مردم نسبت به دین حق و دین باطل بکار برده است و آن خصوصیت این است که اعتبار در هر جا با حق است و لو اینکه اهل حق و جمعیت آن کم و معدود باشند و در برابر خیر و سعادت باید تسلیم شد، هر چند بیشتر مردم مخصوصا اقویا از آن گریزان و روی‌گردان باشند!

هدف آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۲۰

### منع سوال از غیب و سرنوشت یا از ناگفته های خدا

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَ إِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْآنُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ! »

این آیه مؤمنین را نهی می‌کند از اینکه از چیزهایی سراغ بگیرند و مطالبی را بپرسند که اگر برایشان آشکار شود ناراحت می‌شوند، گر چه از بیان اینکه از چه کسی

بپرسند ساکت است، لیکن از اینکه بعدا می‌فرماید: «و ان تستلوا عنها حين ينزل القرآن تبد لكم!» و همچنین از اینکه در آیه بعد می‌فرماید: «قد سالها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کافرین!» بدست می‌آید که مقصود سؤال از رسول الله «ص» است و نیز گر چه در آیه روی سخن به مؤمنین عصر رسول الله «ص» و غرض، نهی از سؤالات معینی است، لیکن از علتی که از آیه برای نهی استفاده می‌شود بدست می‌آید که آیه، سؤالات غیر مورد غرض را که مشمول عفو خداوند شدند نیز شامل می‌شود و در نتیجه سؤال از هر چیزی که خدای تعالی دریچه اطلاع از آن (با اسباب عادی) را بروی بشر بسته است ممنوع شده است، زیرا خطری که در سؤال از اینگونه امور است منحصر در سؤالات اصحاب رسول الله «ص» نیست، پرسش از روز مرگ خود، مثلا و یا روز مرگ دوستان و عزیزان یا پرسش از زوال ملک و عزت، همیشه مظنه هلاکت و بدبختی است و چه بسا همان جستجو و بدست آوردن مطلب خود باعث هلاکت و بدبختی شود، آری نظامی که خدای تعالی زندگی بشر بلکه جمیع عالم کون را به آن نظام منتظم ساخته نظامی است حکیمانه، از روی حکمت است که اموری را برای آدمیان آشکار و امور دیگری را نهان داشته است و دست و پا کردن برای اخفای آنچه ظاهر و اظهار آنچه مخفی است باعث اختلال نظامی است که گسترده شده است!

**هدف آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۲۹**

### لغو قوانین جاهلیت

« مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَ لَا سَائِبَةٍ وَ لَا وَصِيْلَةٍ وَ لَا حَامٍ وَ لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ...! »

اینها اصناف چهارگانه انعامی هستند که مردمان جاهلیت برای آنها احتراماتی قائل بوده‌اند و به همین منظور احکامی برای آنها جعل کرده بودند، اینک در این آیه شریفه خدای تعالی می‌فرماید: این احکام از ناحیه من نیست!

**هدف آیه ۱۰۵ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۳۸**

### بیان راه مراقبت نفس مومنین و تحفظ جامعه اسلامی

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ! »

این آیه نهی می‌کند مؤمنین را از اینکه به کار هدایت گمراهان پرداخته و از هدایت خویش بازمانده و در حقیقت در راه نجات مردم خود را به هلاکت بیندازند.

البته، دعوت به خدا و امر به معروف و نهی از منکر چون خود یکی از شؤون

بخود پرداختن و راه خدا پیمودن و وظیفه الهی را انجام دادن است، تعارضی با این آیه ندارد!

از جمله: «گمراهان بشما ضرر نمی‌رسانند!» می‌توان این معنا را استفاده کرد که **کفار هیچ وقت نمی‌توانند به جامعه اسلامی پرداخته و آن را بصورت جامعه غیر اسلامی در آورند**، عبارت دیگر ممکن است معنای آیه این باشد که: شما ای مسلمین هدایت خود را حفظ کنید و بدانید که گمراهان هیچوقت نمی‌توانند با قوه قهریه خود مجتمع اسلامی شما را به یک مجتمع غیر اسلامی تبدیل کنند!

**هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۰۹ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۸۴**

### بیان نحوه ادای شهادت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَا نُكَنِّي ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ...!»

سه آیه اول راجع به شهادت است و آیه آخری هم از نظر معنی بی‌ارتباط با آنها نیست.

**هدف آیه ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۳۱۶**

### دعوت به وفای عهد و حذر از عهدشکنی و کفران نعمت الهی

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وِلْدَتِكَ إِذْ أُوتِيتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ...!»

این دو آیه و همچنین آیات بعدی که داستان نزول مائده را حکایت می‌کند و نیز آیات بعد از آن که متضمن خبری است از خداوند به عیسی بن مریم «ع» به اینکه بزودی خداوند از او از اینکه چرا نصارا او و مادرش را برای خود دو معبود اتخاذ کردند باز خواست می‌کند همگی با غرضی که افتتاح این سوره به منظور ایفای آن بوده مرتبط هستند و آن غرض دعوت به وفای عهد و شکر نعمت و تحذیر از عهدشکنی و کفران نعمت‌های الهی است، همین مطالب است که آخر سوره را با اول آن مربوط ساخته و وحدت سیاق را در سراسر سوره حفظ کرده است.

**هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۱۵ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۳۲۳**

### بیان نحوه درخواست مائده حواریون عیسی «ع»

«إِذْ قَالَ الْخَوَارِئُونَ يَعْيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ

السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...!» (۱۱۲ تا ۱۱۵/مائده)

این آیات، داستان نزول مائده را بر مسیح و یارانش یاد آوری می‌کند، گر چه تصریح ندارد به اینکه چنین مائده‌ای نازل شده، لیکن از اینکه آیه آخری مشتمل است بر وعده قطعی و بدون قید به اینکه نازل خواهد کرد و از اینکه خدای متعال همانطوری که خودش خود را وصف کرده، تخلف در وعده نمی‌کند، استفاده می‌شود که چنین مائده‌ای نازل کرده است.

**هدف آیه ۱۱۶ تا ۱۲۰ سوره مائده المیزان ج: ۶ ص: ۲۴۵**

### نتیجه گیری از هدف سوره مائده: رعایت عهدالهی

«وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتَ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ...!»

غرض از نظم و نسق این آیات بیان اعترافاتی است که عیسی علیه‌السلام به زبان خود نموده و وضع زندگی دنیوی خود را حکایت کرده باشد که حق او نبوده در باره خود ادعائی کند که حقیقت ندارد، چه او در برابر چشم خدا بوده، چشمی که نه خواب دارد و نه کم دید می‌شود و اینکه او ذره‌ای از آنچه خداوند برایش تحدید و معین نموده تجاوز نکرده است، چیزی جز آنچه مامور به گفتنش بوده نگفته و کاری جز آنچه خداوند مامور به انجامش نموده نکرده است و آن کار همان شهادت است، خداوند هم او را در این اعترافات و در آنچه که در باره حق ربوبیت خدا و عبودیت بندگان ذکر نموده تصدیق فرموده است، به این بیان آیات مورد بحث منطبق می‌شود بر غرضی که به خاطر آن این سوره نازل شده است و آن غرض عبارتست از بیان حقی که خداوند برای خود به گردن بندگان قرار داده و آن وفای به عهدی است که با خدای خود بسته‌اند و اینکه نباید آن عهد را بشکنند، یعنی نباید از روی لاقیدی و بی‌بندوباری شانه از زیر بار تکالیف تهی سازند و هر چه بخواهند بکنند و هر جا بخواهند آزادانه بچرند، چنین حقی از طرف خدای تعالی به آنان داده نشده و خودشان هم قادر به رسیدن به این آرزو نیستند، این است آن غرضی که این سوره از اول تا به آخر آن را بیان می‌کند!

## هدف و فلسفه نزول سوره انعام

(المیزان ج: ۷ ص: ۳)

### بیان توحید خدای تعالی

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ! هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ! وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ! » (انعام/۳ تا ۱)

غرضی که این سوره در مقام ایفای آن است همان توحید خدای تعالی است البته توحید به معنای اعم و اینکه اجمالا برای انسان پروردگاری است که همان او پروردگار تمام عالمیان است، از او است ابتدای هر چیز و به سوی او است بازگشت و انتهای هر چیز، پروردگاری که به منظور بشارت بندگان و انداز آنان پیغمبرانی فرستاد و در نتیجه بندگان مربوبش به سوی دین حق او هدایت شدند.

این است اجمال آن چیزی که این سوره در مقام اثبات آن است، زیرا بیشتر آیاتش به صورت استدلال علیه مشرکین و مخالفین توحید و نبوت و معاد است، البته مشتمل بر اجمالی از وظایف شرعی و محرمات دینی نیز می‌باشد.

در ثنایی که در این سه آیه هست، اشاره‌ای نیز به معارف حقیقی‌ای که دعوت دینی متکی بر آن است شده و آن معارف در حقیقت به منزله ماده شریعت است و به سه نظام تفکیک می‌شود:

- ۱- نظام عمومی خلقت که آیه اولی به آن اشاره می‌کند.
  - ۲- نظامی که خصوص انسان از جهت وجود دارد و آیه دوم مشتمل بر آنست.
  - ۳- نظام عمل انسان که آیه سوم به آن اشاره می‌کند!
- پس آنچه که از مجموع این سه آیه به دست می‌آید عبارتست از ثنای بر پروردگار بدان جهت که عالم کبیری را ایجاد فرمود که انسان در آن زندگی می‌کند و عالم صغیری را که همان وجود خود انسان است و محدود است از جهت آغازش به گل و از طرف انجامش به اجل مکتوب، ایجاد فرمود و ثنا بر اینکه بر آشکار و نهان آدمی و تمامی اعمال او آگاهی دارد!

**هدف آیه ۴ تا ۱۱ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۱۹****بیان تکذیب حق از طرف مشرکین و پاسخ اعتراضات آنها**

« وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ...! »

این آیات اشاره است به تکذیب مشرکین و کفار و پافشاریشان در انکار حق و استهزاء شان به آیات خداوند سبحان و نیز موعظه و انذار و جوابی است بر پاره‌ای از یاهوهائی که در انکار حق صریح به هم بافتند .

**هدف آیه ۱۲ تا ۱۸ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۲۳****تعلیم برهانی بر توحید و بعث و معاد**

« قُلْ لِّمَنْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ...! »

این آیات از جمله آیاتی است که با مشرکین در امر توحید و معاد احتجاج می‌کند، دو آیه اول آن متضمن برهان بر معاد و بقیه که پنج آیه است به طوری که خواهید دید در باره توحید به دو نحو اقامه برهان می‌نماید.

**هدف آیه ۱۹ و ۲۰ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۴۹****احتجاج به وحدانیت خدا بوسیله وحی**

« قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أُنْتُمْ لَتَنْشَهُدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّى بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ...! »

این آیات احتجاج می‌کند بر مساله وحدانیت خدای تعالی از راه وحی و حال آنکه این مساله عقلی و از مسائلی است که عقل از طرق مختلفی به آن راه دارد و لیکن صرف این جهت باعث نمی‌شود که نتوان آنرا از طریق وحی صریح قطعی هم اثبات نمود، مگر غرض از برهان عقلی، جز تحصیل یقین چیز دیگری است؟ وقتی غرض از آن تحصیل یقین به وحدانیت خدا باشد و بر حسب فرض، وحی الهی هم قطعی و غیر قابل تردید باشد چه مانعی دارد که همان وحی برهان بر وحدانیت خدا قرار گیرد آنهم وحیی چون قرآن که اساسش متکی بر تحدی است!

**هدف آیه ۲۱ تا ۳۲ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۵۸****بیان مظالم مشرکین و انحراف آنها از اصول عقاید پاک**

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ...! »

در این آیات مظالم مشرکین و انحرافاتى را که در اصول عقاید پاک یعنی

توحید، نبوت و معاد داشتند برای رسول الله «ص» بیان می فرماید.

**هدف آیه ۳۳ تا ۳۶ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۸۶**

### دستور العمل برای دعوت دینی در محیط آزاد

« قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكَدُ بُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنَأْيَتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ...! »

این آیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در لغزشهایی که مشرکین در باره امر دعوت وی داشتند تسلیت داده و با وعده حتمی نصرتش، دلخوش می سازد و بیان می کند که دعوت دینی دعوتی است که باید در محیط آزاد و با حفظ اختیار اشخاص صورت گیرد، تا هر که می خواهد ایمان آورد و هر که می خواهد کفر ورزد و چون دعوت دینی اساسش بر اختیار است، قدرت و مشیت حتمی الهی در آن دخالت نمی کند و اشخاص را مجبور به قبول نمی سازد و گرنه خداوند می توانست تمامی افراد بشر را بر هدایت مجتمع سازد!

**هدف آیه ۳۷ تا ۵۵ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۹۷**

### احتجاج به امر توحید و معجزه نبوت

« وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ...! »

در این آیات در خصوص امر توحید و معجزه نبوت احتجاجات گوناگونی شده است.

**هدف آیه ۵۶ تا ۷۳ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۱۵۹**

### نهی از بت پرستی و دلایل آن

« قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أُعْبَدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ...! »

این آیات تتمه احتجاجاتی است که در سابق علیه مشرکین بر مساله توحید و معارف مربوط به آن از نبوت و معاد شده بود.

**هدف آیه ۷۴ تا ۸۳ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۲۲۰**

### تعلیم حجت های ابراهیم «ع» به رسول الله «ص»

« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرًا أَنْ تَتَّخِذَ أَصْنَامًا ءِالِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...! »

این آیات بیان عالی ترین و کاملترین مصداق ایمان و قیام به دین فطرت و

نشر عقیده توحید و پاکی از شرک و دوگانگی است و این همان هدف مقدسی است که ابراهیم برای آن قیام نمود و در روزگاری که مردم سنت توحید را که نوح و انبیای بعد از او گوشزدشان کرده بودند از یاد برده و دنیا در تیول و ثنیت درآمد بود برای روشن کردن آن احتجاج کرد، پس این آیات با حجت‌هایی که در آنها بر دین فطرت اقامه شده در حقیقت برای مزید بینائی رسول خدا است نسبت به ادله‌ای که در همین سوره و قبل از این آیات خدا به او تلقین نمود و در چهل جا فرموده: اینطور بگو و چنین استدلال کن، که متجاوز از بیست تای از آن گذشت!

#### هدف آیه ۸۴ تا ۹۰ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۲۳۵

#### **بیان استمرار توحید فطری در قرون متمادی**

« وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كَلَّا هَدَيْنَا وَ نُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ أَيُّوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ...! »

این آیات در عین اینکه سیاقش بیان توحید فطری است، این معنا را نیز می‌رساند که عقیده به توحید در قرون گذشته در میان مردم محفوظ بوده و عنایت خاص الهی و هدایتش نگذاشته که این مطلب، در یک جای از سلسله متصل بشریت بطور کلی از بین برود - به قول عوام حق و حقیقت باریک شدنی هست و لیکن قطع شدنی نیست - آری، عنایتی که پروردگار متعال به دین خود دارد این دین را از اینکه یکباره دستخوش هواهای شیطانی شیطان صفتان گردد و بکلی از بین رفته و در نتیجه غرض از خلقت عالم باطل شود حفظ فرموده است.

#### هدف آیه ۹۲ تا ۱۰۵ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۲۷۱

#### **بیان احتجاج علیه اهل کتاب درباره قرآن و بیان توحید و اسماء حسنی**

« وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...! »  
 « وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ...! »

در این آیات در باره قرآن علیه اهل کتاب که می‌گفتند: «ما انزل الله علی بشر من شیء!» احتجاج شده است.

نخست، کلام را با ذکر محاجه با اهل کتاب افتتاح نموده و سپس این معنا را خاطرنشان می‌سازد که شدیدترین ظلم‌ها شرک به خدا و افترای بر او و یا انکار نبوت پیغمبران واقعی و یا ادعای چیزی است که حقیقت نداشته باشد مثل همین که گفته‌اند: «سائل مثل ما انزل الله!»

آنگاه سرانجام کار اینگونه ستمگران را در دم مرگ در آن موقعی که ملائکه



قبض روح ، دست به کار کشیدن جان آنان می‌شوند ذکر نموده و در آخر آیات ادله توحید خدای تعالی و پاره‌ای از اسمای حسنی و صفات علیای او را ذکر می‌کند .

**هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۳ سوره انعام المیزان ج : ۷ ص : ۴۲۹**

### دعوت به توحید

« أَتَّبِعُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ...! »  
این آیات مانند آیات قبل راجع به توحید است!

**هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره انعام المیزان ج : ۷ ص : ۴۴۹**

### دستور پیروی از حکم خدا و اجرای حکم ذبح اسلامی

« أَوْفِرَ اللَّهُ أُتْبَغَى حَكَمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...! »

این آیات مشتملند بر اینکه نباید جز خدا را حَکَم گرفت و به حُکَمش گوش داد در حالی که خدای متعال احکام خود را به تفصیل در کتاب خود بیان فرموده و مشتملند بر نهی از پیروی و فرمانبرداری از بیشتر مردم زیرا فرمانبرداری از بیشتر مردم که پیروی ظن و تخمین می‌کنند گمراه کننده است .

و در آخر آیات بیان می‌کند که مشرکین - که اولیای شیاطینند - با مؤمنین در باره خوردن مردار مجادله می‌کنند و در این آیات به خوردن آنچه به نام خدا ذبح شده امر و از آنچه به نام خدا ذبح نشده نهی شده است و اینکه آنچه خدا فرموده و برای بندگان خود پسندیده همین است!

**هدف آیه ۱۲۲ تا ۱۲۷ سوره انعام المیزان ج : ۷ ص : ۴۶۳**

### بیان تأثیر هدایت الهی در جان مومن

« أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ...! »

آنچه از اولین آیه به ذهن ساده و بسیط تبادر می‌کند اینست که مثلی است که برای هر مؤمن و کافری زده شده، زیرا انسان قبل از آنکه هدایت الهی دستگیریش کند شبیه میتی است که از نعمت حیات محروم است و حس و حرکتی ندارد و پس از آنکه موفق به ایمان شد و ایمانش مورد رضایت پروردگارش هم قرار گرفت مانند کسی است که خداوند او را زنده کرده و نوری به او داده که با آن نور می‌تواند هر جا که بخواهد برود و در پرتو آن نور راه خود را از چاه و خیرش را از شر و نفعش را از ضرر تمیز دهد، منافع و خیرات را بگیرد و از ضرر و شر احتراز کند .

به خلاف کافر که مثلش مثل کسی است که در ظلمت و تاریکی محض به سر می برد و راه نجات و مفری پیدا نمی کند، کافر زندگی و مرگش و همچنین در عوالم بعد از مرگش همه در ظلمت است، در زندگی خیر را از شر و نفع را از ضرر تشخیص نمی دهد

**هدف آیه ۱۲۸ تا ۱۳۵ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۴۸۳**

### بیان سرپرستی و ولایت ستمگران و شیطان به دیگران

« وَ يَوْمَ يَخْسِرُهُمُ جَمِيعًا يَمْعَشِرَ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْانْسِ وَ قَالَ اُولِيَاؤُهُمْ مِّنَ الْانْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا اَجَلَنَا الَّذِي اُجَلِّتْ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ...! »

این آیات سرپرستی و ولایتی را که برخی از ستمگران بر برخی دیگر به اذن خدا دارند - مانند ولایت شیاطین بر کفار - تفسیر می کند و بیان می کند که این کار از خدای تعالی ظلم نیست، به شهادت اینکه خود ستمگران و کفار به زودی در قیامت اعتراف می کنند به اینکه اگر معصیت کردند و یا به خداوند شرک ورزیدند به سوء اختیار خودشان بوده و این خود آنان بودند که با شنیدن ندای الهی و هشدارش نسبت به عذاب قیامت، مغرور زندگی دنیا شدند و راه ظلم را پیش گرفتند و ستمگران هم رستگار نخواهند شد .

و اینکه قضای الهی با کفر و ظلم آنان موافق است سبب نمی شود که کفر و ظلمشان به خودشان نسبت داده نشود.

**هدف آیه ۱۳۶ تا ۱۵۰ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۴۹۳**

### بیان حکم خدا در خوردنی ها و رد احکام کفر و جاهلیت

« وَ جَعَلُوا لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْاَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلّٰهِ بِرَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ اِلَى اللّٰهِ وَ مَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ اِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ...! » (۱۳۶ تا ۱۵۰/انعام)

این آیات علیه مشرکین در باره عده ای از احکام حلال و حرام که در خوردنیها میان مشرکین دایر بوده احتجاج نموده حکم خدا را در آنها بیان می کند!

**هدف آیه ۱۵۱ تا ۱۵۷ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۵۱۲**

### بیان محرّماتی که جاری بین کل ادیان بوده است!

« قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلَا تُشْرِكُوْا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرُزِقُكُمْ وَ اِباَهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوْحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاغُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ...! »

این آیات محرمانی را بیان می‌کند که اختصاص به شریعت معینی از شرایع الهی ندارد و آن محرمات عبارت است از:

شرک به خدا ، ترک احسان به پدر و مادر ، ارتکاب فواحش و کشتن نفس محترمه بدون حق که از آن جمله است کشتن فرزندان از ترس روزی، نزدیک شدن به مال یتیم مگر به طریق نیکوتر، کم‌فروشی ، ظلم در گفتار، وفا نکردن به عهد خدا و پیروی کردن از غیر راه خدا و بدین وسیله در دین خدا اختلاف انداختن!

شاهد اینکه محرمات مذکور عمومی است و اختصاصی به یک شریعت ندارد - این است که می‌بینیم قرآن کریم همانها را از انبیا علیهم‌السلام نقل می‌کند که در خطاب‌هایی که به امت‌های خود می‌کرده‌اند از آن نهی می‌نموده‌اند.

از این هم که بگذریم اگر مساله را دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید ادیان الهی هر چه هم از جهت اجمال و تفصیل با یکدیگر اختلاف داشته باشند، هیچ یک از آنها بدون تحریم این گونه محرمات معقول نیست تشریح شود و به عبارت ساده‌تر ، معقول نیست دینی الهی بوده باشد و در آن دین اینگونه امور تحریم نشده باشد حتی آن دینی که برای ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نسل بشر تشریح شده است!!

هدف آیه ۱۵۸ تا ۱۶۰ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۵۲۲

### **تهدید مشرکین بخاطر استنکاف از پیروی صراط مستقیم و تفرق در دین خدا**

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ...! »

این آیات مشرکینی را که از پیروی صراط مستقیم استنکاف می‌ورزند و در دین خدا متفرق می‌شوند تهدید می‌کند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از آنان تبرئه می‌نماید و کسانی را که نیکی می‌کنند به جزای نیک وعده و نوید می‌دهد و جزای روز قیامت را امری منجز معرفی می‌کند .

هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۶۵ سوره انعام المیزان ج: ۷ ص: ۵۲۲

### **بیان هدف رسول الله در دعوت سوره انعام و عمل به آن**

« قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ! دِينًا قِيَمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ! »

« قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ! »

« لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ...! »

این آیات آخر سوره است و مشتمل است بر هدفی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دعوت این سوره داشته و اینکه به آنچه دعوت می کرده عامل نیز بوده و نیز مشتمل است بر خلاصه دلایلی که در این سوره علیه عقیده شرک اقامه شده است!

## هدف و فلسفه نزول سوره اعراف

(المیزان ج: ۸ ص: ۳)

### **بیان سیر تاریخی عهد الهی و تشریح برخی احکام اسلام**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! المص! كِتَبٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِيَتَذَكَّرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ...! » (ا/اعراف)

این سوره مشتمل است بر مجموع مطالبی که سوره های ابتدا شده به حروف مقطعه «الم و ص» مشتمل بر آن است. برداشت کلام در این سوره چنین است که گویا عهدی را که خداوند از آدمیان گرفته که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند مبنای کلام قرار داده و آنگاه از سیر تاریخی این عهد که بر حسب مسیر انسانیت در امم و قرون گذشته نموده است بحث می کند.

چون اکثر امم گذشته این عهد را شکسته و آن را از یاد بردند و در نتیجه وقتی پیغمبری در بین آنان مبعوث می شده و آیات و معجزاتی می آورده که آنان را به یاد عهد خود بیندازد تکذیب می کردند و جز عده کمی به وسیله آن آیات متذکر نمی شدند.

عهد الهی که در حقیقت اجمالی است از تفصیل دعوت های دینی الهی، در طبیعت انسان های مختلف از جهت اختلافی که در استعداد قبول و رد آن دارند و همچنین از جهت اختلاف اماکن و اوضاع و احوال و شرایطی که به نفوس آنان احاطه دارد مختلف می شود. در بعضی از نفوس پاک که بر اصل فطرت باقی مانده اند هدایت به سوی ایمان به خدا و آیات او را نتیجه می دهد و در بعضی دیگر که همیشه اکثریت را تشکیل می دهند و مردمی پست و مستغرق در شهوات دنیایند خلاف آن را، که همان کفر و طغیان و سرپیچی است نتیجه می دهد و همین معنی باعث می شود که مؤمنین مورد الطاف خاص الهی قرار گرفته و در دنیا موفقیت و نصرت و فتح و در آخرت نجات از آتش و بهره مندی از بهشت و لذا یز گوناگون آن نصیب شان گردد و در مقابل، کفار مورد غضب و لعنت خدا قرار گرفته به عذاب های ناگهانی که همگی را

هلاک ساخته و نسلشان را قطع می‌کند دچار می‌شوند: «فجعلناهم احادیث و مزقناهم کل ممزق!» تازه این عذاب دنیای‌شان است و عذاب آخرت بیچاره‌کننده‌تر است و در آن عذاب کسی یاری نمی‌شود!

این است آن سنتی که خداوند آن را در بین بندگان خود اجراء کرده و از این پس نیز اجراء می‌کند. شرح جزئیات همین سنت برای مردمی که ایمان به خدا ندارند انذار است، چون غرض از شرح آن واداشتن آنان به ایمان به خدا و آیات او است. همین شرح و بیان، نسبت به مردم با ایمان یعنی آنان که به طور اجمال علم به پروردگار خود و به مقام ربوبی او دارند تذکر و یادآوری آیات خدا و تعلیم معارف دینی او و معرفت به خدا و اسمای حسنی و صفات علیای او و نیز شناسایی سنت جاری پروردگار در دنیا و آخرت است.

از آیه شریفه: «لتنذر به و ذکری للمؤمنین!» هم این معنا استفاده می‌شود و از آن به خوبی بر می‌آید که غرض ادیان همین دو معنا است: انذار غیر مؤمنین و یادآوری مؤمنین!

بر این اساس می‌توان گفت: این سوره بنا بر اینکه همه آن در مکه نازل شده باشد، روی سخن در آن با مشرکین مکه و تعداد اندکی که به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان آورده بودند خواهد بود و از خود آیات آن نیز این معنا ظاهر می‌شود، برای اینکه غالباً در اول یا آخر آیات آن عموم مردم را انذار نموده و اقامه حجت و موعظه کرده و یا با ذکر داستان آدم و ابلیس و داستانهای نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی علیه‌السلام وسیله عبرت‌شان را فراهم ساخته است.

و این بیان در عین اینکه برای اکثریت مردم انذار است، برای مؤمنین یادآوری و تذکر است، چون همین بیانات آنان را به یاد تفصیل و جزئیاتی از معارف مربوط به مبدء و معاد و آیات الهی می‌اندازد که اجمال ایمان خود آنان مشتمل بر آن است.

در اینجا باید خاطر نشان سازیم که این سوره قسمت عمده و مقدار قابل ملاحظه‌ای از معارف الهی را متضمن است، از آن جمله وصف ابلیس و لشکرش، وصف قیامت و میزان، اعراف و عالم ذر و میثاق و وصف مردم با ایمانی که همیشه به یاد خدایند و نیز از آن جمله ذکر عرش و تجلی پروردگار و اسمای حسنی او و بیان این حقیقت که برای قرآن تاویلی است.

و نیز متضمن مجملاتی است از واجبات و محرمات مانند: «قل امر ربی بالقسط!» و آیه: «انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن!» و آیه: «قل من

حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق!»

**هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۲۰

### بیان ابتدای خلقت انسان و دخالت شیطان و هبوط آدم به دنیا

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...!»

این آیات ابتدای خلقت انسان و صورت‌بندی او و ماجرای آن روز آدم و سجده ملائکه و سرپیچی ابلیس و فریب خوردن آدم و همسرش و خروج‌شان از بهشت و سایر اموری را که خداوند برای آن دو مقدر کرده بود بیان می‌فرماید.

**هدف آیه ۲۶ تا ۳۶ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۸۲

### بیان خطاب های الهی به بنی آدم در اول خلقت انسان

«يَبْنِي َۛادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ لِبَاسًا يُورِي سُوءَتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ ذَلِك مِنْ َۛايَةِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ...!»

در این آیات و همچنین آیات قبل از آن که راجع به داستان سجده و بهشت بود خطاب‌هایی است که اگر مورد دقت قرار گیرد و آنگاه در مقابل خطاباتی قرار داده شود که در آیات راجع به همین قصه در سایر سوره‌ها مخصوصاً در سوره طه است و این معنا هم ملاحظه شود که سوره طه در مکه نازل شده و داستان سجده و بهشت آن اجمالی است از آنچه که در این سوره و در سوره بقره است که در مدینه نازل شده، بدست خواهد آمد که این خطابات یعنی خطاب یا بنی آدم تعمیم خطاب‌های خصوصی است که در آن آیات به خود آدم شده است .

بلکه به بیانی که قبلاً گفته شد، اصل داستان مربوط به آدم است و در این آیات به عموم فرزندان او تعمیم یافته است .

و این چهار خطاب که با قول «یا بنی آدم!» شروع شده، سه موردش راجع به تحذیر از فتنه شیطان و خوردن و نوشیدن و لباس می‌باشد و تعمیم مطلبی است که خداوند آن را در سوره طه بدینگونه ذکر فرموده است: «یا آدم ان هذا عدو لك و لزوجك فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى! ان لك ان لا تجوع فيها و لا تعرى! و انك لا تظما فيها و لا تضحى!» و خطاب چهارم نیز تعمیم این قول خدا: «فاما ياتينكم منى هدى!» می‌باشد .

احکامی که در اینجا به طور اجمال ذکر شده شرایع الهی‌ای است که بدون

استثنا در جمیع ادیان الهی وجود داشته است و نیز خواهیم دید کلیه مقدراتی که انسان نسبت به سعادت و شقاوت و امثال آن دارد همه منتهی به این داستان می‌شود و در حقیقت آنچه از اینگونه مقدرات برای بشر پیش می‌آید حاصلی است که از کشت

آن روز درو می‌شود و آن داستان ریشه این شاخ و برگ‌ها و فهرست این تفصیل است!

**هدف آیه ۳۷ تا ۵۳ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۱۳۷**

### بیان نتایج آخرین خطاب الهی

« فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَقَّؤُهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاذِبُونَ...! »

آیه اولی تفریع و استخراج از آخرین خطاب عام: «یا بنی آدم...! است، نظیر تفریعاتی که پس از هر کدام از خطابهای عام قبلی ذکر شد و آیات بعدی همه راجع به پیامدهای دروغ بستن به خدا و عواقب وخیم تکذیب آیات او و همچنین بیان آثاری است که بر ایمان به خدا و عمل صالح مترتب می‌شود، الا دو آیه آخر که در آن دو به اول کلام برگشت شده و با ذکر مساله نزول کتاب، حجت را بر آنان تمام کرده است.

**هدف آیه ۵۴ تا ۵۸ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۱۸۳**

### بیان دلایل ربوبیت الهی در نظام آفرینش و روزی رسانی

« إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات یگانگی رب العالمین را به دو طریق تاکید می‌نماید: یکی از این راه که خدای تعالی کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده و امور آن را به نظام احسنی که جمیع اجزاء و اطراف آن را به هم مرتبط می‌سازد تدبیر می‌نماید، پس او به تنهایی رب العالمین است!

یکی هم از این راه که خدای تعالی آن کسی است که برای جمیع خلائق روزی فراهم نموده و انواع میوه‌ها و غلات و هر رزق دیگری را به عجیب‌ترین و لطیف‌ترین وجهی آفریده و این خود دلیل بر این است که پروردگار دیگری برای عالم نیست!

**هدف آیه ۵۹ تا ۷۲ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۲۱۷**

### بیان دعوت به توحید الهی در سرگذشت پیامبران (نوح و هود)

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ...! »

«وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ...!»  
 این آیات با ذکر داستان نوح علیه السلام و اینکه چگونه مردم را به توحید و ترک شرک دعوت می نمود و قومش او را انکار نموده، بر شرک خود اصرار می ورزیدند و اینکه چگونه خداوند طوفان را بر ایشان مسلط نمود و همه را تا به آخر هلاک ساخت و نوح و گروندگان به وی را نجات داد، تعقیب و دنباله آیات قبلی است که آن نیز راجع به دعوت به توحید و نهی از شرک به خدای سبحان و تکذیب آیات او بود و به منظور تکمیل همین بیان، داستان عده دیگری از انبیاء از قبیل هود، صالح، شعیب، لوط و موسی علیهما السلام را نیز ذکر می فرماید.

**هدف آیه ۷۳ تا ۷۹ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۲۲۷

### بیان دعوت به توحید و مبارزات حضرت صالح

«وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...!»

ثمود یکی از امت های قدیمی عرب بوده که در سرزمین یمن در احقاف می زیسته اند و خداوند متعال شخصی از خود آنان را به نام صالح در میان شان مبعوث نمود. صالح علیه السلام قوم خود را که مانند قوم نوح و هود مردمی بت پرست بودند به دین توحید دعوت نمود و فرمود: «یا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غیره!»

**هدف آیه ۸۰ تا ۸۴ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۲۳۱

### دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت لوط

«وَ لُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ...!»  
 حضرت لوط از پیروان شریعت ابراهیم علیه السلام بوده، به خلاف هود و صالح که از پیروان شریعت نوح علیه السلام بودند.  
 لوط از بستگان ابراهیم علیه السلام بوده و آن حضرت او را به سوی اهل سدوم و اقوام مجاور آنان فرستاد، تا آنان را که مشرک و از بت پرستان بودند، به دین توحید دعوت کند.

**هدف آیه ۸۵ تا ۹۳ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۲۳۴

### دعوت به توحید الهی و مبارزات حضرت شعیب

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...!»



اول این آیات عطف است بر داستان نوح «ع»، شعیب «ع» نیز مانند نوح و سایر انبیای قبل از خود دعوت خویش را بر اساس توحید قرار داده بود.

**هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۲ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۲۴۵**

### بیان عوامل نابودی جوامع فاسد و نتیجه گیری از داستان پیامبران

« وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ...! وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ...! »

این آیات مربوط و متصل به آیات قبل‌اند، برای اینکه مطالبی را که در آن آیات در باره امت‌های گذشته بود خلاصه کرده و در باره همه آنها می‌فرماید: این امت‌ها از این جهت منقرض شدند که بیشتر افرادشان فاسق و از زی عبودیت بیرون بودند و به عهد الهی و آن میثاقی که در روز اول خلقت از آنان گرفته شده بود وفا نکردند، در نتیجه سنت‌های الهی که ذیلاً توضیح آن را خواهیم داد یکی پس از دیگری در باره آنان جریان یافت و منتهی به انقراض‌شان گردید:

آری، خدای سبحان هر پیغمبری را که به سوی امتی از آن امت‌ها می‌فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلای به ناملایمات و محنت‌ها آزمایش می‌کرد، تا به سویس راه یافته و به درگاهش تضرع کنند و وقتی معلوم می‌شد که این مردم به این وسیله که خود یکی از سنت‌های نامبرده بالاست متنه نمی‌شوند سنت دیگری را به جای آن سنت بنام سنت مکر جاری می‌ساخت و آن این بود که دل‌های آنان را بوسیله قساوت و اعراض از حق و علاقمند شدن به شهوات مادی و شیفتگی در برابر زیبائیهای دنیوی مهر می‌نهاد.

بعد از اجرای این سنت، سنت سوم خود یعنی استدراج را جاری می‌نمود و آن این بود که انواع گرفتاریها و ناراحتی‌های آنان را بر طرف ساخته زندگیشان را از هر جهت مرفه می‌نمود و بدین وسیله روز به روز بلکه ساعت به ساعت به عذاب خود نزدیکترشان می‌کرد، تا وقتی که همه‌شان را به طور ناگهانی و بدون اینکه احتمالش را هم بدهند به دیار نیستی می‌فرستاد، در حالی که در مهد امن و سلامت آرمیده و به علمی که داشتند و وسایل دفاعی که در اختیارشان بود مغرور گشته و از اینکه پیشامدی کار آنها را به هلاکت و زوال بکشاند غافل و خاطر جمع بودند!

خدای تعالی در این آیات علاوه بر خلاصه‌گیری از آیات قبل یک حقیقت

خالی از هر شائبه‌ای را هم خاطر نشان ساخته و در جمله: «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء...!» بدان اشاره نموده است و آن حقیقت عبارت

است از چیزی که معیار و مدار اساس نزول نعمت و نعمت بر آدمیان است!

**هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۲۶ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۲۶۵

### بیان کیفیت آغاز رسالت و دعوت دینی موسی علیه السلام

« ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ! وَ قَالَ مُوسَىٰ يَفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ...! »

این آیات با بیان داستان موسی بن عمران علیهما السلام شروع شده و از جزئیات آن یعنی آمدنش به نزد فرعون و ادعایش بر اینکه خداوند مرا به سوی تو رسالت داده تا نجات بنی اسرائیل را از تو بخواهم و آن دو معجزه را که خداوند در شب طور به وی کرامت فرموده، ذکر می کند .

این خصوصیات فهرست آن مطالبی است که در این آیات ذکر شده و در آیات بعدی اجمالی از بقیه داستان آنجناب در ایامی که در مصر در میان بنی اسرائیل می زیسته و عذاب هایی که بر قوم فرعون نازل شده و نجات بنی اسرائیل و داستان نزول تورات و گوساله پرستی بنی اسرائیل و داستانهای متفرقه و عبرت انگیز دیگری از بنی اسرائیل را ذکر می کند .

موسی علیه السلام سومین پیغمبر اولی العزم و صاحب سومین کتاب آسمانی و سومین شریعت است، گو اینکه شریعت های خدایی همه یکی هستند و تناقض و تنافی در بین آنها نیست، الا اینکه از نظر اجمال و تفصیل و کمی و زیادی فروع مختلفند چون سیر بشر از نقص بسوی کمال تدریجی و استعداد قبول معارف الهی در هر عصری با عصر دیگر مختلف است، وقتی این سیر به پایان رسید و بشر از نظر معرفت و علم به عالی ترین موقف خود رسید آن وقت است که رسالت نیز ختم شده و کتاب خاتم انبیاء و شریعتش در میان بشر برای همیشه می ماند و دیگر بشر انتظار آمدن کتاب و شریعت دیگری را ندارد. و اگر امروز با اینکه خاتم پیغمبران صلوات الله علیه مبعوث شده و آخرین کتاب آسمانی را آورده و در عین حال بشر به مرحله ای که می بایست از کمال برسد، نرسیده برای این است که دین اسلام آنطور که باید در مجتمعات بشری گسترش نیافته و گر نه بشر می تواند با بسط دایره دین و بررسی حقایق معارف آن رو به کمال گذاشته و به تدریج مراحل علم و عمل را یکی پس از دیگری طی کند .

در اینجا ناگفته نگذاریم که گر چه، این گونه داستانهای قرآنی را داستان موسی و نوح و داستان هود و یا صالح می نامیم ولی در حقیقت این داستانها داستان اقوام و مللی است که این بزرگواران در میانشان مبعوث شده اند، چون در این داستانها

جریان حال آن اقوام و رفتاری که با پیغمبران خود کرده‌اند و سرانجام انکارشان و اینکه عذاب الهی همه‌شان را از بین برده و منقرضشان نمود ایراد شده و لذا می‌بینیم تمامی این داستان‌ها به آیاتی ختم شده که کیفیت نزول عذاب و هلاکت آنان را بیان می‌کند.

غرض از این آیات بیان حال مردم از حیث قبول عهد الهی و رد آن است تا برای مردم و مخصوصاً امت اسلام انذار و مایه عبرت بوده باشد. بطور کلی سوره‌هایی که اولش الف - لام - میم آمده در یک غرض مشترکند و آن همین انذار و تذکر مردم است!

### هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۲۸۲

#### **بیان مصائب بنی اسرائیل و مبارزات موسی «ع» با فرعونیان**

« وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَ تَدْرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ إِلَهَتِكَ قَالَ سَنُقْتِلُ أبنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ! قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ...! »

این آیات مشتمل است بر اجمال آنچه که بین موسی و فرعون (در ایامی که موسی علیه‌السلام در میان قوم فرعون به سر می‌برده)، جریان یافته و آن خاطراتی را که وی پس از دعوت آنان به دین توحید و نجات دادن بنی اسرائیل داشته و آن معجزاتی را که یکی پس از دیگری برایشان آورده تا آنجا که خدا او و بنی اسرائیل را نجات داده و فرعون و لشکریانش را غرق کرده و سرزمین مبارک و مشارق و مغارب آن را در اختیار او و قومش گذاشته خاطر نشان می‌سازد.

### هدف آیه ۱۳۸ تا ۱۵۴ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۲۹۷

#### **بیان وقایع بعد از عبور بنی اسرائیل از دریا**

« وَ جَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ...! »

در این آیات شروع می‌شود به نقل پاره‌ای از داستانهای بنی اسرائیل و حوادثی که بعد از خلاصی از اسارت فرعونیان، برایشان پیش آمد.

و اینکه گفتیم پاره‌ای برای این است که قرآن کریم در این آیات تنها آن حوادثی را نقل کرده که با غرض منظور نظر در آیات قبل تناسب دارد و آن غرض بیان این جهت بود که هیچ وقت دعوت دینی متوجه به قومی نشد مگر اینکه اکثریت آن قوم را کسانی تشکیل دادند که به آن دعوت کافر و عهد خدای را ناقض بودند و

خداوند مؤمنین ایشان را به مزید کرامت خود و کافرین ایشان را به عذاب شدیدش اختصاص داد، اینک در این آیات داستان عبور بنی اسرائیل از دریا و درخواستشان از موسی مبنی بر اینکه موسی علیه السلام جهت ایشان بتی درست کند تا آن را عبادت کنند و داستان گوساله پرستی و در ضمن آن مساله نزول تورات را بیان می کند .

#### هدف آیه ۱۵۵ تا ۱۶۰ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۳۴۸

##### **بیان معجزات موسی «ع» و رفتار کفر آمیز بنی اسرائیل**

« وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتَهَلِّكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَ تَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيِّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ...! »

در این آیات چند فصل دیگر از داستانهای بنی اسرائیل آمده و در آن بسیاری از آیات و معجزاتی که خداوند بر آنان نازل کرده بود ذکر شده و نیز خاطر نشان شده است که بنی اسرائیل نسبت به این آیات که همه به منظور هدایت ایشان به راه حق و به سوی تقوا نازل شده بود کفر ورزیده و ستم کردند!

#### هدف آیه ۱۶۱ تا ۱۷۱ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۳۸۱

##### **بیان تخلفات بنی اسرائیل و ماهیگیری روز شنبه**

« وَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَ كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُوا حِطَّةٌ وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سَجْدًا تَغْفِرَ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ...! »

در این آیات چند قسمت دیگر از داستانهای بنی اسرائیل و نافرمانی های ایشان نقل شده که بخاطر نقض عهدهی که کردند خداوند به عقوبت گرفتارشان کرده است و از ستمگران کسانی برایشان مسلط کرده که شکنجه شان داده اند ، این حال اسلاف ایشان بوده از این اسلاف و نیاکان بنی اسرائیل نسلهایی به وجود آمدند که آیات خدا را به بهای اندکی فروخته و در امر دین بی اعتنایی کردند ، مگر عده کمی که از حق نگذشتند .

#### هدف آیه ۱۷۲ تا ۱۷۴ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۳۹۹

##### **بیان شهادت روز الست و پیمان گرفتن از بنی نوع بشر**

« وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِثْقَالَ حَبِّ خَلْدٍ مِّن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ...! »

این آیات مساله پیمان گرفتن از بنی نوع بشر بر ربوبیت پروردگار را ذکر می کند و خود از دقیق ترین آیات قرآنی از حیث معنا و از زیباترین آیات از نظر نظم و

اسلوب است!

**هدف آیه ۱۷۵ تا ۱۷۹ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۴۲۲**

**بیان داستان بلعم باعورا و سبب گمراهی او**

« وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الضَّالِّينَ...! »

این آیات داستان دیگری از داستانهای بنی اسرائیل را شرح می‌دهد و آن داستان بلعم بن باعورا است. خدای تعالی پیغمبر خود رسول اکرم صلوات الله علیه را دستور می‌دهد که داستان مزبور را برای مردم بخواند تا بدانند صرف در دست داشتن اسباب ظاهری و وسایل معمولی برای رستگار شدن انسان و مسلم شدن سعادتش کافی نیست، بلکه مشیت خدا هم باید کمک کند و خداوند، سعادت و رستگاری را برای کسی که به زمین چسبیده و یکسره پیرو هوا و هوس گشته و حاضر نیست به چیز دیگری توجه کند، نخواسته است، زیرا چنین کسی راه به دوزخ می‌برد.

آنگاه نشانه چنین اشخاص را هم برایشان بیان کرده و می‌فرماید: علامت اینگونه اشخاص این است که دلها و چشمها و گوشه‌هایشان را در آنجا که به نفع ایشان است بکار نمی‌گیرند و علامتی که جامع همه علامتهاست این است که مردمی غافلند.

**هدف آیه ۱۸۰ تا ۱۸۶ سوره اعراف المیزان ج: ۸ ص: ۴۴۵**

**بیان تأثیر اسماء الحسنی در هدایت انسانها**

« وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ...! »

این آیات متصل به آیات قبلی و به منزله تجدید بیان آن چیزی است که کلام در آیات قبلی بدان منتهی گردید. آیات مورد بحث به همان مطلبی اشاره می‌کند که کلام سابق بدان منتهی گردید و آن این بود که حقیقت معنای اینکه هدایت و اضلال از خداست این است که او بشر را به اسماء حسناى خود دعوت کرده و باعث شد مردم دو فریق شوند یکی آن عده‌ای که هدایت خدا را قبول کردند و یکی آن افرادی که نسبت به اسماء او الحاد ورزیده و آیات او را تکذیب کردند و خداوند ایشان را به کیفر تکذیبشان بسوی دوزخ سوق می‌دهد، همچنانکه در آخر کلام سابق فرموده: « و لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس...! » و این سوق دادن را بوسیله استدراج و املاء انجام می‌دهد.

**هدف آیه ۱۸۷ و ۱۸۸ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۴۸۱**بیان انحصاری بودن علم به وقوع قیامت نزد خدای تعالی**

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ...! »

در این دو آیه معنا روشن می‌شود که علم به زمان وقوع قیامت از غیبیهایی است که مختص به خدای تعالی است و کسی جز خدا از آن اطلاعی ندارد و بطور کلی هیچ دلیلی در تعیین وقت و حدس وقوع آن نیست، پس قیامت بیا نمی‌شود مگر ناگهانی و در این بیان با ذکر بعضی از اوصاف قیامت به حقیقت آن اشاره شده است .

**هدف آیه ۱۸۹ تا ۱۹۸ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۴۸۶**بیان میثاقهای انسان با خدا و پیمان شکنی های او**

« هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَّعَاؤًا اللَّهُ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَاحِبًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ...! »

زمینه کلام در این آیات همان زمینه‌ای است که در سایر آیات این سوره بود و آن عبارت بود از بیان میثاق‌های نوع انسانی و اینکه اغلب و اکثر افراد این نوع آن میثاقها را شکستند!

**هدف آیه ۱۹۹ تا ۲۰۶ سوره اعراف** المیزان ج: ۸ ص: ۴۹۵**دستور اتخاذ سیره حسنه و رفتار ملایم به رسول الله «ص»**

« خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ...! »

این آیات آخر سوره است و در آنها مجدداً غرضی را که سوره بخاطر ایفاء آن نازل شده ذکر نموده یعنی به پیغمبرش دستور می‌دهد به اینکه سیره حسنه و رفتار ملایمی را اتخاذ کند که دلها را متوجه آن سازد تا نفوس بدان بگرایند و نیز تذکر و در آخر ذکر را هم توصیه می‌کند .

## هدف و فلسفه نزول سوره انفال

(المیزان ج: ۹ ص: ۳)

### بیان برخی اخبار جنگ بدر و مسئله غنایم جنگی

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...! » (انفال/۶ تا ۱۰)

از سیاق آیات این سوره بدست می‌آید که این سوره در مدینه و بعد از واقعه جنگ بدر نازل شده، به شهادت اینکه پاره‌ای از اخبار این جنگ را نقل می‌کند و مسائل متفرقه‌ای در باره جهاد و غنیمت جنگی و انفال و در آخر اموری را مربوط به هجرت ذکر می‌نماید.

هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره انفال المیزان ج: ۹ ص: ۱۹

### بیان مشیت و حکمت الهی پشت پرده وقایع جنگ بدر

« وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ...! »

این آیات اشاره به داستان بدر می‌کند که اولین جنگ در اسلام است و ظاهر سیاق آیات چنانچه به زودی روشن خواهد شد این است که بعد از پایان یافتن واقعه نازل شده باشد.

در آیه نخست می‌فرماید: بیاد آرید زمانی را که خداوند به شما وعده می‌دهد (غلبه بر یکی از دو طائفه غیر و نفیر را،) خداوند در این آیه نعمت‌ها و سنت‌های خود را برای ایشان برمی‌شمارد تا چنین بصیرتی بهم برسانند که خدای سبحان امری به ایشان نمی‌کند و حکمی بر ایشان نمی‌آورد مگر بحق و در آن مصالح و سعادت ایشان و به نتیجه رسیدن مساعی ایشان را در نظر می‌گیرد و وقتی دارای چنین بصیرتی شدند دیگر در میان خود اختلاف نکرده و نسبت به آنچه که خداوند برای آنان مقدر کرده و پسندیده اظهار کراهت ننموده بلکه امر خود را به او محول نموده و او و رسول او را اطاعت می‌کنند.

هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره انفال المیزان ج: ۹ ص: ۴۳

### بیان نکات ضروری درباره اصول جنگ و جهاد در اسلام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ...! »

این آیات متضمن نواهی و اوامری است راجع به جهاد اسلامی و مربوط و

مناسب با داستان جنگ بدر و نیز مردم را تشویق و تحریک می‌کند بر ترس از خدا و زنده‌سازی می‌دهد از مخالفت خدا و رسول او و اینکه مردم خود را در معرض غضب خدای سبحان درآورند. در آنها اشاره به پاره‌ای از وقایع که در جنگ بدر رخ داده و منت‌هایی که خداوند بر مؤمنین نهاده، نیز می‌کند!

**هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره انفال** المیزان ج: ۹ ص: ۸۴

### بیان عدم نزول عذاب آسمانی با وجود رسول الله و استغفار مومنین

«وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِبِينَ...!»

منظور از عذاب که در آیه نفی شده، عذاب آسمانی موجب استیصال است، که این امت را مانند عذاب سایر امم شامل می‌شود، اما خداوند سبحان در این آیه این چنین عذاب را از این امت مادام که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زنده و در میان آنان است و همچنین بعد از درگذشت آنجناب مادام که امت استغفار می‌کنند نفی کرده است.

و از جمله: «و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون!» به ضمیمه آیاتی که این امت را وعده عذابی می‌دهد که میان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امت حکم می‌نماید مانند آیات: «و لكل امه رسول فاذا جاء رسولهم قضی بينهم بالقسط و هم لا يظلمون...!» برمی‌آید که برای این امت در آینده روزگاری است که استغفار از آنان منقطع گشته و دیگر مؤمنی خدا ترس که استغفار کند نمی‌ماند و در چنان روزگاری خداوند آنان را عذاب می‌کند!

**هدف آیه ۴۱ تا ۵۴ سوره انفال** المیزان ج: ۹ ص: ۱۱۵

### بیان وجوب خمس غنیمت، اندرز و استقامت در برابر دشمن دین

«وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنَجَّىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...!»

این آیات مشتمل است بر بیان وجوب دادن خمس غنیمت، استقامت در برابر دشمن، اندرز آنان و بیان پاره‌ای از نکبته‌ها که خداوند دشمنان دین را بدان مبتلا کرده، بیچاره شدنشان به مکر الهی و اینکه خداوند در بین آنان همان سنتی را معمول داشته که در میان قوم فرعون و کسانی که پیش از ایشان بودند بخاطر تکذیب آیات و جلوگیری از راه او معمول داشته است.



**هدف آیه ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال المیزان ج: ۹ ص: ۱۴۵****بیان احکام جنگ و صلح و پذیرش و نقض معاهدات صلح**

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ!»

«الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ...!»

آیات فوق احکام و دستوراتی است در باره جنگ و صلح و معاهدات جنگی و نقض آن و غیره.

صدر آیه‌ها قابل انطباق بر طوایف یهودی است که در مدینه و اطراف آن می‌زیسته‌اند، چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بعد از هجرتش به مدینه با این طوایف معاهده بست بر اینکه آنان در مقام اخلاکار و مکرش برنیامده و کسی را علیه او کمک نکنند و در عوض بر دین خود باقی بوده و جانشان از ناحیه آن حضرت در امان باشد. یهودیان این پیمان را شکستند، آن هم نه یک بار و دو بار، تا آنکه خداوند دستور جنگ با آنان را داد و کارشان به آنجا کشید که همه می‌دانیم.

**هدف آیه ۶۷ تا ۷۱ سوره انفال المیزان ج: ۹ ص: ۱۷۶****بیان احکام اسرای جنگی**

«مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَ

اللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ...!»

خداوند در این آیات مسلمانانی را که در جنگ بدر شرکت داشتند بدین جهت مورد عتاب قرار داده که از کفار اسیرانی گرفتند و آنگاه از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درخواست کردند که به قتل آنان فرمان ندهد و در عوض خونبها از آنان بگیرد و آزادشان سازد تا بدین وسیله نیروی مالی آنان علیه کفار تقویت یافته و نواقص خود را اصلاح کنند.

هر چند خداوند بشدت مسلمانان را عتاب کرد ولی پیشنهادشان را پذیرفت و تصرف در غنیمت را که شامل خونبها نیز می‌شود برایشان مباح کرد .  
در آخر آیات بیانی است که گویا کفار را تطمیع نموده و در صورتی که مسلمان شوند وعده نیک می‌دهد و اگر بخواهند به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خیانت کنند خداوند از آنان بی‌نیاز است!

**هدف آیه ۷۲ تا ۷۵ سوره انفال المیزان ج: ۹ ص: ۱۸۷****بیان شرایط ولایت و موالات میان مومنین**

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

ءَاوُوا وَ نَصَرُوا أَوْلَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ  
وَلَّيْتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَ إِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ  
قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...!»

این آیات سوره انفال را ختم می‌کند و به یک معنا برگشت معنای آن به آیاتی است که سوره به آن افتتاح می‌شد و در آن موالات میان مؤمنین را واجب نموده، مگر اینکه بعضی مهاجرت بکنند و بعضی تخلف کنند و رشته موالات میان آنان و کفار بکلی قطع گردد.

### **هدف و فلسفه نزول سوره توبه**

(المیزان ج: ۹ ص: ۱۹۳)

#### **اعلام بیزاری و تشویق به قتال با مشرکین و افشای توطئه های منافقین**

«بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ اِلَى الَّذِيْنَ عٰهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ...!» (تا ۱۶/توبه)

این آیات، آغاز دسته‌ای از آیات است که به نام سوره توبه و یا براءة نامیده شده است. آیات این سوره بر خلاف سایر سوره‌ها که اواخرش همان منظوری را افاده می‌کند که اوائلش افاده می‌کرد، دارای غرض واحدی نیست.

اول این سوره مربوط به بیزاری از کفار است و قسمتی از آن مربوط به قتال با مشرکین و قتال با اهل کتاب و یک قسمت مهمی از آن در باره منافقین صحبت می‌کند و آیاتی از آن مسلمانان را به قتال تحریک می‌کند و عده‌ای متعرض حال کسانیست که از جنگ تخلف ورزیدند و آیاتی مربوط به دوستی و ولایت کفار است، آیاتی راجع به زکات است و همچنین مطالبی دیگر، لیکن می‌توان گفت قسمت معظم آن مربوط به قتال با کفار و آیات راجع به منافقین است.

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره توبه** المیزان ج: ۹ ص: ۲۶۴

#### **بیان شرایط جاودانگی و ارزش اعمال نزد خدا**

« مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِيْنَ اَنْ يَعْمُرُوْا مَسْجِدَ اللّٰهِ شٰهِدِيْنَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ اُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارٍ هُمْ خٰلِدُوْنَ...!»

حاصل مضمون این آیات این است که اعمال بندگان وقتی مرضی خداوند و نزد او جاودانه می‌ماند که از روی حقیقت ایمان به او و فرستاده‌اش و همچنین ایمان

به روز جزا باشد و گر نه حبط شده صاحبش را بسوی سعادت رهبری نخواهد کرد و معلوم است که از لوازم ایمان حقیقی، انحصار دادن ولایت است به خدا و رسول او!

#### هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۲۸۸

#### **بیان نصرت خدا در جنگ حنین، و اعلام منع ورود مشرکین به مسجد الحرام**

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَ لَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ...!»

این آیات به داستان جنگ حنین اشاره نموده و بر مؤمنین منت می‌گذارد که چگونه مانند سایر جنگها که در ضعف و کمی نفرات بودند آنها را نصرت داد، آن هم چه نصرت عجیبی! و بخاطر تایید پیغمبرش آیات عجیبی نشان داد، لشکریانی فرستاد که مؤمنین ایشان را نمی‌دیدند و سکینت و آرامش خاطر در دل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مؤمنین افکند و کفار را بدست مؤمنین عذاب کرد!

در میان این آیات آیه‌ای است که ورود مشرکین را در مسجد الحرام ممنوع و تحریم کرده و فرموده بعد از امسال نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند و آنسال، سال نهم هجرت بود، همانسالی که علی علیه‌السلام سوره براءت را به مکه برد و طواف در اطراف خانه را در حال برهنگی و وارد شدن مشرکین را در مسجد الحرام ممنوع اعلام نمود!

#### هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۳۱۴

#### **بیان شرط اقامت اهل کتاب در بلاد اسلامی با پرداخت جزیه**

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَغُورُونَ...!»

این آیات مسلمین را امر می‌کند به اینکه با اهل کتاب که از طوایفی بودند که ممکن بود جزیه بدهند و بمانند و ماندنشان آنقدر مفسده نداشت کارزار کنند. در ضمن از انحرافشان از حق در مرحله اعتقاد و عمل، اموری را ذکر می‌کند.

#### هدف آیه ۳۶ و ۳۷ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۳۵۵

#### **تثبیت حکم حرمت ماه‌های حرام چهارگانه**

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ...!»

«إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَجِلُّونَهُ عَامًا وَ يَحَرِّمُونَهُ عَامًا

لِيُؤْطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَلِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ!»

در این دو آیه حرمت ماههای حرام یعنی ذی القعدة، ذی الحجه، محرم و رجب بیان شده و حرمتی که در جاهلیت داشت تثبیت گردیده و قانون تاخیر حرمت یکی از این ماهها که از قوانین دوره جاهلیت بود لغو اعلام شده و نیز مسلمین مامور شده‌اند بر اینکه با همه مشرکین کارزار کنند.

**هدف آیه ۳۸ تا ۴۸ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۳۷۱**

### بیان حفاظت خدا از رسول الله در غار ثور و توطئه های منافقین

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَأْتُمُ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ...! »

این آیات متعرض حال منافقین و بیان پاره‌ای از اوصاف و علامتهای آنان و تلخی‌هایی که اسلام از کید و مکر ایشان دید و مسلمین از نفاق ایشان کشیدند، می‌باشد.

در مقدمه آن، مؤمنین را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا از جهاد شانه خالی می‌کنند و داستان یاری خدا را از پیغمبرش به رخ آنان می‌کشد، که با آنکه بی یار و بی کس از مکه بیرون آمد چگونه خدای تعالی نصرتش داد!

**هدف آیه ۴۹ تا ۶۳ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۴۰۷**

### بیان فساد اعتقادات و خبث اوصاف باطنی منافقین

« وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَئِذْنَ لِي وَ لَا تَفْنَىٰ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ...! »

این آیات، گفتاری در باره منافقین می‌باشد و نیز بیان حال آنان را که در آیات قبلی بود دنبال نموده، پاره‌ای از حرکات و حرفهای آنان را نقل نموده، مطالبی خاطر نشان می‌سازد که از خبث اوصاف باطنی و فساد اعتقادات آنان - که بر اساس ضلالت استوار گشته - پرده بر می‌دارد.

**هدف آیه ۶۴ تا ۷۴ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۴۳۶**

### بیان توطئه قتل رسول الله بوسیله منافقین صدر اسلام

« يَحْذَرُ الْمُتَنَفِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مِمَّا تَحْذَرُونَ...! »

این آیات به ذکر یک خصوصیت دیگری از خصوصیات منافقین و زشتی دیگری از زشتیها و جرائم آنان می‌پردازد که همواره سعی داشتند با پرده نفاق آن را

پوشانند. آنان کمال مراقبت را داشتند که مبدا آن زشتی از پرده بیرون بیفتد و سوره‌ای از قرآن در باره آن نازل شود و نقشه شوم آنان را نقش بر آب کند .  
این آیات خبر می‌دهد از اینکه منافقین جمعیتی معتنا بهی بوده‌اند، چون می‌فرماید: «ان نعف عن طائفة منکم نغذب طائفة» - اگر ما از طائفه‌ای از شما بگذریم طائفه دیگری از شما را عذاب خواهیم کرد!»

و نیز دلالت دارد بر اینکه منافقین با یک باند دیگری از منافقین ارتباط داشته‌اند ، چون می‌فرماید: «المنافقون و المنافقات بعضهم من بعض - مردان و زنان منافق با یکدیگر ارتباط دارند!» و نیز دلالت دارد بر اینکه همه ادعای مسلمانی و ایمان داشتند، حتی آن روزی که زبان به کلمه کفر باز کردند و کفر درونی خود را بیرون ریختند ، چون آیه: «قد کفرتم بعد ایمانکم...!» بخوبی بر این معنا دلالت دارد.  
و نیز برمی‌آید همه برای پیاده کردن نقشه‌ای که با هم ریخته بودند فعالیت می‌کردند و در موقع طرح آن به کفر خود تصریح کرده و تصمیم بر امر بزرگی گرفته بودند، که خدای تعالی میان آنان و انجام تصمیمشان حائل شد و امیدشان ناامید و نقشه‌ها و فعالیت‌هایشان خنثی گردید. این معنا را از آیه: «و لقد قالوا کلمة الکفر و کفروا بعد اسلامهم و هموا بما لم ینالوا...!» بخوبی می‌توان فهمید .

و نیز برمی‌آید که پاره‌ای از حرکات و عملیات که از تصمیم خطرناک آنها حکایت کند از ایشان سرزده بود، که وقتی بازخواست شدند این چه کاری بوده که کردید بهانه آورده‌اند به عذری که بدتر از گناه بوده و این معانی را از آیه: «و لئن سألتهم ليقولن انما كنا نخوض و نلعب...!» می‌توان استفاده کرد: آیات بعد از این آیه در یک سیاق متصل و مربوط بهم ، دلالت دارند بر اینکه این واقعه در ایامی اتفاق افتاده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای رفتن به جنگ تبوک از مدینه خارج شده و هنوز برنگشته بود، این معنا را از آیه: «فان رجعت الله الی طائفة منهم...!» و آیه: «سیحلفون بالله لکم اذا انقلبتم الیهم...!» می‌توان فهمید .

با این معنا، انطباق این آیات با روایت عقبه روشن‌تر از روایات دیگری است که داستانهای دیگری برای شان نزول این آیات نقل می‌کند.

**هدف آیه ۷۵ تا ۸۰ سوره توبه المیزان ج : ۹ ص : ۴۷۱**

### **بیان عاقبت کار متخلفین از حکم صدقات و استهزا کنندگان انفاقگران**

« وَ مِنْهُمْ مَنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ ءَاتَاْنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ...! »

این آیات طائفه دیگر از منافقین را یادآور می‌شود که از حکم صدقات تخلف ورزیده و از دادن زکات سرپیچیدند، با اینکه قبلا مردمی تهی دست بودند و با خدا

عهد کرده بودند که اگر خدای تعالی به فضل خود بی نیازشان سازد حتما تصدق دهند و از صالحان باشند، ولی بعد از آنکه خدای تعالی توانگرشان ساخت بخل ورزیده و از دادن زکات دریغ نمودند .

و نیز طائفه دیگری از منافقین را یاد می کند که توانگران با ایمان را زخم زبان زده ، ایشان را ملامت می کردند که چرا مال خود را مفت از دست می دهند و زکات می پردازند و تهی دستان را زخم زبان زده ، مسخره می کردند( که خدا چه احتیاج به این صدقه ناچیز شما دارد!) و خداوند همه این طوائف را منافق خوانده و بطور قطع حکم کرده که ایشان را نیامرزد!

#### هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۴۸۲

##### **بیان کیفر تخلف کنندگان از فرمان جهاد رسول الله «ص»**

« فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ...! »

این آیات قابل ارتباط و اتصال به آیات قبل هست، چون همان غرضی را که آن آیات دنبال می کرد این آیات دنبال می کند.

#### هدف آیه ۹۷ تا ۱۰۶ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۵۰۰

##### **بیان کفر و نفاق اعراب بادیه نشین و کفر آنان**

« الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

در این آیات هم، گفتار در پیرامون همان غرضی است که آیات قبلی متعرض آن بود، در اینجا وضع اعراب را نسبت به کفر و نفاق و ایمان بیان می کند، البته در خلال آنها آیه صدقه نیز آمده است.

#### هدف آیه ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۵۲۹

##### **بیان نفاق سازندگان مسجد ضرار**

« وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَخْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ...! »

این آیات عده دیگری از منافقین را یادآور می شود که مسجد ضرار را ساخته بودند و وضع ایشان را با وضع مؤمنین که مسجد قبا را ساخته بودند مقایسه می کند.

**هدف آیه ۱۱۱ تا ۱۲۳ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۵۳۶****بیان پاداشی جهادگران، منع دوستی با مشرکان، و دستور تفقه در دین**

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ...!»

این آیات در باره مطالب گوناگونی است که یک غرض واحدی، همه را به هم مرتبط و به آن غرضی که آیات قبلی در مقام بیان آن بود مربوط می‌سازد، زیرا این آیات در پیرامون جنگ و جهاد است.

بعضی از آنها مؤمنین مجاهد را مدح نموده و وعده جمیل داده است و بعضی از آنها از محبت و دوستی با مشرکین و طلب مغفرت جهت ایشان نهی می‌کند. بعضی دیگر از آنها دلالت بر گذشت خدای تعالی از آن سه نفری دارد که در جنگ تبوک تخلف ورزیدند، بعضی دیگر اهل مدینه و اطراف آن را مامور می‌کند به اینکه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر جا که خواست برای قتال بیرون رود بیرون روند و از آنجناب تخلف نکنند.

بعضی دیگر مردم را دستور می‌دهد که از هر طائفه عده‌ای بکار تفقه در دین و آموختن معارف آن پرداخته، پس از مراجعت به سوی قوم خود در میان آنان به تبلیغ دین بپردازند!

و بعضی از آنها حکم می‌کند به اینکه باید با کفار همجوار کارزار کنند!

**هدف آیه ۱۲۴ تا ۱۲۹ سوره توبه المیزان ج: ۹ ص: ۵۵۷****بیان ضابطه ای برای شناخت منافقین و مومنین**

«وَ إِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَتَيْكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَرَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ!«

آیات سوره براءت با این چند آیه ختم می‌شود و این آیات حال مؤمنین و منافقین در موقع نزول سوره قرآنی را بیان می‌کند و بدین وسیله نشانه دیگری از نشانه‌های نفاق را شرح می‌دهد که با آن مؤمن از منافق تشخیص داده می‌شود و آن این است که در موقع نزول قرآن به یکدیگر می‌گویند: این آیه ایمان کدامتان را زیاد کرد؟ و یا به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند مبادا کسی شما را ببیند!

و در آخر رسول گرامی خود را به وصفی توصیف می‌کند که دل‌های مؤمنین به وی متمایل شود و او را دستور می‌دهد به اینکه اگر مردم از او روی گردانیدند بر خدا توکل جوید!

## هدف و فلسفه نزول سوره یونس

(المیزان ج: ۱۰ ص: ۳)

### تأکید مردم به التزام به توحید، انذار و قضاء عدل بین رسول الله و امتش

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ! أَمْ كَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ...! » (تا ۱۰/یونس)

این سوره مبارکه - همانطور که از آیاتش پیداست - در مکه نازل شده و از سوره‌هایی است که نزول آن در اوائل بعثت بوده و این سوره بطوری که از پیوستگی و اتصال آیات کریمه‌اش پیداست یکباره نازل شده است .

غرض این سوره، یعنی آن هدفی که سوره برای بیان آن نازل شده، عبارت است از تاکید مردم به التزام به توحید! این تاکید را از راه بشارت و انذار انجام داده است. گویا این سوره بعد از آنکه مشرکین، مساله وحی را انکار کردند و قرآن را سحر خواندند نازل شده و ادعای آنان را به این بیان رد کرده که: قرآن کتابی است آسمانی و نازل شده به علم خدای تعالی و آنچه از معارف توحید که در آن است از قبیل وحدانیت خدای تعالی و علم و قدرت او، اینکه خلقت منتهی به او است، سنت‌های عجیبی که در خلقت عالم دارد، اینکه خلق همگی با اعمالشان به سوی او بر می‌گردند و در برابر آنچه کرده‌اند جزاء داده می‌شوند - خیر باشد جزای خیر داده می‌شوند و شر باشد جزای شر - همه و همه اموری است که آیات آسمان و زمین بر آن دلالت دارد و عقل سالم نیز به سوی آن راهنمایی می‌کند .

پس ، همه اینها معانی و معارفی است حق! و معلوم است که کلامی که بر چنین معارفی دلالت می‌کند کلام حکیم است و سحر باطلی که با عباراتی شیرین و فریبنده زینت شده نمی‌تواند حاکی از چنین معارفی باشد .

دلیل بر آنچه گفتیم این است که خدای تعالی سوره مورد بحث را با گفتار در باره تکذیب دشمنان نسبت به قرآن کریم آغاز نموده و فرموده: «ا كان للناس عجا ان اوحينا ... قال الكافرون ان هذا لساحر مبين!» و با لحنی چون: «و اتبع ما يوحى اليك!» ختم فرموده است و آن آغاز و این انجام را در خلال آیات آن نیز چند بار تذکر داده، یکجا فرموده: «و اذا تتلى عليهم آياتنا...!» و جای دیگر فرموده: «و ما كان هذا



القرآن ان یفتری من دون الله...!» و جای دیگر فرموده: «یا ایها الناس قد جاء تکم موعظۀ...!» و نیز فرموده: «فان كنت فی شک مما انزلنا الیک...!»

پس همینکه می‌بینیم این مطلب، یعنی سخن از حقانیت قرآن در چند جای سوره تکرار شد و در اول و آخر آن آمده، باید بفهمیم که زمینه و اساس آیات این سوره همان پاسخگوئی و رد انکار کفاری است که وحی بودن قرآن را انکار می‌کردند، و به همین جهت است که باز می‌بینیم تهدیدهایی که در این سوره آمده - که قسمت عمده سوره است - در باره مکذبین آیات خدا از این امت است، اینها هستند که تهدیدشان کرده است به قضاء بین آنان و بین پیامبرشان (صلوات الله علیه) و فرموده: «این قضاء، سنتی است که خدای تعالی در بین هر امتی با پیغمبرش جاری کرده است!»

و نیز می‌بینیم که سوره مورد بحث را با تعقیب همین جریان ختم نموده، بطوری که گوئی بیان حقیقت نامبرده از مختصات این سوره است.

بنابر این جا دارد که ما سوره یونس را به سوره انذار و قضاء عدل بین رسول خدا صلی الله علیه و آله و بین امتش معرفی کنیم. اتفاقاً سوره با همین قضاء ختم شده، آنجا که خطاب به رسول گرامی خود فرموده: «و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحاکمین!»

#### هدف آیه ۱۱ تا ۱۴ سوره یونس المیزان ج: ۱۰ ص: ۲۵

#### **بیان دلیل تاخیر عذاب منکرین توحید و معاد**

«وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَّرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ...!»

بعد از آنکه در آیات قبل دو اصل از اصول دعوت حقه اسلام یعنی توحید و معاد را یادآور شد و از طریق عقل فطری بر آن دو اصل استدلال کرد و چند خبر هم از عاقبت ایمان و سرانجام کفر به آن دو اصل را بیان نمود، اینک در این آیات دو سؤال را مطرح نموده و از آن پاسخ می‌دهد: یکی اینکه چرا خدای تعالی منکرین این دو اصل را با اینکه در ضلالت و کور دلی خود ادامه می‌دهند و سر به طغیان بر می‌آورند اینقدر مهلتشان می‌دهد؟ و سؤال دوم اینکه علت ضلالت و طغیان آنان چیست (و با اینکه توحید و معاد به طریق عقل فطری ثابت است چرا آن را نمی‌پذیرند؟)

در پاسخ از این دو سؤال می‌فرماید: جواب آن روشن است و جای ابهامی در آن نیست، چون فرستادگان خدای تعالی در هر زمانی آن را برای مردم با ادله‌ای

روشن بیان کرده‌اند، چیزی که هست شیطان اعمال این اسرافگران را در نظرشان زینت داده و در نتیجه از یاد قیامت غافلشان ساخته است و با اینکه انبیاء بارها به یادشان آورده بودند باز آن را از یاد بردند .

و اما اینکه چرا خدای تعالی مهلتشان می‌دهد و در نزول عذاب بر آنان عجله نمی‌کند؟ جوابش این است که می‌خواهد آنان را امتحان کند تا آنچه در باطن نهفته دارند به صورت گناه بیرون بریزند ، چون دنیا دار ابتلاء و امتحان است!

#### هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره یونس المیزان ج: ۱۰ ص: ۳۱

#### **تعلیم احتجاجاتی به رسول الله «ص» علیه منکرین معاد**

«وَ إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا اَنْتَ بِرُءُوفٍ غَيْرِ هَذَا اَوْ بَدَّلْتَهُ قُلْ مَا يَكُوْنُ لِي اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَاٰی نَفْسِي اِنْ اَتَّبِعْ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ اِنِّي اُخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيْمٍ...!»

در این آیات احتجاج‌هایی آمده که خدای تعالی آنها را به رسول گرامی خود تلقین فرموده، تا آن جناب با آن احتجاج‌ها گفته‌های کفار را در باره کتاب خدا و یا عقائدشان را در باره خدایان خود و یا پیشنهادهای نابجای آنان را، رد سازد!

#### هدف آیه ۲۶ تا ۳۰ سوره یونس المیزان ج: ۱۰ ص: ۵۸

#### **بیان سزای اعمال و برگشت همگان به خدای حق**

«لِّلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا الْحُسْنٰى وَ زِيَادَةً وَّ لَا يَرْهَقُوْا وُجُوْهُهُمْ قَتْرًا وَّ لَا ذِلَّةً اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ...!»

این آیات مطالبی جدیدی را بیان می‌کند که برگشت آنها به ذکر سزای اعمال و برگشتن همه خلائق به سوی خدای حق است، البته در آیات سابق نیز اشاره‌ای به این مطالب بود. در این آیات یگانگی خدای تعالی در ربوبیت اثبات شده است!

#### هدف آیه ۳۱ تا ۳۶ سوره یونس المیزان ج: ۱۰ ص: ۶۹

#### **تعلیماتی برای رسول الله برای مقابله با سه نوع عقیده در ربوبیت**

«قُلْ مَنْ يَّرْزُقْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ اَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَرَ وَ مَنْ يَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ فَسَيَقُوْلُوْنَ اللّٰهُ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ...!»

«قُلْ هَلْ مِنْ شَرِكَاكُمْ مَّنْ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْيدُهُ قُلِ اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعْيدُهُ فَاَنى تُوْفِكُوْنَ!«

«قُلْ هَلْ مِنْ شَرِكَاكُمْ مَّنْ يَهْدِيْ اِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ لِحَقِّ اَفَمَنْ يَهْدِيْ اِلَى

الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ...!»

این آیات حجت‌هائی است قاطع بر ربوبیت خدای تعالی و رسول گرامی خود را دستور می‌دهد که این حجت‌ها را علیه مشرکین اقامه نماید .

**هدف آیه ۳۷ تا ۴۵ سوره یونس** المیزان ج: ۱۰ ص: ۸۸

### بیان هدایت خلق بوسیله وحی و نزول کتابهای آسمانی

« وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

در این آیات به مطالب اول سوره برگشته، که قرآن را معرفی می‌کرد و می‌فرمود: قرآن کتابی است نازل از ناحیه خدای تعالی و هیچ شکی در آن نیست و نیز در این آیات دلیل این معنا را تلقین می‌کند و این آیات به آیات قبل که می‌فرمود: «قل هل من شركائكم من يهدي الى الحق قل الله يهدي للحق...!» اتصال دارد و ما در آنجا گفتیم که یکی از مراحل هدایت خدای تعالی به سوی حق همین است که مردم را از طریق وحی به انبیايش و نازل کردن کتابهائی بر آنان ، خلق را به سوی دین حق، آن دینی که خودش برای خلقش می‌پسندد، هدایت فرماید، مانند کتابهائی که بر نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل فرموده و این آیات آن کتابها را یادآور شده ، اقامه حجت می‌کند بر اینکه قرآن یکی از آن کتابها است که به سوی حق هدایت می‌کند. به همین جهت با یادآوری قرآن اشاره‌ای هم به آن کتابها نموده فرموده: « و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین! » و در آخر آیات به ذکر مساله حشر ، که یکی از مقاصد این سوره است و قبلا نیز سخن از آن رفته بود برگشت شده است.

**هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره یونس** المیزان ج: ۱۰ ص: ۹۹

### بیان ارتباط سنت ارسال رسل و سنت نابودی جوامع فاسد

#### اشاره به شرایط نزول عذاب بر امت اسلام

« وَ إِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّعَنَّكَ فَإِنَّا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ...! »

این آیات از سنتی الهی خبر می‌دهند که همواره در میان خلقش جاری است و آن این است که خدای سبحان ، با قضایی حق قضاء رانده و تقدیری کرده که نه رد می‌شود و نه تبدیل و آن این است که به سوی هر امتی رسولی گسیل بدارد تا رسالت‌ها و پیامهائیش را به آن امت برساند، آنگاه خودش بین آن رسول و آن امت حکم فصل کند! یعنی آن پیامبر و گروندگان به او را حفظ نموده منکرین را که نبوت

آن پیامبر را تکذیب می کنند هلاک فرماید!

در این آیات بعد از بیان آن سنت، رسول گرامی خود صلی الله علیه و آله و سلم را دستور داده که به امتش خبر دهد که آنچه در امت های گذشته جاری شده بود در این امت نیز جاری خواهد شد و این امت هیچگونه امتیاز و استثنایی از این کلیت ندارد، چیزی که هست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنچه که خدای تعالی تلقینش کرده چیزی برای پاسخ از سؤال مشرکین که پرسیده بودند وقت عذاب کی است بیان فرموده و تنها این را فرموده که قضای الهی حتمی است و این امت (نیز مانند سایر امت ها) عمر و اجلی دارد، همانطور که یک فرد از انسان عمری دارد و بعد از تمام شدن عمرش اجلش فرا می رسد و اما اینکه زمان نزول آن اجل کی است بطور عجیبی مبهم گذاشت و هیچ اشاره ای به آن نفرمود.

و ما در المیزان در تفسیر آیه: «و ما کان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما کان الله معذبهم و هم يستغفرون!» (انفال) گفتیم که این آیه خالی از اشعار و اشاره به این معنا نیست که امت اسلام بعد از رحلت رسول خدا چیزی نمی گذرد که نعمت استغفار از آنان گرفته می شود و آن وقت است که عذاب بر آنان نازل می شود. در سوره انفال آنچه در اینجا مبهم ذکر شده توضیح داده و این خبر که امت اسلام چنین و چنان می شود یکی از اخبار غیبی قرآن کریم است!

هدف آیه ۵۷ تا ۷۰ سوره یونسی المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۱۴

### بیان اوصاف قرآن کریم

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...! »

در این آیات به اوصاف قرآن کریم و صفات کریمه آن برگشته و به دنبالش مطالبی متفرق آمده که با آیات قبل که مربوط به غرض سوره بود مرتبط است و نیز در آن، کلماتی در موعظت و حکمت و استدلال بر اثبات مطالبی گوناگون و کلماتی در اوصاف اولیاء الله و بشارت به آنان آمده است.

هدف آیه ۷۱ تا ۷۴ سوره یونسی المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۴۸

### عبرت از نابودی جوامع فاسد و عوامل سقوط آنها

« وَ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبَرَ عَلَيْكُمْ مَّقَامِي وَ تَذَكِيرِي بِنَآئِتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا اٰمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اَقْضُوا اِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُون...! »

این آیات اجمالی از داستان نوح علیه السلام و رسولان بعد از آن جناب - تا

زمان موسی و هارون علیهما السلام - را بیان نموده و به ذکر معامله‌ای که خدای سبحان با امت‌هایی که رسولان خود را تکذیب کردند، می‌پردازد و فرموده که آن امت‌ها را هلاک و مؤمنین به انبیاء را نجات داد! و غرض از بیان این سرگذشت این است که اهل تکذیب، از این امت عبرت بگیرند.

**هدف آیه ۷۵ تا ۹۳ سوره یونس** المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۵۶

**بیان اسرار تشابه دعوت رسول الله «ص» با دعوت موسی «ع»**

« ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَ هَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِكَةٍ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مَجْرِمِينَ! »

خدای تعالی بعد از ذکر داستانی از نوح علیه‌السلام و اجمالی از داستان انبیاء بعد از نوح و قبل از موسی علیه‌السلام در آیات قبل، اینک در این آیات رشته سخن را به داستان موسی و برادر و وزیرش، هارون و سرگذشتی که با فرعون و درباریانش داشتند کشیده و در عین اینکه داستان را بطور اختصار و کوتاه آورده، با سیاقی آورده که همه فصول آن با سرگذشت رسول اسلام و دعوتش از فرعون صفتان قومش و طاغیان قریش منطبق است و به فهرستی از سرگذشت رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلّم و مسلمین که ذیلاً ایراد می‌شود اشاره دارد:

۱- ایمان نیاوردن طاغیان قریش ۲- ایمان آوردن ضعفای قریش و غیر قریش که تحت شکنجه آن طاغیان بودند ۳- ناگزیر شدن جمعی از مسلمانان ضعیف به اینکه از شهر و وطن خود کوچ کنند ۴- هجرت رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلّم با جمعی از مؤمنین به مدینه طیبه ۵- تعقیب مؤمنین به وسیله فرعون صفتان این امت و درباریان آنان ۶- هلاکت آن فراعنه به کیفر گناهانشان ۷- منزل دادن خدای تعالی مؤمنین را به برکت اسلام در منزلگاهی صدق ۸- روزی دادن به آنان از طیبات ۹- اختلاف کردن مؤمنین بعد از آنکه حق برایشان معلوم گشت ۱۰- اینکه خدای تعالی به زودی در بین آنان داوری خواهد کرد!

پس، بنا بر این همه موارد مذکور تصدیق آن اسراری است که خدای سبحان در این آیات به پیامبرش سپرده و به زودی امتش با تاویل آن اسرار و خارجیت آنها روبرو خواهد شد!

**هدف آیه ۹۴ تا ۱۰۳ سوره یونس** المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۷۹

**بیان شرط اذن الهی در پذیرش قلبی ایمان**

« فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكُتُبَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ

### جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ...!»

این آیات متضمن استشهادی است بر حقانیت معارفی که در مورد مبدأ و معاد و در باره قصص انبیاء و امتهای آنان، در این سوره نازل شده، که از جمله آن انبیاء نوح و موسی و پیغمبران بین آن دو و امتهای آنان است، که داستان آنان را که اهل کتابهای آسمانی در آن کتابها - که قبل از نزول قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم - نازل شده بود خواننده بودند، بطور اجمال ذکر کرده است .

آنگاه بیانی آورده که به منزله خلاصه‌گیری از بیانات سابق است و آن این است که آنان به هیچ وجه مالک نفس خود نخواهند شد که به دلخواه خود به خدا ایمان بیاورند مگر آنکه خدای تعالی اذن دهد و خدا به کسی اذن می‌دهد ایمان آورد که خودش مهر بر دل وی نزده باشد و پلیدی را بر او مسلط نکرده باشد و گرنه کسی که کلمه الله (اراده و مشیت خدا) علیه او محقق شده دیگر به خدا و آیات او ایمان نخواهد آورد، تا زمانی که عذاب را ببیند، در آن هنگام ایمان می‌آورد، ولی دیگر چه سود!

### هدف آیه ۱۰۴ تا ۱۰۹ سوره یونس المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۹۴

#### جمع بندی مطالب سوره یونس

« قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأكُمْ وَ أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ...!»

این آیات، آیات آخر سوره یونس است که در آن خلاصه بیانات سوره آمده و اشاره‌ای اجمالی به مساله توحید، معاد و نبوت نیز نموده است. خداوند در این آیات رسول گرامی خود را دستور می‌دهد که از قرآن پیروی کند و منتظر آن باشد که خدای عز و جل بین او و امتش حکم کند!

## هدف و فلسفه نزول سوره هود

(المیزان ج: ۱۰ ص: ۱۹۹)

### بیان توحید الهی بر اساس معارف قرآن کریم

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّا كِتَبَ أَحْكَمَتِ ءَايَتُهُ ثُمَّ فَصَلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ...! » (ت۱۴/۴۱/هود)

این سوره همانطور که از آغاز و انجامش و از زمینه‌ای که همه آیاتش دارد بر می‌آید در این مقام است که غرض آیات قرآنی را با همه کثرت و تشتتی که در آنها است بیان نموده از مضامین همه آنها خلاصه‌گیری کند و خاطر نشان می‌سازد که اساس و جان تمامی معارف مختلفی که آیات قرآنی متضمن آن است یک حقیقت است:

اگر قرآن کریم سخن از معارف الهی دارد و اگر در باره فضایل اخلاقی سخن می‌گوید و اگر احکامی در باره کلیات عبادات و معاملات و سیاسات و ولایتها تشریح می‌کند و اگر از اوصاف خلایقی از قبیل: عرش، کرسی، لوح، قلم، آسمان، زمین، فرشتگان، جن، شیطانها، گیاهان، حیوانات و انسان سخن به میان می‌آورد و اگر در باره آغاز خلقت و انجام آن حرف می‌زند و بازگشت همه را نخست به سوی فنا و سپس به سوی خدای سبحان می‌داند و خبر از روز قیامت و قبل از قیامت، یعنی از عالم قبر و برزخ می‌دهد و از روزی خبر می‌دهد که همه برای رب العالمین و به امر او بپا می‌خیزند و همه در عرصه‌ای جمع گشته سؤال و بازخواست و حساب و سنجش و گواهی گواهان را می‌بینند و در آخر بین همه آنان داوری شده گروهی به بهشت و جمعی به دوزخ می‌روند، بهشت و دوزخی که دارای درجات و درکاتی هستند و نیز اگر بین هر انسانی و بین عمل او و نیز بین عمل او و سعادت و شقاوت او و نعمت و نعمت او و درجه و درکه او و متعلقات عمل او از قبیل وعده و وعید و انذار و تبشیر از راه موعظه و مجادله حسنه و حکمت رابطه برقرار دانسته و در باره آن رابطه‌ها سخن می‌گوید، همه اینها بر آن یک حقیقت تکیه دارد و آن حقیقت چون روح در تمامی آن معارف جریان یافته و آن یک حقیقت، اصل و همه اینها شاخه و برگ آنند، آن حقیقت، زیر بنا و همه اینها که دین خدا را تشکیل می‌دهند بر آن پایه بنا نهاده

شده‌اند و آن یک حقیقت عبارت است از **توحید حق تعالی**، البته توحیدی که اسلام و قرآن معرفی کرده و آن این است که انسان معتقد باشد به اینکه خدای تعالی رب همه اشیای عالم است و غیر از خدای تعالی در همه عالم ربی وجود ندارد و اینکه انسان به تمام معنای کلمه تسلیم او شود و حق ربوبیت او را اداء کند و دلش جز برای او خاشع نگشته، بدنش جز در برابر او خضوع نکند، خضوع و خشوعش تنها در برابر او - جل جلاله - باشد!

و این توحید، اصلی است که با همه اجمالی که دارد متضمن تمامی تفصیلات و جزئیات معانی قرآنی است، چه معارفش و چه شرایعش و به عبارتی اصلی است که اگر شکافته شود همان تفصیلات می‌شود و اگر آن تفصیلات فشرده شود به این اصل واحد برگشت می‌کند.

پس، این سوره همه معارف قرآنی را نخست در این چهار آیه اول بطور اجمال ذکر نموده، سپس در طول سوره به تفصیل آن می‌پردازد، البته آن تفصیل را در قالب انذار و تبشیر ریخته، انذار و تبشیری که با ذکر سنت جاری خدا در بندگان و ایراد اخبار امت‌های گذشته و داستان اقوام نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و موسی و سرنوشتی که استکبار از پذیرفتن دعوت الهی و نیز افساد در زمین و اسراف در این فساد انگیزی دارد صورت گرفته و نیز به توصیف وعده‌های الهی برای مؤمنین و صاحبان اعمال صالح و توصیف تهدیدهایی که خدا به طبقه کفار و تکذیبگران آیاتش داده، پرداخته و در خلال این مسائل امور دیگری از معارف الهی راجع به توحید، نبوت و معاد نیز خاطر نشان شده است.

#### هدف آیه ۵ تا ۱۶ سوره هود میزان ج: ۱۰ ص: ۲۱۶

#### **بیان دعاوی قوم رسول الله و جواب آنها**

« أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَعْشُونَ نَبِيَّيَهُمْ يُعَلِّمُهُمَ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُمْ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ...! »

این آیات پاره‌ای از رفتار و گفتار مشرکین در رد بر نبوت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز رفتار و گفتاری که در رد کتاب نازل بر آن حضرت داشته‌اند را حکایت نموده و از آنها با ذکر دلیل و حجت پاسخ می‌دهد.

از جمله رفتار ناپسندشان این بوده که به خدای تعالی بی‌حرمتی می‌کردند و از جمله گفتارهای باطلشان این بوده که می‌گفتند: چرا آن عذابی که ما را بدان تهدید می‌کنی نازل نمی‌شود؟ و چرا با این پیامبر گنجی نازل نشد؟ و یا چرا همراه او



فرشته‌ای نیامد؟ و یا گفتند: این قرآن را وی به دروغ به خدا نسبت می‌دهد .  
البته در این آیات پاره‌ای معارف دیگر نیز خاطر نشان شده است!

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره هود** المیزان ج: ۱۰ ص: ۲۶۹

### تاکید بر آسمانی بودن قرآن

« أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ...! »

از ظاهر این آیات برمی‌آید که در زمینه دلخوش کردن رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلّم و تقویت ایمان آن جناب به کتاب خدا و تاکید بصیرتش نسبت به وظیفه‌اش سخن دارد . پس سیاق کلام در این آیات سیاق خطاب به رسول خدا صلی‌الله علیه‌وآله‌وسلّم است، همانطور که در آیات قبل، تا آنجا که مشرکین متهمش کردند به دروغ بستن به خدا، روی سخن به آن جناب بود.

بعد از نقل آن اتهام باز روی سخن به آن جناب کرد که علیه مشرکین تحدی کن و بگو: اگر راست می‌گویند ده سوره مثل قرآن بیاورند و به خدا افترا ببندند! و در آخر به آن جناب امر می‌کند به اینکه دلخوش بدارد و بر علمی که نسبت به خدائی بودن قرآنش دارد ثبات به خرج دهد، یعنی بداند که او بر حق است و به خدا افتراء نبسته، پس از اینکه اکثر مردم (مشرکین) از پذیرفتن دعوتش اعراض می‌کنند دل چرکین نباشد و در ایمان و علم خود دچار تردید نگردد!

**هدف آیه ۲۵ تا ۳۵ سوره هود** المیزان ج: ۱۰ ص: ۲۹۳

### بیان تاریخ دعوت و مبارزات نوح علیه السلام

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ...! »

در این آیات متعرض قصص انبیاء علیهم‌السلام شده و نخست داستان نوح را آورده و بعد از آن سرگذشت جماعتی از انبیاء بعد از نوح علیه‌السلام را ذکر کرده مانند هود و صالح و ابراهیم و لوط و شعیب و موسی علیه‌السلام.

داستان نوح را به چند فصل تقسیم کرده که در فصل اول، احتجاج‌هایی را که نوح علیه‌السلام با قوم خود در مساله توحید داشته آورده، چون بطوری که خدای تعالی در کتاب مجیدش ذکر کرده، آن جناب اولین پیغمبری است که برای دین توحید بر علیه بت‌پرستی قیام کرده است.

در مساله توحید، بیشتر احتجاج‌هایی که قرآن کریم از آن جناب نقل کرده، از باب مجادله «بالتی هی احسن!» مجادله به بهترین طریق می‌باشد .

البته بعضی از آن احتجاج‌ها جنبه موعظه و اندکی از آنها جنبه حکمت دارد که متناسب با تفکر انسانهای اولی و با فکر ساده قدیمیان و مخصوصاً ساده اندیشی‌هایشان در مسائل اجتماعی می‌باشد.

**هدف آیه ۳۶ تا ۴۹ سوره هود** المیزان ج: ۱۰ ص: ۳۳۱

### بیان فصلهای آخر داستان حضرت نوح و چگونگی نابودی قوم او

« وَ أَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئَسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ...! »

این آیات تتمه داستان نوح علیه‌السلام است و مشتمل بر چند فصل است، مثلاً فصلی در اینکه آن جناب به قوم خود خبر داد که عذاب بر آنان نازل می‌شود و فصلی دیگر در اینکه خدای سبحان به وی دستور داد کشتی درست کند و فصلی دیگر در اینکه عذاب که عبارت بود از طوفان، چگونه نازل شد و فصلی در داستان غرق شدن پسرش و فصلی در قصه نجات یافتن خود و همراهانش، لیکن در عین اینکه مشتمل بر چند فصل است همه فصولش به وجهی به یک فصل برگشت می‌کند و آن عبارت است از فصل قضا و حکمی که خدای سبحان بین آن جناب و قوم کافرش کرد!

**هدف آیه ۵۰ تا ۶۰ سوره هود** المیزان ج: ۱۰ ص: ۴۴۰

### بیان دعوت و مبارزات حضرت هود و نابودی قوم عاد اولین

« وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ...! »

این آیات، داستان هود پیغمبر علیه‌السلام و قوم او یعنی قوم عاد اول را بیان می‌کند و آن جناب اولین پیغمبر بعد از نوح علیه‌السلام است که خدای تعالی در کتاب مجیدش نام می‌برد و از کوشش او در اقامه دعوت حقه و قیامش بر علیه بت‌پرستی تشکر می‌کند و در چند جا از کلام مجیدش بعد از شرح داستان قوم نوح، داستان قوم هود که همان قوم عاد است و نیز قوم ثمود را ذکر می‌کند.

**هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره هود** المیزان ج: ۱۰ ص: ۴۵۹

### بیان دعوت و مبارزات حضرت صالح و نابودی قوم ثمود

« وَ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنْ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ...! »

این آیات کریمه داستان صالح پیغمبر علیه‌السلام و قوم او را که همان قوم ثمود بودند شرح می‌دهد و صالح علیه‌السلام سومین پیغمبری است که به دعوت

توحید و علیه وثنیت قیام کرد و ثمود را به دین توحید خواند و در راه خدا آزارها و محنت‌ها دید تا آنکه سرانجام خدای عز و جل بین او و قومش این چنین حکم کرد که قومش را هلاک ساخته و او و مؤمنین به او را نجات دهد!

**هدف آیه ۶۹ تا ۷۶ سوره هود المیزان ج: ۱۰ ص: ۴۷۵**

### بیان بشارت فرزنددار شدن ابراهیم «ع» و خبر نابودی قوم لوط

« وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ...! »

این آیات، داستان بشارت یافتن ابراهیم علیه‌السلام به اینکه صاحب فرزند خواهد شد را در بردارد و این در حقیقت به منزله زمینه چینی است برای بیان داستان رفتن ملائکه نزد لوط پیغمبر برای هلاک کردن قوم او ، چون این داستان در ذیل آن داستان آمده و در دنباله داستان بشارت یافتن ابراهیم علیه‌السلام بیانی آمده که قصه هلاک کردن قوم لوط را توجیه و بیان می‌کند و آن این جمله است: « انه قد جاء امر ربك و انهم آتیههم عذاب غیر مردود! »

**هدف آیه ۷۷ تا ۸۳ سوره هود المیزان ج: ۱۰ ص: ۵۰۲**

### بیان دعوت و مبارزات حضرت لوط و نابودی قوم لوط

« وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئِئًا بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَ قَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ...! »

این آیات داستان عذاب قوم لوط را بیان می‌کند و می‌توان گفت که به یک حساب تتمه آیات قبلی است که داستان نازل شدن ملائکه و وارد شدن آنان بر ابراهیم علیه‌السلام و بشارت دادن به ولادت اسحاق را ذکر می‌کرد چون بیان آن مطالب در واقع زمینه چینی بود برای بیان عذاب قوم لوط .

**هدف آیه ۸۴ تا ۹۵ سوره هود المیزان ج: ۱۰ ص: ۵۲۸**

### بیان دعوت و مبارزات شعیب (ع) با مردم مدین و نابودی قوم او

« وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَ لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أُرَامُ بَخِيرٍ وَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مَحِيظٍ...! »

این آیات، داستان شعیب علیه‌السلام و قوم او را که همان اهل مدین باشند می‌سراید، اهل مدین بتها را می‌پرستیدند و بیماری کم‌فروشی در بین آنان شایع و فسادهای دیگر نیز در میان ایشان رایج شده بود، خدای سبحان شعیب علیه‌السلام را به سوی آنان مبعوث کرد و آن جناب قوم مدین را به سوی دین توحید و کیل و وزن به سنگ تمام و عادلانه و ترک فساد در زمین دعوت نموده، بشارتها داد و اندرز کرد و در موعظه آنان سعی بلیغ نمود تا جایی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

شعیب علیه‌السلام خطیب انبیاء بود .

لیکن جز با رد و عصیان جوابی به او ندادند و حتی تهدیدش کردند که تو را سنگسار می‌کنیم و یا گفتند: تو را از دیار خود تبعید می‌کنیم! آزار و اذیت او و عده کمی که به او ایمان آورده بودند را به نهایت رساندند و نمی‌گذاشتند مردم به او ایمان بیاورند و راه خدا را به روی مردم می‌بستند.

به این رفتار خود ادامه دادند تا آنجا که جناب شعیب علیه‌السلام از خدا خواست تا بین او و آنان حکم نموده و آنان را هلاک کند!

#### هدف آیه ۹۶ تا ۹۹ سوره هود المیزان ج: ۱۰ ص: ۵۶۹

#### **بیان اجمالی از دعوت موسی (ع) و سرنوشت شوم فرعون**

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَنٍ مُّبِينٍ...! »

این آیات به داستان موسی کلیم الله علیه‌السلام اشاره دارد و نام آن جناب در قرآن کریم بیش از سایر انبیاء برده شده یعنی نزدیک به صد و سی و چند جای قرآن اسمش برده شده و در سی و چند سوره به داستانهایش اشاره شده است و قرآن کریم اعتنای بیشتری به شرح زندگی آن حضرت نسبت به سایر انبیاء دارد، منتهی چیزی که هست خدای تعالی در خصوص این سوره سخن از آن جناب را بطور مجمل آورده و به اشاره‌ای اجمالی اکتفاء نموده است .

#### هدف آیه ۱۰۰ تا ۱۰۸ سوره هود المیزان ج: ۱۱ ص: ۲

#### **بیان آثار شوم شرک به خدا در ملت های گذشته**

« ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقِصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَ حَصِيدٌ...! »

در این آیات به داستانهای قبل بازگشت نموده و نظری اجمالی و کلی در آنها نموده و سنت خدا را در میان بندگان خلاصه می‌کند و آثار شومی را که شرک به خدا برای امم گذشته بار آورد و آنان را به هلاکت در دنیا و عذاب جاودانه آخرت مبتلا نمود برمی‌شمارد تا عبرت‌گیران عبرت گیرند!

#### هدف آیه ۱۰۹ تا ۱۱۹ سوره هود المیزان ج: ۱۱ ص: ۵۵

#### **عبرت از داستان گذشتگان و عدم رکون به ظالمان**

« فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤَهُمْ مِّن قَبْلُ وَ إِنَّا لَمُؤْتِفُهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ...! »

پس از آنکه داستانهای امتهای گذشته و سرانجام شرک و فسق و لجبازی و انکار آیات خدا و استکبارشان را از قبول حق که انبیای آنان بدان دعوت می‌کردند،

برای پیغمبر گرامیش تفصیل داد خاطر نشان می‌سازد که چگونه رفتارشان ایشان را به هلاکت و عذاب استیصال و در آخرت و روزی که اولین و آخرین یکجا جمع می‌شوند به عذاب دائمی دوزخ مبتلا می‌سازد و پس از آنکه در آیات گذشته آن تفصیلات را خلاصه نموده، اینک در آیات مورد بحث به پیغمبرش دستور می‌دهد که او و هر که پیرو اوست از آن داستانها عبرت گیرند و برای خود کسب یقین کنند، که شرک و فساد در زمین آدمی را جز به سوی هلاکت و انقراض رهنمون نمی‌شود، لاجرم می‌بایستی دست از طریق عبودیت برداشته، خویشتن داری و نماز را شعار خود سازند و بر ستمکاران رکون و اعتماد نکنند که اگر چنین کنند آتش آنان را خواهد گرفت و دیگر جز خدا یآوری نخواهند داشت!

**هدف آیه ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره هود** المیزان ج: ۱۱ ص: ۹۴

### دلیل نقل تاریخ ملل گذشته در قرآن

« وَكَلَّا نَقْصَ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات غرضی را که سوره هود در صدد بیان آن است برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خلاصه می‌کند و به او خبر می‌دهد که سوره مذکور بیان کننده حق کلام در باره مبدأ و معاد و سنت جاری خدا در میان بندگانش می‌باشد.

پس در حقیقت این سوره برای آن حضرت جنبه تعلیم حق و نسبت به مؤمنین جنبه موعظه و تذکر را دارد، همچنانکه نسبت به کفار که از ایمان به خدا استنکاف می‌ورزند جنبه اتمام حجت را دارد، پس به ایشان آخرین حجت خود را برسان و بگو هر چه می‌خواهید بکنید ما هم هر چه به نظرمان رسید می‌کنیم، تا ببینیم چگونه سنت خدایی آنطور که خودش بیان داشته جریان می‌یابد و چگونه مصلحین را سعادت‌مند و مفسدین را بدبخت می‌کند .

و در آخر، آن حضرت را به عبادت خدا و توکل بر او توصیه می‌کند، زیرا امر،

همه‌اش به دست او است!

## هدف و فلسفه نزول سوره یوسف

(المیزان ج: ۱۱ ص: ۹۸)

### بیان ولایت الهی بر بندگان مخلص خود

### بیان چگونگی انتقال بنی اسرائیل به مصر

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ! »  
 « إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ! »  
 « نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ! » (۳/۱۳۱/یوسف)

غرض این سوره بیان ولایتی است که خداوند نسبت به بندهاش دارد، البته آن بندهاش که ایمان خود را خالص و دلش را از محبت او پر کرده و دیگر جز به سوی او به هیچ سوی دیگری توجه نداشته باشد!

آری، چنین بندهای را خداوند خودش عهده‌دار آموزش شده، او را به بهترین وجهی تربیت می‌کند و راه نزدیک شدنش را هموار و از جام محبت سرشارش می‌کند، آنچنان که او را خالص برای خود می‌سازد و به زندگی الهی خود زنده‌اش می‌کند، هر چند اسباب ظاهری همه در هلاکتش دست به دست هم داده باشند، او را بزرگ می‌کند هر چند حوادث او را خوار بخواهند، عزیزش می‌کند هر چند نوائب و ناملايمات روزگار او را به سوی ذلت بکشاند و قدر و منزلتش را منحنط سازد.

خداوند این غرض را در خلال بیان داستان یوسف تامین نموده و در هیچ سوره‌ای از قرآن کریم هیچ داستانی به مانند داستان یوسف بطور مفصل و از اول تا به آخر نیامده است. علاوه، در این سوره غیر از داستان یوسف داستان دیگری هم نیامده و سوره‌ای است مخصوص به حضرت یوسف علیه‌السلام!

در جمله‌ای که بعد از رؤیای یوسف و تعبیر پدرش آورده و فرموده:

« لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَذَكِّرِينَ! »

اشعار به این معنا دارد که گویا اشخاصی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داستان یوسف و یا مطلبی را سؤال کرده بودند که با این داستان ارتباط داشته و این اشعار مؤید آن روایاتی است که می‌گوید قومی از یهود، مشرکین مکه را وادار کردند تا نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شده از سبب انتقال بنی اسرائیل به مصر پرسش

کنند - چون بنی اسرائیل فرزندان یعقوب بودند که خود ساکن سرزمین شام بودند - مشرکین هم این سؤال را در میان نهادند و در جوابشان این سوره نازل شد . بنا بر این، غرض این سوره، بیان داستان یوسف علیه السلام و داستان آل یعقوب است. خداوند با بیان این داستان غرض عالی از آن را استخراج کرده است و آن مساله ولایت خدای تعالی نسبت به بندگان مخلص است که در ابتداء و خاتمه این سوره بطور چشم‌گیری منعکس است!

**هدف آیه ۴ تا ۶ سوره یوسف** المیزان ج: ۱۱ ص: ۱۰۳

### آماده سازی یوسف «ع» در راه ولایت و تقرب الهی

« إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَجْدِينَ...! »

این آیات رؤیای یوسف را - که در خواب دید و تعبیر خوابی که پدرش یعقوب نمود و نهی کرد از اینکه برای برادرانش تعریف کند - خاطرنشان می‌سازد و این خواب بشارتی بوده که خدای سبحان به یوسف داده تا ماده‌ای روحی برای تربیت او بوده باشد و او را در راه ولایت و تقرب به خدا آماده سازد. این آیات به منزله مدخلی است بر داستان آن جناب.

خداوند در ابتداء و شروع به تربیت یوسف، رؤیایی به او نشان داد و در داستانش هم ابتدا از آن رؤیا خبر می‌دهد و این بدان جهت بوده که از همان آغاز تربیت دورنمای آینده درخشان او و ولایت الهی که خداوند او را بدان مخصوص می‌کند به وی نشان داده باشد، تا برای او بشارتی باشد که همواره در طول زندگی و تحولاتی که می‌بیند در مد نظرش بوده باشد و در نتیجه مصیبت‌هایی که می‌بیند و شدائدی که با آنها روبرو می‌گردد به یاد آن دورنما بیفتد و نفس را به خویشتن داری و تحمل آن مشقات راضی کند!

این بود حکمت اینکه خداوند خصوص اولیاء خود را به آینده درخشانشان و مقام قربی که برای آنان در نظر داشته بشارت داده است و از آن جمله فرموده:

« الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون - تا آنجا که می‌فرماید: لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة! »

**هدف آیه ۷ تا ۲۱ سوره یوسف** المیزان ج: ۱۱ ص: ۱۱۶

### بیان جدائی یوسف از پدر و انتقالش به قصر عزیز مصر

« لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلْمُتَلَبِّينَ...! »

از اینجا شروع به داستان می‌شود، در حقیقت بشارتی که قبلا داده بود عنوان

مقدمه‌ای را داشت که بطور اجمال اشاره به سرانجام قصه می‌نمود.  
 آیات مورد بحث فصل اول داستان را متضمن است، که همان مفارقت یوسف از یعقوب و بیرون شدنش از خانه پدر تا پابرجا شدنش در خانه عزیز مصر . البته در خلال این احوال، به چاه انداختن برادران و بیرون شدنش به دست مکاربان و فروخته شدنش و حرکتش به سوی مصر نیز اشاره دارد.

#### هدف آیه ۲۲ تا ۳۴ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۱۵۶

#### **بیان زندگی و گرفتاریهای یوسف در قصر عزیز مصر**

« وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ...! »

این آیات داستان یوسف را در آن ایامی که در خانه عزیز بود بیان می‌کند که نخست مبتلا به محبت همسر عزیز و مراوده‌اش با وی و دعوتش به سوی خود شد و سپس مبتلا شد به عشق زنان شهر نسبت به وی و اینکه او را به سوی خود می‌خواندند و این خود بلای بزرگی بود که در خلال آن عفت نفس و طهارت دامن او معلوم گشت و عفتش مورد تعجب همه واقع شد و از این عجیب‌تر عشق و محبتی بود که او نسبت به پروردگارش می‌ورزید .

#### هدف آیه ۳۵ تا ۴۲ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۲۳۰

#### **بیان دوره زندان یوسف «ع» و شروع اعلام دین توحید**

« ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ حَتَّى حِينٍ...! »

این آیات متضمن قسمتی از داستان آن جناب است و آن، داستان به زندان رفتن و مدتی در زندان ماندن اوست که مقدمه تقرب تام او به دربار پادشاه مصر شد و سرانجام عزیز مصر گردید!

و در ضمن با بیان عجیبی دعوتش را به دین توحید در زندان ، نقل نموده و بیان می‌کند که برای اولین بار خود را معرفی کرد که از دودمان ابراهیم و اسحاق و یعقوب است!

#### هدف آیه ۴۳ تا ۵۷ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۲۵۰

#### **بیان عوامل خروج یوسف از زندان و رسیدن به عزیزی مصر**

« وَ قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ سَنَابِلٍ خُضْرٍ وَ آخَرَ يَابِسَةٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أفتونى فى رُءْيَى إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ...! »

این آیات داستان خارج شدن یوسف علیه‌السلام از زندان و رسیدنش به مقام عزیزی مصر و اسبابی را که در این سرنوشت دخالت داشت بیان می‌کند و در آن آمده که پادشاه مصر برای بار دوم تهمتی را که به وی زده بودند رسیدگی نموده و برائت و



پاکی او را معلوم می‌سازد.

**هدف آیه ۵۸ تا ۶۲ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۲۸۳**

**بیان سفر پسران اسرائیل به مصر و مواجهه با یوسف «ع»**

« وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَ هُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ...! »

فصل دیگری از داستان یوسف علیه‌السلام است که در چند آیه خلاصه شده و آن عبارت از آمدن برادران یوسف نزد وی، در خلال چند سال قحطی است تا از او جهت خاندان یعقوب طعام بخرند و این پیشامد - مقدمه‌ای شد که یوسف بتواند برادر مادری خود را از کنعان به مصر نزد خود بیاورد، و این برادر، همان است که با یوسف مورد حسادت برادران واقع شد و برادران در آغاز داستان گفتند: «لیوسف و اخوه احب الی ابینا منا و نحن عصبه...!» و بعد از آوردن او، خود را به سایرین نیز معرفی نموده، سرانجام یعقوب را هم از بادیه کنعان به مصر منتقل ساخت.

و اگر در ابتدای امر، خود را معرفی نکرد برای این بود که می‌خواست اول برادر مادریش را احضار نماید تا در موقعی که خود را به برادران پدریش معرفی می‌کند او نیز حاضر باشد و در نتیجه صنع خدای را نسبت به آن دو و پاداشی را که خداوند به آن دو در اثر صبر و تقواشان ارزانی داشت مشاهده کنند و بعلاوه وسیله‌ای برای احضار همه آنان باشد.

و این پنج آیه متضمن آمدن فرزندان یعقوب به مصر و نقشه‌ای است که یوسف برای احضار برادر مادری خود کشید، که اگر بار دیگر محتاج به طعام شدند تا او را نیاورند طعام نخواهند گرفت، ایشان نیز پذیرفتند.

**هدف آیه ۶۳ تا ۸۲ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۲۸۸**

**بیان سفر دوم پسران یعقوب به مصر و توقیف شدن برادر تنی یوسف**

« فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ...! »

این آیات داستان برگشتن برادران یوسف را بسوی پدرشان و راضی کردن پدر به اینکه برادر یوسف را برای گرفتن طعام بفرستد و نیز بازگشتن ایشان را بسوی یوسف و بازداشت کردن یوسف برادر خود را با حيله‌ای که طرح کرده بود بیان می‌فرماید.

**هدف آیه ۸۳ تا ۹۲ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۳۱۴**

**بیان نا امید نشدن یعقوب و دستور تجسس مجدد درباره یوسف**

« قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً »

### إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ...!»

این آیات، داستان گفتگوی پسران یعقوب با پدر را بیان می‌کند که بعد از مراجعت سفر دوم خود از مصر به کنعان داستان بازداشت شدن برادر مادری یوسف را به پدر گفتند و او دستور داد تا بار دیگر به مصر برگشته از یوسف و برادرش جستجو کنند و در آخر، یوسف خود را برای ایشان معرفی نمود.

**هدف آیه ۹۳ تا ۱۰۲ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۳۳۲**

### بیان انتقال بنی اسرائیل به مصر

«اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوَّةُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بِصَبِيرًا وَ أَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ...!»  
در این آیات، داستان یوسف علیه‌السلام خاتمه می‌پذیرد و این آیات متضمن دستور یوسف علیه‌السلام است که برادران را وادار می‌کند تا پیراهنش را به منزل پدر برده و به روی او بیفکنند و او را در حالی که دیدگانش بهبودی یافته با همه خاندانش به مصر بیاورند و ایشان نیز چنین کردند و در آخر یوسف به دیدار پدر و مادر نایل آمد.

و اینکه فرمود: «وَ أَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ!» فرمانی است از یوسف علیه‌السلام به اینکه خاندان یعقوب، از خود آن جناب گرفته تا اهل بیت و فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های او همه از دشت و هامون به شهر مصر درآمده و در آنجا منزل گزینند.

**هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۱۱ سوره یوسف المیزان ج: ۱۱ ص: ۳۷۳**

### بیان اهداف مختلف ذکر داستان یوسف در قرآن:

#### عبرت، بیان حقیقت، هدایت و رحمت برای مومنین

«وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ...!»

این آیات، خاتمه سوره یوسف است و در آن این معنا را خاطر نشان می‌سازد که ایمان کامل که همان توحید خالص باشد مقام عزیز و فضیلت کمیابی است که جز تعداد اندکی از مردم به آن نمی‌رسند و اما اکثر مردم ایمان آور نیستند، هر چند که تو (ای رسول خدا!) به ایمان ایشان حریص باشی و همه طاقت و توان خود را صرف کنی! و آن اقلیتی هم که ایمان می‌آورند، ایمانشان آمیخته به شرک است، پس برای ایمان محض و توحید خالص باقی نمی‌ماند مگر تعداد اندکی از مردم! و این توحید خالص همان راهی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همچنین پیروانش با بصیرت بدان دعوت می‌کردند و خدا هم ناصر او و نجات دهنده مؤمنین پیرو او از مهالک است و از مهالکی که توحید و ایمانشان را تهدید می‌کند و از عذاب استیصال و ریشه کنی که (وعده داده بود)، بزودی گریبانگیر مشرکین شده مستاصل و

منقرضشان می‌کند، نجاتشان می‌دهد همچنانکه سنت خدا در باره انبیای گذشته‌اش هم بطوری که از داستانهایش برمی‌آید چنین بوده است. و در داستانهای ایشان عبرت، بیان حقیقت و هدایت و رحمت است برای مؤمنین!

## **هدف و فلسفه نزول سوره رعد**

(المیزان ج: ۱۱ ص: ۳۸۶)

### **بیان حق بودن قرآن و رسالت رسول الله «ص»**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! المرأ! تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ...! » (تا ۴/رعد)

غرض این سوره بیان حقیقت قرآنی است که بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده و اینکه این قرآن معجزه و آیت رسالت است و اما اینکه کفار آن را آیت و معجزه نشمرده و به عنوان تعریض بر آن گفتند: چرا آیتی از ناحیه پروردگارش نازل نشد؟ گفتارشان مردود است و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباید به آن اعتنا کند و ایشان هم سزاوار نیست که چنین سخنی بگویند!

دلیل بر این معنا هم آیه ابتدای سوره است که می‌فرماید: «و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لا یؤمنون!» و آیه آخر سوره است که می‌فرماید: «و یقول الذین کفروا لست مرسلنا کل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم!» و نیز جمله: «لو لا انزل علیه آیه من ربه!» است، که مکرر از ایشان حکایت شده .

و خلاصه بیان این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مخاطب قرار می‌دهد به اینکه این قرآن که بر تو نازل شده حق است، حقی که مخلوط به باطل نیست، زیرا آنچه که این قرآن بدان دعوت می‌کند توحیدی است که آیات تکوینی از قبیل بپاداشتن آسمانها، گستردن زمین، تسخیر آفتاب و ماه و سایر عجایبی که خدا در تدبیر آسمانها و زمین و غرایبی که در تقدیر آنها بکار برده ، همه بر آن دلالت دارند .

و نیز دلیل دیگر بر حقانیت آن، اخبار و آثار گذشتگان است که رسولان با بیناتی بسویشان آمدند و ایشان کفر ورزیده و تکذیبشان کردند و خدا هم ایشان را به گناهانشان بگرفت، این است آنچه که این کتاب مشتمل بر آن است و همین خود

آیتی است که بر رسالت تو دلالت می کند .

و اینکه گفتیم تعریضشان به قرآن مردود است، دلیلش این است که اولاً تو شانی بجز انذار مردم نداری و اینطور نیست که هر وقت هر کاری بخواهی بکنی بتوانی تا آنکه از تو معجزاتی دلبخواه خود تراشیده به مثل این کلمات بر تو تعریض کنند .

و ثانیاً هدایت و اضلال هم آنطور که ایشان پنداشته‌اند در وسع آیات و معجزات نیست تا انتظار داشته باشند با آوردن معجزه‌ای که ایشان پیشنهاد کرده‌اند هدایت شوند و از ضلالت برهند، زیرا هدایت و ضلالت به دست خداست، او است که بر اساس نظامی حکیمانه هر که را بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می‌کند. و اما اینکه گفتند: «لست مرسلا - تو فرستاده خدا نیستی!» در جوابشان همین یک دلیل برای تو کافی است که خدا در کلام خود به رسالت تو شهادت داده، و معارف حقه‌ای که در قرآن تو است شاهد آن است .

از جمله حقایق باهر و واضحی که در خصوص این سوره آورده، حقیقتی است که جمله: «و انزل من السماء ماء...!» و جمله: «الا بذكر الله تطمئن القلوب!» و جمله: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ!» و جمله: «فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا!» متضمن آن است!

**هدف آیه ۵ و ۶ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۴۰۴**

### پاسخی به منکرین معاد

«وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَاءٌ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَى فِي أَغْنَاهُمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»  
این دو آیه عطف بر پاره‌ای از حرفهایی است که مشرکین در رد دعوت و رسالت می‌گفتند، از آن جمله گفته بودند: چطور ممکن است آدمی بعد از مردن و خاک شدنش بار دیگر زنده شود؟ و نیز گفته بودند: چرا پس آن عذابی که ما را از آن می‌ترساند نازل نمی‌شود و اگر او راست می‌گوید پس چرا به این وعده‌اش عمل نمی‌کند؟ آنگاه پس از نقل گفته‌های ایشان جوابشان را می‌دهد!

**هدف آیه ۷ تا ۱۶ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۴۱۳**

### پاسخی به معترضین رسول الله در ارائه نکردن معجزه

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ...!»

این آیات متعرض گفتار کفار است که گفتند: «لو لا انزل عليه آية من ربه!» و

آن را با این بیان رد می‌کند که رسول خدا «ص» بجز پیغمبری انذار کننده نیست که خداوند او را بر اساس سنتی که دارد - که در همه قرون مردم را بسوی حق هدایت می‌کند - بسوی شما فرستاده، آنگاه دنباله همین پاسخ را تعقیب می‌کند.

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۴۵۵**

### بیان فرق میان طریق حق و طریق باطل

« أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ...! »

بعد از آنکه در ذیل آیات قبل حجت را علیه مشرکین تمام نمود و آنگاه فرق میان حق و باطل را و فرق میان کسانی که آنرا می‌گیرند و کسانی که طالب اینند بطور وضوح بیان نموده و فرموده: «قل هل يستوى الاعمى و البصير ام هل تستوى الظلمات و النور!» اینک در این آیات شروع می‌کند به بیان تفصیلی فرق میان دو طریق، یعنی طریق حق، که همان ایمان به خدا و عمل صالح است و طریق باطل که عبارت از شرک و عمل زشت است! و همچنین فرق تفصیلی میان اهل آن دو طریق، یعنی مؤمنین و مشرکین و اینکه طایفه اول را سلامت و خانه آخرت نصیب است و بهره طایفه دوم لعنت و سرانجام بد است و اینکه خدا روزی را برای هر کس که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر که بخواهد محدود می‌نماید!

سراغاز همه این مطالب را با مثالی شروع کرده که وضع حق و باطل و اثر خاص هر یک از آن دو را روشن می‌سازد، آنگاه کلام را بر اساس آن مثل ادامه داده، وصف حال دو طریق و دو فریق را بیان می‌کند.

**هدف آیه ۲۷ تا ۳۵ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۴۸۰**

### بیان آثار ذکر خدا و آرامش و اطمینان قلبی با ذکر خدا

« وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ! »

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ...! »

بار دیگر به گفتار کفار برمی‌گردد، که گفتند: «لو لا انزل عليه آیه من ربه!» یعنی چرا از ناحیه پروردگارش آیتی بر او نازل نشد که ما ببینیم و با دیدنش هدایت شویم و از شرک بسوی ایمان بگرائیم؟ خداوند پاسخ می‌دهد به اینکه هدایت و ضلالت اثر آیت و مستند به آن نیستند، بلکه مستند به خود خدایند، خداست که هر که را

بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می‌کند!

و سنت او بر این جریان یافته که کسانی را هدایت نماید که بسوی او بازگشت کنند و دارای قلبی باشند که بیاد او آرامش و اطمینان داشته باشد، این دسته‌اند که دارای سرانجام نیک و عاقبت خیرند و کسانی را گمراه کند که به آیات واضح و روشن او کفر بورزند، که ایشان راست عذاب در دنیا در حالی که عذاب آخرتشان دشوارتر است و بغیر از خدا هم کسی نگهدار ندارند!

اگر بدون مشیت او هدایت امکان داشت دیگر چه وسیله‌ای بهتر از معجزه‌ای مانند قرآن؟ و اینکه می‌بینید با بودن این معجزه روشن هم عده‌ای هدایت نیافته‌اند، خود بهترین شاهد است بر اینکه امر هدایت بدست خداست و او نخواست است کسانی هدایت شوند که ضلالت بر ایشان نوشته شده و خود فرموده: «و من یضلل الله فما له من هاد - کسانی را که از اهل کفر و مکر، خداوند گمراهشان کرده باشد دیگر هدایت شدنی نیستند!»

#### هدف آیه ۳۶ تا ۴۲ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۵۰۷

##### **رد درخواست کفار برای ارائه معجزه تازه از طرف رسول الله (ص)**

« وَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَغْضَةً قُلُوبًا إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَتَابٌ...! »

این تتمه آیات سابق است و در آن باز هم گفتار کفار را که گفته بودند: «لو لا انزل علیه آیه من ربه!» تعقیب می‌کند.

#### هدف آیه ۴۳ سوره رعد المیزان ج: ۱۱ ص: ۵۲۵

##### **رد اعتراض منکرین رسالت رسول الله (ص)**

« وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ! »

این آیه، آخرین آیه سوره رعد است و با حرف و گفتار در آن را عطف بر کلامی می‌کند که در ابتداء سوره آورده و فرموده بود: «و الذی انزل الیک من ربک الحق و لکن اکثر الناس لا یؤمنون!» و این سومین باری است که بر منکرین حقیقت کتاب الله حمله نموده و استشهاد می‌کند به این که خداوند و آنها که علم به این کتاب دارند بر رسالت خاتم النبیین گواهند!

## \*\*\*\*\* بخش دوم \*\*\*\*\*

بررسی هدف

سوره ابراهیم<sup>(ع)</sup> تا سوره ناس

## هدف و فلسفه نزول سوره ابراهیم

(المیزان ج: ۱۲ ص: ۳)

### بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص»

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّاءُ كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ...! » (۵ تا/ ابراهیم)

آیات کریمه این سوره، پیرامون اوصاف قرآنی که بر پیغمبر اسلام صلوات الله علیه نازل شده بحث می کند و آن را با اوصاف زیر معرفی می نماید:

این کتاب، آیت و معجزه و نشانه رسالت آن جناب است و مردم را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می کشد و به راه مستقیم خدا راهنمائیشان می کند، خدایی که عزیز و حمید است، یعنی غالب و قاهری است که هرگز مغلوب کسی نمی شود و غنی و بی نیازی است که هرگز محتاج کسی نمی گردد، خدایی که در کارهای خدائیش جمیل است، یعنی برای مردم جز خوبی و نعمت منظوری ندارد!

وقتی خدا منعم و غالب و بی نیاز و پسندیده کار باشد، بر مردم که منعم علیه او هستند لازم است که دعوت او را لبیک گویند، تا در نتیجه از نعمتهایی که او به ایشان ارزانی داشته برخوردار شوند و آن نعمتها به سعادتشان تمام شود.

و نیز لازم است که از غضب او بر حذر باشند، زیرا پر واضح است که عذاب خدائی که هم قوی است و هم بی نیاز مطلق، شدید خواهد بود، چرا که او می تواند از وجود بندگان چشم پوشیده، همه را دستخوش هلاکت نماید و به دیار عدم بفرستد و از نو خلق و بندگان دیگری بیافریند همچنانکه همین عمل را در امم گذشته انجام داده است .

آری ، تمامی موجودات ریز و درشت و زمینی و آسمانی این عالم ، با زبان حال ، گویای این حقیقتند که رب العزّه و ولی حمید تنها او است و رب دیگری غیر از او نیست .

این خلاصه و برداشتی بود از آیات این سوره که با آیه زیر که می فرماید: «هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو اله واحد وليذكر اولوا الالباب!» ختم می شود.



**هدف آیه ۶ تا ۱۸ سوره ابراهیم المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۵**

### ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نعمت ها

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجَاكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُوْنَكُمْ سُوًءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُوْنَ اَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُوْنَ نِسَاءَكُمْ وَ فِيْ ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ...! »

این آیات، مشتمل بر ذکر پاره‌ای از نعمتها و نعمتهای خدا است که هر کدام در روز معینی رخ داده است.

از ظاهر سیاق این آیات بر می‌آید که همه این آیات غیر از آیه: «و اذ تاذن ربکم ...!» نقل کلام حضرت موسی علیه‌السلام است، که موسی بن عمران علیهما‌السلام در این آیات، مردم خود را به پاره‌ای از ایام خدای سبحان که به مقتضای عزت مطلقه‌اش، نعمتها و یا عذابهایی فرستاده و هر کدام را به مقتضای حکمت بالغه‌اش در جای خود فرستاده تذکر می‌دهد و به یادشان می‌آورد!

**هدف آیه ۱۹ تا ۳۴ سوره ابراهیم المیزان ج: ۱۲ ص: ۵۳**

### بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق

« اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ بِالْحَقِّ اِنْ يَشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ...! »

این آیات، مردم را به مساله خداشناسی تذکر می‌دهد، ولی خطاب در آنها همه متوجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که یکی پس از دیگری می‌فرماید: «الم تر ... ، الم تر ... ، الم تر - آیا نمی‌بینی؟»

خدای تعالی در این آیات، این معنا را تذکر می‌دهد که این عالم بر اساس حق، خلق شده و تمامی انسانها به زودی مبعوث می‌شوند و آنهایی که در زندگی دنیا، زندگیشان بر اساس حق بوده و به حق ایمان آورده و به آن عمل کرده‌اند به سعادت و بهشت نائل می‌شوند و آنهایی که زندگیشان بر اساس باطل بوده، یعنی باطل را پرستیده و شیطان را پیروی کردند و طاغیان مستکبر را اطاعت نمودند، چون فریب عزت و قدرت ظاهری آنان را خوردند، چنین افرادی در آخرت قرین شقاوت خواهند بود و همانهایی که اینها پیرویشان می‌کردند از اینها بیزار می‌جویند و شیطانهای انسی و جنی که معبود اینها قرار گرفته بودند، اظهار بیگانگی می‌کنند و برایشان معلوم می‌شود که عزت و حمد، همه از خدا بوده است!

آنگاه این معنا را تذکر می‌دهد که تقسیم کردن مردم به دو قسم، از این جهت است که سلوک و رفتار آنان دو قسم بوده است، یکی سلوک هدایت و یکی سلوک ضلالت،

آن کسی که اولی را دارد، مؤمن و آن کس که دومی را گرفته ظالم است، انتخاب دوگانه از قدرت و اختیار خداوند بیرون نبوده و هر چه بخواهد می‌کند و عزت و حمد مخصوص اوست! سپس وضع امتهای گذشته را که به خاطر کفران نعمت خدای عزیز و حمید دچار هلاکت و انقراض شدند، خاطرنشان ساخته، انسانها را بخاطر ظلم و کفران نعمت خدا که تمام عالم وجود را پر کرده و آنها را نمی‌توان احصاء نمود، عتاب می‌فرماید.

**هدف آیه ۳۵ تا ۴۱ سوره ابراهیم** المیزان ج: ۱۲ ص: ۹۶

### بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه

«وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَاَجْنُبْنِي وَّبَنِي اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ...!»

این آیات بعد از تذکری که در آیات گذشته یعنی از آیه: «و اذ قال موسی لقومه اذکروا نعمۃ الله علیکم اذ انجیکم من آل فرعون ...!» به بعد می‌داد، برای بار دوم نعمتهایی را تذکر می‌دهد و نخست نعمتهایی را که خدای سبحان به عموم بندگان مؤمنش - که همان بنی اسرائیل از ولد ابراهیم باشند - داده یادآوری می‌کند و سپس نعمتهای دیگرش را که به دودمان دیگر از نسل ابراهیم یعنی فرزند اسماعیل ارزانی داشته خاطرنشان می‌سازد و آن نعمتها عبارت است از همان چیزهایی که ابراهیم علیه‌السلام در دعای خود از خدای تعالی درخواست نموده و گفته بود: «رب اجعل هذا البلد آمنا...!» که یکی از آنها طلب توفیق بر اجتناب از بت‌پرستی و یکی نعمت امنیت مکه و یکی تمایل دلها به سوی اهل مکه و یکی برخورداری آنان از میوه‌ها و غیر آن است و همه آنها بدین جهت که عزیز و حمید بودن خدا را اثبات کند، خاطر نشان شده است!

**هدف آیه ۴۲ تا ۵۲ سوره ابراهیم** المیزان ج: ۱۲ ص: ۱۱۷

### بیان غافل نبودن خدا از ظالمان

«وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَفٰلًا عَمَّا یَعْمَلُ الظّٰلِمُونَ اِنَّمَا یُؤَخِّرُهُمْ لِیَوْمٍ تَشْخَصُ فِیْهِ الْاَبْصٰرُ...!»

بعد از آنکه در آیات قبل بشر را انذار نمود و بشارت داد و به صراط خود دعوت نمود و فهمانید که همه اینها بخاطر این است که خدا عزیز و حمید است، اینک در آیه اول از آیات مورد بحث آن مطالب را به آیه‌ای ختم نموده که در حقیقت جواب از توهمی است که ممکن است بعضی فکر کنند که اگر این حرفها درست است و راستی این دعوت، دعوت نبوی و از ناحیه پروردگاری عزیز و حمید است، پس

چرا می‌بینیم این ستمکاران همچنان سرگرم تمتعات خویشند؟ و چرا آن خدای عزیز و حمید ایشان را به ظلمشان نمی‌گیرد؟ و به دهان متخلفین از دعوت این پیغمبر و مخالفین او لجام نمی‌زند؟ اگر آن خدا، خدایی غافل و بی‌خبر از اعمال ایشان است و یا خدایی است که خودش وعده خود را خلف می‌کند و پیغمبران خود را که وعده نصرتشان داده بود یاری نمی‌نماید که چنین خدایی قابل پرستش نیست.

در آیه مزبور از این توهم جواب داده که: نه خدای تعالی از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل نیست و وعده‌ای را هم که به پیغمبرانش داده خلف نمی‌کند و چگونه غافل است و خلف وعده می‌کند با اینکه او دانای به مکر و عزیزی صاحب انتقام است، بلکه اگر آنها را به خشم خود نمی‌گیرد برای این است که می‌خواهد عذابشان را برای روز سختی تاخیر بیندازد و آن روز جزاست. علاوه بر اینکه در همین دنیا هم آنها را عذاب خواهد کرد، همچنانکه امتهای گذشته را هلاک نمود.

و آنگاه سوره مورد بحث را به آیه زیر که جامع‌ترین آیات نسبت به غرض این سوره است ختم نموده و فرموده است: «هذا بلاغ للناس ولینذروا به ولیعلموا انما هو اله واحد ولیدکر اولوالالباب!»

## **هدف و فلسفه نزول سوره حجر**

(المیزان ج: ۱۲ ص: ۱۳۷)

### **هدف و فلسفه نزول سوره حجر**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الرَّاءِ! تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ...» (۹۱/حجر)

این سوره پیرامون استهزاء کفار به رسول خدا «ص» سخن می‌گوید که نسبت جنون به آنجناب داده و قرآن کریم را هذیان دیوانگان خوانده بودند.

پس در حقیقت در این سوره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تسلائی خاطر داده و وی را به صبر و ثبات و گذشت از آنان سفارش می‌کند و نفس شریفش را خوشحال و مردم را بشارت و انداز می‌دهد.

در این سوره آیه: «فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشرکین...!» قرار دارد که با یک مساله تاریخی در باره شروع دعوت اسلامی قابل انطباق است و آن مساله این است که رسول خدا «ص» در اول بعثت، دعوت خود را علنی نکرد و تا مدت سه و یا

چهار و یا پنج سال پنهانی دعوت می‌نمود، زیرا اوضاع آن قدر نامساعد بود که اجازه چنین اقدامی نمی‌داد، لذا در این مدت آحادی از مردم را که احتمال می‌داد دعوتش را قبول کنند ملاقات می‌کرد و دعوت خود را پنهانی با آنان در میان می‌گذاشت تا آنکه خدای تعالی با آیه مذکور اجازه‌اش داد تا دعوتش را علنی کند .

از جمله آیات برجسته‌ای که در این سوره واقع شده و حقایق بسیار مهمی از معارف الهی را در بر دارد آیه: « و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم! » و آیه: « انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون! » است .

### هدف آیه ۱۰ تا ۱۵ سوره حجر المیزان ج: ۱۲ ص: ۱۹۴

#### **بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد**

« وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْاَوَّلِينَ...! »

بعد از آنکه داستان استهزاء کفار به کتاب خدا و پیغمبرش و معجزه آمدن ملائکه را که به عنوان آیت رسالت اقتراح و پیشنهاد کردند، ذکر نمود، اینک در دنبالش سه دسته از آیات را آورده که در ابتدائش کلمه « و لقد » بکار رفته است . یکی آیه: « و لقد ارسلنا من قبلك ...! » است و یکی آیه: « و لقد جعلنا فی السماء بروجا! » و سوم آیه: « و لقد خلقنا الانسان من صلصال! »

در اولی این معنا را بیان کرده که استهزاء عادت و سنت جاری مجرمین است و اینها ایمان آور نیستند ، هر چند که هر قسم آیتی برایشان بیاوری! در دومی این معنا را که اگر کسی بخواهد ایمان بیاورد به قدر کفایت، آیات آسمانی و زمینی هست!

در سومی این معنا را که اختلاف میان نوع بشر به ایمان و کفر و ضلالت از چیزهایی است که خداوند در روز آغاز خلقتشان تقدیر و تعیین نمود، از همان ابتداء خلقت آدم را خلق کرد و آن ماجرای میان او و ملائکه و ابلیس در امر سجود پیش آمد .

### هدف آیه ۱۶ تا ۲۵ سوره حجر المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۰۰

#### **بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشياء**

« وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ...! »

بعد از آنکه خدای سبحان اعراض مشرکین از معجزه قرآن و پیشنهادشان را در باره معجزه دیگری که عبارت بود از آمدن ملائکه بیان کرد و همچنین جواب از آن را که ممتنع و مستلزم نابودی ایشان است بداد، اینک در این آیات تعدادی از آیات و

معجزات زمین و آسمان را که بر توحید دلالت می‌کند بر می‌شمارد، تا اگر عقل داشته باشند عبرت بگیرند و حجت بر مجرمین تمام شود.

و در این آیات از معارف حقیقی و اسرار الهی مطالب بلند و دقائق بسیاری گنجانده شده است.

#### هدف آیه ۲۶ تا ۴۸ سوره حجر المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۲۰

#### **بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها**

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ...! »

این بیست و سه آیه، سوم از آیاتی است که به دنبال آغاز سوره که در باره استهزای کفار به کتاب خدا و پیغمبرش و درخواست آیتی غیر قرآن بود ایراد می‌شود. در این آیات خدای سبحان آغاز خلقت جن و انس و دستور دادنش به ملائکه و ابلیس که بر او سجده کنند و سجده ملائکه و امتناع ابلیس را که از جن است و رجم او و گمراهی بنی آدم به دست او و به کرسی نشستن قضای خدا در سعادت متقین و شقاوت گمراهان، را بیان می‌کند!

#### هدف آیه ۴۹ تا ۸۴ سوره حجر المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۴۲

#### **بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد**

« نَبِيُّ عِبَادِي أَنِي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ! وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ! وَ تَبَّئْتُمْ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ...! »

بعد از آنکه خدای تعالی پیرامون استهزائی که مشرکین به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کتاب نازل بر او و همچنین پیرامون اقتراح آنان که باید ملائکه را بیاورد و اینکه اگر ملائکه را هم بیاورد ایمان نخواهند آورد، با روشن‌ترین بیان بحث فرمود، اینک در این آیات شروع به نصیحت آنان نموده، در دو آیه اول بشارت و انذار می‌دهد و آنگاه با ذکر داستانی که جامع هر دو جهت است - یعنی داستان میهمانان ابراهیم علیه‌السلام که برای او بشارت آورده بودند، آن هم بشارتی که هیچ انتظارش را نداشت و برای قوم لوط علیه‌السلام عذاب آورده بودند، آن هم عذابی که از شدیدترین عذاب‌ها بود - مطلب را تأیید فرمود.

و سپس با اشاره‌ای اجمالی به داستان اصحاب ایکه که قوم شعیب علیه‌السلام بودند و اصحاب حجر که مردم و قوم صالح علیه‌السلام بودند تأیید دیگری کرد.

#### هدف آیه ۸۵ تا ۹۹ سوره حجر المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۷۶

#### **دستوری برای رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین**

« وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحْ »

### الصفحة الجميل...!»

در این آیات غرضی بود که در آیات قبلی بود خلاصه می‌شود، غرض از آن آیات این بود که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به قیام بر انجام مأموریت و رسالت خود و اعراض و گذشت از جفاهای مشرکین دعوت کند و تسلای خاطر دهد که از آنچه می‌گویند غمگین و تنگ حوصله نگردد، زیرا قضای حق بر این رانده شده که مردم را به اعمالشان در دنیا و آخرت و مخصوصا در روز قیامت - که هیچ شکی در آن نیست - سزا دهد، همان روزی که احدی را از قلم نمی‌اندازد و به اندازه یک ذره هم از خیر و شر کسی را بدون کیفر و پاداش نمی‌گذارد و با در پیش داشتن چنین روزی، دیگر جای تاسف خوردن بر کفر کافران باقی نمی‌ماند، چون خدا بدان دانا است و به زودی جزای اعمالشان را می‌دهد و نیز جای تنگ حوصلگی و اندوه نیست، چون به خدای سبحان مشغول گشتن مهم‌تر و واجب‌تر است!

در اینجا خدای سبحان مساله اعراض و گذشت از کفاری را که او را مسخره می‌کردند تکرار کرده - همان کفاری که در ابتدای سوره ذکرشان گذشت - و همچنین سفارش فرموده بود که به تسبیح و حمد و عبادت خدای خود بپردازد و خبر داده بود که خود او شر کفار را از او می‌گرداند، اینک در این آیات هم همین را تکرار می‌کند که به کار رسالت خود مشغول باشد. در همین جا سوره پایان می‌پذیرد.

## هدف و فلسفه نزول سوره نحل

(المیزان ج: ۱۲ ص: ۲۹۶)

### بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریح دین

#### و بیان شرح هجرت رسول الله «ص» به مدینه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعْلَى عَمَّا يُشْرِكُونَ! يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ...!» (نحل/۲۱ تا ۲۱)

اگر به دقت در این سوره نظر کنیم ظن قوی پیدا می‌شود که صدر این سوره از آیاتی است که در روزهای آخر توقف رسول خدا «ص» در مکه در نزدیکی‌های مهاجرتش به مدینه نازل شده است و این آیات، چهل آیه اول آن است، که خدای سبحان در قسمتی از آن انواع نعمتهای آسمانی و زمینی را که مایه حیات انسانی

است و انسان در معاشش از آن بهره‌مند می‌شود خاطر نشان فرموده و از راه نظام متقن و تدبیر یک نواختی که در آنها است بر وحدانیت خود در ربوبیت استدلال فرموده است .

و در قسمتی دیگر، احتجاج می‌کند بر بطلان پندارهای مشرکین و بی‌ثمر بودن مساعی ایشان و اینکه به زودی کیفر ایشان را می‌دهد، همچنانکه امتهای گذشته را که مثل اینان بودند کیفر داد و به زودی در روز قیامت در حق آنان فصل قضاء می‌کند .

خدای سبحان این آیات را با جمله: «اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون!» افتتاح نموده و آیات احتجاج را بر تقدیس و تنزیه و تسبیحی که در آنست متفرع کرد و از این تفریع چنین فهمیده می‌شود که غرض عمده از آیات صدر سوره این است که از نزدیک بودن امر الهی خبر دهد و هشدار دهد که به زودی بر آنان نازل می‌شود و نیز در این تفریع تهدیدی است بر مشرکین که از در استهزاء می‌گفتند: پس چرا عذابی که می‌گویی نازل نمی‌شود تا ما را تهدید نماید و نیز با جمله: «فاعفوا و اصفحوا حتی یاتی الله بامرہ!» مؤمنین را بشارت می‌دهد بر اینکه به زودی حق بر باطل غلبه نموده و توحید بر شرک و ایمان بر کفر ظفر می‌یابد، این فهرست آن مطالبی است که با دقت در آیات صدر سوره استفاده می‌شود.

غرض سوره خبر دادن به نزدیک شدن امر خداست که عبارت است از: غلبه دین حق بر کفار، که خدای تعالی این معنا را با بیان اینکه: تنها خدای تعالی اله معبود است نه دیگری چون تدبیر عالم مانند خلقتش قائم به او است و نیز همه نعمتها به او منتهی می‌گردد و هیچ یک از آنها مصنوع غیر او نیست نتیجه می‌گیرد پس واجب است همان خدا به تنهایی عبادت شود .

و همچنین با بیان اینکه: دین حق از خدا است پس واجب است که غیر دین او دینی و قانونی دیگر تشریح نشود و باز با بیان اموری از دین الهی، توضیح می‌دهد . این، آن غرضی است که معظم آیات این سوره آن را دنبال نموده و با بیانهای مختلفی تعقیب می‌نماید، در ضمن بیان این غرض، آیاتی هم هست که مساله هجرت و پاره‌ای مطالب مناسب با آن را ایراد می‌نماید.

**هدف آیه ۲۲ تا ۴۰ سوره نحل المیزان ج: ۱۲ ص: ۳۳۰**

### بیان عیوب و صفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید

«إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ...!»

این آیات، قسمت دوم از آیات صدر سوره است، قسمت اولش متضمن بیان

توحید ربوبیت و اقامه حجت علیه مشرکین و انذار آنان به آوردن عذاب و تنزیه خدای سبحان از شرک ایشان بود .

و این قسمت یعنی قسمت دوم، متضمن مطالبی است که مناسب با آن بیان است از قبیل بیان عیبهای مشرکین و صفات بد آنان، که همه ناشی از انکار توحید است و مانند سخنان باطل و استکبارشان در برابر خدا و استهزاء آیات او و انکار حشر و نیز متضمن بیان بطلان این سخنان و تهدید ایشان است به آمدن عذاب دنیوی و هشدارشان از عذاب روز مرگ و روز قیامت و نیز حقایقی دیگر .

#### هدف آیه ۴۱ تا ۶۴ سوره نحل المیزان ج: ۱۲ ص: ۳۶۷

#### **بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا**

« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...! »

دو آیه اول این آیات داستان هجرت را یادآوری نموده و به مهاجرین در راه خدا وعده نیکویی در دنیا و آخرت می‌دهد و ما بقی آیات، داستان شرک مشرکین و تشریح احکام بدون اذن خدا را که کار مشرکین بود تعقیب و بر حسب معنا جواب مفصلی است به گفتار مشرکین که دعوت نبوی به ترک عبادت آل‌هه و ترک تشریح احکام را امری محال می‌دانستند و می‌گفتند: «لو شاء الله ما عبدنا...! »

مراد از مهاجرت در خدا این است که مهاجرت برای کسب رضای خدا باشد و این هدف محیط به ایشان باشد و جز آن هدف دیگری نداشته باشند!

مهاجرین در راه خدا برای دین مهاجرت کردند که مجتمعی اسلامی و پاک تشکیل دهند که در آن مجتمع جز خدا کسی پرستش نشود و جز عدل و احسان چیزی حکومت نکند و یا برای این بود که به مجتمعی وارد شوند و در آن منزل کنند که وضعش چنین باشد، پس اگر از مهاجرتشان امید حسنه‌ای داشتند و یا وعده حسنه‌ای داده شدند آن حسنه همین مجتمع صالح بود و نیز اگر آن شهر را که بدان مهاجرت کردند، ستودند برای این بود که جای تشکیل چنین مجتمعی بوده نه برای اینکه آب و هوایش خوب بوده، پس هدف و غرض از حسنه‌ای که وعده داده شدند که در دنیا به آن برسند همین مجتمع صالح بوده چه اینکه مقصود از حسنه شهر باشد و یا حالت حسنه‌ای که در آن شهر به خود می‌گیرند .

#### هدف آیه ۶۵ تا ۷۷ سوره نحل المیزان ج: ۱۲ ص: ۴۱۵

#### **اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی**

« وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ



يَسْمَعُونَ...!»

رجوعی است بعد از رجوع به شمردن نعمت‌های الهی و نتیجه گرفتن توحید و نتیجه گرفتن بعث از این آیات و اشاره‌ای است به مساله تشریح، که عبارت است از نبوت!

**هدف آیه ۷۸ تا ۸۹ سوره نحل** میزان ج: ۱۲ ص: ۴۴۹

### اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت‌های الهی

« وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ...! »

این آیات، تعدادی دیگر از نعمت‌های الهی را بر می‌شمارد و سپس کلام را معطوف به سوی نتیجه‌ای می‌کند که آن نتیجه، حق محض در مساله وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و در مساله بعثت در قیامت و در مساله نبوت و شرایع عینا مانند دسته قبلی آیات است که در آنها نیز برداشت سخن بهمین منوال بود!

**هدف آیه ۹۰ تا ۱۰۵ سوره نحل** میزان ج: ۱۲ ص: ۴۷۴

### ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه

« إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالتَّبْغِي يَعِظْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...! »

این آیات برخی از احکام را که با اسلام قبل از هجرت سازگار است و مایه اصلاح حال عمومی اجتماع است مانند نهی از فحشاء و منکر و ستم و آنچه ملحق به آن است مانند امر به سرکشی از خویشاوندان و نهی از شکستن عهد و سوگند ذکر می‌کند و نیز مطالب دیگری را یادآوری می‌کند که مناسب اینها باشد و آن را اثبات کند.

**هدف آیه ۱۰۶ تا ۱۱۱ سوره نحل** میزان ج: ۱۲ ص: ۵۰۸

### بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین

« مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

در این آیات علیه کفاری که بعد از ایمان به خدا کافر گشته و مرتد شدند تهدید نموده و مهاجرین را که در جهاد خود دچار زحمت گشته و در راه خدا صبر کردند وعده جمیل داده و متعرض حکم تقیه نیز شده است.

**هدف آیه ۱۱۲ تا ۱۲۸ سوره نحل** میزان ج: ۱۲ ص: ۵۱۹

### بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم

« وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ

فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ...!»

این دسته از آیات، تتمه احکامی را بیان می‌کند که در آیات قبل بود، در این آیات خوردنیهای حرام و حلال را بیان نموده از تحریم و تحلیل بدعتی و بدون اذن خدا نهی می‌کند و نیز پاره‌ای از احکام را که برای یهود تشریح شده بود و سپس نسخ شد ذکر نموده، در حقیقت مساله نسخ که در آیه: «و اذا بدلنا آية مكان آية...!» گذشت عطف نموده و این معنا را خاطر نشان می‌سازد که: آنچه بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده دین ابراهیم است که بر اساس اعتدال و توحید بنا شده و آن احکام طاقت‌فرسا که در دین یهود بود از دین او برداشته شده است .

و در آخر امر به عدالت در مجازات و دعوت به صبر و احتساب نموده و با وعده جمیل به نصرت و کفایت برای کسانی که تقوی پیشه نموده و احسان کنند آن را خاتمه می‌دهد .

### هدف و فلسفه نزول سوره اسری

(المیزان ج: ۱۳ ص: ۳)

**تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص"**

**مقدرات بنی اسرائیل**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ! »  
(اسری/۱)

این سوره پیرامون مساله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود می‌باشد و با اینکه در این مورد بحث می‌کند، اما مساله تسبیح خدا را بر مساله حمد و ثنای او غلبه داده و بیشتر به قسم دوم پرداخته است، همچنان که ابتدای آن را با جمله: « سبحان الذی اسری بعیده ...! » شروع کرده و در خلال سوره هم پی در پی تسبیح او را تکرار نموده، یک جا فرموده: « سبحانه و تعالی عما یقولون! » و جایی دیگر فرموده: « قل سبحان ربی! » و یا فرموده: « و یقولون سبحان ربنا ...! » و حتی در آیه‌ای که سوره به آن ختم می‌شود نیز معنای تسبیح خدای را متذکر گردیده و او را بر تنزهش از داشتن شریک و ولی و اتخاذ فرزند ستوده و فرموده است: « و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا! »

سوره مورد بحث هدفی را دنبال می‌کند که آن عبارت است از تسبیح خدای تعالی، این سوره مطلب را با اشاره به داستان معراج رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و سیر آن حضرت از مسجد الحرام به مسجد اقصی (که همان بیت المقدس باشد و بنائی است مرتفع «هیکل» که داوود و سلیمان علیهما السلام برای بنی اسرائیل بنا نمودند و خدا آن را خانه مقدس ایشان قرار داد)، شروع نموده و متذکر شده است. آنگاه کلام را به مناسبت، به مقدرات بنی اسرائیل کشانده، از عزت و ذلت آنان و اینکه خداوند در هر روزگاری که او را اطاعت می‌کردند سربلندشان می‌کرده و هر وقت که از در عصیان در می‌آمدند ذلیل و خوارشان می‌ساخته، سخن گفته و نیز کیفیت نزول کتاب بر آنان و پیرامون دعوت آنان به توحید و نفی شرک توضیح داده است.

سپس به همین مناسبت کلام را به وضع این امت معطوف ساخته، که بر این امت نیز کتاب نازل کرده پس اگر اطاعت کنند اجر می‌برند و اگر عصیان بورزند عقاب می‌شوند و ملاک کار ایشان مانند آنان به همان اعمالی است که می‌کنند و به طور کلی با هر انسانی بر طبق عملش معامله می‌کنند و سنت الهی در امت‌های گذشته نیز بر همین منوال بوده است.

پس آنگاه حقایق مهم و بسیاری از معارف مربوط به مبدأ و معاد و شرایع عامه از اوامر و نواهی و غیر آن را بیان می‌کند.

و از آیات برجسته، در این سوره آیه شریفه: «قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی - بگو چه خدا را بخوانید و چه رحمان را، به هر نامی که بخوانید برای او است اسمای حسنی!» و نیز آیه: «کلا نمد هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک و ما کان عطاء ربک محظورا - هر یک از طایفه مؤمن و غیر مؤمن را از عطاء پروردگارت مدد می‌رسانیم و عطاء پروردگار تو ممنوع نیست!» و نیز آیه: «و ان من قریه الا نحن مهلكوها - و هیچ قریه‌ای نیست مگر آنکه ما هلاک کننده آنیم!» و همچنین آیات دیگر، است.

**هدف آیه ۸ تا ۲۲ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۴۴

### بیان سنت الهی در هدایت امت ها

«وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً...!»  
از ظاهر سیاق این آیات که در صدر سوره قرار دارند چنین برمی‌آید که در مقام بیان این معنا است که سنت الهی در امتها و اقوام مختلف انسانی همواره بر این

بوده است که ایشان را به راه بندگی و توحید هدایت نموده و رسیدن به آن را برایشان ممکن ساخته و ایشان را در پذیرفتن و نپذیرفتن مخیر نموده است، نعمت‌های دنیا و آخرت را در اختیارشان قرار داد و ایشان را به همه رقب اسبابی که در اطاعت و معصیت بدان نیازمندند مسلح و مجهز ساخت تا اگر اطاعت و احسان کنند به سعادت دنیا و آخرت پاداششان دهد و اگر گناه و عصیان ورزند به نکال و خواری در دنیا و عذاب آخرت کیفرشان کند.

بنا بر این می‌توان گفت که هفت آیه مذکور به منزله مثالی است که کیفیت و چگونگی جریان این سنت عمومی را در بنی اسرائیل مجسم می‌سازد، بدین شرح که خدا بر پیغمبرشان کتاب نازل کرد و آن را هدایتی قرار داد تا به وسیله آن به سوی خدایشان راه یابند و در آن کتاب چنین پیشگویی کرد که به زودی ترقی نموده و در اثر همان ترقی، طغیان و تباهی خواهند ورزید و خداوند با مسلط نمودن دشمن، بر آن قوم، انتقام سختی از آنان خواهد گرفت و خوارشان خواهد ساخت و دشمن آنقدر از ایشان بکشد و اسیر کند تا آن که غرور و طغیانشان فروکش نموده دوباره به سوی اطاعت خدا برمی‌گردند، در آنوقت خدا هم به نعمت و رحمت خود برگشته باز سرو سامانی به ایشان خواهد داد، باز برای بار دوم طغیان خواهند ورزید و خدا هم به عذاب خود برمی‌گردد.

از این بیان این نتیجه به دست می‌آید که آیات هفتگانه مورد بحث به منزله توطئه و زمینه‌چینی برای بیان جریان همین سنت است در امت اسلام و در حقیقت این چند آیه نظیر جمله معترضه است میان آیه اول و آیه نهم.

**هدف آیه ۲۲ تا ۲۹ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۶۱

### بیان سنت الهی در ملت اسلام

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا...!»

آیات سابق از سوره اسری، جریان سنت الهی را در هدایت انسان به سوی حق و دین توحید خاطر نشان می‌کرد و خلاصه آن سنت این بود که خداوند هر کس را که دعوت حق را اجابت کند در دنیا و آخرت سعادت مند گرداند و هر که را که به حق کفر ورزیده و از امر او سرپیچی نماید در دنیا و آخرت عقاب کند.

و اگر نزول تورات و حوادثی را که بعد از آن، برای بنی اسرائیل پیش آمده، ذکر فرمود از باب تطبیق حکم کل این سنت بر افراد و مصادیق آن بود.

و این دسته از آیات جریان همان سنت را در این امت خاطر نشان می‌سازد و

می فرماید که به همان نحو که در امت موسی علیه السلام جریان یافت در این امت نیز جریان می یابد، آنگاه نتیجه می گیرد که پس باید از شرک اجتناب ورزیده و همواره ملازم طریق توحید باشند!

**هدف آیه ۳۹ تا ۴۳ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۱۰۵

### ذکر برخی از کلیات دین

« وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...! »

این آیات بعضی از کلیات دین را ذکر می کند و در حقیقت دنباله آیه شریفه: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم...!» است .

**هدف آیه ۴۰ تا ۵۵ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۱۴۱

### بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین

« أَوْ قَاصِفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا...! »

در این آیات مساله توحید و سرزنش مشرکین دنبال شده است که چگونه خدایانی برای خود درست کرده اند و ملائکه کرام را زنانی پنداشته اند و چگونه با آمدن قرآن و ادله توحید آن، باز هم متنبه نشده و آیات قرآنی را نمی فهمند و در عوض فرستاده ما را و مساله بعث و نشور را مسخره می کنند و سخنان زشتی در باره خدا می گویند و همچنین مطالبی دیگر .

**هدف آیه ۵۶ تا ۶۵ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۱۷۳

### بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین

« قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا...! »

در این آیات در باره مساله توحید به گونه دیگری احتجاج شده و ربوبیت خدایانی که مشرکین می پرستیدند ابطال گردیده و حاصلش این است که بتها قادر به رفع گرفتاریها و برداشتن آنها از پرستش کنندگان خود نیستند، بلکه آنها در احتیاج به خدای سبحان مانند خود بت پرستانند، که همواره در جستجوی وسیله ای به درگاه خدا هستند و رحمت او را امیدوار و از عذاب او بیمناکند!

و مساله گرفتاریها و هلاکتها و عذابها همه به دست خدای تعالی است و او در کتاب خود نوشته که هر قریه ای را قبل از روز قیامت هلاک کند و یا به عذاب شدیدی مبتلا سازد، در بین امتهای گذشته هم همین معنا را اعمال کرده، برای هر امتی آیات و معجزات خود را می فرستاده و چون کفر می ورزیدند و آن را تکذیب

می‌کردند دنبالش عذاب انقراض آور را می‌فرستاده ولی در امت آخرین از آوردن آن معجزات که دنبالش عذاب استیصال است خودداری کرد.

آری خداوند چنین خواست که رفتار ایشان را با هلاکت تلافی نکند، چیزی که هست اصل فساد در میان آنان رو به پیشرفت است و به زودی شیطان همه‌شان را گمراه می‌کند، آن وقت است که وعده خدا در باره آنان محقق گشته و خدا هلاکشان می‌سازد و این امری است شدنی!

**هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۲۰۸

### اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرّ برای خدا

« رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...! »  
این آیات در مقام تکمیل نمودن آیات قبلی است و مساله استجابت دعا و کشف ضر را که آیات قبل، از بتها و خدایان مشرکین نفی می‌کرد در باره خدای سبحان اثبات می‌نماید.

اینکه احتجاج مزبور با آیه: « یوم ندعوا کل اناس بامامهم ...! » ختم شده و با آن اشاره به این معنا کرده که این هدایت و ضلالتی که مورد بحث بود در آخرت نیز ملازم انسان است و نشاء آخرت مطابق نشاء دنیا است، هر که در دنیا بینا باشد در آخرت هم بینا است و هر که در اینجا کور باشد آنجا هم کور و بلکه گمراهتر است!

**هدف آیه ۷۳ تا ۸۱ سوره اسری** المیزان ج: ۱۳ ص: ۲۳۶

### نهی رسول الله «ص» از تمایل به مشرکین

« وَ إِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوْحِيَٰنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَةً وَ إِذَا لَاتَخَذُواكَ خَلِيلًا...! »

این آیات گوشه‌ای از نیرنگهای مشرکین را که به قرآن و به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زدند و تعدی و پافشاری که در انکار توحید و معاد کردند یادآور شده، در همین باره علیه ایشان احتجاج و استدلال می‌کند.

آری آنها خواسته بودند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به قسمتی از دستورات، با آنان مدهانه کند و نیز خواستند او را از مکه بیرون کنند.

به همین جهت در این آیات به شدیدترین بیان آن جناب را تهدید می‌کند که مبادا به طرف مشرکین و لو هر قدر هم اندک باشد میل پیدا کند و ایشان را هشدار داده که اگر آن جناب را از مکه بیرون کنند هلاکشان فرماید.

در این آیات توصیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نماز و توسل به درگاه پروردگار در آغاز کلام و هم در انجام آن و نیز اعلام به ظهور حق آمده است!

**هدف آیه ۸۲ تا ۱۰۰ سوره اسری المیزان ج: ۱۳ ص: ۲۴۹****بیان شفا و رحمت بودن قرآن**

« وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا...! »  
 در این آیات برای دومین بار به مسأله معجزه بودن قرآن اشاره می‌کند و مجدداً آن را آیت و معجزه نبوت معرفی می‌کند و نیز رحمت و برکتش می‌خواند.  
 در این آیات می‌خواهد این جهت را بیان کند که قرآن شفا و رحمت است و به عبارت دیگر اصلاح کننده کسی است که خود نفسی اصلاح طلب داشته باشد و گر نه همین قرآن نسبت به ستمکاران خسارت و زیان است و با اینکه این قرآن معجزه نبوت است، معجزه‌های دیگر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواهند و آنگاه جوابشان را می‌دهد و البته غیر آنچه گفته شد ملحقاتی هم در این آیات آمده که از آن جمله پرسش از چگونگی روح و جواب از آن است.

**هدف آیه ۱۰۱ تا ۱۱۱ سوره اسری المیزان ج: ۱۳ ص: ۳۰۰****بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله «ص»**

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَمَسَّئِلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَى مَسْحُورًا...! »

در این آیات وضع رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معجزه قرآنش و اعراض مشرکین از آن جناب و طلب نمودن معجزاتی بیپه‌وده تشبیه شده به وضع موسی علیه‌السلام و معجزات نبوتش و اعراض فرعون از آن معجزات و نسبت سحر به وی دادن و پس از تشبیه مجدداً به وصف قرآن کریم و سبب نزول تدریجی آن و نیز به بیان معارفی دیگر می‌پردازد.

**هدف و فلسفه نزول سوره کهف**

(المیزان ج: ۱۳ ص: ۲۲۵)

**دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا...! » (۸ تا ۸/کهف)

این سوره با انذار و تبشیر دعوت می‌کند به اعتقاد حق و عمل صالح

همچنانکه از دو آیه اولش هم بوی این معنا استشمام می‌شود و نیز از آیه آخر سوره که می‌فرماید: « فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا! »

در این سوره مساله نفی فرزند داشتن خدا مورد عنایت و توجه زیادی واقع شده است نظیر اینکه می‌بینیم تهدید و انذار را به کسانی اختصاص می‌دهد که برای خدا فرزند قائل شده‌اند، یعنی بعد از آنکه می‌فرماید: « لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِمَنْ لَدُنْهُ! » مجدداً می‌فرماید: « وَ يُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا! »

پس در این آیه روی سخن با دوگانه پرستان است، که قائل به فرزندى ملائکه و جن و مصلحین بشر برای خدا هستند و همچنین خطاب به نصاری است که قائل به فرزندى مسیح برای اویند و بعید نیست که روی سخن به یهود هم باشد ، چون خود قرآن از یهود نقل کرده که گفته‌اند عُزَير پسر خدا است .

بعید نیست کسی بگوید که غرض از نزول این سوره بیان سه داستان عجیب است که در قرآن کریم جز در این سوره ذکر نشده، یکی قصه اصحاب کهف و دیگری داستان موسی و آن جوانی که در راه به سوی مجمع البحرین دیدار نمود و سوم حکایت ذی القرنین و آنگاه از این سه داستان در غرض سوره که اثبات نفی شریک و تشویق بر تقوی و ترس از خدا است استفاده کند .

### هدف آیه ۹ تا ۲۶ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۳۳۶

#### **بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی**

« أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا...! »

این آیات داستان اصحاب کهف را ذکر می‌کند که یکی از سه سؤالی است که یهود به مشرکین یاد دادند تا از رسول خدا (ص) بپرسند و بدین وسیله او را در دعوی نبوتش بیازمایند.

سیاق آیات سه‌گانه‌ای که داستان مزبور با آنها شروع شده اشعار به این دارد که قصه کهف قبلاً به طور اجمال در بین مردم معروف بوده، مخصوصاً این اشعار در سیاق آیه: « أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا! » بیشتر به چشم می‌خورد و می‌فهماند که نزول این آیات برای تفصیل قضیه است که از جمله: « نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ...! » شروع می‌شود .

و وجه اتصالش به آیات قبل این است که با اشاره به این داستان و اینکه جای تعجب در آن نیست همان مطالب گذشته را تایید می‌کند، که اگر خدای تعالی



موجودات روی زمین را در نظر بشر جلوه داده و دل‌های آدمیان را مجذوب آنها نموده تا بدانها رکون و اطمینان کنند و توجه خود را بدانها معطوف دارند، همه به منظور امتحان است. و همچنین اگر پس از گذشتن اندک زمانی همه آنها را با خاک یکسان نموده، از نظر انسان می‌اندازد و به صورت سرابی جلوه می‌دهد، همه و همه آیاتی است الهی نظیر آیتی که در داستان اصحاب کهف هست، که خدا خواب را بر آنان مسلط نمود و در کنج غاری سیصد سال شمسی به خوابشان برد و وقتی بیدار شدند جز این به نظرشان نرسید که یا یک روز در خواب بوده‌اند و یا پاره‌ای از روز پس مکث هر انسان در دنیا و اشتغالش به زخارف و زینت‌های آن و دلباختگی‌اش نسبت به آنها و غفلتش از ماسوای آن، خود آیتی است نظیر آیتی که در داستان اصحاب کهف است. همانطور که آنها وقتی بیدار شدند خیال کردند روزی و یا پاره‌ای از روز خوابیده‌اند، انسانها هم وقتی روز موعود را می‌بینند خیال می‌کنند یک روز و یا پاره‌ای از یک روز در دنیا مکث کرده‌اند!

پس آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست، بلکه داستانی است که همه روزه و تا شب و روزی هست، تکرار می‌گردد.

**هدف آیه ۲۷ تا ۳۱ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۱۴۴**

### بیان وظیفه رسول الله در برابر دینداران و بی دینان

« وَ أَنْزَلْنَا مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتْتَحِدًا...! »

در این آیات رجوع و انعطافی به ما قبل هست به آن جایی که گفتار قبل از داستان اصحاب کهف بدانجا منتهی گردید، یعنی به تاسف خوردن و ناشکیبائی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اینکه چرا مردم ایمان نمی‌آورند و به کتابی که برایشان نازل شده نمی‌گروند و چرا دعوت حقه او را قبول نمی‌کنند .

آیات مورد بحث عطف بدانجا است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تسلیت می‌داد به اینکه سرای دنیا بلاء و امتحان است و آنچه زینت دارد به زودی به صورت خاک خشک در می‌آید، پس دیگر سزاوار نیست به خاطر این مردم خود را ناراحت کنی و دلتنگ شوی که چرا دعوت را نمی‌پذیرند و به کتاب خدا ایمان نمی‌آورند .

آنچه بر تو واجب است صبر و حوصله کردن با این مشقت فقرائی است که ایمان آورده‌اند و مدام پروردگار خود را می‌خوانند و هیچ توجهی به این توانگران کافر کیش که همواره به ثروت خود و زینت حیات دنیایشان می‌بالند ندارند، چون می‌دانند

این زینتها به زودی به صورت خاکی خشک مبدل می‌شود، لذا همواره دنیاداران را به سوی پروردگارشان می‌خوانند، و دیگر کاری به کارشان ندارند.

هر که می‌خواهد ایمان بیاورد و هر که می‌خواهد کفر بورزد، چیزی به عهده رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست، آنچه وظیفه او است که باید در مواجهه با آنان رعایت کند این است که در صورت ایمان آوردن، با شادمانی و در صورتی که ایمان نیاورند، با تاسف با آنان مواجه نشود، بلکه همان ثواب و عقاب خدای را تذکر دهد!

**هدف آیه ۳۲ تا ۴۶ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۴۲۵**

### بیان واقعیت مالکیت آدمی به اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا

« وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا! »

این آیات متضمن دو مثل است که حقیقت مالکیت آدمی را نسبت به آنچه در زندگی دنیا از اموال و اولاد - که زخارف زندگی‌اند و زینت‌های فریب دهنده و سریع الزوال‌اند و آدمی را از یاد پروردگارش غافل و مشغول می‌سازند و واهمه او را تا حدی مجذوب خود می‌سازد که به جای خدا به آنها رکون و اعتماد می‌کند و به خیالش می‌قبولاند که راستی مالک آنها است - بیان می‌کند و می‌فهماند که این فکر جز وهم و خیال چیز دیگری نیست، به شهادت اینکه وقتی بلایی از ناحیه خدای سبحان آمد همه را به باد فنا گرفته برای انسان چیزی جز خاطره‌ای که بعد از بیداری از عالم رؤیا به یاد می‌ماند و جز آرزوهای کاذب باقی نمی‌گذارد.

**هدف آیه ۴۷ تا ۵۹ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۴۴۴**

### بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان

« وَ يَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا...! »

این آیات متصل به آیات قبل است و در پی همان آیات سیر می‌کند و به بیان اینکه این اسباب ظاهری و زخارف فریبنده دنیوی که زینت حیات هستند به زودی زوال و نابودی بر آنها عارض می‌شود می‌پردازد و برای انسان روشن می‌کند که مالک نفع و ضرر خویش نیست و آنچه برای انسان می‌ماند همان عمل او است که بر طبقتش کیفر و یا پاداش می‌بیند.

در این آیات ابتدا، مساله قیامت مطرح شده و بیان می‌فرماید که هر انسانی تک و تنها بدون اینکه کسی به غیر از عملش همراه او باشد محشور می‌گردد و سپس مساله امتناع ابلیس از سجده بر آدم و فسقش نسبت به امر پروردگار را ذکر

می‌کند که پیروانش او و ذریه او را اولیای خود می‌گیرند و به جای خدا او را که دشمن ایشان است سرپرست خود اتخاذ می‌کنند .

آنگاه دو باره مساله قیامت را عنوان می‌کند که در آن روز خداوند خود پیروان شیطان و نیز شیطانها را که شریک خدایش گرفته بودند احضار می‌کند ، در حالی که رابطه میان آنان قطع شده باشد .

و در آخر آیاتی چند در خصوص وعده و وعید آمده و مجموع آیات از نظر هدف با آیات قبل متصل است.

**هدف آیه ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۴۶۶**

### شرح تعلیمات خضر به موسی "ع" درباره واقعت حوادث ظاهری

« وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا...! »

در این آیات داستان موسی و برخوردش در مجمع البحرین با آن عالمی که تاویل حوادث را می‌دانست برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تذکر می‌دهد و این چهارمین تذکری است که در این سوره دنبال امر آن جناب به صبر در تبلیغ رسالت تذکار داده می‌شود تا هم سرمشقی باشد برای استقامت در تبلیغ و هم تسلیتی باشد در مقابل اعراض مردم از ذکر خدا و اقبالشان بر دنیا و هم بیانی باشد در اینکه این زینت زودگذر دنیا که اینان بدان مشغول شده‌اند متاعی است که رونقش تا روزی معین است، بنا بر این، از دیدن تمتعات آنان به زندگی و بهره‌مندی‌شان به آنچه که اشتها کنند دچار ناراحتی نشود، چون در ماورای این ظاهر یک باطنی است و در ما فوق تسلط آنان بر مشتهیات ، سلطنتی الهی قرار دارد!

پس ، گویا یادآوری داستان موسی و عالم برای اشاره به این است که این حوادث و وقایعی هم که بر وفق مراد اهل دنیا جریان می‌یابد، تاویلی دارد که به زودی بر ایشان روشن خواهد شد و آن وقتی است که مقدر الهی به نهایت اجل خود برسد و خدای اذن دهد تا از خواب غفلت چندین‌ساله بیدار شوند و برای یک نشاء دیگری غیر نشاء دنیا مبعوث گردند .

آن عالمی که موسی دیدارش کرد و خدای تعالی بدون ذکر نامش به وصف جمیلش او را ستوده و فرموده: «عبدا من عبادنا اتیناه رحمه من عندنا و علمناه من لدنا علما!» اسمش ( در روایات) خضر یکی از انبیاء معاصر موسی بوده است.

**هدف آیه ۸۳ تا ۱۰۲ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۴۹۶**

### بیان تاریخ ذی القرنین

« وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا...! »

این آیات راجع به داستان ذو القرنین است و در خلال آن پیشگویی‌هایی از قرآن نیز به چشم می‌خورد.

#### هدف آیه ۱۰۳ تا ۱۰۸ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۵۴۵

##### **بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین**

« قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۚ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا...! »

این آیات شش‌گانه به منزله استنتاج از آیات گذشته در این سوره است که دلباختگی مشرکین را نسبت به زینت حیات دنیا و رکون و اطمینان به اولیائی غیر از خدا و ابتلاءشان به تاریک بینی و ناشنوائی و آثار اینها در سوء عاقبت را شرح می‌داد و علاوه بر اینکه از آن آیات نتیجه‌گیری می‌کند، تمهید و مقدمه‌ای است نسبت به آیه آخر سوره که می‌فرماید: « قل انما انا بشر مثلکم...! »

#### هدف آیه ۱۰۹ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۵۵۲

##### **بیان وسعت کلمات الهی**

« قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا! »

این آیه بیان مستقلی است برای وسعت کلمات خدای تعالی و اینکه کلمات او نابودی پذیر نیست و به همین جهت بعید نیست که تنها نازل شده باشد نه در ضمن آیات قبل و بعدش ، لیکن اگر در ضمن آیات دیگری نازل شده باشد آن وقت مربوط به تمامی مطالبی است که در این سوره مورد بحث قرار گرفته است.

آیه شریفه در اینکه در جایی قرار گرفته که غرض سوره استیفاء شده و بیانش تمام گشته و مثالهایش زده شده نظیر گفتار کسی می‌ماند که خیلی حرف زده و در آخر گفته باشد حرفهای ما تمامی ندارد لذا به همین مقدار که گفتیم اکتفاء می‌کنیم - و خدا داناتر است!

#### هدف آیه ۱۱۰ سوره کهف المیزان ج: ۱۳ ص: ۵۵۶

##### **بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد**

« قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَحِدٌ ۚ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا! »

این آیه آخرین آیه سوره است که غرض از بیان سوره را خلاصه می‌کند و در آن اصول سه‌گانه دین را که توحید و نبوت و معاد است جمع کرده است.

جمله: «انما الهکم اله واحد!» مساله توحید را و جمله: «انما انا بشر مثلکم یوحی الی!» و جمله: «فلیعمل عملا صالحا...!» مساله نبوت را و جمله: «فمن کان یرجوا لقاء ربه!» مساله معاد را متعرض است.

## هدف و فلسفه نزول سوره مریم

(المیزان ج: ۱۴ ص: ۳)

### بشارت و انداز

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! كهيعص! ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِيًا!»  
(اتا۱۵/مریم)

غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده می‌فرماید: «فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تنذر به قوما لدا...!» بشارت و انداز است، چیزی که هست همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادريس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده، آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلتهای برجسته‌ای داشته‌اند از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند و لیکن اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نموده به مساله توجه به پروردگار به کلی بی‌اعتناء شدند و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند به همین جهت به زودی حالت غی را که همان از دست دادن رشد است دیدار می‌کنند مگر آنکه کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت نماید که او سرانجام به اهل نعمت می‌پیوندد.

سپس نمونه‌هایی از لغزشهای اهل غی و زورگوییهای آنان و آرای خارج از منطقشان از قبیل نفی معاد و به خدا نسبت پسررداری دادن و بت پرستیدن و آنچه که از لوازم این لغزشها است از نکبت و عذاب را خاطر نشان می‌سازد.

بنا بر این، می‌توان گفت بیان این سوره شبیه به بیان مدعی است که برای اثبات دعوی خود مثال‌هایی می‌آورد.

پس این سوره با ذکر چند مثال آغاز و با گرفتن نتیجه‌ای کلی از آن مثلها،

که مورد نظر بوده ، خاتمه یافته است .

پس این سوره، مردم را به سه طائفه تقسیم می‌کند:

- ۱ - آنهایی که خدا انعامشان کرد که یا انبیاء بودند و یا اهل اجتناب و هدایت!
  - ۲ - اهل غی، یعنی آنهایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند!
  - ۳ - آن کسانی که توبه نموده و ایمان آوردند و عمل صالح کردند که به زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند .
- و آنگاه ثواب توبه تائبین و مسترشدین و عذاب غاویان که همنشینان شیطان و از اولیای اویند - را تذکر می‌دهد .

#### هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۲

##### **بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها**

« وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ اِذِ انتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَکَانًا شَرْقِیًّا...! »

در این آیات از داستان یحیی به داستان عیسی علیه‌السلام نقل کلام شده و میان این دو داستان شباهت تمامی هست، چون ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق العاده صورت گرفته و این هر دو در کودکی حکم و نبوت داده شدند، او هم خبر داد که مامور به احسان به مادر شده و جبار و شقی نیست و بر خود در روز ولادتش و روز مرگش و روز مبعوث شدنش سلام داده، این نیز همین مطالب را گفته و قرآن از وی نیز نقل کرده و شباهت‌های دیگری نیز داشته‌اند و یحیی علیه‌السلام نبوت عیسی علیه‌السلام را تصدیق کرده و به وی ایمان آورد!

#### هدف آیه ۴۱ تا ۵۰ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۷۲

##### **بیان محاجه ابراهیم «ع» با پدر و کناره گیری از بت پرستان**

« وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِبْرٰهٖمَ اِنَّهٗ کَانَ صِدِّیقًا نَبِیًّا...! »

این آیات به پاره‌ای از داستان ابراهیم علیه‌السلام اشاره می‌کند و آن عبارت است از احتجاجش با پدر در باره بت‌ها، با حجت و هدایت فطری و معرفت یقینی که خدایش داده بود و نیز داستان کناره‌گیری از پدر و از مردم و خدایانشان و اینکه خداوند به او اسحاق و یعقوب را داد و به کلمه باقیه در نسلش اختصاص داد و برای او و اعقاب او یاد خیری در آیندگان گذاشت که تا روزگاری هست نامش را به نیکی ببرند.

#### هدف آیه ۵۱ تا ۵۷ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۸۲

##### **بیان موهبتها و رحمت‌های الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادریس «ع»**

« وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مُوسٰی اِنَّهٗ کَانَ مَخْلُصًا وَ کَانَ رَسُوْلًا نَبِیًّا...! »

در این آیات جمع دیگری از انبیاء و برخی از موهبت‌ها و رحمت‌هایی را که

به ایشان اختصاص داده ذکر می‌کند و آنان عبارتند از موسی ، هارون ، اسماعیل و ادريس عليهم‌السلام.

**هدف آیه ۵۸ تا ۶۳ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۹۷**

### بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد

« أَوْلَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا...! »

در سابق که در باره غرض این سوره بحث کردیم گذشت که آنچه از سیاق آن بر می‌آید این است که می‌خواهد بیان کند که عبادت خدای تعالی - یعنی دین توحید - دین اهل سعادت و رشد است، دین انبیاء و اولیاء است و تخلف از طریقه ایشان، یعنی ضایع کردن نماز و پیروی شهوات، پیروی راه ضلالت است و کسی که چنین کند گمراه است ، مگر آنکه توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد .

پس آیات و مخصوصا سه آیه اول آن متضمن خلاصه غرض سوره است و این خلاصه‌گیری را به صورت استنباط از داستانهای وارده در سوره بیان کرده است و تفاوت این سوره با سایر سوره‌ها همین است که در سایر سوره‌های طولانی غرض از سوره را به عنوان برائت استهلال در ابتدای آن و نیز به عنوان حسن الختام در آخر آن بیان می‌کند ، ولی در این سوره این غرض را در وسط آن بیان کرده است .

**هدف آیه ۶۴ و ۶۵ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۰۹**

### بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی

« وَ مَا تَنْزِيلُ الْإِنشَارِ رَبُّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا! »

این دو آیه نسبت به آیات قبل و بعد از آن به منزله جمله معترضه‌اند و سیاق این دو شهادت می‌دهد که کلام در آن، کلام فرشته وحی است و اما به وحی قرآنی و از ناحیه خدای سبحان، چون نظم آن بدون شک نظمی است قرآنی و این نظریه‌ای است که روایت وارده به طرق مختلفه از اهل سنت و به نقل مجمع از ابن عباس آن را تایید می‌کند و آن روایت این است که وقتی جبرئیل در نزول خود تاخیر کرد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از او پرسید چرا دیر کردی؟ جبرئیل به وحی الهی گفت: «و ما نتنزل الا بامر ربك ... هل تعلم له سميا!»

**هدف آیه ۶۶ تا ۷۲ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۱۶****بیان سخنان مشرکین درباره مبداء، معاد و نبوت و رد آنها**

« وَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتْ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا...! »

از اینجا به بعد، دو باره بر سر مطلب قبل از دو آیه‌ای که گفتیم به منزله جمله معترضه است بر می‌گردد و در حقیقت از اینجا دنباله جمله: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا» تعقیب می‌شود و بعضی از سخنانی که از باب غی و ضلالت زدند برای نمونه ذکر می‌شود و از همه آن سخنان تنها سه تا نقل شده یکی سخنی که در باره معاد زدند و یکی پیرامون نبوت و یکی پیرامون مبداء .

در این آیات، یعنی از جمله: « و يقول الانسان ... و نذر الظالمين فيها جثيا! » که هفت آیه است، حکایت سخن ایشان در استبعاد از قیامت و پاسخ از آن نقل شده و آثار سوء و وبالی که در سخن ایشان است خاطر نشان می‌سازد!

**هدف آیه ۷۳ تا ۸۰ سوره مریم المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۲۴****بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها**

« وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا! »

این آیات فصل دوم از کلماتی است که قرآن کریم از کفار نقل کرده و حاصلش این است که دعوت نبویه رسول خدا را به این صورت رد کرده‌اند که: هیچ سودی به حال کسی که به او بگردد ندارد و اگر این دعوت حق می‌بود می‌بایستی دنیای گرونده را که سعادت زندگی در آن است اصلاح کند، ساختمانهای رفیع و اثاث البیت نفیس و جمال و زینتی به ایشان بدهد و این کفر ما که خیر دنیا را به ما رسانده خیلی بهتر از ایمان مؤمنین است، که وضعشان را به آن فلاکت کشانده، نه حالی و نه مالی برایشان گذاشته، به زندگی سختی دچارشان کرده و همین خود دلیل است بر اینکه حق با کفر ما است، حقی که به هیچ وجه نباید با ایمان مؤمنین معاوضه شود .

آنگاه خداوند از گفتار آنها پاسخ می‌دهد به اینکه « و کم اهلکنا ...! » که چه بسیار مثل شما صاحبان عیش را ما هلاک کردیم و اینکه: « قل من كان في الضلالة - هر که در ضلالت پافشاری کند بر خداست که او را گمراهتر سازد! » و سپس پاسخ خود را تعقیب می‌کند به بیان حال کسانی که فریب گفتار آنان را خورده‌اند.



**هدف آیه ۸۱ تا ۹۶ سوره مریم** المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۴۶

### رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا

« وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا...! »

این آیات، فصل سوم از اعتقادات کفار را نقل می‌کند و آن عبارت است از شرک به خدا با برگزیدن خدایانی دیگر و اینکه گفته‌اند: خدا فرزند گرفته و پاسخ از آنها.

**هدف آیه ۹۷ و ۹۸ سوره مریم** المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۶۰

### بیان تنزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله "ص"

« فَإِنَّمَا يَسِرَّنَّهٗ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا! »

« وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا! »

این دو آیه، سوره را خاتمه می‌دهد و خدای سبحان در آن تنزیل حقیقت قرآن را بیان می‌کند (که آن حقیقت بلندتر از آن است که فهم عادی بدان دسترسی یابد و یا غیر پاکان آن را لمس کنند!) به اینکه تا مرتبه ذکر به لسان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده و می‌فرماید که هدف از این سهولت این است که متقین از بندگان خدای را بشارت و قوم سخت سر و خصومت پیشه را با آن انداز نماید، آنگاه انداز آنان را با یاد آوری هلاکت قرون گذشته خلاصه فرمود.

### هدف و فلسفه نزول سوره طه

(المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۶۲)

### تذکر و یادآوری از راه انذار

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! طه ! مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى...! » (تا ۸/طه)

غرض این سوره تذکر و یادآوری از راه انذار است که آیات انذار آن بر آیات تبشیرش غلبه دارد و این غلبه به خوبی به چشم می‌خورد، داستانهایی را ذکر می‌کند که به هلاکت طاغیان و تکذیب کنندگان آیات خدا منتهی می‌شود و حجت‌های روشنی را متضمن است که عقل هر کس را ملزم به اعتراف به توحید خدای تعالی و اجابت دعوت حق می‌کند و به یادآوری آینده انسان از احوال قیامت و مواقف آن و

حال نکبت بار مجرمین و خسران ظالمین منتهی می‌گردد.

این آیات - به طوری که از سیاقش بر می‌آید - با نوعی تسلیت از رسول خدا شروع می‌شود، تا جان شریف خود را در واداشتن مردم به قبول دعوتش به تعب نیندازد، زیرا قرآن نازل نشده برای اینکه آن جناب خود را به زحمت بیندازد، بلکه آن تنزلی است الهی که مردم را به خدا و آیات او تذکر می‌دهد تا شاید بیدار شوند و گریزه خشیت آنان هوشیار گردد، آنگاه متذکر شده به وی ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، پس او غیر از تبلیغ وظیفه دیگری ندارد، اگر مردم به ترس آمدند و متذکر شدند که هیچ و گر نه یا عذاب استیصال و خانمان برانداز منقرضشان می‌کند و یا اینکه به سوی خدای خود برگشت نموده در آن عالم به وبال ظلم و فسق خود می‌رسند و اعمال خود را بدون کم و زیاد می‌یابند و به هر حال نمی‌توانند با طغیان و تکذیب خود خدای را عاجز سازند .

یکی از آیات برجسته این سوره آیه شریفه: «الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی!» است که با همه کوتاهی‌اش مساله توحید را با همه اطرافش متضمن است!

**هدف آیه ۹ تا ۴۸ سوره طه المیزان ج: ۱۴ ص: ۱۸۶**

### **بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او**

« وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى...! »

در این آیات داستان موسی علیه‌السلام را شروع کرده، در این سوره چهار فصل از این داستان ذکر شده:

اول : چگونگی برگزیدن موسی به رسالت در کوه طور ، که در وادی طوی واقع است و مامور کردنش به دعوت فرعون .

دوم : با شرکت برادرش او را به دین توحید دعوت کردن و بنی اسرائیل را نجات دادن و اقامه حجت و آوردن معجزه علیه او .

سوم : بیرون شدنش با بنی اسرائیل از مصر و تعقیب فرعون و غرق شدنش و نجات یافتن بنی اسرائیل .

چهارم : گوساله‌پرستی بنی اسرائیل و سرانجام کار ایشان و کار سامری و گوساله‌اش .

اینکه آیات مورد بحث به چه وجهی متصل به ما قبل می‌شود؟ وجه اتصالش این است که آیات ما قبل مساله توحید را خاطر نشان می‌ساخت، این آیات نیز با وحی توحید آغاز شده و با همان وحی یعنی کلام موسی که گفت: «انما الهکم الله الذی لا اله الا هو ...!» و نیز کلام دیگرش در باره هلاک فرعون و طرد سامری ختم

می‌شود، آیات قبلی نیز با این تذکر آغاز می‌شد که قرآن مشتمل است بر دعوت حق و تذکر کسانی که بترسند و با مثل این آیه ختم می‌شد که: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى!»

**هدف آیه ۴۹ تا ۷۹ سوره طه** المیزان ج: ۱۴ ص: ۲۲۵

### بیان آغاز دعوت موسی «ع» تا غرق فرعون

« قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمْ يَا مُوسَى...! »

این آیات فصل دیگری از داستان موسی علیه‌السلام است، که در آن رفتن موسی و هارون نزد فرعون و تبلیغ رسالتشان مبنی بر نجات بنی اسرائیل را بیان می‌کند، البته جزئیات جریان را هم خاطر نشان کرده، از آن جمله مساله معجزه آوردن و مقابله با ساحران و ظهور و غلبه حق بر سحر ساحران و ایمان آوردن ساحران و اشاره‌ای اجمالی به بیرون بردن بنی اسرائیل و شکافته شدن آب دریا و تعقیب کردن فرعون و لشگریانش، موسی و بنی اسرائیل را و سر انجام غرق شدن فرعون، می‌باشد.

**هدف آیه ۸۰ تا ۹۸ سوره طه** المیزان ج: ۱۴ ص: ۲۵۸

### بیان نعمت‌های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها

« يٰۤاَيُّهَا إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَدُوِّكَمْ وَ وَعَدْتَكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمْ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوٰى...! »

در این آیات آخرین فصل از آنچه از سرگذشت موسی علیه‌السلام در این سوره آمده ایراد شده است و در آن خدای تعالی جمله‌ای از منت‌های خود را بر بنی اسرائیل می‌شمارد، مانند اینکه از قبطیان نجاتشان داد و در طرف راست طور میعادی برایشان معین کرد و من و سلوی برایشان نازل فرمود، آنگاه این فصل را با داستان سامری و گمراه کردنش مردم را به وسیله گوساله پرستی، خاتمه داده است و این قصه متصل است به داستان میعاد در طور.

البته منظور اصلی از این فصل بیان تعرض بنی اسرائیل است نسبت به غضب خدا که با گوساله پرستی خود متعرض غضب الهی شدند و به همین جهت داستان را با حرف عطف واو نییافت و مانند بقیه مسائل به اشاره برگزار نکرد، بلکه این قصه را مفصل بیان نمود.

**هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۴ سوره طه** المیزان ج: ۱۴ ص: ۲۹۰

### یادآوری هولهای روز قیامت

« كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَ قَدْ ءَاتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا...! »

این آیات در دنباله داستان موسی علیه السلام قرار دارد که به منظور انذار مردم، ایشان را با یاد آوری هولهای روز قیامت تهدید می کند!

**هدف آیه ۱۱۵ تا ۱۲۶ سوره طه** المیزان ج: ۱۴ ص: ۳۰۴

### بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی

« وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا...! »

در این آیات داستان داخل شدن آدم و همسرش در بهشت و بیرون شدنشان به وسوسه‌ای از شیطان و حکمی که خدای تعالی در این موقع راند که دینی تشریح نموده سعادت و شقاوت بنی نوع آدمی را منوط به پیروی هدایت او و اعراض از آن نموده بیان می کند .

و این داستانی که نام بردیم در چند جای قرآن آمده، ولی در این سوره با کوتاهترین عبارت و زیباترین بیان ایراد شده است، به طوری که ذیل آن شهادت می دهد عمده عنایت در آن بیان همان حکمی است که گفتیم به تشریح دین و ثواب و عقاب رانده، همچنانکه تفریح بعدش هم که فرموده: « و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمنن بایات ربه ...! » این معنا را تایید می کند .

بله ارتباط مختصری هم به آیات قبل دارد که در باره توبه می فرمود: « و انی لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدی! » چون در این آیات متعرض توبه آدم شده است .

**هدف آیه ۱۲۷ تا ۱۳۵ سوره طه** المیزان ج: ۱۴ ص: ۳۲۴

### نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی

« وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَنْبَىٰ...! »

این آیات، متفرقاتی است از وعد و وعید، حجت و حکمت و تسلیت خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، که همه آنها مربوط به آیات گذشته در این سوره و نتیجه آنها است .

### هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء

(المیزان ج: ۱۴ ص: ۳۴۰)

### بیان مسئله نبوت با طرح مسئله توحید و معاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ...! »

(تا ۱۵/انبیا)

غرض این سوره گفتگو پیرامون مساله نبوت است که مساله توحید و معاد را زیر بنای آن قرار داده، نخست داستان نزدیک بودن روز حساب و غفلت مردم از آن و نیز اعراضشان از دعوت حقی که متضمن وحی آسمانی است را ذکر می‌کند، که ملاک حساب روز حساب همین‌ها است .

و سپس از آنجا به موضوع نبوت و استهزاء مردم منتقل می‌شود، نبوت خاتم انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نسبت ساحر به وی دادن و کلماتش را هذیان و خودش را مفتری و شاعر خواندن را ذکر می‌کند، آنگاه گفتار آنان را با ذکر اوصاف کلی انبیای گذشته به طور اجمال رد نموده می‌فرماید: پیغمبر اسلام نیز همان گرفتاریها را باید ببیند، چون آنچه این می‌گوید همان است که آن حضرات می‌گفتند!

پس از آن، داستان جماعتی از انبیا را برای تایید گفتار اجمالی خود می‌آورد و سخنی از موسی و هارون، سرگذشتی از ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لوط و شرحی از نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادريس و ذو الکفل و ذو النون و زکریا و یحیی و عیسی می‌آورد.

آنگاه با ذکر یوم الحساب و آنچه که مجرمین و متقین در آن روز کیفر و پاداش می‌بینند بحث را خلاصه‌گیری می‌کند و می‌فرماید: سرانجام نیک از آن متقین خواهد بود و زمین را بندگان صالحش ارث می‌برند و آنگاه می‌فرماید که اعراضشان از نبوت به خاطر اعراضشان از توحید است و به همین جهت بر مساله توحید اقامه حجت می‌کند همانطور که بر مساله نبوت اقامه نموده و از آنجایی که این سوره به دلیل سیاقش و به اتفاق مفسرین در مکه نازل شده تهدید و وعید در آن ، از بشارت و وعده بیشتر است .

**هدف آیه ۱۶ تا ۳۳ سوره انبیاء المیزان ج: ۱۴ ص: ۳۶۱**

### **بیان هدف دار بودن خلقت و اثبات معاد**

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَعِبِينَ...!»

اول این آیات علت عذاب فرستادن به قرای ظالمه را به بازیچه نبودن خلقت توجیه می‌کند و می‌فرماید: خدا با ایجاد آسمان و زمین و ما بین آن دو نخواست است بازی کند تا ایشان هم بدون هیچ دلواپسی سرگرم بازی با هواهای خود باشند، هر چه می‌خواهند بکنند و هر جور خواستند بازی کنند بدون اینکه حسابی در کارهایشان باشد، نه چنین نیست بلکه خلق شده‌اند تا راه به سوی بازگشت به خدا را طی کنند و در آنجا محاسبه و بر طبق اعمالشان مجازات شوند، پس باید بدانند که بندگان مسؤولند که اگر از رسم عبودیت تجاوز کنند بر طبق آنچه حکمت الهی

اقتضا می کند مؤاخذه می شوند و خدا در کمین گاه است .

و چون این بیان بعینه حجت بر معاد نیز هست لذا دنبالش وجهه سخن را متوجه مساله معاد کرده، بر آن اقامه حجت نمود و در سایه آن متعرض مساله نبوت نیز گردیده چون نبوت از لوازم وجوب عبودیت و آن هم از لوازم ثبوت معاد است پس می توان گفت که دو آیه اول این آیات به منزله رابط بین سیاق آیات قبل و بعد است. و این آیات در اثبات معاد بیانی بدیع آورده و تمامی احتمالاتی که منافی با معاد است به طوری که خواهید دید نفی کرده است.

**هدف آیه ۳۴ تا ۴۷ سوره انبیاء المیزان ج: ۱۴ ص: ۳۹۹**

### بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین

« وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنَّ مَتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ...! »

این آیات تتمه کلامی است که در این سوره پیرامون مساله نبوت آورد ، در این آیه ها پاره های کلمات مشرکین در باره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را آورده، جواب می دهد مثل اینکه گفته بودند او به زودی می میرد و ما از دست او راحت می شویم و یا از در استهزاء گفته بودند: این است که خدایان شما را بد می گوید و یا به عنوان مسخره کردن مساله بعث و قیامت گفته بودند: این وعده ای که می دهید چه وقت است اگر راست می گوئید؟ که خدای عز و جل پاسخ هر یک را داده تا خاطر خطیر رسول گرامیش را تسلی داده باشد .

**هدف آیه ۴۸ تا ۷۷ سوره انبیاء المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۱۴**

### بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی

« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ...! »

بعد از آنکه در آیات گذشته به مقدار وافی پیرامون مساله نبوت بحث کرد و آن را مبتنی بر مساله معاد نمود اینک در این آیات به داستانهای جمعی از انبیای گرامی که به سوی امتها گسیل داشته و به حکمت و شریعت تایید فرموده و از شر ستمکاران نجات داده اشاره می فرماید تا در عین اینکه برای مطالب گذشته منتهایی است حجت تشریح را تایید نموده و مشرکین را انذار و تخویف و مؤمنین را بشارت داده باشد. از جمله انبیا موسی و هارون و ابراهیم و لوط و اسحاق و یعقوب و نوح و داوود و سلیمان و ایوب و اسماعیل و ادريس و ذا الكفل و ذا النون و زکریا و یحیی و عیسی که هفده نفرند نام برده که از این هفده نفر هفت نفر را در این آیات که مورد بحث ما است آورده و بقیه را در آیات بعد از آن، در این آیات نخست موسی و هارون را و سپس ابراهیم و اسحاق و یعقوب و لوط را که قبل از موسی و هارون زندگی

می کرده‌اند نام برده و آنگاه داستان نوح را ذکر کرده که وی از آن چهار نفر هم جلوتر می‌زیسته .

**هدف آیه ۷۸ تا ۹۱ سوره انبیاء المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۳۶**

### بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی

« وَ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ إِذْ یُحْکِمَانِ فِی الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِیهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ کُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَهِدِینَ...! »

این آیات شرح حال جمعی دیگر از انبیا را ذکر کرده و آنها عبارتند از داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذو الکفل ، ذو النون ، زکریا ، یحیی و عیسی . در آن رعایت ترتیب زمانی و انتقال از لاحق به سابق را نکرده است - همچنانکه در آیات قبلی هم رعایت نکرده بود - و در این میان به پاره‌ای از نعمتهای بزرگی که به بعضی از آنان انعام فرموده بود اشاره نموده و نسبت به بعضی دیگرشان تنها به ذکر نامشان اکتفا نموده است.

**هدف آیه ۹۲ تا ۱۱۲ سوره انبیاء المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۵۲**

### بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد

« اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ...! »

در این آیات به مضمون اول سوره برگشت شده، زیرا در آن آیات بیان می‌فرمود که برای بشر معبودی است واحد و آن معبود همان کسی است که آسمانها و زمین را خلق فرموده و لذا باید او را از طریق نبوت و پذیرفتن دعوت انبیا پرستند و با پرستش وی آماده حساب یوم الحساب شوند و نبوت جز به یک دین دعوت نمی‌کند و آن دین توحید است ، همچنانکه موسی و قبل از او ابراهیم و قبل از وی نوح و همچنین انبیا قبل از نوح و بعد از موسی - مانند ایوب و ادریس و غیر آن دو از پیامبرانی که اسامیشان و پاره‌ای از انعامهایی که خدا به ایشان کرده و در قرآن کریم آمده - همه به آن دعوت می‌کردند.

پس ، بشر امتی است واحده و دارای ربی واحد و آن خدای عز اسمه است!

و دین واحد و آن دین توحید است که در آن تنها خدا عبادت می‌شود!

## هدف و فلسفه نزول سوره حج

(المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۷۶)

### بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انذار از قیامت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ! يَوْمَ تُرَوَّنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَرَى وَ مَا هُمْ بِسُكَرَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدًا» (حج / ۲و۱)

این سوره مشرکین را مخاطب قرار داده، اصول دین و انذار و تخویف را به ایشان خاطر نشان می‌سازد، همچنانکه در سوره‌های نازل شده قبل از هجرت مشرکین مورد خطابند. این سوره سیاقی دارد که از آن بر می‌آید مشرکین هنوز شوکت و نیرویی داشته‌اند.

در این سوره مؤمنین را به امثال نماز، حج، عمل خیر، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده است.

آیات سوره حج دارای سیاقی است که می‌فهماند مؤمنین جمعیتی بوده‌اند که اجتماعشان تازه تشکیل شده و روی پای خود ایستاده و مختصری عده و عده و شوکت به دست آورده‌اند.

با این بیان به طور قطع باید گفت که این سوره در مدینه نازل شده، چیزی که هست نزول آن در اوایل هجرت و قبل از جنگ بدر بوده است .  
و غرض سوره بیان اصول دین است، البته با بیانی تفصیلی که مشرک و موحد هر دو از آن بهره‌مند شوند .

و نیز فروع آن، ولی بیانش در فروع به طور اجمال است و تنها مؤمنین موحد از آن استفاده می‌کنند، چون تفصیل احکام فرعی در روزگاری که این سوره نازل می‌شده هنوز تشریح نشده بود و به همین جهت در این سوره کلیات فروع دین از قبیل نماز و حج را بیان کرده است .

و از آنجایی که دعوت مشرکین به اصول دین توحید از طریق انذار صورت می‌گرفته و نیز واداری مؤمنین به اجمال فروع دین به لسان امر به تقوی بوده و قهرا سخن از روز قیامت به میان آمده، لذا گفتار را در آن فراز بسط داده و در آغاز سوره،



زلزله روز قیامت - که از علامتهای آن است و به وسیله آن زمین ویران شده و کوهها فرو می‌ریزد - را خاطر نشان ساخته است!

**هدف آیه ۳ تا ۱۶ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۴۸۱**

### بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم

« وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجِدُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ...! »

این آیات اصنافی از مردم را معرفی می‌کند و می‌فرماید: بعضی مصرّ بر باطل و مجادله کننده در برابر حقند و بعضی در باره حق متزلزلند و بعضی دیگر مؤمنند و در باره هر صنفی وصف الحالی ذکر می‌کند: دسته اول و دوم را گمراه دانسته و گمراهیشان را بیان می‌کند و از بدی سرانجامشان خبر می‌دهد و صنف سوم را راه یافته در دنیا و متنعم در آخرت می‌داند!

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۴ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۵۰۳**

### بیان داوری و حکم الهی در قیامت درباره مومنین و غیر مومنین

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِيْنَ وَ النَّصْرَى وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ...! »

بعد از آنکه در آیات سابق اختلاف مردم و خصومت آنان را در باره خدای سبحان نقل کرد که یکی تابع پیشوایی گمراه کننده است و دیگری پیشوایی است گمراه کننده که بدون علم در باره خدا جدال می‌کند و یکی دیگر مذذب و سرگردانی است که خدا را در یک صورت می‌پرستد و در سایر صور به شرک قبلی خود بر می‌گردد و دیگری به خدای سبحان ایمان دارد و عمل صالح می‌کند، اینک در این آیات می‌فرماید که خدا علیه ایشان شهادت می‌دهد و به زودی در روز قیامت میان آنان داوری می‌کند در حالی که همه خاضع و مقهور او هستند و در برابر عظمت و کبریای او به سجده در می‌آیند، سجده حقیقی - و لو اینکه بعضی از اینان یعنی آنهایی که عذاب بر آنان حتمی شده بر حسب ظاهر از سجده امتناع کنند - آنگاه اجر مؤمنین و کیفر غیر مؤمنین را بعد از فصل قضاء در قیامت بیان می‌کند .

**هدف آیه ۲۵ تا ۳۷ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۵۱۵**

### بیان تشریح حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج

« إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصَدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَكْفِ فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَدِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ...! »

این آیات مزاحمت و جلوگیری کفار مشرک از ورود مؤمنین به مسجد الحرام را ذکر می‌کند و تهدیدی که به ایشان نموده نقل می‌کند و اشاره‌ای دارد به تشریح

حج خانه خدا برای اولین بار در عهد ابراهیم و ماموریت او به اینکه حج را در میان مردم اعلام بدارد و نیز پاره‌ای از احکام حج را بیان می‌کند.

**هدف آیه ۳۸ تا ۵۷ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۵۳۸**

### بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه

«إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ...!»

این آیات متضمن اذن مؤمنین به قتال با کفار است و به طوری که گفته‌اند: اولین آیه‌ای است که در باره جهاد نازل شده، چون مسلمانان مدت‌ها بود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درخواست اجازه می‌کردند که با مشرکین قتال کنند و حضرت به ایشان می‌فرمود: من مامور به قتال نشده‌ام و در این باب هیچ دستوری نرسیده است و تا در مکه بود همه روزه عده‌ای از مسلمانان نزدش می‌آمدند که یا کتک خورده بودند و یا زخمی شده بودند و یا شکنجه دیده بودند و در محضر آن جناب از وضع خود و ستم‌هایی که از مشرکین مکه و گردن کلفت‌های آنان می‌دیدند شکوه می‌کردند، حضرت هم ایشان را تسلیت داده، امر به صبر و انتظار فرج می‌کرد تا آنکه این آیات نازل شد که در آنها فرمود: «اذن للذین یقاتلون ...!»

در این آیات صریحا کلمه اجازه آمده و علاوه در آن زمینه‌چینی شده و مردم را بر جهاد تهییج و دلها را تقویت و با وعده نصرت به طور اشاره و تصریح آنان را ثابت قدم نموده و رفتاری را که خدا با اقوام ستمگر گذشته نموده یادآور شده است. همه اینها از لوازم تشریح احکام مهم و بیان و ابلاغ برای اولین بار آن است، آن هم حکم جهاد که بنای آن بر اساس فداکاری و جانبازی است و از دشوارترین احکام اجتماعی اسلام و مؤثرترین آنها در حفظ اجتماع دینی است.

آری ابلاغ چنین حکمی برای اولین بار بسیار احتیاج دارد به زمینه‌چینی و بسط کلام و بیدار کردن افکار، همچنانکه در همین آیات این روش به کار رفته است، چونکه اولاً کلام را با این نکته که خدا مولای مؤمنین و مدافع ایشان است افتتاح نموده، سپس به طور صریح اجازه قتال داده و فرموده که: شما تاکنون مظلوم بودید و قتال تنها راه حفظ اجتماع صالح از ظلم ستمگران است و در این جمله ایشان را به وصف صلاحیت ستوده و آنان را شایسته و قابل برای تشکیل یک مجتمع دینی که در آن اعمال صالح عملی می‌شود دانسته، آنگاه رفتار خدای را نسبت به اقوام ستمگر گذشته حکایت کرده و وعده داده که به زودی انتقام ایشان را از ستمگران معاصرشان خواهد گرفت، همانطور که از گذشتگان گرفت!

**هدف آیه ۵۸ تا ۶۶ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۵۶۳****بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا**

« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ...! »

این آیات غرض سابق را تعقیب نموده ، ثواب کسانی را که هجرت کرده و سپس در جهاد در راه خدا کشته شدند و یا مردند بیان می‌کند، البته در خلال این بیان جملاتی هم در تحریک و تشویق به جهاد و در وعده نصرت آمده، مانند جمله: «ذلک و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغی علیه لینصرنه الله...!»

و این آیات خصوصیتی دارند که در هیچ جای قرآن کریم این خصوصیت نیست و آن این است که این هشت آیه که پشت سر هم قرار دارند هر یک با دو اسم از اسمای حسناى الهی ختم می‌شوند مگر اسم جلاله که آن نیامده است! در نتیجه اگر ضمیر هو را هم اسم بدانیم، شانزده اسم در این هشت آیه آمده است:

۱ - هو ۲ - خیر الرازقین ۳ - عفو ۴ - غفور ۵ - سمیع ۶ - بصیر ۷ - علی  
۸ - کبیر ۹ - لطیف ۱۰ - خبیر ۱۱ - غنی ۱۲ - حمید ۱۳ - رؤوف ۱۴ - رحیم  
۱۵ - علیم ۱۶ - حلیم!

و در آیه نهم آمده که او زنده می‌کند و می‌میراند و نیز او حق است و ملک آسمان و زمین از او است و این در معنای چهار اسم است: محیی ، ممیت ، حق و مالک یا ملک که با این چهار اسم بیست اسم از اسمای خدای تعالی که با لطیف‌ترین و بی‌سابقه‌ترین وجهی در این ۹ آیه به کار رفته است.

**هدف آیه ۶۷ تا ۷۸ سوره حج المیزان ج: ۱۴ ص: ۵۷۲****دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله**

« لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزَعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ...! »

این آیات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم را دستور می‌دهد به دعوت و اینکه حقایقی از دعوت خود و ابطال شرک را بیان کند، آنگاه مؤمنین را دستور می‌دهد به فعل خیر که خلاصه شریعت است و مراد از آن این است که خدا را بندگی نموده، عمل خیر انجام دهند و در آخر امر به جهاد در راه خدا می‌کند و با همین دستور سوره را ختم می‌نماید!

## هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون

(المیزان ج: ۱۵ ص: ۳)

### دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ! الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَشِعُونَ...!«  
(۱۱تا/مؤمنون)

در این سوره بر ایمان به خدا و روز قیامت دعوت شده و فرقهایی که میان مؤمنین و کفار هست شمرده شده است. صفات پسندیده و فضائلی که در مؤمنان و رذائل اخلاقی و اعمال زشتی که در کفار هست ذکر شده و به دنبالش مژده‌ها و بیم‌ها داده که بیمهای آن متضمن ذکر عذاب آخرت و بلاهای دنیایی است. بلاهایی که امتهای گذشته را به خاطر تکذیب دعوت حق از بین برد و منقرض ساخت و از دوران نوح علیه‌السلام گرفته از هر امتی نمونه‌ای ذکر کرده، تا به عیسی علیه‌السلام رسیده است.

هدف آیه ۱۲ تا ۲۲ سوره مؤمنون المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۲

### شرح خلقت و تدبیر امور انسان و نعمت های اعطائی خدا به او

« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلْمَةٍ مِّن طِينٍ...!«

بعد از آنکه خدای سبحان رستگاری مؤمنین را به خاطر اوصافی که دارند بیان فرمود، به شرح خلقتشان و نعمتهایی که به آنان ارزانی داشته که چگونه تدبیر امورشان را کرده و تدبیر خود را با خلقت خود توأم ساخته، می‌پردازد تا معلوم شود اوست رب انسان و رب هر موجود دیگر و بر همه واجب است که تنها او را بپرستند و شریکی برایش نگیرند!

هدف آیه ۲۳ تا ۵۴ سوره مؤمنون المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۲

### دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَمْ فَلَا تَتَّقُونَ...!«

خدای عز و جل بعد از آنکه نعمتهای بزرگ خود را برای مردم برمی‌شمارد به دنبال آن در این آیات بشر را دعوت می‌کند به توحید در عبادت، آنهم از طریق رسالت و در ضمن اجمالی از طرز دعوت انبیاء از زمان نوح تا عیسی بن مریم

علیهماالسلام را نقل کرده، ولی نام یک یک آنان را نبرده، تنها نام نوح که اولین قیام کننده بود دعوت به توحید است و نام موسی و عیسی علیهماالسلام را که آخرین ایشانند برده و نام بقیه را مبهم گذاشته است.

چیزی که هست خاطرنشان کرده که دعوت انبیا متصل به هم بوده و پشت سر هم قرار داشته و نیز فرموده که مردم جز به کفر اجابت نکردند و جز به انکار آیات خدا و کفران نعمت‌های او عکس العمل نشان ندادند!

**هدف آیه ۵۵ تا ۷۷ سوره مؤمنون المیزان ج: ۱۵ ص: ۵۰**

### بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب

«أَيُّخْسِبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ...!»

این آیات متصل به جمله‌ای است که در آخر آیات قبل بود و می‌فرمود: «فذرهم فی غمرتهم حتی حین!» و وجه اتصال این است که بعد از آنکه در دنباله داستان انبیاء فرمود دین خدا یکی بود و مردم آن را پاره پاره نموده و هر جمعیتی به داشتن یک قسمت از آن خوشحال شدند و آنگاه ایشان را تهدید به عذاب معینی کرد که پس از رسیدن آن مدت معین هیچ گریزی از آن نیست و اخطار فرمود که در همان غمرات جهل خود، به هر طور که می‌خواهند خود را آماده عذاب بکنند، که به زودی آنان را از همه اطراف فرا خواهد گرفت.

اینک در این آیات ایشان را به اشتباهی که داشته‌اند متنبه نموده و می‌فرماید: اگر ما در مال و اولاد به ایشان توسعه دادیم، خیال نکنند که خواسته‌ایم خیر ایشان را زودتر به ایشان برسانیم، چون اگر خیر بود، توانگران و مترفین ایشان را به عذاب خود دچار نمی‌کردیم، بلکه این عمل ما، برای بیشتر عذاب کردن ایشان است. طرف مقابل آنها مومنون هستند و مسارعت در خیرات آن اعمال صالحی است که خداوند به مؤمنین توفیق انجام آن را داده است و نیز ثمرات آن است که همان اجر جزیل و ثواب عظیم در دنیا و آخرت است در نتیجه مؤمنین در اعمال صالح سرعت می‌گیرند و خدا هم در فراهم نمودن اسباب برای آنان سرعت می‌گیرد.

**هدف آیه ۷۸ تا ۹۸ سوره مؤمنون المیزان ج: ۱۵ ص: ۷۳**

### اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او

«وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...!»

بعد از آنکه کفار را به عذاب شدیدی بیم داد که مفری از آن نیست و همه عذرهای آنان را که ممکن بود بدان اعتذار جویند رد نمود و بیان نمود که تنها سبب

کفر ایشان به خدا و روز قیامت پیروی هوای نفس و کراهت پیروی از حق است، اینک در این فصل از آیات همان بیان را با اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بر بازگشت خلق به سوی او و ارائه آیاتی روشن و غیر قابل انکار تتمیم فرموده است .

پس از آن، به رسولش اعلام می‌دارد که به خدا پناه ببرد از اینکه مشمول آن عذاب‌هایی گردد که کفار از آن بیم داده شده‌اند و نیز از وساوس شیطانها و اینکه به سر وقت او آیند همانطور که به سر وقت کفار رفتند، به خدا پناه برد!

**هدف آیه ۹۹ تا ۱۱۸ سوره مؤمنون المیزان ج: ۱۵ ص: ۹۳**

### بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت

« حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ...! »

این آیات عذاب آخرتی را که در خلال آیات قبل به مشرکین وعده داد به طور مفصل بیان می‌کند و آغاز آن را از روز مرگ تا قیامت و از قیامت تا ابدیت معرفی می‌کند و این معنا را خاطر نشان می‌سازد که زندگی دنیا که ایشان را مغرور کرده و از آخرت باز داشته، بسیار ناچیز و اندک است (اگر بخواهند بفهمند!) و در آخر این آیات که آخر سوره است سوره را با خطابی به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم ختم می‌کند و در آن خطاب به وی دستور می‌دهد که از او درخواست کند همان چیزی را که خودش از بندگان مؤمن خود و رستگاران در آخرت حکایت کرده بود و آن این بود که گفتند: «رب اغفر و ارحم و انت خیر الراحمین - پروردگارا بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگان هستی!» اتفاقاً سوره را هم با مساله رستگاری همین طائفه افتتاح کرده و فرموده بود که اینها وارث بهشتند!

### هدف و فلسفه نزول سوره نور

(المیزان ج: ۱۵ ص: ۱۱۰)

### بیان پاره ای از احکام تشریح شده و معارف الهی مناسب با آنها

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! سُوْرَةٌ اَنْزَلْنٰهَا وَ فَرَضْنٰهَا وَ اَنْزَلْنٰ فِيْهَا اٰیٰتٍ بَيِّنٰتٍ لِّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ...! » (تا ۱۰/نور)

غرض این سوره همان است که سوره با آن افتتاح شده و آن بیان پاره‌ای از احکام تشریح شده و سپس پاره‌ای از معارف الهی مناسب با آن احکام است، معارفی

که مایه تذکر مؤمنین می شود .

### هدف آیه ۱۱ تا ۲۶ سوره نور المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۲۵

#### **بیان ماجرای افک : تهمت به خانواده پیامبر**

« إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ

أَمْرٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ...! »

این آیات به داستان افک اشاره می کند. از آیات بر می آید که به بعضی از خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نسبت فحشاء دادند و نسبت دهندگان چند نفر بوده و داستان را در میان مردم منتشر کرده و دست به دست گردانده اند و نیز به دست می آید که بعضی از منافقین یا بیماردلان در اشاعه این داستان کمک کرده اند ، چون به طور کلی اشاعه فحشاء در میان مؤمنین را دوست می داشتند و لذا خدا این آیات را نازل کرده و از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دفاع فرمود .

### هدف آیه ۲۷ تا ۳۴ سوره نور المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۵۱

#### **بیان برخی روابط و قوانین خانواده**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَى

أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ...! »

در این آیات احکام و شرایعی که متناسب و مناسب با مطالب گذشته است تشریح شده است.

### هدف آیه ۳۵ تا ۴۶ سوره نور المیزان ج : ۱۵ ص : ۱۶۵

#### **بیان نور الهی و نور معرفت خاص مومنین**

« اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ

الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ

زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ

اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ! »

این آیات متضمن مقایسه مؤمنین به حقیقت ایمان با کفار است، مؤمنین را به داشتن این امتیازات معرفی می کند که به وسیله اعمال صالح هدایت یافته و به نوری از ناحیه پروردگارشان راه یافته اند که ثمره اش معرفت خدای سبحان و سلوک و راهیابی به بهترین پاداش و نیز به فضل خدای تعالی است، در روزی که پرده از روی دلها و دیده هایشان کنار می رود .

به خلاف کفار که اعمالشان ایشان را جز به سرابی بدون حقیقت راه نمی نماید و در ظلماتی چند طبقه و بعضی روی بعضی قرار دارند و خدا برای آنان

نوری قرار نداده، نور دیگری هم نیست که با آن روشن شوند .

این حقیقت را به این بیان ارائه داده که خدای تعالی دارای نوری است عمومی ، که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور ، در عالم وجود ، حقایقی ظهور نموده که ظاهر نبود.

و باید هم این چنین باشد، چون ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد باید آن وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد، تا دیگران را ظهور دهد و تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر باشد همان نور است .

پس خدای تعالی نوری است که آسمانها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته‌اند، همچنان که انوار حسی نیز این طورند، یعنی خود آنها ظاهرند و با تابیدن به اجسام ظلمانی و کدر، آنها را روشن می‌کنند، با این تفاوت که ظهور اشیاء به نور الهی عین وجود یافتن آنها است، ولی ظهور اجسام کثیف به وسیله انوار حسی غیر از اصل وجود آنها است .

در این میان نور خاصی هست که تنها مؤمنین با آن روشن می‌شوند و به وسیله آن به سوی اعمال صالح راه می‌یابند و آن نور معرفت است که دلها و دیده‌های مؤمنین در روزی که دلها و دیده‌ها زیر و رو می‌شود، به آن روشن می‌گردد و در نتیجه به سوی سعادت جاودانه خود هدایت می‌شوند و آنچه در دنیا برایشان غیب بود در آن روز برایشان عیان می‌شود .

خدای تعالی این نور را به چراغی مثل زده که در شیشه‌ای قرار داشته باشد و با روغن زیتونی در غایت صفا بسوزد و چون شیشه چراغ نیز صاف است، مانند کوکب دری بدرخشد و صفای این با صفای آن، نور علی نور تشکیل دهد و این چراغ در خانه‌های عبادت آویخته باشد، خانه‌هایی که در آنها مردانی مؤمن، خدای را تسبیح کنند، مردانی که تجارت و بیع ایشان را از یاد پروردگارشان و از عبادت خدا باز نمی‌دارد!

این مثال، صفت نور معرفتی است که خدای تعالی مؤمنین را با آن گرمی داشته، نوری که دنبالش سعادت همیشگی است و کفار را از آن محروم کرده و ایشان را در ظلماتی قرار داده که هیچ نمی‌بینند .

این آیات چنان نیست که به کلی با آیات قبلی اجنبی باشد، بلکه وجه اتصالی با آنها دارد، چون آیات قبل که احکام و شرایع را بیان می‌کرد بدینجا خاتمه یافت که: « و لقد انزلنا الیکم آیات مبینات و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظهً للمتقین!» که در آن گفتگو از بیان شد و معلوم است که بیان به معنای اظهار حقایق



معارف و در نتیجه تنویری است الهی .  
علاوه بر این در آیه مذکور کلمه آیات آمده بود و آیات همان قرآن است که  
خدای تعالی در چند جا آن را نور خوانده، مانند آیه: «وانزلنا الیکم نورا مبینا!»

**هدف آیه ۴۷ تا ۵۷ سوره نور** المیزان ج: ۱۵ ص: ۱۹۹

### بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله «ص»

« وَ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا  
أَوْلَتْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ...! »

این آیات وجوب اطاعت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کند  
و می فهماند که اطاعت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از اطاعت خدا جدا نیست و بر هر  
مسلمان واجب است که به حکم و قضای او تن در دهد، که روگردانی از حکم و قضای  
او نفاق است و در آخر صالحان از مؤمنین را وعده جمیل و کفار را تهدید و بیم  
می دهد .

**هدف آیه ۵۸ تا ۶۴ سوره نور** المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۲۴

### بیان احکام رفتار در خانواده و اجتماع و با رسول خدا «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ  
مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَ مِّنْ بَعْدِ  
صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوُّقُونَ  
عَلَيْكُمْ بَعْضُ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

این آیات بقیه احکامی که گفتیم در این سوره آمده بیان می کند و سوره با  
همین آیات ختم می شود و در آن اشاره است به اینکه خدای سبحان آنچه تشریح  
می کند به علم خود می کند و به زودی حقیقت (و مصالح واقعی احکامش) برای مردم  
در روزی که به سویش باز می گردند روشن می شود!

## هدف و فلسفه نزول سوره فرقان

(المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۳۷)

### بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ

نَذِيرًا ! الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكًا فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ! وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا!« (۳۱ تا ۳ / فرقان)

غرض این سوره بیان این حقیقت است که دعوت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دعوتی است حق و ناشی از رسالتی از جانب خدای تعالی و کتابی نازل شده از ناحیه او و نیز در این سوره چند نوبت پشت سر هم ایرادهایی که کفار بر نبوت آن جناب از ناحیه خدا و بر نازل بودن کتابش از جانب خدا کرده اند، دفع شده و در این دفع عنایتی بالغ به کار رفته است.

و چون بیان این غرض مستلزم احتجاج بر مسأله توحید و نفی شریک و بیان پاره‌ای از اوصاف قیامت و صفات پسندیده‌ای از مؤمنین بود، لذا به این مسائل نیز پرداخته، ولی همه این بیانات را با لحن انذار و تخویف ایفاء نمود، نه تبشیر و تشویق.

#### هدف آیه ۴ تا ۲۰ سوره فرقان المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۴۶

##### بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها

« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَ أَغَانَاهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا...! »

این آیات طعنه‌هایی را که مشرکین به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و درباره قرآن کریم زده‌اند حکایت نموده، جواب می‌دهد.

#### هدف آیه ۲۱ تا ۳۱ سوره فرقان المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۷۱

##### رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی

« وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ الْمَلَكُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عْتَوًْا كَبِيرًا...! »

این آیات اعتراض دیگری را از مشرکین بر رسالت رسول حکایت نموده که خواسته‌اند با آن اعتراض، رسالت وی را رد کنند و حاصل اعتراضشان این است که اگر ممکن باشد که از جنس بشر بدان جهت که بشر است شخصی رسول شود و ملائکه بر او وحی خدای سبحان بیاورد و رسول خدا را ببیند و با او از راه وحی سخن بگوید، باید سایر افراد بشر نیز بدان جهت که بشرند دارای این خصایص بگردند، پس اگر آنچه او ادعاء می‌کند حق باشد باید ما و یا بعضی از ما نیز مانند او باشیم، آنچه را او مدعی دیدنش است ببینیم و آنچه او درک می‌کند ما نیز درک نکنیم.

خدای سبحان چنین پاسخ داده که به زودی ملائکه را خواهند دید، ولی نه

در این نشاء بلکه در نشاهای دیگر! و این جواب در معنای آیه: «ما ننزل الملائكة الا بالحق و ما كانوا اذا منظرین!» می باشد و در این آیات اشاره به مابعد از مرگ و به روز قیامت است.

**هدف آیه ۳۲ تا ۴۰ سوره فرقان** المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۸۷

### رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً...!»

در این آیات، طعنه دیگری که کفار به قرآن کریم زده اند نقل شده و آن این است که چرا قرآن یکباره نازل نشد؟ و از آن پاسخ داده شده است.

**هدف آیه ۴۱ تا ۶۲ سوره فرقان** المیزان ج: ۱۵ ص: ۳۰۵

### بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص»

«وَ إِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلا هُزُواً أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولاً...!»

این آیات پاره‌ای از صفات کفار نامبرده را که به کتاب و رسالت طعنه می زدند و منکر توحید و معاد بودند بر می شمارد، البته آن صفاتی که با سنخ اعتراضات و بی اندیشه سخن گفتن آنها تناسب دارد، مانند استهزاء به رسول و پیروی از هوای نفس و پرستش چیزهایی که سود و زینتی برایشان نداشت و نیز استکبارشان از سجده برای خدای سبحان .

**هدف آیه ۶۳ تا ۷۷ سوره فرقان** المیزان ج: ۱۵ ص: ۳۲۹

### ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا...!»

این آیات صفات برجسته و ستوده‌ای از مؤمنین را در مقابل صفات ناستوده‌ای که برای کفار شمرده بر می شمارد، که جامع آن صفات در مؤمنین این است که: مؤمنین پروردگار خود را می خوانند و پیامبر او و کتابی را که او بر آن پیامبر نازل کرده تصدیق می نمایند و خلاف آن صفات در کفار این است که: کفار رسالت پیامبر خدای را تکذیب می کنند و از دعوت او اعراض می نمایند و پیرو هوای نفس می شوند و به همین مناسبت آیات مورد بحث با آیه: «قل ما يعبؤا بكم ربى لو لا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف يكون لزاما !» ختم می شود که ختم سوره نیز هست.

## هدف و فلسفه نزول سوره شعراء

(المیزان ج: ۱۵ ص: ۳۴۵)

### دلداری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طَسْمًا تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ لَعَلَّكَ بَخِغٌ نَفْسِكْ أَلَا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ...! » (تا ۹/شعرا)

غرض از این سوره، تسلیت خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است از اینکه قومش او را و قرآن نازل بر او را تکذیب کرده بودند و او آزرده شده بود و همین معنا از اولین آیه آن که می فرماید: «تلك آیات الكتاب المبين!» بر می آید. آری کفار قریش یک بار او را مجنون خواندند، بار دیگر شاعر و این آیات علاوه بر تسلیت خاطر آن جناب، مشرکین را تهدید می کند به سرنوشت اقوام گذشته و به این منظور چند داستان از اقوام انبیای گذشته یعنی موسی و ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهما السلام و سرنوشتی که با آن روبرو شدند و کیفری که در برابر تکذیب خود دیدند نقل کرده است تا آن جناب از تکذیب قوم خود دل سرد و غمناک نگردد و نیز قوم آن جناب از شنیدن سرگذشت اقوام گذشته عبرت بگیرند.

این سوره از سوره های پیشین مکی است، یعنی از آنهایی است که در اوایل بعثت نازل شده به شهادت آیه: «و انذر عشیرتک الأقربین!» که می دانیم مشتمل بر ماموریت آن جناب در اول بعثت است و در این سوره واقع است و چه بسا از قرار گرفتن آیه مزبور در این سوره و آیه: «فاصدع بما تؤمر!» در سوره حجر و مقایسه مضمون آن دو با یکدیگر تخمین زده شود که این سوره جلوتر از سوره حجر نازل شده است.

هدف آیه ۱۰ تا ۶۸ سوره شعرا المیزان ج: ۱۵ ص: ۳۵۴

**بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله «ص»**

«وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ...!»

در این آیات به داستانهایی از اقوام انبیای گذشته شروع کرده تا روشن شود

که قوم خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم نیز همان راهی را می‌روند که قوم موسی و هارون و ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب رفته بودند و به زودی راه اینان نیز به همان سرنوشتی منتهی می‌شود که آن اقوام دیگر بدان مبتلا شدند، یعنی بیشترشان ایمان نمی‌آورند و خدا ایشان را به عقوبت دنیایی و آخرتی می‌گیرد.

دلیل بر اینکه آیات در مقام به دست دادن چنین نتیجه‌ای است این است که در آخر هر داستانی می‌فرماید: «و ما کان اکثرهم مؤمنین! و ان ربک لهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ!» همچنان که در داستان خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم بعد از ختم کلام و حکایت اعراض قومش در آغاز سوره فرمود: «و ما کان...!» پس معلوم می‌شود که آیات در مقام تطبیق داستانی بر داستان دیگر است.

و همه برای این است که خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تسلیت یافته، حوصله‌اش از تکذیب قومش سر نرود و بداند که تکذیب قوم او امری نو ظهور و تازه نیست بلکه همه اقوام انبیای گذشته نیز همین رفتار را داشتند و از قوم خود انتظاری جز آنچه امتهای گذشته در مقابل انبیای خود داشتند نداشته باشد!

و در ضمن، قوم آن جناب را هم تهدید می‌کند به سرنوشتی که امتهای گذشته به خاطر تکذیب پیغمبرشان دچار شدند. مؤید این معنا این است که در آغاز نقل داستان ابراهیم علیه السلام فرمود: «و اتل علیهم نبا ابراهیم - داستان ابراهیم را بر ایشان بخوان!»

**هدف آیه ۶۹ تا ۱۰۴ سوره شعرا المیزان ج: ۱۵ ص: ۲۸۹**

### بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش

«وَ اتلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ اِبْرٰهٖمَ...!»

این آیات بعد از پایان دادن به داستان موسی علیه السلام به مهمترین خبر مربوط به ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند، که با فطرت سالم و پاک خود علیه قومش که همگی به اتفاق کلمه بت می‌پرستیدند، به حمایت از دین توحید و پرستش خدای سبحان قیام نموده، از مردم وطنش بیزارگی جست و از دین حق دفاع نمود و گذشت بر او آنچه که گذشت، که همه آیت و معجزه بود، ولی بیشتر قوم او نیز ایمان نیاوردند، که در آخر آیات مورد بحث بدان اشاره می‌فرماید.

**هدف آیه ۱۰۵ تا ۱۲۲ سوره شعرا المیزان ج: ۱۵ ص: ۴۱۲**

### بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح «ع» و انجام کار قوم او

«كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ...!»

این آیات بعد از داستان موسی و ابراهیم «ع» که دو نفر از پیامبران اولوالعزم

بودند، شروع می‌کند به داستان نوح که اولین پیامبر اولوالعزم و از بزرگان انبیاء است و اجمال آنچه بین آن جناب و قومش گذشته، نقل می‌کند که در آخر به نجات نوح و همراهانش و غرق اکثر مردم انجامیده است!

هدف آیه ۱۲۳ تا ۱۴۰ سوره شعرا میزان ج: ۱۵ ص: ۴۱۹

### بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء

« كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به داستان هود علیه‌السلام و قومش که همان قوم عاد بودند اشاره می‌کند. قوم عاد مردمی از عرب بسیار قدیم و عرب اوائل (یعنی اوائل پیدایش این نژاد) بودند، که در احقاف از جزیره العرب زندگی می‌کردند و دارای تمدنی مترقی و سرزمینهایی خرم و دیاری معمور بودند، به جرم اینکه پیامبران را تکذیب کرده، به نعمتهای الهی کفران ورزیده و طغیان کردند، خدای تعالی به وسیله بادی عقیم هلاکشان ساخته و دیارشان را ویران و دودمانشان را خراب کرد.

هدف آیه ۱۴۱ تا ۱۵۹ سوره شعرا میزان ج: ۱۵ ص: ۴۲۷

### بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان

« كَذَّبَتْ ثَمُودَ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به اجمال به داستان صالح علیه‌السلام و قومش اشاره می‌کند و صالح نیز یکی از انبیای عرب است، که قرآن کریم تاریخ او را بعد از هود می‌داند.

هدف آیه ۱۶۰ تا ۱۷۵ سوره شعرا میزان ج: ۱۵ ص: ۴۳۴

### بیان نابودی قوم لوط

« كَذَّبَتْ قَوْمَ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات به داستان لوط پیغمبر علیه‌السلام که بعد از صالح علیه‌السلام می‌زیسته اشاره می‌کند.

هدف آیه ۱۷۶ تا ۱۹۱ سوره شعرا میزان ج: ۱۵ ص: ۴۳۹

### بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کار قوم او ( اصحاب ایکه )

« كَذَّبَ أَصْحَابَ لَيْكَةَ الْمُرْسَلِينَ...! »

در این آیات، اجمالی از داستان شعیب علیه‌السلام که یکی از پیامبران عرب است ذکر کرده و این داستان آخری از هفت داستانی است که در این سوره آمده است.

**هدف آیه ۱۹۲ تا ۲۲۷ سوره شعرا المیزان ج: ۱۵ ص: ۴۴۴**

### نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا

«وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ...!»

این آیات به مطالبی اشاره می‌کند که به منزله نتیجه‌ای است که از داستانهای هفتگانه استخراج شود و هم توبیخ و تهدیدی است برای کفار عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم!

و نیز در این آیات از نبوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دفاع شده و احتجاج شده به اینکه نام او در کتابهای آسمانی گذشتگان برده شده و علمای بنی اسرائیل از آن پیشگوئیها اطلاع دارند و نیز از کتاب آسمانی آن جناب، یعنی قرآن کریم دفاع شده به اینکه: این کتاب از القآت شیطانها و اقاول شعراء نیست.

### هدف و فلسفه نزول سوره نمل

(المیزان ج: ۱۵ ص: ۴۸۰)

#### بشارت و انداز مردم با ذکر داستانهای انبیاء

#### ذکر معارف مربوط به توحید در ربوبیت و معاد

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! طس! تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّبِينٍ! هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ...!» (تا ۶/نمل)

بطوری که از آیات صدر سوره و پنج آیه آخر آن بر می‌آید غرض این سوره این است که مردم را بشارت و انداز دهد و به همین منظور، مختصری از داستانهای موسی، داود، سلیمان، صالح و لوط علیهماالسلام را به عنوان شاهد ذکر نموده و در دنبال آن پاره‌ای از اصول معارف مانند وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و مانند معاد را ذکر نموده است.

**هدف آیه ۷ تا ۱۴ سوره نمل المیزان ج: ۱۵ ص: ۴۸۴**

#### بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون

«إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بَخْرًا وَ أُءَاتِيكُمْ بِشَهَابٍ مِّنْ سَمَوَاتٍ مُّجْتَمِعَةٍ يُبْصِرُ...!»

این آیات، ابتدای داستانهای پنجگانه‌ای است که گفتیم در این سوره به عنوان استشهاد برای مطالب صدر سوره از قبیل تبشیر و اندازی که در آنها ذکر می‌کند می‌باشد و در سه داستان اول از آن پنج داستان یعنی در داستان موسی و داوود و سلیمان، جهت وعده را بر جهت وعید غلبه داده و در دوتای دیگر جانب وعید، بیشتر رعایت شده است.

**هدف آیه ۱۵ تا ۴۴ سوره نمل المیزان ج: ۱۵ ص: ۴۹۲**

### بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان

« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلٰی كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ...! »

این آیات پاره‌ای از داستانهای داوود و سلیمان «ع» را بیان می‌نماید و عجایبی از اخبار سلیمان و سلطنتی که خدا به وی داده بود نیز ذکر می‌کند.

**هدف آیه ۴۵ تا ۵۳ سوره نمل المیزان ج: ۱۵ ص: ۵۳۰**

### یادآوری نابودی قوم ثمود

« وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا اَنْ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ فَاِذَا هُمْ قَرِيْبَانِ يَخْتَصِمُوْنَ...! »

این چند آیه، اجمالی از داستان صالح پیغمبر و قومش را آورده و در آن جانب تهدید و انداز بر جانب بشارت و نوید غلبه دارد و این معنا را در سابق نیز، خاطر نشان کردیم.

**هدف آیه ۵۹ تا ۸۱ سوره نمل المیزان ج: ۱۵ ص: ۵۳۹**

### بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی

« قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ سَلَّمَ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى ءَاللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ...! »

در این آیات از داستانهایی که خدای سبحان به منظور ارائه نمونه‌ای از سنت جاری و رایج خود در نوع بشر از نظر هدایت قبلا ذکر کرده بود که: چگونه راه سعادت را به ایشان نشان می‌داده و راه یافتگان از ایشان به سوی صراط مستقیم را با رساندن به مقام اصطفاء و با نعمتهایی عظیم، گرامی می‌داشته و آنان را که به وی شرک می‌ورزیدند و از یاد او اعراض می‌کردند به عذاب انقراض و بلاهایی الم انگیز مبتلا می‌کرده است، منتقل شده به حمد و سلام بر بندگان مصطفایش، آن بندگان که به مقام اصطفاء رسیدند، منتقل است به بیان این نکته که: تنها ذات اقدس او مستحق عبودیت است، نه غیر او از خدایانی که شریکش کردند.

آنگاه دنباله کلام را به مساله توحید و اثبات معاد و آنچه مناسب آن از معارف



حقه گوناگون است کشانده است. پس می‌توان گفت: سیاق آیات این سوره، شبیه به سیاق آیات سوره مریم است، که بیانش در همانجا آمده است.

**هدف آیه ۸۲ تا ۹۳ سوره نمل المیزان ج: ۱۵ ص: ۵۶۴**

### بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت

« وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِئَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ...! »

این آیات فصل سابق را تمام می‌کند و به مساله بعث و پاره‌ای از ملحقات به آن، از قبیل اموری که در قیامت و قبل از قیامت رخ می‌دهد اشاره می‌کند و سوره را با همان مطلبی ختم می‌نماید که با آن آغاز شده بود و آن مساله انذار و بشارت است!

### هدف و فلسفه نزول سوره قصص

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۳)

### بیان جانسین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم! تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ! نَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَا مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ...! » (۱ تا ۳/قصص)

غرض این سوره وعده جمیل به مؤمنین است، مؤمنینی که در مکه قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند که مشرکین و فراعنه قریش ایشان را ضعیف و ناچیز می‌شمردند و اقلیتی که در مکه در بین این طاغیان در سخت‌ترین شرایط به سرمی‌بردند و فتنه‌ها و شداید سختی را پشت سر می‌گذاشتند، خدای تعالی در این سوره به ایشان وعده می‌دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می‌دهد و آنان را وارث همین فراعنه می‌کند و در زمین مکننتشان می‌دهد و به طاغیان قومشان آنچه را که از آن بیم داشتند نشان می‌دهد.

به همین منظور برای این مؤمنین این قسمت از داستان موسی و فرعون را خاطر نشان می‌سازد که موسی را در شرایطی خلق کرد که فرعون در اوج قدرت بود و بنی اسرائیل را خوار و زیردست کرده بود که پسر بچه‌هایشان را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت، آری خداوند در چنین شرایطی موسی را آفرید و مهم‌تر آنکه او را در دامن دشمنش یعنی خود فرعون پرورش داد، تا وقتی که به حد رشد رسید، آنگاه او

را از شر فرعون نجات داد و از بین فرعونیان به سوی مدین روانه‌اش نمود و پس از مدتی به عنوان رسالت دوباره به سوی ایشان بر گردانید، با معجزاتی آشکار تا آنکه فرعون و لشکریانش تا آخرین نفر را غرق کرده و بنی اسرائیل را وارث آنان نمود و تورات را بر موسی نازل فرمود، تا هدایت و بصیرت برای مؤمنین باشد.

و عین همین سنت را در میان مؤمنین به اسلام جاری خواهد کرد و ایشان را به ملک و عزت و سلطنت خواهد رسانید و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دوباره به وطن باز خواهد گردانید.

آنگاه از این داستان منتقل می‌شود به بیان این که در حکمت خدا لازم است که از جانب خودش کتابی نازل کند، تا دعوت حق آن جناب نیز کتاب داشته باشد!

#### هدف آیه ۱۵ تا ۲۱ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۰

##### **بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او**

« وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغْثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ...! »

این آیات فصل دوم از داستان موسی علیه‌السلام را بیان می‌کند و در آن، قسمتی از حوادث را که بعد از رسیدنش به حد بلوغ پیش آمده و به بیرون شدنش از مصر و رفتنش به سوی مدین انجامید، ذکر می‌فرماید.

#### هدف آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۱

##### **بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع»**

« وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ...! »

این آیات فصل سوم از داستان موسی علیه‌السلام است، در این داستان بیرون شدنش از مصر به طرف مدین را آورده که بعد از کشتن قبطی از ترس فرعون رهسپار آنجا شد و در آنجا با دختر پیرمردی که سال ازدواج کرد و در قرآن کریم نام آن پیرمرد نیامده، لیکن در روایات امامان اهل بیت علیهم‌السلام و پاره‌ای از روایات اهل سنت آمده که او شعیب، پیغمبر مدین بوده است.

#### هدف آیه ۲۹ تا ۴۲ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۱

##### **بیان بعثت موسی «ع» و مبارزه او با فرعون و نزول تورات**

« فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ...! »

این آیات فصل دیگری از داستان موسی علیه‌السلام است که در آن، اجمالی از حرکت آن جناب با خانواده‌اش از مدین به طرف مصر و مبعوث شدنش به رسالت به سوی فرعون و قوم او، برای نجات دادن بنی اسرائیل و تکذیب آنان رسالت وی را و سرانجام غرق شدنشان را در دریا آورده، تا آنکه در آخر داستانش منتهی می‌شود به نزول تورات، که گویا منظور از بیان قصه همین قسمت آخر است.

**هدف آیه ۴۳ تا ۵۶ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۶۵**

### بیان آسمانی بودن قرآن و تورات

« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّاهُمْ يَتَذَكَّرُونَ...! »

خدای سبحان وقتی داستان موسی را بیان کرده خبر داده که: چگونه مردمی زیر دست و برده و ضعیف و زیر شکنجه فرعونیان را بر آن یاغیان خونخوار و طاغیان تبه‌کار پیروز کرد!

خدای سبحان بعد از ذکر این ماجرا، روی سخن را متوجه کتابهای آسمانی - که متضمن دعوت به دین توحید است و بدان وسیله حجت بر خلق تمام می‌شود و هم حامل تذکری برای مردم است - نموده و می‌فرماید: خدای سبحان تورات را که در آن بصیرتها و هدایت و رحمت برای مردم بود، بر موسی نازل کرد تا شاید از یادآوری قرون گذشته و هلاکت امت‌های گذشته به جرم نافرمانی‌ها، متذکر شوند و از نافرمانی خدا دست بردارند .

و نیز قرآن را بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل کرد و در آن داستانها از موسی بیاورد، تا با نقل کردن آن انذار کند مردمی را که قبل از او نذیر نداشتند، چون به خاطر کفرشان و فسوقشان در معرض نزول عذاب و گرفتار شدن به مصیبت قرار گرفته بودند و اگر این کتاب را نازل نمی‌کرد و دعوت را ابلاغ نمی‌کرد، هر آینه آن وقت می‌گفتند: « پروردگارا چرا رسولی به سوی ما نفرستادی ، تا آیات تو را پیروی کنیم! » و حجت ایشان علیه خدا تمام بود .

**هدف آیه ۵۷ تا ۷۵ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۸۲**

### رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن

« وَ قَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يَجِبِي إِلَيْهِ نَمَرَتْ كُلُّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَ لَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ...! »

این آیات عذر دیگر از بهانه‌های مشرکین مکه را در ایمان نیاوردن به کتاب

خدا بیان می‌کند!

خدای تعالی بعد از چند جواب در رد بهانه های مشرکین به داستان قارون اشاره می‌کند که زمین او را با خانه‌اش در خود فرو برد .

#### هدف آیه ۷۶ تا ۸۴ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۰۸

#### **بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین**

« إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ...! »

حال و وضع قارون درست حال و روز مشرکین را مجسم می‌کند و چون کفر او ، کارش را به آن عاقبت زشت کشانید، پس مشرکین نیز بترسند از اینکه مثل آنچه که بر سر قارون آمد، بر سرشان بیاید!

خدای تعالی از مال دنیا آن قدر به او روزی داده بود که سنگینی کلید گنجینه‌هایش مردان نیرومند را هم خسته می‌کرد و در اثر داشتن چنین ثروتی خیال می‌کرد که او خودش این ثروت را جمع‌آوری کرده، چون راه جمع‌آوری آن را می‌دانسته و خودش فکر بوده و حسن تدبیر داشته، این فکر او را مغرور نمود، پس از عذاب الهی ایمن و خاطر جمع شد و زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و در زمین فساد برانگیخت، خدای تعالی هم او و خانه او را در زمین فرو برد، نه آن خوش فکری و حسن تدبیرش ، مانع از هلاکت او شد و نه آن جمعی که دورش بودند!

#### هدف آیه ۸۵ تا ۸۸ سوره قصص المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۲۷

#### **وعده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام**

« إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...! »

این چند آیه، آیات آخر این سوره است و در آن به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وعده جمیل می‌دهد که به زودی بر او منت نهاده و قدر و منزلتش را بلند می‌کند و نفوذ کلمه‌اش می‌دهد و دینش را بر سایر ادیان برتری می‌بخشد و امنیت و سلامتی را بر او و مؤمنین به او گسترش می‌دهد، همان طور که این کار را در باره موسی و بنی اسرائیل کرد و در حقیقت آیات قبل هم که داستان موسی علیه‌السلام را بیان می‌کرد برای بیان همین نکته بود.

## هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۴۳)

### هدف حقیقت ایمان است!

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم! أ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَأَمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ...! » (تا ۱۳/عنکبوت)

غرض سوره عنکبوت به طوری که از اول و آخرش و سیاق جاری در سراسرش استفاده می‌شود، این است که: غرض خدای تعالی از ایمان مردم تنها این نیست که به زبان بگویند ایمان آوردیم، بلکه غرض، حقیقت ایمان است که تندباد فتنه‌ها آن را تکان نمی‌دهد و دگرگونی حوادث، دگرگونی نمی‌سازد، بلکه هر چه فتنه‌ها بیشتر فشار بیاورد، پا بر جا و ریشه‌دارتر می‌گردد.

پس غرض سوره اعلام این معنا است که مردم خیال نکنند به صرف اینکه بگویند ایمان آوردیم دست از سرشان برمی‌دارند و در بوته آزمایش قرار نمی‌گیرند، نه، بلکه حتما امتحان می‌شوند، تا آنچه در دل نهان دارند ظاهر شود و معلوم شود ایمان است یا کفر: پس خدا حتما باید معلوم کند آن کسانی را که در دعوی ایمان راست می‌گویند و آنهایی که در این دعوی دروغ‌گویند.

پس فتنه و محنت یکی از سنت‌های الهی است که به هیچ وجه و در باره هیچ کس از آن گذشت نمی‌شود، همان طور که در امت‌های گذشته از قبیل قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، لوط، شعیب و موسی جریان یافت و جمعی استقامت ورزیده و جمعی دیگر هلاک شدند و در امت‌های حاضر و آینده نیز جریان خواهد داشت و خدا به کسی ظلم نکرده و نمی‌کند، این خود امت‌ها و اشخاصند که به خود ظلم می‌کنند.

**هدف آیه ۱۴ تا ۴۰ سوره عنکبوت المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۶۶**

### بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتها و جوامع فاسد

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ...! »

در این آیات به هفت داستان از انبیای گذشته و امت‌های آنان اشاره می‌کند که ایشان عبارتند از: نوح، ابراهیم، لوط، شعیب، هود، صالح و موسی علیه‌السلام

که خدای تعالی همه امت‌های آنان را با فتنه‌هایی که برایشان پیش آورد، بیازمود، جمعی از آنان نجات یافته و جمعی دیگر هلاک شدند، چیزی که هست در باره سه امت اول، هم نجات را ذکر کرده و هم هلاکت را و در باره چهار امت آخری تنها هلاکت را ذکر فرموده است.

**هدف آیه ۴۱ تا ۵۵ سوره عنکبوت** المیزان ج: ۱۶ ص: ۱۹۱

### نتیجه گیری از بیان سرگذشت امت‌های هلاک شده تاریخ

« مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ...! »

این آیات متضمن دنباله‌ای است برای داستان‌هایی که از امت‌های سابق نقل فرمود و آن مثلی است که خدای سبحان برای معبودهای موهوم آنان آورده، می‌فرماید: اینگونه اعتقادات خرافی آنان آن قدر بی اساس و سست بنیاد است که خلقت آسمانها و زمین به بانگ بلند به فساد آن فریاد می‌زنند و اعلام می‌کنند که بغیر از خدا ولی و سرپرستی ندارند و این اعلام عالم خلقت همان است که این کتاب کریم اعلام می‌دارد.

**هدف آیه ۵۶ تا ۶۰ سوره عنکبوت** المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۱۵

### بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا

« يٰعِبَادِیَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّ اَرْضِیْ وَ سِعَةٌ فَاِیَّیْ فَاعْبُدُونِ...! »

در این آیات روی سخن را متوجه مؤمنان نمود که مشرکین آنان را در مکه ناتوان کردند و تهدید به فتنه و عذابشان نمودند، ایشان را دستور می‌دهد صبر کنند و بر خدای تعالی توکل کنند و اگر امر دین‌داری بر ایشان مشکل شد و نتوانستند در وطن واجبات دینی را اقامه کنند، از وطن چشم پوشیده مهاجرت نمایند و درباره معیشت خود نگرانی نداشته باشند، زیرا رزق همه بندگان به عهده خدا است و او روزیشان را می‌دهد، اگر مهاجرت بکنند، همچنان که در وطن روزیشان می‌داد، روزی شان را می‌دهد.

**هدف آیه ۶۱ تا ۶۹ سوره عنکبوت** المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۲۱

### بیان حجت‌هایی علیه ضد و نقیض گوئی‌های مشرکین

« وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ...! »

در این آیات ضد و نقیض‌گویی‌های مشرکین را که در عقاید دارند و در فصل سابق صحیح آن عقاید به مؤمنین عرضه شد و به آن ایمان آورده‌اند، ذکر می‌کند.

## هدف و فلسفه نزول سوره روم

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۳۰)

### وعده دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلَمْ غَلَبَتِ الرُّومُ...!» (۱۹۰ سوره روم)

این سوره با وعده‌ای از خدا آغاز شده و آن این است که: به زودی امپراطوری روم که در ایام نزول این سوره از امپراطوری ایران شکست خورد، بعد از چند سال بر آن امپراطوری غلبه خواهد کرد و بعد از ذکر این وعده، منتقل می‌شود به وعده‌گاه اکبر که قیامت و یوم الوعدش گویند، روزی که تمامی افراد و اقوام در آن روز به سوی خدا باز می‌گردند، آنگاه به استدلال بر مساله معاد پرداخته، سپس کلام را به آیات ربوبیت معطوف می‌دارد و صفات خاصه خدا را برمی‌شمارد و در آخر، سوره را با وعده نصرت به رسول گرامی‌اش ختم می‌کند و در فرا رسیدن این وعده تاکید بلیغ نموده و می‌فرماید: «صبر کن که وعده خدا حق است و کسانی که یقین ندارند تو را در کارت سست نسازند!» و در چند آیه قبل نیز فرموده بود: «و کان حقا علينا نصر المؤمنین - یاری ما برای مؤمنین حقی است بر ما!»

پس معلوم شد که غرض سوره وعده دادن قطعی خدا به یاری دین است، و اگر قبل از بیان این غرض، مساله وعده غلبه روم را در چند سال بعد ذکر کرد، برای این است که مؤمنین وقتی دیدند که وعده غلبه روم عملی شد، یقین کنند که وعده دیگر خدا نیز عملی خواهد شد و نیز یقین کنند که وعده آمدن قیامت هم، مانند سایر وعده‌های عملی می‌شود، آری عقل هر عاقلی حکم می‌کند که وقتی خدای تعالی دو تا از وعده‌هایش را عملی کرد سایر وعده‌هایش نیز عملی می‌شود و باید از خطرهایی که وعده آن را می‌دهد بر حذر بود.

هدف آیه ۲۰ تا ۲۶ سوره روم المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۴۷

### آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ...!»

در این فصل عده‌ای از آیات را که بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت می‌کند، ذکر فرموده و در آن به امتزاج و آمیختگی خلقت با تدبیر، نیز

اشاره شده، تا بدین وسیله روشن گردد که ربوبیت به معنای مالکیت تدبیر و الوهیت به معنای معبود بودن به حق، مخصوص خدا است و کسی جز خدا مستحق آن نیست!

هدف آیه ۲۷ تا ۳۹ سوره روم المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۵۷

### تعلیم روش استدلال با آیات الهی

« وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! »

در این آیات روش استدلال را از راه شمردن آیات به استدلال به صفات فعلی خدا تغییر داد، که آنها را تا آخر سوره در چهار فصل بیان می‌فرماید، در هر فصل چند صفت از صفات فعل که مستلزم وحدانیت خدا و معاد است، ذکر می‌کند.

هدف آیه ۴۰ تا ۴۷ سوره روم المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۹۰

### تعلیم استدلال با افعال خاص به خدا

« اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَفْعَلُ مِثْلَ مَا تَعْلَمُونَ...! »

در این آیات با افعال خاص به خدا و به عبارتی با اسمای افعال خدا استدلال کرده بر بطلان شرکاء و نفی ربوبیت و الوهیت آنها و نیز استدلال کرده است بر مساله معاد.

هدف آیه ۴۸ تا ۵۳ سوره روم المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۰۱

### تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی

« اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِّيهِمْ سَحَابًا فَيَنْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ...! »

این آیات سومین فصل از سوره است که از راه افعال خدای تعالی، بر اصول عقاید استدلال می‌کند و یا به عبارتی دیگر اسمای افعال خدا را می‌شمارد و غرض عمده از آن، احتجاج بر مساله معاد است!

و از آن جا که عمده انکار و لجاجت مشرکین متوجه به معاد است و انکار آن مایه لغویت احکام و شرایع است و در نتیجه مساله توحید هم لغو می‌شود، لذا دنبال احتجاج بر مساله معاد، رسول گرامی‌اش را از تاثیر دعوتش در آنان مایوس نموده و دستور می‌دهد تنها به دعوت کسانی بپردازد که در نفسشان استعداد ایمان و صلاحیت اسلام و تسلیم شدن در برابر حق باشد!



**هدف آیه ۵۴ تا ۶۰ سوره روم المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۰۶****تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی**

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ...!»

این آیات فصل چهارم از آیات سوره است که از نظر مضمون نظیر آیات قبل است و سوره با آن خاتمه می‌یابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره لقمان**

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۱۱)

**دعوت به توحید و یقین به معاد و عمل به کلیات شرایع دین**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْم ! تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ! هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ...!» (تا ۱۱/لقمان)

غرض این سوره - به طوری که آغاز و انجام آن و نیز سیاق تمامی آیات آن اشاره می‌کند - دعوت به توحید و ایقان و ایمان به معاد و عمل به کلیات شرایع دین است. از ابتدای سوره پیداست که در باره بعضی از مشرکین نازل شده، که مردم را از راه خدا و شنیدن قرآن، به وسیله تبلیغاتی دروغ جلوگیری نموده، می‌خواستند مساله خدا و دین را از یاد مردم ببرند.

پس این سوره نازل شد تا اصول عقاید و کلیات شرایع حق را بیان نماید و در برابر احادیث سرگرم کننده آنان مقداری از داستان لقمان و مواعظش را ایراد کرده است.

**هدف آیه ۱۲ تا ۱۹ سوره لقمان المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۱۹****بیان حکمت داده شده به لقمان**

«وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ...!»

در این آیات اشاره شده به اینکه به لقمان حکمت داده شد و چند حکمت نیز از او در اندرز به فرزندش نقل شده و در قرآن کریم جز در این سوره نامی از لقمان نیامده و اگر در این سوره آمده، به خاطر تناسبی است که داستان سراسر حکمت او با داستان خریدار لهُو الحدیث داشته، چون این دو نفر در دو نقطه مقابل هم قرار دارند،

یک فرد انسان آن قدر دانا و حکیم است که کلماتش راهنمای همه می‌شود و در مقابل، فرد دیگری یافت می‌شود که راه خدا را مسخره می‌کند و برای گمراه کردن مردم این در و آن در می‌زند، تا لهُو الحِدِيثِ جمع آوری نماید!

**هدف آیه ۲۰ تا ۳۴ سوره لقمان** المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۳۹

### بیان آیات وحدانیت خدا

« أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجِدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ...! »

در این آیات به ما قبل داستان لقمان برگشته که آیات وحدانیت خدا و نداشتن شریک و ادله آن را ذکر نمود و بدین جا منتهی شد، که فرمود: « هذا خلق الله فارونی ما ذا خلق الذین من دونه بل الظالمون فی ضلال مبین! »

### هدف و فلسفه نزول سوره سجده

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۶۲)

### بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »  
(تا ۱۴/سجده)

غرض این سوره بیان مبدا و معاد و اقامه برهان بر این مساله است و نیز دفع شبهه‌هایی که در باره این دو مساله در دلها خلجان می‌کند و در ضمن به مساله نبوت و کتاب نیز اشاره می‌نماید و امتیازی که دو گروه مؤمنین حقیقی به آیات خدا و فاسقان خارج از زی عبودیت، از یکدیگر دارند بیان می‌کند و نیز به دسته اول وعده ثوابی می‌دهد که از تصور هر متصور بیرون است و به دسته دوم وعیدی می‌دهد و به انتقام شدیدی تهدید می‌کند که عبارت است از عذاب الیم و ابدی در قیامت و عذابی کوچک‌تر از آن که در دنیا به زودی خواهند چشید و در آخر، سوره را با تاکید آن وعید و دستور به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تو نیز منتظر باش آنچنان که آنان منتظرند، ختم می‌کند.

**هدف آیه ۱۵ تا ۳۰ سوره سجده** المیزان ج: ۱۶ ص: ۳۹۲

### بیان فرق بین مومن واقعی و فاسقان

« إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا

يَسْتَكْبِرُونَ...!»

این آیات بین مؤمنین واقعی و به حقیقت معنای ایمان و بین فاسقان و ظالمان فرق می‌گذارد و آثار و لوازم هر یک را بیان نموده سپس ظالمان را به عذاب دنیا تهدید می‌کند و رسول گرامی‌اش را دستور می‌دهد که منتظر باشد تا فتح و پیروزی فرا رسد، آنگاه سوره مورد بحث ختم می‌شود.

## هدف و فلسفه نزول سوره احزاب

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۰۷)

### بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدر اسلام

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا...! » (تا ۸/احزاب)

این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص، عبرتها و مواعظی چند و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد.

هدف آیه ۹ تا ۲۷ سوره احزاب المیزان ج: ۱۶ ص: ۲۲۴

### شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا...! »

در این آیات، داستان جنگ خندق و به دنبالش سرگذشت بنی قریظه را آورده و وجه اتصالش به ماقبل این است که در این آیات نیز در باره حفظ عهد و پیمان‌شکنی گفتگو شده است.

هدف آیه ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۵۴

### شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْجِكَ مِنْ كُنْتَنَ تَرِدُنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأُسْرُحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا...! »

این آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که اولاً به ایشان تذکر دهد که از دنیا و زینت آن جز عفت و رزق کفاف بهره‌ای ندارند، البته این در صورتی است که بخواهند همسر او باشند و گرنه مانند سایر مردمند و سپس ایشان

را خطاب کند که متوجه باشند در چه موقفی دشوار قرار گرفته‌اند و به خاطر افتخاری که نصیبشان شده چه شدایدی را باید تحمل کنند، پس اگر از خدا بترسند، خداوند اجر دو چندانشان می‌دهد و اگر هم عمل زشتی کنند، عذابشان نزد خدا دو چندان خواهد بود.

آنگاه ایشان را امر می‌کند به عفت و اینکه ملازم خانه خود باشند و چون سایر زنان خود را به نامحرم نشان ندهند و نماز بگزارند و زکات دهند و از آنچه در خانه‌هایشان نازل و تلاوت می‌شود از آیات قرآنی و حکمت آسمانی یاد کنند و در آخر، عموم صالحان از مردان و زنان را وعده مغفرت و اجر عظیم می‌دهد.

#### هدف آیه ۳۶ تا ۴۰ سوره احزاب

المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۷۹

#### حکم از دواج با مطلقه پسر خوانده

« وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا...! »

قسمتی از این آیات در باره داستان ازدواج رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با همسر زید است همان زیدی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را به عنوان فرزند خود پذیرفته بود و بعید نیست که آیه اولی هم از باب مقدمه و توطئه برای آیات بعدش باشد.

#### هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب

المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۹۱

#### دعوت مومنین به ذکر و تسبیح

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ! وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا...! »

این آیات مومنین را به ذکر و تسبیح دعوت نموده و به ایشان بشارت و وعده جمیل می‌دهد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با صفات کریم خود خطاب نموده و به او دستور می‌دهد که به مومنین بشارت دهد و کفار و منافقین را اطاعت نکند.

#### هدف آیه ۴۹ تا ۶۲ سوره احزاب

المیزان ج: ۱۶ ص: ۴۹۹

#### بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله «ص»

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسِرَّوَهُنَّ سِرَّاحًا جَمِيلًا...! »

این آیات احکام متفرقی را متضمن است که بعضی از آنها مخصوص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همسرانش و بعضی دیگر مربوط به عموم مسلمانان است.

**هدف آیه ۶۳ تا ۷۳ سوره احزاب**

المیزان ج: ۱۶ ص: ۵۱۹

**بیان برخی وقایع قیامت**

« يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا...! »

این آیات در باره ساعت، یعنی قیامت، سخن می‌گویند و پاره‌ای از آنچه بر سر کفار خواهد آمد و عذابهایی که خواهند دید، بیان می‌کند و مؤمنین را دستور می‌دهد به اینکه سخن سنجیده و منطقی بگویند و وعده‌شان می‌دهد به وعده‌هایی جمیل و در آخر، سوره را با ذکر مساله امانت ختم می‌کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره سبا**

(المیزان ج: ۱۶ ص: ۵۳۴)

**بیان اصول سه گانه اعتقادات - توحید، نبوت و معاد**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ...! » (تا ۹/سبا)

این سوره پیرامون اصول سه‌گانه اعتقادات، یعنی توحید و نبوت و قیامت بحث می‌کند. بعد از بیان آنها کیفر کسانی را که منکر آنهایند و یا القای شبهه در باره آنها می‌کنند، بیان نموده، آن گاه از راه‌های مختلف آن شبهه‌ها را دفع می‌کند، یک بار از راه حکمت و موعظه، بار دیگر از راه مجادله.

و از بین این سه اصول بیشتر به مساله قیامت اهتمام می‌ورزد، هم در اول کلام آن را ذکر می‌کند و تا آخر سوره چند بار دیگر هم متعرض آن می‌شود.

**هدف آیه ۱۰ تا ۲۱ سوره سبا**

المیزان ج: ۱۶ ص: ۵۴۳

**بیان داستان داود و سلیمان علیهما السلام و تاریخ شهر سبا**

« وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَجْبَالُ أَوْبَى مَعَهُ وَ الطَّيْرَ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ...! »

این آیات به پاره‌ای از داستانهای داود و سلیمان و نعمت‌هایی که به ایشان موهبت فرموده بود، اشاره می‌کند، سپس به داستان سبأ اشاره می‌کند.

وجه اتصال این داستانها به آیات قبل، که در باره معاد بحث می‌کرد، این است که خدا مدبر امور بندگان خویش است، ولی از آنجایی که بندگان او در دنیا فرو رفته در انواع نعمتهای مادی هستند، لذا معلوم نمی‌شود که کدام یک شکر منعم خود را بجا آوردند و کدام یک کفران نمودند و چون در نشانه دنیا امتیازی بین این دو

طائفه نیست ، پس باید حتما نشاء دیگر باشد ، تا در آنجا کفور از شکور ممتاز گردد .

**هدف آیه ۲۲ تا ۳۰ سوره سبا** المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۵۶

### بیان مساله توحید

« قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ...! »  
این آیات بیانگر مساله توحید است و پیرامون آن احتجاج می کند.

**هدف آیه ۳۱ تا ۵۴ سوره سبا** المیزان ج : ۱۶ ص : ۵۷۲

### بیان مساله نبوت و فروعات آن

« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ...! »

این آیات فصل دیگری است از سوره ، که در باره مساله نبوت و فروعات آن سخن می گوید و سخنانی را که مشرکین در باره این مساله گفته اند نقل می کند و در خلال آن آنچه در روز مرگ و یا روز قیامت بر سر آنان می آید، خاطر نشان می سازد.

## هدف و فلسفه نزول سوره فاطر

( المیزان ج : ۱۷ ص : ۳ )

### بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! » (۱/ فاطر)

غرض این سوره بیان اصول سه گانه دین است ، یعنی یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و رسالت رسول خدا و معاد و برگشتن به سوی او ، که در این سوره بر این سه مساله استدلال شده و خدای تعالی برای این منظور عده ای از نعمت های بزرگ آسمانی و زمینی را می شمارد و تدبیر متقن امر عالم را به طور عموم و امر انسانها را به طور خصوص به رخ می کشد .

و قبل از شمردن این نعمت ها و شروع به استدلال ، اشاره ای اجمالی به این معنا می کند که: گشودن در رحمت و بستن آن و افاضه نعمت و امساک آن منحصر

کار خدای تعالی است و می‌فرماید: «ما یفتح الله للناس من رحمۃ فلا ممسک لها ... خدا در هر رحمتی را که به سوی مردم باز کند کسی نیست که آن را ببندد...!» و باز قبل از اینکه این اشاره اجمالی را بکند، به واسطه‌هایی اشاره می‌کند که رحمت و نعمت را از خدای تعالی گرفته، به خلق می‌رسانند و آنان ملائکه هستند، که واسطه‌های بین خدا و خلقتند و به همین جهت می‌بینیم سوره فاطر با یادآوری این وسائط شروع می‌شود.

**هدف آیه ۲ تا ۸ سوره فاطر** المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۵

### بیان رزق رسانی خدا

« مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكٍ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! »

بعد از آنکه در آیه قبلی به وضع ملائکه، که واسطه‌هایی بین خالق و خلقتند در رساندن نعمت به خلق اشاره‌ای فرمود، اینک در این آیات به خود نعمت‌ها اشاره کلی نموده می‌فرماید: عموم نعمت‌ها از خدای سبحان است، نه غیر او، پس تنها رازق خدا است و احدی در رازقیت، شریک او نیست، آن گاه از طریق رازقیت استدلال کرده بر ربوبیت و سپس بر مساله معاد و اینکه وعده خدا، به بعث و عذاب دادن کفار و آمرزش مؤمنین صالح، حق است. البته در این آیات، تسلیتی هم برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هست!

**هدف آیه ۹ تا ۱۴ سوره فاطر** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۴

### احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی

« وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ...! »

در این آیات، چندین احتجاج است بر وحدانیت خدای تعالی در الوهیت و این احتجاج‌ها را بعد از شمردن چند نعمت آسمانی و زمینی که انسان از آن‌ها متنعم است و جز خدا کسی خالق و مدبر امر آن نعمت‌ها نیست، بیان نموده، در خلال بحث اشاره‌ای هم به مساله قیامت دارد.

**هدف آیه ۱۵ تا ۲۶ سوره فاطر** المیزان ج: ۱۷ ص: ۴۳

### بیان انحصار ربوبیت و الوهیت در خدای تعالی

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ! »

بعد از آنکه برای مشرکین بیان کرد که خلقت و تدبیر مستند به خدای تعالی

است و نتیجه گرفت که رب ایشان همان خدا است و تنها مالک اوست، نه آله‌ای که به جای او می‌پرستند، پس آلهه، مالک چیزی نیستند تا آنکه مدبر آن چیز باشند، اینک در این آیات، شروع کرده همان مطلب را با بیانی آمیخته با وعده و وعید افاده کند. خلاصه‌اش این است که خدا از ایشان بی‌نیاز و ایشان محتاج خدایند، پس او می‌تواند ایشان را به کیفر اعمالی که کردند از بین ببرد و اگر خواست خلقی جدید بیاورد.

آنگاه خطاب را متوجه رسول گرامی خود می‌کند، خطابی که حاصلش این است که: این مؤاخذه و نابود کردن ما، شامل نمی‌شود مگر تنها همین‌هایی را که تکذیب می‌کنند و اما مؤمنین که انذار تو در آنان اثر می‌کند، با مشرکین فرقی روشن دارند و پیامبر نذیری است مانند نذیران گذشته و حال آنان را دارد، بنا بر این اگر او را تکذیب می‌کنند، انبیای گذشته را تکذیب کردند و همانطوری که خدای تعالی تکذیب کنندگان از امت آنان را به اخذ شدیدی بگرفت، مکذبین این امت را هم خواهد گرفت!

#### هدف آیه ۲۷ تا ۳۸ سوره فاطر المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۵

#### بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه‌ها

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ...! »

در این آیات آیت‌هایی دیگر که دلالت بر توحید می‌کند برمی‌شمارد و در ضمن به داستان کتاب منتقل شده، در باره حقانیت آن و اینکه از ناحیه خدا نازل شده، سخن گفته است.

این آیه حجت دیگری است بر مساله توحید، به این بیان که خدای سبحان آب را بوسیله بارانها از آسمان نازل می‌کند و این خود قوی‌ترین عامل برای روییدن نباتات و میوه‌هاست و اگر بیرون آمدن میوه‌ها از مقتضای همین آمدن باران بود، باید همه میوه‌ها به یک‌رنگ باشند، چون آب باران یکی است و حال اینکه می‌بینیم الوان مختلفی دارند، پس همین اختلاف الوان دلالت می‌کند بر اینکه تدبیر الهی دست اندر کار این رنگ‌آمیزی است.

#### هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره فاطر المیزان ج: ۱۷ ص: ۷۳

#### توحید خدا در ربوبیت

« هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلْفًا فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَ لَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا...! »

این آیات نخست بر مساله توحید خدا در ربوبیت احتجاج می‌کند و سپس بر



نبودن شریکی برای خدا در ربوبیت احتجاج می‌کند و آنگاه مشرکین را بر نقض عهد و سوگند و کارهای زشتی که مرتکب می‌شدند سرزنش می‌کند و در آخر این معنا را مسجل می‌سازد که هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند خدا را عاجز کند و اگر خدا به افرادی از این ستمکاران مهلت می‌دهد، برای مدتی معین است، همین که مدتشان سرآمد به آنچه مستحقند جزا می‌دهد. با این بیان سوره خاتمه می‌یابد.

## هدف و فلسفه نزول سوره یس

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۸۸)

### بیان اصول سه گانه اعتقادات اسلامی

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَس! وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ! إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ! عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...! » (تا ۱۲/یس)

غرض این سوره بیان اصول سه‌گانه دین است، چیزی که هست نخست از مساله نبوت شروع کرده، حال مردم را در قبول و رد دعوت انبیا بیان می‌کند و می‌فرماید که: نتیجه دعوت حق انبیاء، احیای مردم است و اینکه آنان در راه سعادت واقع شوند و حجت را بر مخالفین تمام کند و به عبارت دیگر تکمیل هر دو دسته مردم است، عده‌ای را در طریق سعادت و جمعی را در طریق شقاوت!

آنگاه این سوره بعد از بیان مساله نبوت، منتقل می‌شود به مساله توحید و آیاتی چند از نشانه‌های وحدانیت خدا را برمی‌شمارد و سپس به مساله معاد منتقل شده، زنده شدن مردم را در قیامت برای گرفتن جزا و جداسازی مجرمین از متقین را بیان نموده سپس سرانجام حال هر یک از این دو طایفه را توصیف می‌کند.

و در آخر دوباره به همان مطلبی که آغاز کرده بود برگشته، خلاصه‌ای از اصول سه‌گانه را بیان و بر آنها استدلال می‌کند و سوره را ختم می‌نماید.

از آیات برجسته و بسیار علمی این سوره آیه: «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون! فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون!» است، پس این سوره شانی عظیم دارد، چون هم متعرض اصول سه‌گانه است و هم شاخه‌هایی که از آن اصول منشعب می‌شود.

روایات هم از طریق شیعه و سنی آمده که فرمودند: برای هر چیزی قلبی

است و قلب قرآن سوره یس است!

**هدف آیه ۱۳ تا ۳۲ سوره یسی** المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۰۳**انذار و تبشیر**

« وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ...! »

این آیات مثلی است مشتمل بر انذار و تبشیر که خدای سبحان آن را برای عموم مردم آورده که در آن به رسالت الهی و تبعات و آثار دعوت به حق اشاره می‌کند که عبارت است از مغفرت و اجر کریم برای هر کس که ایمان آورد و پیروی ذکر (قرآن) کند و از رحمان بغیب خشیت داشته باشد و نیز عبارت است از عذاب الیم برای هر کس که کفر بورزد و آن دعوت را تکذیب کند. و نیز به وحدانیت خدای تعالی و مساله معاد و برگشت همه مردم به سوی او اشاره می‌نماید.

**هدف آیه ۳۳ تا ۴۷ سوره یسی** المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۲۳**توبیخ اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی**

« وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ...! »

بعد از آنکه داستان اهل قریه (انطاکیه) و سرانجام امرشان را در شرک و تکذیب رسولان الهی بیان کرد و آنان را در برابر بی‌اعتنایی به مساله رسالت توبیخ نموده و به نزول عذاب بر آنان تهدید کرد - همان طور که عذاب بر تکذیب کنندگان از امت‌های گذشته نازل شد - و نیز خاطرنشان ساخت که همگی حاضر خواهند شد و به حسابشان رسیدگی شده جزا داده می‌شوند!

چند آیت از آیات خلق و تدبیر الهی را به رخشان می‌کشد، آیاتی که بر ربوبیت و الوهیت خدای تعالی دلالت دارد و به روشنی دلالت می‌کند بر اینکه خدا، یگانه است و هیچ کس در ربوبیت و الوهیت با او شریک نیست، آنگاه مجدداً ایشان را در اینکه به آیات و ادله وحدانیت خدا و به معاد نظر نمی‌کنند و از آن روی گردانند و حق را استهزاء نموده و به فقرا و مساکین انفاق نمی‌کنند، توبیخ می‌نماید!

**هدف آیه ۴۸ تا ۶۵ سوره یسی** المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۴۳**بیان تفصیل آیات مربوط به قیامت و حساب و جزا**

« وَ يَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ...! »

در این آیات بطور تفصیل کیفیت قیام قیامت و احضار خلق برای حساب و جزا و پاداشی که به اصحاب جنت می‌دهد و کیفری را که به مجرمین می‌دهد، شرح

می‌دهد.

هدف آیه ۶۶ تا ۸۳ سوره یس المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۵۷**تهدید کفار به عذاب و تأیید رسالت رسول الله «ص»**

«وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ...!»

این آیات خلاصه‌ای از معانی سابق است که در سیاقی دیگر بیان شده‌اند و در ضمن کفار را به عذاب تهدید نموده و به این نکته نیز اشاره می‌کند که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرستاده خداست و کتاب او ذکر و قرآن است، نه او شاعر است و نه کتابش شعر.

و در آخر به خلقت چارپایان اشاره نموده و با آن بر مساله توحید و معاد احتجاج می‌کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره صافات**

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۷۸)

**احتجاج بر مساله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالصَّفَاتِ صَفًّا! فَالزَّجْرَتِ زَجْرًا! فَالتَّلَايَتِ ذِكْرًا! إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ...!» (۱۱ تا ۱۱ صافات)

در این سوره بر مساله توحید احتجاج شده و مشرکین مخالف توحید را تهدید نموده و مؤمنین خالص را بشارت می‌دهد و سرانجام کار هر یک از دو طایفه را بیان می‌کند. سپس نام عده‌ای از بندگان مؤمن خود را که بر آنان منت نهاده و وعده داده که بر دشمنانشان غالب و پیروز کند، ذکر می‌کند و در خاتمه سوره بیانی ایراد می‌فرماید که به منزله خلاصه‌گیری از غرض سوره است، یعنی تنزیه خدا و سلام بر بندگان مرسل و حمد خدای تعالی در برابر رفتار نیکی که با ایشان کرده است.

هدف آیه ۱۲ تا ۷۰ سوره صافات المیزان ج: ۱۷ ص: ۱۹۰**بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ**

«بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ...!»

در این آیات استهزایی که کفار به آیات خدا می‌کردند و پاره‌ای از سخنان ایشان که بر اساس کفر و انکار معاد می‌گفته‌اند و ردی که از سخنان ایشان شده، حکایت شده است و در رد آنان به تقریر مساله بعث پرداخته و بیان کرده که کفار در آن روز چه

شدتی و چه عذابهای گوناگونی دارند و خداوند چگونه بندگان مخلص خود را با نعمت‌ها و کرامت‌های خود گرامی می‌دارد.

و نیز چگونگی بحث و جدال دوزخیان با یکدیگر را نقل می‌کند که در روز قیامت چه سخنانی بین آنان رد و بدل می‌شود و سخنانی را هم که بین اهل بهشت با خودشان و یا با بعضی از اهل آتش رد و بدل می‌شود ذکر کرده است.

#### **هدف آیه ۷۱ تا ۱۱۳ سوره صافات** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۱۶

#### **بیان داستان برخی از انبیا برای نشان دادن عاقبت شوم کفر به آیات خدا**

« وَ لَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ...! »

این آیات غرض سیاق سابق را که متعرض شرک و تکذیب کفار به آیات خدا بود و ایشان را به عذابی الیم تهدید می‌کرد تعقیب نموده، می‌فرماید: بیشتر امت‌های گذشته نیز ضلالتی شبیه ضلالت اینان را داشتند، رسولان خدا را که ایشان را انذار می‌کردند تکذیب نمودند، همانطوری که اینان تکذیب می‌کنند. آنگاه به عنوان شاهد داستان‌هایی از نوح، ابراهیم، موسی، هارون، الیاس، لوط و یونس علیهماالسلام می‌آورد. آنچه که در آیات مورد بحث آمده داستان نوح و خلاصه داستان ابراهیم علیه‌السلام است.

#### **هدف آیه ۱۱۴ تا ۱۳۲ سوره صافات** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۳۷

#### **بیان نعمت‌های الهی بر موسی و هارون و الیاس پیامبر**

« وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ...! »

این آیات خلاصه‌ای است از داستان موسی و هارون علیهماالسلام، البته اشاره‌ای هم به داستان الیاس علیه‌السلام دارد و نعمت‌ها و منت‌هایی را که خدای تعالی بر آنان ارزانی داشته، برمی‌شمارد و نیز بیان می‌کند که چگونه دشمنان تکذیب‌گر آنان را عذاب کرد، چیزی که هست در این آیات جانب رحمت و بشارت بر جانب عذاب و انذار غلبه دارد.

#### **هدف آیه ۱۳۳ تا ۱۱۴۸ سوره صافات** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۴۵

#### **بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی**

« وَ إِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ...! »

این آیات خلاصه‌ای است از داستان لوط علیه‌السلام و سپس یونس علیه‌السلام که خدا او را مبتلا کرد به شکم ماهی، به کیفر اینکه در هنگام مرتفع شدن عذاب - که مقدمات نزولش رسیده بود - از قوم خود اعراض کرد.

هدف آیه ۱۴۹ تا ۱۸۲ سوره صافات المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۵۹

### رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس

« فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَّبِّكَ ابْنَاتٌ وَلَهُمُ الْبَنُونَ...! »

در این آیات متعرض عقاید کفار شده که در باره خدایان خود که یا ملائکه و یا جن بودند، چه عقایدی داشتند و چگونه ملائکه را دختران خدا نامیده و برای جن قائل به نسبت و خویشاوندی با خدا شدند.

خدای تعالی در این آیات به فساد عقیده، آنان اشاره نموده، سپس رسول گرامی خود را بشارت می‌دهد به اینکه به زودی او را یاری می‌کند و مشرکین را تهدید می‌کند به اینکه به عذاب مبتلایشان می‌سازد. آنگاه سوره مورد بحث را با تقدیس و منزّه بودن خدا از داشتن شریک و نیز با سلام بر همه رسولان و حمد خدا که رب العالمین است، ختم می‌نماید!

### هدف و فلسفه نزول سوره ص

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۷۴)

### دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ص! وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ...! » (تا ۱۶/ص)

در این سوره گفتار پیرامون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دور می‌زند و اینکه آن جناب با ذکری از ناحیه خدا که بر او نازل شده مردم را انداز می‌کند و به سوی توحید و اخلاص در بندگی خدای تعالی دعوت می‌کند.

رسول گرامی خود را امر به صبر نموده و سرگذشت بندگان او اب خود را در یک فصل به یادش می‌آورد و آنگاه عاقبت کار مردم با تقوی و سرانجام طاغیان را در فصلی خاطر نشان می‌سازد.

سپس آن جناب را دستور می‌دهد به اینکه ماموریت خود را در انداز انجام دهد و مردم را به سوی توحید دعوت کند.

و نیز در فصلی دیگر می‌فرماید: که خدا از همان روز نخست که به ملائکه امر کرد تا برای آدم سجده کنند و شیطان امتناع کرد، این قضای حتمی را راند که سرانجام پیروان شیطان و خود او به آتش منتهی شود!

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۹ سوره ص** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۸۶**رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبر الهی**

«اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاَيْدِ اِنَّهُ اَوَّابٌ...!»

خدای تعالی در این آیات رسول گرامی خود را امر به صبر می کند و سفارش می فرماید یاوه گویی های کفار او را متزلزل نکند و عزم او را سست نسازد و نیز سرگذشت جمعی از بندگان او اب خدا را به یاد آورد که همواره در هنگام هجوم حوادث ناملایم ، به خدا مراجعه می کردند! از این عده نام نه نفر از انبیای گرامی خود را ذکر کرده که عبارتند از : داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع و ذو الکفل علیهما السلام که ابتدا نام داوود را آورده و به قسمتی از داستانهای او اشاره می فرماید.

**هدف آیه ۳۰ تا ۴۰ سوره ص** المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۰۶**بیان دومین داستان از بندگان او اب – سلیمان نبی**

«وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوَّابٌ...!»

این آیات راجع به دومین داستان از قصص بندگان او اب است که خدای تعالی آن را برای پیغمبرش بیان نموده و دستورش می دهد به اینکه صبر پیشه سازد و در هنگام سختی به یاد این داستان بیفتد!

**هدف آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره ص** المیزان ج: ۱۷ ص: ۳۱۶**بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او**

«وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا اِيُوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ اَنى مَسَنِى الشَّيْطٰنُ بِنُصْبٍ وَّ عَذَابٍ...!»

این آیات متعرض سومین داستانی است که رسول خدا «ص» مامور شده به یاد آنها باشد و در نتیجه صبر کند و آن عبارت است از: داستان ایوب پیغمبر «ع» و محنت و گرفتاریهایی که خدا برایش پیش آورد تا او را بیازماید و سپس رفع آن گرفتاریها و عافیت خدا و عطای او را ذکر کرده و سپس دستور می دهد تا ابراهیم و پنج نفر از ذریه او از انبیا را به یاد آورد!

**هدف آیه ۴۹ تا ۶۴ سوره ص** المیزان ج: ۱۷ ص: ۳۳۰**ذکر سرانجام کار متقین و طاغیان**

«هٰذَا ذِكْرٌ وَّ اِنَّا لِلْمُتَّقِينَ لَحَسَنٌ مَّثَابٍ...!»

این آیات فصل دیگری است از کلام که در آن سرانجام کار متقین و طاغیان را بیان نموده متقین را بشارت داده و کفار را انداز و تهدید می کند!

المیزان ج: ۱۷ ص: ۳۳۶

هدف آیه ۶۵ تا ۸۸ سوره ص

**دستور ابلاغ اندازها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان**

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ...!»

این آیات آخرین فصل از فصول سوره ص است که مشتمل بر چند نکته است: اول آن که به پیامبر «ص» دستور می‌دهد که اندازهای خود را و دعوت به سوی توحید را به مردم ابلاغ فرماید!

و دیگر این که ابلاغ کند که اعراض از حق و پیروی شیطان کار آدمی را به عذاب دوزخ منتهی می‌سازد، عذابی که خداوند قضایش را در حق شیطان و پیروان او رانده است! در همین جاست که این سوره خاتمه می‌یابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره زمر**

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۳۵۱)

**دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...!» (تا ۱۰/زمر)

از خلال آیات این سوره برمی‌آید که مشرکین معاصر رسول خدا «ص» از آن جناب درخواست کرده‌اند که از دعوتش به سوی توحید و از تعرض به خدایان ایشان صرف نظر کند و گر نه نفرین خدایان گریباننش را خواهد گرفت، در پاسخ آنان این سوره که به وجهی قرین سوره ص است، نازل شده و به آن جناب تاکید کرده که دین خود را خالص برای خدای سبحان کند و اعتنائی به خدایان مشرکین نکند و علاوه بر آن به مشرکین اعلام نماید که مامور به توحید و اخلاص دین است، توحید و اخلاصی که آیات و ادله وحی و عقل همه بر آن تواتر دارند. خدای سبحان در خلال سوره چند نوبت کلام را متوجه این مساله می‌سازد.

آنگاه به استدلال بر یکتایی خدا در ربوبیت و الوهیت پرداخته، هم از طریق وحی و هم از طریق برهان عقلی و هم از راه مقایسه بین مؤمنین و مشرکین، آن را اثبات می‌کند. مقایسه مزبور مقایسه‌ای لطیف است! چند نوبت مؤمنین را به بهترین اوصاف ستوده و به پاداشهایی که به زودی در آخرت دارند بشارت می‌دهد و هر جا سخن از مشرکین به میان آورده - علاوه بر وبال اعمالشان، که در دنیا گریبانشان را می‌گیرد، و بالی نظیر آن وبالها که به سایر امت‌های گذشته به کیفر تکذیب آیات خدا

رسید و آن عبارت بود از خواری در دنیا که البته عذاب آخرت قابل مقایسه با آن نیست - ایشان را به خسران و عذاب آخرت بشارت می‌دهد .  
به همین منظور در این سوره - و مخصوصاً در آخرش - روز قیامت را به روشن‌ترین اوصافش وصف کرده است.

#### هدف آیه ۱۱ تا ۲۰ سوره زمر المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۷۴

#### **دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا**

« قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُعْبِدَ اللَّهَ مَخْلِصاً لَهُ الدِّينَ...! »

در این آیات به نوعی به آغاز کلام برگشت شده، رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد به مردم ابلاغ کند که اگر ایشان را به توحید و اخلاص دین برای خدا می‌خواند، بدان جهت است که او مامور از طرف خداست، و نیز مامور شده است که خود او هم مانند سایرین به این دعوت پاسخ مثبت دهد، چیزی که هست این فرق را با سایرین دارد که او باید اولین کس باشد به اسلام آوردن و تسلیم در برابر آنچه به سویش دعوت می‌کند و خلاصه به چیزی دعوت کند که خودش قبل از دعوت دیگران به آن ایمان داشته باشد حال چه اینکه مردم دعوتش را بپذیرند و یا آن را رد کنند!

#### هدف آیه ۲۱ تا ۳۷ سوره زمر المیزان ج: ۱۷ ص: ۲۸۴

#### **احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن**

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَنُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَمًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ...! »

در این آیات به همان احتجاجی که در آغاز سوره بر ربوبیت خدای تعالی می‌شد، برگشت شده و نیز پیرامون هدایت راه یافتگان و ضلالت گمراهان و مقایسه بین این دو گروه و سرانجام کار هر یک از آن دو، سخن می‌رود و نیز بیان می‌شود که هدایت قرآن به چه معنا است!

#### هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره زمر المیزان ج: ۱۷ ص: ۴۰۱

#### **احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین**

« وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أفرءَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضَرَّهُ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ...! »

در این آیات حمله دیگری به مشرکین شده و بر یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و عدم صلاحیت شرکاء برای ربوبیت احتجاج شده است! و نیز این معنا خاطرنشان گشته که شفاعتی که مشرکین برای شرکای خود قائلند و کسی به جز



خدا مالک آن نیست. در این آیات امور دیگری مربوط به دعوت به توحید از قبیل موعظه و انذار و تبشیر نیز آمده است.

### هدف آیه ۵۳ تا ۶۱ سوره زمر المیزان ج: ۱۷ ص: ۴۲۱

#### **بشارت رفت و رحمت الهی و تحذیر از زیاده روی و طغیان نفس**

« قُلْ يٰۤعِبَادِیَ الَّذِیْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذَّنُوْبَ جَمِیْعًا اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ...! »

در این آیات رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد که مشرکین را به اسلام و به پیروی از آنچه خدا نازل کرده دعوت کند و از عواقب اسرافشان بر نفس خود، یعنی از حسرت و ندامت روزی که حسرت و ندامت سود نمی‌دهد برحذر دارد، آری چگونه سود می‌دهد با اینکه در دنیا از پذیرفتن حق، استکبار ورزیدند.

و نیز به یادشان بیاورد که در آن روز متقین رستگاری و نجات و کفار خسران و آتش دارند. در لسان این آیات لحن رأفت و رحمت به خوبی مشاهده می‌شود!

### هدف آیه ۶۲ تا ۷۵ سوره زمر المیزان ج: ۱۷ ص: ۴۲۴

#### **بیان تدبیر معاد انسانها و نظام بازگشت به خدا**

« اللّٰهُ خَلِقُ كُلِّ شَیْءٍ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ وَكِیْلٌ...! »

فصلی است از آیات سوره زمر که سوره با آن ختم می‌شود و در آن خلاصه‌ای از آنچه از ادله مزبور در سوره استنتاج می‌شود بیان کرده و سپس رسول خدا «ص» را مامور می‌کند که مشرکین را مخاطب قرار دهد و بگوید: پیشنهادی که علیه او کردند مبنی بر این که آن جناب هم خدایان ایشان را بپرستد، جز جهل به مقام خدای تعالی منشای نداشته و تذکرشان دهد که هم به او و هم به سایر انبیای قبل از او وحی شده که اگر شرک بورزند، اعمالشان بی‌نتیجه می‌شود!

سپس خدای تعالی نظام بازگشت به سوی خود را که همان تدبیر معاد خلق است، ذکر نموده و با بیانی جامع و کافی که بیش از آن تصور ندارد، توضیح داده و سوره را با حمد خود ختم می‌کند.

### هدف و فلسفه نزول سوره مومن

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۴۵۷)

#### **پاسخ به جدال های باطل مشرکان**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! حم! تَنْزِیْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْعَلِیْمِ...! » (۶۱/غافر)

این سوره پیرامون بلندپروازیهای کفار و جدالشان به باطل به منظور از بین بردن حقی که بر آنان نازل شده، سخن می‌گوید و لذا می‌بینیم که آیات آن یکی پس از دیگری متعرض جدال آنان و پاسخ دادن به جدالشان می‌شود و با این تکرار، سورت استکبار و جدال آنان را از راه به رخ کشیدن عذابی که امم گذشته به جرم تکذیب گرفتار آن شدند می‌شکند و به همین منظور عذاب‌های خوار کننده‌ای را که خدا به ایشان وعده داده، با ذکر نمونه‌ای از آنچه در آخرت بر سرشان می‌آید خاطر نشان می‌کند و سخنان باطلشان را با حجت‌هایی که گویای وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت است، به کلی مردود می‌سازد و رسول گرامی خود را امر به صبر نموده هم آن جناب و هم همه مؤمنین را وعده نصرت می‌دهد!

و نیز آن جناب را امر می‌کند به اینکه به کفار اعلام کند که تسلیم پروردگار خویش است و دست از پرستش او برنخواهد داشت، تا به کلی از آن جناب مایوس گردند.

#### هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره مومن (غافر) میزان ج: ۱۷ ص: ۴۶۶

#### بیان استغفار ملائکه بر تواین، و کفر کفر به توحید الهی

« الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ...! »

در این آیات به آغاز کلام برگشت کرده، به آنجا که می‌فرمود: نازل کردن کتاب و به پا خاستن دعوت به منظور مغفرت و قبول توبه جمعی و عقاب جمعی دیگر است، در این آیات خاطر نشان می‌سازد که مردم در مقابل این دعوت دو جورند: یک طایفه آنهایند که ملائکه حامل عرش خدا و طواف کنندگان پیرامون آن برایشان استغفار می‌کنند و آنان عبارتند از: توبه کنندگان که به سوی خدا بر می‌گردند و راه او را پیروی می‌کنند و نیز صلحا از پدران و همسران و ذریه ایشانند و دسته دوم عبارتند از کسانی که به جرم کفر ورزیدن به توحید، اهل عذابند.

#### هدف آیه ۱۳ تا ۲۰ سوره مومن (غافر) میزان ج: ۱۷ ص: ۴۷۹

#### احتجاج بر مسئله توحید و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا

« هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ وَ يَنْزِلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَ مَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيب...! »

در این آیات بر مساله توحید احتجاج شده و بعد از آنکه مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: یکی آنهایی که به سوی خدا رجوع می‌کنند و راه او را پیروی می‌نمایند و یکی هم آنهایی که آیات او را تکذیب نموده و در مقابل آن به باطل جدال

می‌کنند ، آنگاه این طایفه را انداز می‌فرماید .

**هدف آیه ۵۴ تا ۵۴ سوره مومن (غافر)** المیزان ج : ۱۷ ص : ۴۹۱

### موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ

« أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ...! »

در این آیات کفار را موعظه می‌فرماید که به آثار امت‌های گذشته و داستانهای ایشان مراجعه کنند و در آنها نظر نموده و عبرت بگیرند و بدانند که قوت اقویاء و استکبار مستکبران روزگار و مکر مکاران ، خدا را عاجز نمی‌کند و به همین منظور از باب نمونه پاره‌ای از قصص موسی و فرعون را ذکر می‌کند و در آن قصه مؤمن آل فرعون را می‌آورد .

**هدف آیه ۵۵ تا ۶۰ سوره مومن (غافر)** المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۱۵

### دعوت رسول الله «ص» به صبر در مقابل دسایس کفار و وعده نصرت

« فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ...! »

در این آیات به عنوان نتیجه گیری از جدال موسی «ع» با فرعون، پیامبر گرامی خود را دستور می‌دهد که صبر پیشه خود کند و هشدار می‌دهد که وعده خدا به نصرت او حق و نیرنگ‌ها و جدال به باطل مردم و استکبارشان از قبول دعوت او به زودی باطل گشته، تمامی تلاشهایشان جز علیه خودشان، نتیجه نمی‌دهد. بنا بر این، کفار نمی‌توانند خدا را عاجز سازند و به زودی قیامت موعود بپا گشته ، با ذلت و خواری بدرون جهنم در می‌آیند .

**هدف آیه ۶۱ تا ۶۸ سوره مومن (غافر)** المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۲۱

### بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت

« اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْيَلَّ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ...! »

در این آیات برای بار دوم به آیات توحید که در اول سوره بود و با آیه: «هو الذی یریکم آیاته...!» آغاز می‌شد و یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت را اثبات می‌کرد ، برگشت شده است .

**هدف آیه ۶۹ تا ۷۸ سوره مومن (غافر)** المیزان ج : ۱۷ ص : ۵۲۸

### بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِي يُصْرَفُونَ...! »

در این آیات برای بار پنجم به مساله آنهایی که در آیات خدا مجادله می کنند برگشت شده و متعرض سرانجام کار آنان می شود، آنگاه به رسول خدا «ص» امر می فرماید که صبر کند و وعده اش می دهد که یاری اش خواهد کرد و دلگرمش می کند به اینکه وعده خدا حق است!

**هدف آیه ۷۹ تا ۸۵ سوره مومن (غافر)** المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۳۶

### **بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها**

«اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْإِنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ...!»

در این آیات برای چندمین بار به ذکر پاره ای از آیات و ادله توحید برگشت نموده مردم را به عبرت گیری از حال امت های گذشته ، که هلاک شده اند و از سنتی که در بین آنها جاری ساخته ، ارجاع می دهد .

و آن سنت این است که نخست در بین هر امتی رسولی مبعوث می کند و سپس بین آن رسول و امتش قضاء می راند و آن قضاء بالاخره به خسران کفار از آنان منجر می شود و در اینجا سوره خاتمه می یابد.

### **هدف و فلسفه نزول سوره فصلت**

(المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۴۲)

### **پاسخ اعراض مشرکین از قرآن**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...! » (۱ تا ۱۲ / فصلت)

این سوره پیرامون اعراض کفار از کتابی که بر آنان نازل شده ، یعنی از قرآن کریم ، سخن می گوید. غرض اصلی سوره این است و به همین جهت ملاحظه می کنید که یک قسمت از این سوره در باره همین مساله است و از همان ابتدای سوره این معنا را خاطر نشان می سازد و بعد از هر چند آیه یک بار همان را متعرض می شود.

لازمه اعراض مشرکین از کتاب خدا انکار اصول سه گانه دین است که اساس دعوت حقه اسلام را تشکیل می دهد و آن عبارت است از وحدانیت خدا ، نبوت خاتم الانبیاء «ص» و معاد! و چون چنین لازمه ای در کار بود ، لذا در باره این سه اصل مفصل سخن می گوید و در ضمن بشارت و انذار می دهد.

**هدف آیه ۱۳ تا ۲۵ سوره فصلت**

المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۶۷

**عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده**

«فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صِعِقَةً مِثْلَ صِعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ...!»

این آیات هم متضمن انذار به عذاب دنیوی است که قوم عاد و ثمود به کیفر کفرشان به پیغمبران و انکارشان به آیات خدا به آن مبتلا شدند و هم عذاب اخروی که به زودی دشمنان خدا از اهل جحود که کلمه عذاب در حقشان محقق شده به آن مبتلا می‌شوند و در آن اشاره‌ای هم به این معنا هست که چگونه خداوند در دنیا گمراهشان کرد و چگونه در آخرت اعضای بدنشان را به زبان می‌آورد .

**هدف آیه ۲۶ تا ۳۹ سوره فصلت**

المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۸۷

**افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن**

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ...!»

در این آیات به ایمان نیاوردن کفار به قرآن کریم که در صدر سوره آمده بود ، برگشت شده و متعرض نقشه‌هایی شده که آنان به منظور ابطال حجت قرآن می‌کشیدند.

در این آیات بین کفار و مؤمنین با استقامت مقابله شده ، کفار و پاره‌ای از عواقب ضلالت آنان را ، از یکسو و مؤمنین با استقامت و پاره‌ای از پاداشهای آخرتی ایشان را ، از سوی دیگر آورده و نیز متعرض مطالب متفرقه دیگری می‌شود.

**هدف آیه ۴۰ تا ۵۴ سوره فصلت**

المیزان ج: ۱۷ ص: ۵۹۹

**بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز**

«إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّنْ يَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...!»

در این آیات بار دیگر به مساله قرآن و کفر مشرکین بدان - با اینکه آیاتش روشن و مقامش بلند است - برگشت شده و بی‌انصافی‌ها و کوتاهی‌هایی که در باره آن کردند و تهمت‌هایی که به آورنده‌اش زدند و لجبازی‌هایی که در برابر حق نموده و کفری که نسبت به آیات آن ورزیدند و آثار و توابعی که این رفتارهایشان داشت، برشمرده و سوره را پایان می‌دهد.

## هدف و فلسفه نزول سوره شوری

(المیزان ج: ۱۸ ص: ۳)

### شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! عسق! كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! «(۱/۶ شوری)

این سوره پیرامون مساله وحی سخن می گوید که خود نوعی تکلم از ناحیه خدای سبحان با انبیاء و رسل او است، مساله وحی موضوعی است که در این سوره محور کلام قرار گرفته است.

و اما مطالب دیگر از قبیل آیات توحید و صفات مؤمنین و کفار و سرانجامی که هر یک از این دو فریق دارند و بازگشتشان به خدای سبحان در روز قیامت نیز در این سوره آمده لیکن منظور اولی سوره نیست .

### هدف آیه ۷ تا ۱۲ سوره شوری

المیزان ج: ۱۸ ص: ۱۹

### بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت

« وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ...! »

این آیات فصل دوم از آیات این سوره است که در آن نیز مساله وحی را معرفی می کند، چیزی که هست در این آیات وحی را از نظر نتایجی که مترتب بر آن است معرفی می کند. در این فصل می فرماید: غرض از وحی انذار مردم است و مخصوصا اندازی که مربوط به روز قیامت است ، روزی که همه مردم در آن جمع می شوند و گروهی به سوی بهشت و گروهی دیگر به سوی آتش می روند، چون اگر مردم به چنین روزی تهدید و انذار نشوند ، دعوت دینی به نتیجه نمی رسد و تبلیغ دینی سودی نمی بخشد.

آنگاه این نکته را بیان می کند که دو دسته شدن مردم چیزی است که مشیت خدای سبحان به آن تعلق گرفته و به همین منظور دین را برای مردم تشریح کرده و از راه وحی مردم را از روز جمع انذار نموده ، چون او ولی مردم است و آنها را بعد از مردن زنده می کند و بین آنان در آنچه اختلاف می کردند حکم می فرماید.

آنگاه رشته کلام به مساله توحید ربوبیت کشیده می شود و اینکه به جز

خدای تعالی ربی نیست، چون صفاتی که رب باید داشته باشد مختص به خداست!

**هدف آیه ۱۳ تا ۱۶ سوره شوری** المیزان ج: ۱۸ ص: ۳۵

### بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر

« شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ...! »

این آیات فصل سوم از آیاتی است که وحی الهی را تعریف می‌کند. فصل اول در باره خود وحی بود و فصل دوم در باره اثرش و این فصل آن را از نظر مفاد و محتوی تعریف می‌کند.

محتوای وحی عبارت است از دین الهی واحدی که باید تمامی ابناء بشر به آن یک دین بگروند و آن را سنت و روش زندگی خود و راه به سوی سعادت خود بگیرند .

البته در این فصل به مناسبت ، این را نیز بیان می‌کند که شریعت محمدی جامع‌ترین شرایعی است که از ناحیه خدا نازل شده و نیز اختلافهایی که در این دین واحد پیدا شده از ناحیه وحی آسمانی نیست، بلکه از ناحیه ستمکاری و یاغی‌گریهایی است که عده‌ای با علم و اطلاع در دین خدا به راه انداختند و نیز در آیات این فصل فوائد دیگری است که بطور ضمنی به آنها اشاره شده است.

**هدف آیه ۱۷ تا ۲۶ سوره شوری** المیزان ج: ۱۸ ص: ۵۱

### بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی

« اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ الْمِيزَانَ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ...! »

این آیات فصل چهارمی است از آیات سوره، که وحی را تعریف می‌کند به اینکه آن دینی که به وسیله وحی نازل شده به صورت کتابی است که برای مردم نوشته شده و میزانی است که در قیامت با آن، اعمالشان سنجیده می‌شود و بر طبق آن جزاء داده می‌شوند و جزاء حسن خود نوعی رزق است، آنگاه رشته سخن به ثواب و عقابی که روز قیامت دارند کشیده شده است . در این فصل آیه مودت و آیاتی مناسب با آن نیز آمده است.

**هدف آیه ۲۷ تا ۵۰ سوره شوری** المیزان ج: ۱۸ ص: ۷۷

### تعریف دین به عنوان رزق از جانب خدا

« وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَ لَكِنْ يُنْزَلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ...! »

صدر این آیات متصل است به داستان رزق دادن خدا به بندگان. یکی از بزرگترین رزقها، دینی است که خدای سبحان در اختیار بندگان گذاشته و با در نظر داشتن این نکته گفتار این فصل داخل در گفتار فصل گذشته می‌شود که در باره وحی سخن می‌گفت و به طور کلی آیات این سوره برای بیان آن ریخته شده، بعد از هر چند آیه یکبار برگشته به همان غرض اشاره می‌کند.

آنگاه پاره‌ای از آیات و دلایل توحید را که مربوط به رزق است - مانند خلقت آسمانها و زمین، منتشر کردن جنبنندگان در آسمان و زمین، خلقت کشتی‌ها که در دریا در حرکتند، دادن فرزندان ذکور و اناث، یا یکی از آنها را به هر که بخواهد و ندادن هیچ یک از آنها را به هر که بخواهد - ذکر می‌کند!

آنگاه می‌فرماید بعضی از رزق‌ها هست که تنها در دنیا می‌دهد و به همه می‌دهد و آن رزقی است که با فنای دنیا فانی می‌شود و بعضی دیگرش مخصوص مؤمنین است که در آخرت می‌دهد و آن بهترین رزق و پایدارترین رزق است، از همین جا به مناسبت، به ذکر صفات مؤمنین منتقل شده، حسن عاقبت آنان را بیان می‌کند و نیز به اوصاف قیامت و عاقبت ستمکاران منتقل می‌شود و شرح می‌دهد که در قیامت با چه هولها و وحشت‌ها و عذابها روبرو می‌شوند.

از اینها گذشته در خلال آیات، اجمالی از پاره‌ای احکام را بیان نموده، انذار و تخویفی هم می‌کند و به حق دعوت نموده و به حقایق و معارف بسیاری اشاره می‌نماید.

**هدف آیه ۵۱ تا ۵۳ سوره شوری** میزان ج: ۱۸ ص: ۱۰۶

### تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان

« وَ مَا كَانَ لَبَشِيرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَّ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ...! »

این آیات آخرین فصلی است که خدای سبحان در این سوره در باره وحی و تعریف آن بیان نموده و در این فصل وحی و سخن گفتن خدا با بندگان را به سه قسمت تقسیم می‌کند: به وسیله وحی یا از پس پرده و حجاب و یا به وسیله ارسال رسول که به اذن خود هر چه بخواهد به آن رسول وحی می‌کند.

آنگاه می‌فرماید: پیامهای خود را به این طریق بر رسول خدا «ص» وحی می‌کند و آنچه از ناحیه خدای تعالی به آن جناب وحی شده قبل از وحی در نفس آن جناب سابقه نداشته، یعنی آن جناب به هیچ یک از معارفی که به وی وحی شده قبلاً آگاهی نداشت و این وحی است که نوری است الهی و خدای تعالی هر یک از بندگان



خود را بخواهد به این هدایت اختصاص می‌دهد و او را مورد وحی خود قرار می‌دهد و به دنبالش هر یک از بندگان را بخواهد به وسیله پیامبرش و به اذن خود هدایت می‌فرماید!

## هدف و فلسفه نزول سوره زخرف

( المیزان ج: ۱۸ ص: ۱۲۰ )

### **انذار معتقدین به فرزندخدائی و کیفر استهزا کنندگان رسولان**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! حم! وَ الْکِتٰبِ الْمُبِیْنِ! اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِیًّا لَّعَلَّکُمْ تَعْقِلُوْنَ! وَ اِنَّهُ فِیْ اُمِّ الْکِتٰبِ لَدٰیْنَا لَعَلٰی حَکِیْمٌ...! » (تا ۱۴/زخرف)

این سوره بطوری که آغاز و انجام آن و نیز مطالبی که بین این آغاز و انجام فاصله شده، جز چند آیه، شهادت می‌دهد، در مقام انذار و هشدار دادن بشر است. در این سوره این معنا را خاطر نشان می‌سازد که سنت الهی بر این جریان یافته که انبیاء و رسولانی برگزینند و کتاب و ذکری بر آنان نازل کند و هیچگاه اسراف و افراط مردم در قول و فعلشان او را از این کار باز نمی‌دارد، بلکه همواره رسولان و انبیایی فرستاده و استهزاء کنندگان و تکذیب کنندگان ایشان را هلاک نموده و سپس به سوی آتشی جاودانه سوق داده است!

در این بیان نخست مساله ارسال رسل را به طور اجمال ذکر می‌کند و سپس از بین آنان ابراهیم و سپس موسی و آنگاه عیسی «ع» را نام می‌برد و مطالبی از اسراف کفار نقل نموده، از آن جمله یکی از مهمترین گفتار آنان را که می‌گفتند خدای سبحان فرزند گرفته و ملائکه دختران او هستند ذکر می‌کند!

و این بدان جهت است که نسبت به خصوص این عقیده و رد آن عنایت داشته و به همین جهت آن را مکرر نقل می‌کند و جواب می‌گوید و گویندگان آن را به عذاب تهدید می‌کند، البته در این سوره حقایق متفرق دیگری نیز هست.

**هدف آیه ۱۵ تا ۲۵ سوره زخرف** المیزان ج: ۱۸ ص: ۱۳۱

### **رد عقاید و اقوال ملائکه پرستی کفار**

« وَ جَعَلُوْا لَهٗ مِنْ عِبَادِهٖ جُزْءًا ۗ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَکَفُوْرٌ مُّبِیْنٌ...! »

این دسته از آیات، قسمتی از اقوال و عقاید کفار را که اسراف و کفر به نعمت منشا آن بود حکایت می‌کند، مثل اینکه می‌گفتند خدا فرزند دارد و ملائکه دختران خدایند و این را دلیل بر ملائکه پرستی خود می‌گرفتند و آیات مورد بحث بعد از

حکایت این اقوال آن را رد می کند .

**هدف آیه ۲۶ تا ۴۵ سوره زخرف** المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۳۹

### بیان کیفر کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان و آیات و کتاب الهی

« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ...! »

از آنجا که رشته کلام از رسالت رسول و کفر مشرکین به رسالت و تشبث ایشان (در شرک) به ذیل تقلید از پدران و بدون هیچ دلیل دیگر انجامید، دنبالش داستان ابراهیم علیه السلام را ذکر می کند که تقلید کردن از پدر و قومش را دور انداخته، از آنچه آنان به جای خدای سبحان می پرستیدند بیزاری جست و از پروردگارش طلب هدایتی کرد که از فطرتش سرچشمه می گرفت.

بعد از نقل داستان ابراهیم این مسائل را خاطر نشان می فرماید که از چه نعمتهایی برخوردارشان کرد و آنها چگونه آن نعمت‌ها را کفران کردند و به کتاب خدا کافر شدند و در آن خرده گیریها نمودند و به فرستاده خدا طعنه‌ها زدند، طعنه‌هایی که به خودشان بر می گردد و سپس آثار اعراض از یاد خدا را ذکر می کند و عاقبت این کار را که همان شقاوت و خسران است تذکر می دهد و آنگاه عطف می کند بر آن این را که پیامبر باید برای همیشه از ایمان آوردن ایشان مایوس باشد و سپس تهدیدشان می کند به عذاب!

و به پیامبر عزیزش تاکید می کند که به قرآن تمسک جوید، چون قرآن ذکر او و ذکر قوم او است و به زودی از آن بازخواست می شوند و آنچه در قرآن است دین توحید است که همه انبیاء گذشته بر آن دین بودند!

**هدف آیه ۴۶ تا ۵۶ سوره زخرف** المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۶۱

### عبرت گرفتن کفار از سر نوشت فرعون و قوم او

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ...! »

در این آیات برایشان مثلی از داستانهای موسی علیه السلام و فرعون و قومش آورده که خدا او را با معجزات و آیات باهره اش به سوی ایشان گسیل داشت و آنان بر آن آیات خندیدند و مسخره کردند و فرعون برای قومش احتجاج کرد و به آنان خطاب نمود که من بهتر از موسی هستم، برای اینکه ملک مصر از آن من است که این نهرها از دامنه آن جاری است، با این حرفها عقل مردم را دزدید و آنان اطاعتش کردند و سرانجام کارشان و استکبارشان بدینجا کشید که خدا از ایشان انتقام گرفته غرقشان کرد .

المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۶۹

**هدف آیه ۵۷ تا ۶۵ سوره زخرف****بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع»**

« وَ لَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ...! »

بعد از آنکه در آیات قبل از اشاره به داستان موسی علیه السلام فارغ شد، اینک در این آیات به داستان عیسی علیه السلام اشاره می‌کند و قبل از هر چیز مجادله مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره عیسی علیه السلام را ذکر نموده سپس از آن پاسخ می‌دهد.

المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۷۹

**هدف آیه ۶۶ تا ۷۸ سوره زخرف****انذار از قیامت**

« هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ...! »

در این آیات دو باره به انذار قوم برگشته ، از قیامت تخویفشان می‌کند و نیز به مآل حال پرهیزکاران و مجرمین و ثواب و عقابشان در قیامت اشاره می‌فرماید.

المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۸۷

**هدف آیه ۷۹ تا ۸۹ سوره زخرف****بیان خشی شدن توطئه علیه رسول الله «ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز**

« أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ...! »

در این آیات به سخنان قبل برگشت شده و در آن کفار را در برابر اینکه علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقشه می‌کشند توبیخ نموده تهدیدشان می‌کند به اینکه خدای تعالی هم علیه ایشان کید خواهد کرد .  
و نیز در این آیات اعتقاد مشرکین را بر اینکه خدا فرزند دارد نفی نموده و بطور کلی شریک داشتن خدا را رد و ربوبیت مطلقه خدا را به تنهایی اثبات می‌کند و در آخر ، سوره را با تهدید و وعید ختم می‌کند!

**هدف و فلسفه نزول سوره دخان**

( المیزان ج : ۱۸ ص : ۱۹۵ )

**بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! وَ الْكُتُبِ الْمُبِينِ! إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَرَّكَةِ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ! فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ...! » ( ۱ تا ۸ / دخان )

غرض سوره در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن این است که می‌خواهد کسانی

را که به کتاب خدا شک دارند از عذاب دنیا و عذاب آخرت انذار کند و این غرض را در این سیاق بیان می‌کند که: قرآن کتابی است روشن که از ناحیه خدا نازل شده بر کسی که او به سوی مردم گسیل داشته، تا انذارشان کند و به این منظور نازل کرده تا رحمتی از او به بندگان باشد و در بهترین شب نازل کرده، شب قدر که در آن شب هر امری بطور خلل‌ناپذیری تقدیر می‌شود.

چیزی که هست مردم - یعنی کفار - در باره آن خود را به شک می‌اندازند و با هوی و هوس خود بازی می‌کنند و به زودی عذابی دردناک در دنیا از هر سو ایشان را احاطه می‌کند، آنگاه به سوی پروردگار خود برمی‌گردند و خداوند بعد از فصل قضا و محاسبه دقیق با عذابی جاودانه از ایشان انتقام می‌گیرد.

آنگاه برای آنان مثالی در خصوص عذاب دنیوی می‌آورد و آن داستان موسی علیه‌السلام است که به سوی قوم فرعون و برای نجات بنی اسرائیل گسیل شد و فرعونیان او را تکذیب کردند و خداوند به همین جرم در دریا غرقشان کرد.

سپس برای عذاب دومشان که آن را انکار می‌کردند، یعنی بازگشت به خدا در روز فصل قضا (قیامت) چنین اقامه حجت می‌کند که: قیامت آمدنی است، چه بخواهند و چه نخواهند!

و در آخر پاره‌ای از اخبار قیامت را و آنچه بر سر مجرمین می‌آید و آنچه از انواع عذاب به آنها می‌رسد، برشمرده، قسمتی هم از ثوابهایی را که به متقین می‌رسد که حاصل جمعش عبارت است از حیاتی طیب و مقامی کریم، بیان می‌کند!

#### هدف آیه ۹ تا ۳۳ سوره دخان المیزان ج: ۱۸ ص: ۲۰۵

### انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه هلاکت و غرق فرعونیان

«بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ...!»

بعد از آنکه در آیات قبل فرمود: قرآن کتابی است مبین که در بهترین شب بر رسول خدا «ص» نازل شد، تا رحمت خدا و اندازی از سوی وی باشد، اینک در این آیات تردید مشرکین را در حقانیت قرآن یادآور شده تهدیدشان می‌کند به عذاب دنیا و عذاب روز قیامت و به همین منظور داستان فرستادن موسی به سوی فرعون را برایشان مثل می‌آورد که فرعون و قومش او را تکذیب کردند و خدای تعالی غرقشان کرد.

و این قصه خالی از این اشاره نیست که خدای تعالی به زودی با بیرون کردن یاغیان قریش از مکه، رسولش و مؤمنین را از شر آنها نجات می‌دهد و سپس سران قریش را که به تعقیب رسول خدا «ص» و مؤمنین برمی‌خیزند هلاک می‌نماید.

## هدف آیه ۳۴ تا ۵۹ سوره دخان

المیزان ج: ۱۸ ص: ۲۱۸

### عذاب اخروی منکرین معاد

«إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ...!»

بعد از آنکه کفار را به عذاب دنیوی و سپس به عذاب اخروی انذار و تهدید کرد و در عذاب دنیوی به ماجرای قوم فرعون تمثیل جست که موسی از طرف پروردگارش به رسالت به سویشان گسیل شد و مردم او را تکذیب کردند و در نتیجه غرق گشته و منقرض شدند، اینک در این آیات به عذاب اخروی آنان پرداخته و انکار معاد را از ایشان حکایت می‌کند که معتقد بودند به اینکه بعد از مرگ اولی دیگر حیاتی نیست و آنگاه بر اثبات معاد احتجاج می‌کند و برهان اقامه می‌نماید و سپس به پاره‌ای از عذابهای آخرت که به زودی مجرمین بدان مبتلا می‌شوند و نیز به پاره‌ای از نعمت‌های دائمی که متقین به آن می‌رسند اشاره می‌کند، و در اینجاست که سوره با تذکر همان مطلبی که با آن آغاز شده بود یعنی نزول کتاب به منظور تذکر خلق و دستور به انتظار کشیدن رسول خدا «ص» خاتمه می‌یابد.

### هدف و فلسفه نزول سوره جائیه

( المیزان ج: ۱۸ ص: ۲۳۳ )

### دعوت عموم بشر به دین توحید

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...!»

(۱۳ تا ۱۴/جائیه)

غرض این سوره دعوت عموم بشر است به دین توحید، و پرهیز از عذابی که از آن انذار می‌کند.

سوره، نخست با مساله توحید آغاز می‌شود و سپس به تشریح شریعت برای رسول خدا «ص» و اینکه بر آن جناب و بر عامه بشر لازم است از آن پیروی کنند اشاره نموده، می‌فرماید: چون در پیش روی خود روزی را دارند که در آن روز بر طبق اعمال صالحی که انجام داده‌اند از ایمان و پیروی شریعت و بر طبق گناهانی که کرده‌اند از اعراض از دین و غیره محاسبه خواهند شد.

آنگاه پیشامدهایی را که هر یک از این دو طایفه در قیامت دارند ذکر می‌کند. البته در خلال این بیانات انذار شدید و تهدید سختی به مستکبرین دارد که از آیات خدا اعراض می‌کنند و نیز به کسانی که هوای نفس خود را معبود خود گرفته‌اند و

خدا آنان را گمراه کرد در عین اینکه به گمراهی خود عالم بودند ، هشدار می دهد .  
از لطائفی که در این سوره آمده بیان معنای نوشتن نامه اعمال و استنساخ آن  
است!

**هدف آیه ۱۴ تا ۱۹ سوره جاثیه** المیزان ج: ۱۸ ص: ۲۴۷

### بیان تشریح شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن

« قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ...! »

بعد از آنکه آیات و دلایل وحدانیت خدای تعالی را ذکر نمود و در ضمن آنها  
تا اندازه‌ای به مساله معاد اشاره نمود و نیز مساله نبوت را در خلال ذکر تنزیل کتاب و  
تهدید استهزاء کنندگان ذکر فرمود ، اینک در این آیات تشریح شریعت برای رسول  
خدا «ص» را ذکر می کند و برای اینکه مطلب مربوط به ما قبل شود، دو مقدمه  
می آورد:

یکی اینکه مؤمنین باید متعرض حال کفار منکر معاد نشوند، زیرا خدای  
تعالی خودش ایشان را مجازات خواهد فرمود، چون اعمال چه خوب و چه بدش مورد  
بازپرسی قرار خواهد گرفت و علت تشریح شریعت هم همین است .

دوم اینکه انزال کتاب و حکم و نبوت امری نوظهور نیست، چون خدای تعالی  
به بنی اسرائیل نیز کتاب و حکم و نبوت داد و معجزات روشنی برایشان اظهار کرد ،  
که با آن معجزات دیگر جای شکی در دین خدا باقی نماند ، چیزی که هست علمای  
بنی اسرائیل از راه ستم و یاغی‌گری در آن دین اختلاف راه انداختند که به زودی  
خدای تعالی بین آنان داوری خواهد کرد .

آنگاه بعد از ذکر این دو مقدمه مساله تشریح شریعت برای رسول خدا  
صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیان نموده و آن جناب را دستور می دهد تا از شریعت خود  
پیروی کند و از پیروی هوی و هوسهای مردم جاهل دوری نماید .

**هدف آیه ۲۰ تا ۳۷ سوره جاثیه** المیزان ج: ۱۸ ص: ۲۵۵

### بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم

« هَذَا بَصِيرَةٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ...! »

بعد از آنکه به مساله تشریح شریعت برای رسول خدا «ص» اشاره کرد و  
فرمود که آن جناب را بر شریعتی از امر یعنی شریعت اسلام قرار دادیم ، اینک در این  
آیات به این معنا اشاره می کند که شریعت اسلام بصیرتهایی برای مردم است ، که با  
آن تشخیص می دهند که چه راهی از راه‌های زندگی را طی کنند تا به حیات طیب در

دنیا و سعادت زندگی آخرت برسند و نیز شریعت اسلام هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آیات خدا یقین دارند .

و نیز به این نکته اشاره می‌کند که آنچه مرتکبین گناهان را وادار می‌کند که از پیروی شریعت سرباز زنند ، انکار معاد است ، آنها خیال می‌کنند که با افراد متشرعی که پابند به دین خدا هستند ، در زندگی و مرگ یکسانند و برای پایبندی به شریعت هیچ اثری قائل نیستند ، لذا فکر می‌کنند چرا به خاطر پیروی از شریعت خود را به زحمت اندازیم و بدون جهت مقید نموده ، بار سنگین اعمال صالح را به دوش بکشیم؟ به همین جهت خدای تعالی بر بطلان پندار آنان و اثبات معاد اقامه برهان می‌کند و سپس به شرح جزئیات پرداخته شمه‌ای از پاداشهای صالحان و عقابهای طالحان و منکرین و مجرمین را بیان نموده و سوره را با حمد و تسبیح خدا ختم می‌کند!

### هدف و فلسفه نزول سوره احقاف

( المیزان ج : ۱۸ ص : ۲۸۱ )

#### **انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...! »

(تا ۱۴/احقاف)

غرض این سوره انذار مشرکینی است که دعوت به ایمان به خدا و رسول و معاد را رد می‌کردند و این انذار مشتمل است بر عذاب الیم برای کسانی که آن را انکار نموده، از آن اعراض کنند و به همین جهت این سوره با اثبات معاد آغاز شده و در این آیات احتجاج بر یگانگی خدا و بر نبوت نیز شده و اشاره‌ای هم به هلاکت قوم هود و قریه‌های پیرامون مکه رفته است و به این وسیله مردم را انذار می‌کند .

و نیز از آمدن چند نفر از طائفه جن نزد رسول خدا «ص» خبر می‌دهد که بعد از شنیدن آیاتی از قرآن به آن جناب ایمان آورده ، به نزد قوم خود بازگشتند ، تا ایشان را انذار کنند .

#### هدف آیه ۱۵ تا ۲۰ سوره احقاف

المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۰۴

#### **بیان تقسیم مردم به دو دسته : تأئین و خاسرین، و بیان عملکرد آنان**

« وَ وَصَيْنَا الْاِنْسَانَ بُولَدِيهِ اِحْسَانًا حَمَلَتْهُ اُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ وَاِصْلُهُ تَلْتُونَ شَهْرًا حَتَّى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَ بَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اُشْكِرَ

نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وِلْدَتِي وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ...!»

در این فصل از آیات به طور مفصل شرح می‌دهد و می‌فرماید: مردم دو دسته‌اند: یک دسته تائبین هستند که همواره به سوی خدا رجوع دارند و در برابر او تسلیمند و ایشان کسانی‌اند که اعمال نیکترشان قبول می‌شود و از گناهانشان در می‌گذرند و جزو اصحاب جنتند.

دسته دیگر خاسران و زیانکارانند که همان سرنوشتی که امت‌های گذشته از جن و انس بدان گرفتار شدند در باره اینان نیز حتمی شده است .

آنگاه طائفه اول را به کسی مثل زده که ایمان به خدا دارد و تسلیم او و نیکوکار به والدین خویش است و همواره از خدا می‌خواهد تا شکر بر نعمتهایش را به او الهام کند ، نعمتهایی که به خودش داده و نعمتهایی که به پدر و مادرش ارزانی داشته و نیز می‌خواهد که عمل صالح و اصلاح ذریه‌اش را به وی الهام کند!

و طائفه دوم را به کسی مثل زده که عاق پدر و مادرش باشد ، وقتی او را به سوی ایمان به خدا و روز جزاء می‌خوانند می‌گوید: این حرفها جزو خرافات کهنه و قدیمی است و به این اکتفاء ننموده پدر و مادر را تهدید می‌کند که دیگر از این حرفها نزنند .

#### هدف آیه ۲۱ تا ۲۸ سوره احقاف

المیزان ج : ۱۸ ص : ۲۱۹

#### بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن

« وَ اذْكُرْ اٰخَا عَادٍ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْاَحْقَافِ وَ قَدْ خَلَّتِ النَّذْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اللّٰهَ اِنِّيْ اَخَافُ عَلَیْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ...! »

در این آیات به دو داستان اشاره می‌کند: یکی از قوم عاد و هلاکت ایشان و در ضمن اشاره به هلاکت قرای پیرامون مکه و یکی هم از ایمان آوردن قومی از جن ، که خدای تعالی به سوی رسول خدا «ص» متوجهشان کرد و با شنیدن قرآن ایمان آوردند و برای انذار به سوی قوم خود برگشتند .

و منظور از نقل این دو داستان این است که هر کس بخواهد از سرگذشت آنان عبرت بگیرد و آیات فوق تنها مربوط به داستان اول است.

#### هدف آیه ۲۹ تا ۳۵ سوره احقاف

المیزان ج : ۱۸ ص : ۲۲۷

#### مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران

« وَ اِذْ صَرَفْنَا اِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُوْنَ الْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْا اُنصِتُوْا



فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ...!»

این آیات داستان دومی را بعد از داستان قوم عاد بیان می‌کند تا امت اسلام از آن عبرت گیرد، اگر بگیرد و در این آیات به مشرکین طعنه می‌زند که چگونه به آن جناب و به کتابی که بر او نازل شده کفر ورزیدند با اینکه کتاب مزبور به زبان خود آنان نازل شده و خوب می‌دانند آیتی معجزه است و با این حال آن را از نوع کتابهای بشری معرفی می‌کنند و به آن کتابها تشبیه می‌نمایند و با اینکه جن وقتی بدان گوش فرا دادند ایمان آوردند و به سوی قوم خود برگشتند تا آنان را هم انداز کنند .

### **هدف و فلسفه نزول سوره محمد «ص»**

( المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۳۶ )

#### **مقایسه بین صفات و آثار صفات مومنین و کافرین، و بیان احکام جهاد**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلُهُمْ...! »

( ۱ تا ۶ / محمد )

این سوره کفار را به اوصاف خبیثه و اعمال زشتی که از خصائص ایشان است توصیف می‌کند و مؤمنین را با صفات طیب و اعمال نیکی که دارند می‌ستاید ، آنگاه آثار صفات مؤمنین را که نعمت و کرامت است و آثار صفات کفار را که نقت و خواری است، بر می‌شمارد.

و خلاصه در این سوره بین دو طائفه مقایسه شده، هم بین صفات و اعمالی که در دنیا دارند و هم بین آثاری که در آخرت مترتب بر اعمال آنان می‌شود .  
و در این میان بعضی از احکام جهاد و قتال را بیان می‌کند.

**هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره محمد** المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۴۵

#### **وعده نصرت در جهاد**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أقدَامَكُمْ...! »

سیاق این آیات همان سیاقی است که آیات قبل داشتند.

**هدف آیه ۱۶ تا ۳۲ سوره محمد** المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۵۳

#### **بیان وصف منافقان و بیمار دلان**

« وَ مِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا

قَالَ إِنَّمَا أَنتَ الَّذِي طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ...! »

سیاق این آیات طبق سیاق آیات قبلی جریان یافته و در آن متعرض حال کسانی

شده که منافق و بیمار دلند و بعد از ایمان به کفر برمی گردند .

المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۷۰

هدف آیه ۳۳ تا ۳۸ سوره محمد

### هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ...! »

خدای تعالی بعد از آنکه حال کفار را بیان کرد و بیان حال بیماردلان و ثناقل آنان در امر قتال و حال مرتدین ایشان را بر آن بیان اضافه کرد، اینک در این آیات روی سخن را به مؤمنین برگردانده و بر حذرشان می دارد از اینکه مثل آن کفار و آن منافقین و آن مرتدین باشند و با مشرکین سازش نموده به سوی آنان متمایل شوند، در نتیجه تابع روشی شوند که خدا را به خشم می آورد و یا همانند منافقان از خوشنودی خدا کراهت داشته باشند و در نتیجه عملشان حبط گردد .

البته در این آیات ایشان را با ترغیب و ترهیب و تطمیع و تخویف ، موعظه هم می کند و با این بیانات سوره خاتمه می یابد.

### هدف و فلسفه نزول سوره فتح

( المیزان ج : ۱۸ ص : ۳۷۷ )

#### وعده فتح مبین، و بیان شرح سفر رسول الله «ص» منجر به صلح حدیبیه

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا...! » ( ۱ تا ۷ / فتح )

مضامین آیات این سوره با فصول مختلفی که دارد انطباقش بر قصه صلح حدیبیه که در سال ششم از هجرت اتفاق افتاد روشن است و همچنین با سایر وقایعی که پیرامون این قصه اتفاق افتاد، مانند داستان تخلف اعراب از شرکت در این جنگ و نیز جلوگیری مشرکین از ورود مسلمانان به مکه و نیز بیعتی که بعضی از مسلمانان در زیر درختی انجام دادند که تاریخ و روایات، تفصیل آنها را آورده اند.

پس غرض سوره بیان منتهی است که خدای تعالی به رسول خدا نهاده و در این سفر فتحی آشکار نصیبش فرموده و نیز منتهی که بر مؤمنین همراه وی نهاده و مدح شایانی است که از آنان کرده و وعده جمیلی است که به همه کسانی از ایشان داده که ایمان آورده و عمل صالح کرده اند!

**هدف آیه ۸ تا ۱۰ سوره فتح**

المیزان ج: ۱۸ ص: ۴۰۷

**تعظیم و تکریم رسول الله «ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر**

« إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً...! »

این چند آیه، فصل دوم از آیات سوره است که در آن خدای سبحان پیامبر خود را از در تعظیم و تکریم چنین معرفی می‌کند که او را به عنوان شاهد و مبشر و نذیر فرستاده، اطاعت او اطاعت خدا و بیعت با او بیعت با خدا است!

**هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره فتح**

المیزان ج: ۱۸ ص: ۴۱۳

**بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه**

« سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلِسِتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيراً...! »

این آیات فصل سومی است از آیات سوره و در آن متعرض حال عربهایی است که از یاری رسول خدا «ص» تقاعد ورزیدند و در سفر حدیبیه شرکت نکردند و به طوری که گفته‌اند آنها اعراب و قبائل اطراف مدینه بودند، یعنی جهینه، مزینه، غفار، اشجع، اسلم و دئل که از امر آن جناب تخلف کرده و گفتند: محمد و طرفدارانش به جنگ مردمی می‌روند که دیروز در کنج خانه خود به دست ایشان کشته دادند و بطور قطع از این سفر بر نمی‌گردند و دیگر دیار و زن و فرزند خود را نخواهند دید.

خدای سبحان در این آیات به رسول گرامی‌اش خبر داد که اینان به زودی تو را می‌بینند و از نیامدنشان اعتذار می‌جویند که سرگرم کارهای شخصی و رسیدگی به اهل و به مالها بودیم و از تو می‌خواهند برایشان طلب مغفرت کنی، ولی خدا آنان را در آنچه می‌گویند تکذیب می‌کند و تذکر می‌دهد که سبب نیامدنشان، چیزی است غیر از آنچه که اظهار می‌کنند و آن سوء ظنشان است و خبر می‌دهد که به زودی درخواست می‌کنند تا دوباره به تو بپیوندند و تو نباید بپذیری، چیزی که هست به زودی دعوتشان خواهی کرد به جنگ قومی دیگر، اگر اطاعت کردند که اجری جزیل دارند و گر نه عذابی دردناک در انتظارشان هست!

**هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره فتح**

المیزان ج: ۱۸ ص: ۴۲۲

**بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان بعد از صلح حدیبیه و وعده پیروزی آتی**

« لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيباً...! »

این آیات فصل چهارم از آیات سوره است که در آن شرحی از مؤمنین که با رسول خدا «ص» به حدیبیه رفتند ذکر نموده و رضایت خود را از آنان که با آن جناب در زیر درخت بیعت کردند اعلام می‌دارد آنگاه بر آنان منت می‌گذارد که سکینت را بر قلبشان نازل کرده و به فتحی قریب و غنیمت‌هایی بسیار نویدشان می‌دهد و نیز خبری که در حقیقت نویدی دیگر است می‌دهد که مشرکین اگر با شما جنگ کنند فرار خواهند کرد، به طوری که پشت سر خود را نگاه نکنند.

و می‌فرماید آن رؤیایی که در خواب به پیامبرش نشان داد رؤیای صادقه بود و بر حسب آن، به زودی داخل مسجد الحرام خواهند شد، در حالی که ایمن باشند و سر خود را بتراشند، بدون اینکه از کسی واهمه‌ای کنند، چون خدا رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده تا دین حق را بر همه ادیان غلبه دهد، هر چند که مشرکین کراهت داشته باشند!

**هدف آیه ۲۹ سوره فتح** المیزان ج: ۱۸ ص: ۴۴۵

**توصیف رسول الله و مومنین به «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!»**

«مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا!»

این آیه خاتمه سوره است و پیامبر را توصیف می‌کند و نیز آنهایی را که با اویند به اوصافی می‌ستاید که در تورات و انجیل ستوده و مؤمنین را که عمل صالح انجام داده‌اند وعده جمیل می‌دهد .

این آیه متصل به آیه قبل است، چون در آن آیه می‌فرمود که او رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است.

## **هدف و فلسفه نزول سوره حجرات**

( المیزان ج: ۱۸ ص: ۴۵۳ )

**بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ...!» (تا ۱۰/حجرات)

این سوره مشتمل بر مسائلی از احکام دین است ، احکامی که با آن سعادت زندگی فردی انسان تکمیل می‌شود و نظام صالح و طیب در مجتمع او مستقر می‌گردد .

بعضی از آن مسائل ادب جمیلی است که باید بین بنده و خدای سبحان رعایت شود و پاره‌ای آدابی است که بندگان خدا باید در مورد رسول خدا «ص» رعایت کنند ، که در پنج آیه اول سوره آمده است.

بعضی دیگر آن، احکام مربوط به مسائلی است که مردم در برخورد با یکدیگر در مجتمع زندگی خود باید آن را رعایت کنند .

قسمتی دیگر مربوط به برتری‌هایی است که بعضی افراد بر بعض دیگر دارند و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه مدنی انسان با آن منتظم می‌شود و انسان را به سوی زندگی توأم با سعادت و عیش پاک و گوارا هدایت می‌کند و با آن بین دین حق و باطل فرق می‌گذارد و می‌فهمد کدام دین حق است و کدام از سنن اجتماعی قومی است!

و در آخر، سوره را با اشاره به حقیقت ایمان و اسلام ختم نموده ، بر بشریت منت می‌گذارد که نور ایمان را به او افاضه فرموده است .

المیزان ج : ۱۸ ص : ۴۷۹

### هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره حجرات

#### بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّغَابِ بِحِسِّ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ...! »

بیان احکام مربوط به روابط اجتماعی و اخلاقی اسلام از قبیل نفی استهزا و دشنام و غیره.

### هدف و فلسفه نزول سوره ق

( المیزان ج : ۱۸ ص : ۵۰۲ )

#### بررسی مسئله معاد

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ق! وَالْقُرْءَانَ الْمَجِيدِ! بَلْ عَجِبُوا أَن جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ...! » (۱/۱۴ق)

این سوره مساله دعوت اسلام را بیان می‌کند و به آنچه در این دعوت است اشاره می‌کند، یعنی انذار به معاد و انکار مشرکین به معاد و تعجیبی که از آن داشتند

که بعد از مردن و بطلان شخصیت آدمی و خاک شدنش چگونه دوباره زنده می‌شود و به همان صورت و وضعی که قبل از مرگ داشت برمی‌گردد؟ آنگاه تعجب آنان را رد می‌کند به این که علم الهی محیط به ایشان است و کتاب حفیظ که هیچ یک از احوال خلقت و هیچ حرکت و سکون آنها - چه خردش و چه کلانش - از قلم آن کتاب نیفتاده نزد او است. آنگاه این منکرین را تهدید می‌کند به اینکه اگر به راه نیایند بر سرشان همان خواهد آمد که بر سر امت‌های گذشته و هلاک شده آمد.

و آنگاه برای بار دوم باز به علم و قدرت خدای تعالی پرداخته از راه تدبیری که در خلقت آسمانها و آراستن آن با ستارگان بی حرکت و با حرکت و تدابیر دیگری که به کار برده و نیز تدبیری که در خلقت زمین به کار برده و آن را گسترده و کوههای ریشه دار در آن جایگزین ساخته گیاهان نر و ماده در آن رویانیده و نیز به اینکه آب را از آسمان فرستاده و آرزاق بندگان را تامین نموده و زمین را با آن آب زنده کرده است، علم و قدرت او را اثبات می‌کند.

و نیز به همین منظور به بیان حال انسان می‌پردازد که از اولین روزی که خلق شده و تا زنده است در تحت مراقبت شدید و دقیق قرار دارد، حتی یک کلمه در فضای دهانش نمی‌آورد و از این بالاتر یک خاطره را در دلش خطور نمی‌دهد و نفسش آن را وسوسه نمی‌کند، مگر آنکه همه‌اش را ثبت می‌کنند!

و آنگاه بعد از آنکه مرد با او چه معامله می‌شود و بعد از زنده شدنش برای پس دادن حساب، همچنان در تحت مراقبت هست تا آنکه از حساب فارغ شود، یا به آتش در آید اگر از تکذیب کنندگان حق باشد و یا به بهشت و قرب پروردگار اگر از متقین باشد.

و کوتاه سخن آنکه: زمینه گفتار در این سوره مساله معاد است و یکی از آیات برجسته آن آیه: «لقد کنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید!» و یکی دیگر آیه: «یوم نقول لجهنم هل امتلات و تقول هل من مزید!» و یکی هم آیه: «لهم ما یشاؤن فیها و لدینا مزید!» است.

و در این آیاتی که نقل کردیم به طور اجمال به مساله معاد و اینکه مشرکین آن را امری بعید می‌پنداشتند اشاره شده و نخست جوابی اجمالی با تهدید می‌دهد و سپس به طور مفصل از آن جواب داده، باز برای بار دوم تهدید می‌کند.

آیه اولی از این آیات تتمه حجتی است که در آخر آیات قبلی بر علم و قدرت خدای تعالی اقامه کرده بود و آن حجت عبارت بود از خلقت آسمانها و زمین و آنچه در آن دو از خلائق و تدابیر است، آن تدبیرهایی که کاملترین تدبیرها و تمامترین تدبیرها است!

همه این مذکورات مربوط می‌شد به خلقت نخستین و نشاه نخستین، آنگاه این حجت را تکمیل کرد با اشاره به این جهت که: آیا مگر ما از آن خلقت نخستین خسته شدیم؟ و از آن نتیجه می‌گیرد که آن خدایی که قادر بود عالم را بدون الگو و برای اولین بار خلق کند، قادر است که در نشاه‌ای دیگر با خلقتی جدیدش بیافریند، و همان علمی که در خلقت نخستین داشت، در خلقت دوم نیز دارد، چون هر دو در خلقت مثل همه، وقتی برایش یکی از این دو خلقت ممکن باشد، دومی هم ممکن است و برای خلقت دومش مانند اولش نمونه‌ای نمی‌خواهد، جز اینکه بگوید باش و همین کافی است که عالم بار دیگر موجود شود! آنگاه از بیان گذشته اعراض می‌کند و می‌فرماید: با اینکه هر دو خلقت مثل هم است، باز هم در باره خلقت جدید در شکند؟!

سپس اشاره می‌کند به خلقت نخستین انسان و اینکه خدا حتی خطورات قلبی او را می‌داند و رقبائی بر او گمارده تا با دقیقترین وجه مراقبتش کنند، آنگاه سكرات مرگ او را می‌گیرد و بعد از آن یا داخل بهشت می‌شوند و یا داخل آتش .  
بعد برای بار دوم به سرگذشت اقوام گذشته که آیات خدا و معاد را تکذیب کردند و دچار خشم الهی و عذاب انقراض گشتند، با اینکه از شما مردم نیرومندتر بودند، اشاره نموده، می‌فرماید: همان خدایی که آنان را آنطور کیفر داد قادر است شما را نیز کیفر کند!

هدف آیه ۳۹ تا ۴۵ سوره ق المیزان ج: ۱۸ ص: ۵۳۹

### توصیه رسول الله «ص» به صبر در مقابل گفتار کفار و تذکر مومنان به قرآن

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ...!»

این آیات خاتمه سوره است، که در آن رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد که در برابر آنچه می‌گویند و نسبتهایی که می‌دهند - مثلاً می‌گویند سحر و جنون و شعر است - صبر کن! و نیز در مقابل لجبازیها و استهزایی که نسبت به معاد و برگشتن به سوی خدای تعالی دارند، حوصله به خرج ده و پروردگار خود را با تسبیح عبادت کن و منتظر روز قیامت باش که با یک صیحه آغاز می‌شود و کسانی را که از خدای ندیده می‌ترسند با قرآن تذکر بده!

## هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات

(المیزان ج: ۱۸ ص: ۵۴۴)

### دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الذَّرِيَّتِ ذُرُوءاً! فَالْحَمِلَتِ وِفْراً! فَالْجَرِيَّتِ يُسْراً! فَالْمَقْسَمَتِ أَمْراً! إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ! وَإِنَّ الدِّينَ لَوَقْعٌ...! » (۱۹ تا ۱۹ ذاریات)

دعوت پیامبر اسلام همواره لبه تیزش به طرف وثنیت بود، که ایشان را به توحید در ربوبیت می خواند و می خواست به آنها بفهماند که خدای تعالی تنها رب آنان و رب تمامی عالم است!

این دعوتش از دو طریق بود، یکی از راه بشارت و نوید و یکی از راه انذار و تهدید که مخصوصا بر این انذار بیشتر تکیه داشت و انذارش به دو چیز بود: یکی عذاب دنیا که اقوام و ملل گذشته را به جرم تکذیب منقرض ساخت و یکی هم عذاب آخرت که عذابی است جاودانه! و در پیشبرد دعوت، همین انذار مؤثر و عمده بود، چون اگر حساب و جزای روز قیامت نباشد، ایمان به وحدانیت خدا و نبوت انبیاء لغو و بی اثر است! همچنان که مشرکین به همین منظور خدای آسمان و زمین را با خدایان دروغین معاوضه کردند و شدیداً با اصول سه گانه توحید و نبوت و معاد مخالفت و انکار می ورزیدند .

آری می خواستند با انکار معاد و اصرار در اینکه چنین چیزی نیست و مسخره کردن آن به هر راهی که ممکن باشد خود را از قید و بند آزاد کنند، چون آنها هم این قدر می فهمیدند که اگر بتوانند اصل سوم یعنی معاد را باطل کنند آن دو اصل دیگر خود به خود باطل می شود .

این سوره متعرض مساله معاد و انکار مشرکین نسبت به آن است و با این مساله ختم می شود .

اما نه از این جهت که خود معاد را اثبات کند، همچنان که در مواردی از کلام مجیدش، معاد بدان جهت که معاد است مورد نظر قرار گرفته، بلکه از این جهت متعرض آن شده که روز جزاء است و کسی که وعده آن را داده خدای تعالی است و خدای تعالی هم یگانه رب ایشان است و وعده او صدق است و در آن شکی نیست .

و به همین منظور وقتی رشته کلام به احتجاج بر مساله معاد می کشد، بر مساله توحید احتجاج می کند و آیات بیرونی - از زمینی و آسمانی - و آیات درونی را



به رخ می‌کشد .

و عذابهایی که با آن عذابها امت‌های گذشته را به دنبال دعوت به توحید عقوبت کرد - وقتی دعوت انبیا را نپذیرفتند و نبوتشان را تکذیب کردند - ذکر می‌کند و این نیست مگر برای همین منظور که با اثبات توحید ، روز جزاء را که خدای واحد وعده داده اثبات کند ، خدایی که هرگز خلف وعده نمی‌کند ، از سوی دیگر روز جزاء را اثبات کند که دعوت نبویه از آن خبر داده (دعوتی که هرگز دروغ و فریب در آن وجود ندارد!) تا در نتیجه راهی برای انکار معاد برایشان باقی نماند و نتوانند از راه انکار معاد مساله توحید و نبوت را هم لغو جلوه دهند، که بیانش گذشت. این سوره هر چند همه آیاتش برجسته است ، اما یکی از برجسته‌ترین آیاتش آیه شریفه: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون!» است.

و این نوزده آیه‌ای که از اول سوره در اینجا آوردیم، در حقیقت آغاز گفتار است و در آن خاطر نشان می‌سازد این وعده‌ای که داده شده‌اند وعده‌ای است حق و صدق و انکارشان نسبت به آن و لجبازیشان در انکار آن به جز تخمین و احتمال دلیلی ندارد، آنگاه به توصیف روز جزاء می‌پردازد که متقین در آن روز چه وصفی دارند، و منکرین چه حالی .

المیزان ج : ۱۸ ص : ۵۵۷

### هدف آیه ۲۰ تا ۵۱ سوره ذاریات

#### بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور

« وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ...! »

این آیات به تعدادی از نشانه‌های دلالت کننده بر وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و نیز برگشت امر تدبیر در آسمان و زمین و مردم و ارزاق آنان به خدای سبحان، اشاره می‌کند که لازمه آن این است که چنین خدایی می‌تواند از طریق رسالت، دینی را بفرستد و نه تنها می‌تواند بلکه واجب است که بفرستد و لازمه این وجوب آن است که بر خلایق هم لازم است که دعوت نبوی را در آنچه که دین او متضمن آن است از وعده بعث و جزا تصدیق کنند و قبول کنند که آنچه آن حضرات وعده می‌دهند صدق است و دین که همان روز جزا است واقع شدنی است! خصوصیت این سوره همین است که در سلوک احتجاج بر اثبات معاد ، به توحید نیز می‌پردازد.

المیزان ج : ۱۸ ص : ۵۷۷

### هدف آیه ۵۲ تا ۶۰ سوره ذاریات

#### تهدید منکرین معاد به روز موعود

« كَذَّبِكَ مَا اتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ...! »

این آیات خاتمه سوره است و در آن به همان مطالبی که سوره با آن آغاز شده بود برگشت شده، که همان انکار معاد مشرکین و معارضه با مقام رسالت با سخنانی مختلف بود و سپس ایشان را به روز موعود تهدید می‌کرد.

## **هدف و فلسفه نزول سوره طور**

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۳)

### **تهدید و انذار انکار کنندگان آیات الهی و بیان کیفر و پاداش روز قیامت**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالطُّورِ! وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ...!» (۱ تا ۱۰/طور)

غرض این سوره تهدید و انذار کسانی است که هر آیتی را تکذیب نموده و همواره با حق عناد می‌ورزند و می‌خواهد اینگونه کفار را به عذابی که برای روز قیامتشان آماده کرده بیم دهد و به همین منظور با سوگندهایی غلیظ، از وقوع چنین عذابی و تحقق آن در قیامت خبر می‌دهد و می‌فرماید: عذاب آن روز، ایشان را رها نخواهد کرد تا بر آنان واقع شود و هیچ گریزی از آن ندارند.

سپس پاره‌ای از صفات آن عذاب و آن ویل را که عذابی است عمومی و جدا ناشدنی بیان می‌کند و در مقابل، قسمتی از نعمتهای اهل نعیم آن روز را که همان متقین هستند شرح می‌دهد، همانهایی که در دنیا در میان اهل خود به شفقت رفتار می‌کردند و خدا را به ایمان می‌خواندند و به یکتایی می‌ستودند.

و آنگاه شروع می‌کند به توبیخ مکذبین، که نسبت‌های ناروایی به رسول خدا «ص» و به قرآن و دین حقی که بر آن جناب نازل شده می‌دادند.

در پایان، سوره را با تکرار همان تهدیدها ختم نموده، رسول گرامی خود را دستور می‌دهد به اینکه پروردگار خود را تسبیح گوید!

المیزان ج: ۱۸ ص: ۵۷۷

### **هدف آیه ۱۱ تا ۲۸ سوره طور**

#### **بیان نشانه عذاب شوندگان روز قیامت**

«قَوْلٌ لَّيْلٌ يُؤْمَتُّ لِّلْمُكْذِبِينَ...!»

این آیات نشانه کسانی را که این عذاب بر سرشان می‌آید بیان می‌کند، عذابی که در آن و در وقوعش هیچ شکی نمی‌توان کرد و حال آن اشخاص را در آن روز بیان می‌کند و غرض اصلی این سوره همین است - همچنان که قبلا هم خاطر نشان کردیم - اما اینکه در این میان نامی هم از متقین می‌برد و شرح حالی از آنان بیان می‌کند از باب تطفل است و می‌خواهد انذار و تهدید کفار را تاکید کند.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۵

هدف آیه ۲۹ تا ۴۴ سوره طور

**بیان صلاحیت دعوت رسول الله «ص» و دستور ادامه دعوتش**

«فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ...!»

بعد از آنکه از عذاب روز قیامت خبر داد که به زودی تکذیب کنندگان آیات خدای را خواهد گرفت، در حالی که مردم متقی در بهشتها با چشمی روشن و دلی خرسند قرار دارند، اینک در این آیات به رسول گرامیش دستور می‌دهد دعوت خود را همچنان ادامه دهد و تذکر خود را متوقف نسازد و اشاره می‌کند به اینکه آن جناب صلاحیت اقامه دعوت حقه را دارد و این تکذیب کنندگان در تکذیب او و رد دعوتش هیچ عذری ندارند و آنچه را که عذر برای آنان تصور می‌شود همه را نفی کرده و آن عذرها، شانزده عذر است که بعضی از آنها مربوط به رسول خدا «ص» است، که اگر موجه باشد معنایش این است که: آن جناب صلاحیت برای پیروی ندارد، عذرهایی است که از قبول سخن او جلوگیری می‌کند، مانند اینکه آن جناب کاهن، یا جن زده یا شاعر و یا دروغ‌پرداز بر خدا باشد و یا خواسته باشد با دعوتش مردم را سرگرم کند و قسمتی دیگر از آنها مربوط به خود تکذیب کنندگان است، مثل اینکه ایشان بدون خالق به وجود آمده باشند و یا خود، خالق خویشتن باشند و یا عقلشان حکم کند به اینکه باید دعوت آن جناب را تکذیب کنند و از این قبیل عذرهایی دیگر و آیات مورد بحث علاوه بر رد این اعذار، کفار را بر تکذیبشان شدیداً توبیخ می‌کند.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۳۴

هدف آیه ۴۵ تا ۴۹ سوره طور

**دستور صبر در حکم پروردگار و بی‌اعتنائی به مکذبین**

«فَذَرَهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ...!»

این آیات، سوره را ختم می‌کند و در آن رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد که مکذبین را به حال خودشان واگذارد و متعرض ایشان نشود و در برابر حکم پروردگار خود صبر کند و او را با حمد تسبیح گوید!

و در عین حال در بین این مطالب مکذبین را تهدید می‌کند به همان عذابی که در آغاز سوره با آن تهدید می‌کرد و آن عبارت بود از عذابی واقع که دافعی برایش نیست و در این آیات، یک تهدید دیگر هم بر آن تهدید اضافه کرده برای ستمکاران!

## هدف و فلسفه نزول سوره نجم

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۳۹)

### یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ...! » (تا ۱۸/نجم)

غرض این سوره یادآوری اصول سه گانه اسلام، یعنی وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت، معاد و نبوت است، ولی اول به مساله نبوت پرداخته، وحیی را که به رسول خدا «ص» شده تصدیق و توصیف نموده، آنگاه متعرض مساله توحید می شود و بتها و شرکای مشرکین را به بلیغ ترین وجهی نفی می کند، آنگاه به مساله سوم پرداخته و وضع منتهی شدن خلقت و تدبیر عالم به خدای تعالی و زنده کردن مردگان و خندانند و گریاندن و اغناء و اقناء و تعذیب و دعوت و انذار را توصیف نموده، گفتار را با اشاره به مساله معاد و امر به سجده و عبادت ختم می کند.

آیاتی که از این سوره آورده ایم فصل اول از فصول سه گانه آیات سوره است آیاتی است که وحیی را که به رسول خدا «ص» می شود تصدیق و توصیف می کند، لیکن در اینجا روایات بسیار زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام صادر شده که به صراحت فرموده اند: مراد از این آیات این نیست که مطلق وحی را بیان و توصیف کند، بلکه مراد بیان یک قسم وحی است و آن وحی بطور مشافهه و رو در رو است، که در شب معراج خدای سبحان با رسول گرامیش داشت .

پس این آیات می خواهد داستان معراج را بیان کند و ظاهر آیات هم خالی از تایید این روایات نیست و از کلمات بعضی از اصحاب از قبیل ابن عباس و انس و ابی سعید خدری و غیر ایشان - به طوری که از ایشان نقل شده - نیز همین معنا استفاده می شود و بنا بر همین معنا گفتار مفسرین جریان یافته، هر چند که در تفسیر مفردات و جملات این آیات اختلافی شدید دارند .

المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۸

هدف آیه ۱۹ تا ۳۲ سوره نجم

### بیان مسئله بت ها و نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس بت پرستی

« أَقْرَأَيْتُمُ اللَّتَّ وَالْعُزَّىٰ...! »

این آیات قسمتی از آیات فصل دوم سوره است، که گفتیم در سه فصل خلاصه می شود، خدای تعالی در این آیات به مساله بتها و بت پرستی ها پرداخته به شدیدترین وجه ریشه این ادعا را می زند که بتها به زودی ایشان را شفاعت می کنند

و در این آیات اشاره‌ای هم به مساله معاد که از مطالب فصل سوم سوره است دارد .

**هدف آیه ۳۳ تا ۶۲ سوره نجم** المیزان ج : ۱۹ ص : ۷۰

### بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا

« أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى...! »

سیاق نه آیه از آیات اول این فصل روایاتی را که در شان نزول وارد شده تصدیق می‌کند در آن روایات آمده که مردی از مسلمانان اموال خود را در راه خدا انفاق کرد، مردم او را سرزنش کردند که انفاق در راه خدا هم حدی دارد و او را از فنای مالش زنده کرده و از گرفتار شدن به فقر ترساندند و به او که زیر بار نمی‌رفت گفتند: اگر ترک انفاق گناه داشت به گردن ما ، آن مرد هم پذیرفت و دیگر انفاق نکرد و به مناسبت این واقعه آیات نه‌گانه مذکور نازل شد.

در این آیات حق مطلب در مساله ربوبیت و الوهیت را روشن کرده می‌فرماید: خلقت و تدبیر تنها از آن خدا است و تمامی آن به خدا منتهی می‌شود و خدای سبحان هر چه خلق کرده و تدبیر نموده طوری خلق و تدبیر کرده که نشانه‌ای دیگر را دنبال داشته باشد، تا در آن نشانه جزای کافر و مؤمن و مجرم و متقی را بدهد و لازمه چنین خلقتی تشریح دین است، باید بندگان را به تکالیفی مکلف کند و کرده و شاهدش هم همین است که امت‌های گذشته را که یکی پس از دیگری آمدند و زیر بار دین و تکالیف او نرفتند هلاک کرد ، مانند قوم نوح و عاد و ثمود و مؤتفکه!

آنگاه بعد از نقل این داستانها از صحف انبیای گرامی خاطر نشان کرده که این نذیر - رسول خدا «ص»- هم از همان نذیران امت‌های گذشته است و اینکه قیامت نزدیک است و سپس در آخر سوره روی سخن را متوجه به ایشان نموده که برای خدا سجده و عبادت کنید .

از جمله آیات برجسته این سوره آیه شریفه: « و ان الی ربک المنتهی! » و آیه شریفه: « و ان لیس للانسان الا ما سعی! » است.

### هدف و فلسفه نزول سوره قمر

( المیزان ج : ۱۹ ص : ۸۷ )

#### بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ...! » ( تا ۸/قمر )

این سوره به جز دو آیه از آخرش که متقین را وعده بهشت و حضور در نزد

خدای تعالی می‌دهد بقیه آیاتش یکسره مربوط به انذار و تهدید است، نخست در این سوره به معجزه شق القمر اشاره می‌کند، که رسول خدا «ص» آن را به خاطر مطالبه قومش آورد و سپس می‌فرماید که: همان قوم او را ساحر خواندند و نبوتش را تکذیب نموده همچنان هواهای نفسانی را پیروی کردند، با اینکه خبرهای تکان دهنده‌ای از اخبار روز قیامت و از داستانهای امم منقرضه در گذشته بگوششان خورد.

آنگاه دوباره به نقل پاره‌ای از آن داستانها بر می‌گردد، اما پیدا است که با خشم و عتاب آنها را نقل می‌کند و بد حالیشان در روز قیامت هنگام بیرون شدن از قبرها و حضورشان را برای حساب خاطر نشان می‌سازد.

سپس به داستانهایی از قوم نوح، عاد، ثمود، قوم لوط و دودمان فرعون و عذابهای دردناکی که به خاطر تکذیبشان پیامبران را بر سر آنان آمد، پرداخته، می‌فرماید: قوم پیامبر اسلام نزد خدا عزیزتر از آنان نیستند و ایشان هم مانند آنها نمی‌توانند خدا را عاجز سازند و در آخر همانطور که گفتیم سوره را با بشارت به متقین ختم می‌کند.

از جمله آیات برجسته‌اش آیات راجع به قدر است که در آخر سوره قرار دارد!

**هدف آیه ۹ تا ۴۲ سوره قمر** المیزان ج: ۱۹ ص: ۱۰۶

### اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده

«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَ قَالُوا مَجْنُونٌ وَ اِذْ جَرَّ...!»

در این آیات به پاره‌ای از حوادث گذشته که در آن اندرز هست اشاره شده و از میان این دسته از اخبار سرگذشت قوم نوح و عاد و ثمود و قوم لوط و آل فرعون را اختصاص به ذکر داد و مشرکین عرب را با یاد آن اقوام تذکر داد و بار دیگر اجمالی از آنچه سابقاً از وضع آنان و سرانجام امرشان بیان کرده بود تذکر می‌دهد، تا بدانند در اثر تکذیبشان به آیات خدا و فرستادگان او چه عذاب الیم و عقاب‌هایی در پی دارند، تا آیه شریفه «و لقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر!» را بیان کرده باشد.

و به منظور اینکه تقریر داستانها و نتیجه‌گیری از آنها را تاکید کرده باشد و شنوندگان بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته و این اندرزها بیشتر در دلها جای‌گیر شود، دنبال هر یک از قصه‌ها این جمله را تکرار کرد که: «فکیف کان عذابی و نذرا!» و همین تاکید را با ذکر غرض از انذار و تخویف دو برابر نموده، فرمود: «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر!»

المیزان ج: ۱۹ ص: ۱۳۶

هدف آیه ۴۳ تا ۵۵ سوره قمر

**عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت**

«أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ...!»

این آیات به منزله نتیجه گیری از مطالب و اخبار عبرت‌انگیزی است که جلوتر آن را مکرر ذکر کرده بود و آن اخبار نخست راجع به قیامت بود و بار دوم راجع به داستان امت‌های هالک بود، پس در حقیقت این آیات در درجه اول انعطافی به اخبار امت‌های هالکه دارد و در نتیجه خطابی است به قوم رسول خدا «ص» که کفار شما بهتر از کفار امت‌های طاغی و جبار گذشته نیستند و همانطور که خدای تعالی آنها را به ذلت بارترین وجه هلاک کرد، اینان را نیز هلاک می‌کند و کفار شما برائتی از آتش دوزخ ندارند و چنین مدرکی برایشان نوشته نشده، تا با کفار امت‌های گذشته فرق داشته باشند، عده و عده شان هم در جلوگیری از عقاب خدا سودی به حالشان نخواهد داشت.

در درجه دوم به اخبار مربوط به قیامت که در سابق گذشت انعطاف دارد، می‌فرماید: اگر همچنان مرتکب جرم شوند و دعوت تو را تکذیب کنند، بلای قیامتشان عظیم‌تر و تلخ‌تر خواهد بود و در آخر اشاره‌ای به منزلگاه متقین در آن روز نموده، سوره را ختم می‌کند.

**هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن**

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۱۵۳)

**بیان نعمت‌ها و آثار رحمانیت خدا**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ! عَلَّمَ الْقُرْآنَ! خَلَقَ الْإِنْسَانَ! عَلَّمَهُ الْبَيَانَ!»

(تا ۳۰/الرحمن)

این سوره در این مقام است که خاطر نشان سازد که خدای تعالی عالم و اجزای آن از قبیل زمین و آسمان و خشکی‌ها و دریاها و انس و جن را طوری آفریده و نیز اجزای هر یک را طوری نظم داده که جن و انس بتوانند در زندگی خود از آن بهره‌مند شوند و قهرا عالم به دو قسمت و دو نشاء تقسیم می‌شود، یکی نشاء دنیا که به زودی خودش با اهلش فانی می‌شود و یکی دیگر نشاء آخرت که همیشه باقی است و در آن نشاء سعادت از شقاوت و نعمت از نعمت متمایز می‌گردد.

با این بیان روشن می‌شود که عالم هستی از دنیایش گرفته تا آخرتش نظامی واحد دارد، تمامی اجزا و ابعاض این عالم با اجزا و ابعاض آن عالم مرتبط است و اجزای عالم هستی ارکانی قویم دارد، ارکانی که یکدیگر را اصلاح می‌کنند، این جزء، مایه تمامیت آن جزء دیگر و آن مایه تمامیت این است!

پس آنچه در عالم هست چه عینش و چه اثرش از نعمت‌ها و آلاهی خدای تعالی است و به همین جهت پشت سر هم از خلاق می‌پرسد و با عتاب هم می‌پرسد که: «فبای الاء ربکما تکذبان - کدامیک از آلاهی پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟» و این خطاب عتاب‌آمیز در این سوره سی و یک مرتبه تکرار شده است.

و باز به همین مناسبت است که این سوره با نام رحمان آغاز گردید، که صفت رحمت عمومی و همگانی خداست، رحمتی که مؤمن و کافر و دنیا و آخرت را در بر دارد و در آخر نیز، سوره با آیه: «تبارک اسم ربک ذی الجلال و الاکرام!» ختم می‌شود..

در قرآن کریم این تنها سوره است که بعد از بسم الله با یکی از اسمای خدای عز و جل آغاز شده است.

در مجمع البیان از امام موسی بن جعفر از آبای گرامی‌اش علیه‌السلام از رسول خدا «ص» روایت آورده که فرموده: برای هر چیزی عروسی و جلوه‌گاه حسنی هست و عروس قرآن سوره الرحمن است!

المیزان ج: ۱۹ ص: ۱۷۴

**هدف آیه ۳۱ تا ۷۸ سوره الرحمن**

**بیان نعمت‌های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا**

«سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّةَ التَّقْلَانِ...!»

این آیات فصل دوم از آیات سوره است، که نشئه دوم جن و انس را توصیف می‌کند، نشئه‌ای که به سوی خدا بر می‌گردند و به جزای اعمال خود می‌رسند و آلاء و نعمتهایی را که خدا در آن نشئه به ایشان ارزانی می‌دارد بر می‌شمارد، همچنان که در فصل گذشته نشاه اول را توصیف می‌کرد، آلاهی خدا در آن نشاه را بر می‌شمرد.

**هدف و فلسفه نزول سوره واقعه**

( المیزان ج: ۱۹ ص: ۱۹۴ )

**بیان وقوع واقعه و مقدمات آن - تقسیم بندی انسانها در قیامت**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ...!» (تا ۱۰/ واقعه)



این سوره، قیامت کبری را که در آن مردم دوباره زنده می‌شوند و به حسابشان رسیدگی شده جزا داده می‌شوند شرح می‌دهد، نخست مقداری از حوادث هول انگیز آن را ذکر می‌کند، حوادث نزدیک‌تر به زندگی دنیایی انسان و نزدیک‌تر به زمینی که در آن زندگی می‌کرده، می‌فرماید: اوضاع و احوال زمین دگرگون می‌شود و زمین بالا و پایین و زیر و رو می‌گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین کوهها را متلاشی و چون غبار می‌سازد، آنگاه مردم را به طور فهرست‌وار به سه دسته سابقین و اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم نموده، سرانجام کار هر یک را بیان می‌کند. آنگاه علیه اصحاب شمال که منکر ربوبیت خدای تعالی و مساله معاد و تکذیب کننده قرآنند که بشر را به توحید و ایمان به معاد دعوت می‌کند استدلال نموده، در آخر گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می‌دهد.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۰۳

**هدف آیه ۱۱ تا ۵۶ سوره واقعه**

### شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال

«أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ! فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ...!»

این آیات حال و وضعی که هر یک از سه طایفه (مقربون، اصحاب یمین و اصحاب شمال) در قیامت دارند شرح می‌دهد.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۲۴

**هدف آیه ۵۷ تا ۹۶ سوره واقعه**

### بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا

«نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ...!»

بعد از آنکه رشته کلام خدای سبحان منتهی شد به بیان عاقبت امر طوایف سه‌گانه، که آخرین ایشان اصحاب شمال بود و فرمود: عاملی که ایشان را به چنین سرنوشتی سوق داد یکی شکستن عهدی بود که در ازل سپرده بودند که به مراسم عبودیت قیام کنند و دیگری تکذیب بعث و جزا بود و نیز بعد از آنکه رسول گرامی خود را دستور داد به اینکه گفتار آنان را با تقریر بعث و جزا و بیان کیفرها و پاداشهای قیامت رد کند، اینک در این آیات ایشان را بر سر اینکه معاد و جزا را انکار کردند توبیخ می‌کند، به اینکه آورنده خبر بعث و جزا خدا است، که آفریدگار ایشان و مدبر امر ایشان و کسی است که مرگ و ایجاد بعد از مرگ را برایشان مقدر کرده، او می‌داند که از آغاز خلقتشان تا منتها الیه امرشان چه حادثاتی بر آنان جریان می‌یابد و نیز توبیخ می‌کند به اینکه آن کتابی که ایشان را از معاد خبر می‌دهد قرآن کریم است، که از بازیچه دست شیطانها و اولیای گمراه آنان مصون است!

سپس دوباره بر سر سخن شده حال طوایف سه‌گانه را یک بار دیگر بیان می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که اختلاف احوالی که این طوایف دارند، از روز مرگشان شروع می‌شود. در اینجا سوره خاتمه می‌یابد.

## هدف و فلسفه نزول سوره حدید

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۴۹)

### تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » (آتا۶/حدید)

غرض این سوره تحریک و تشویق مؤمنین به انفاق در راه خداست، همچنان که تکرار امر صریح به این معنا در خلال آیاتش اشعار بدان دارد. در تشویق مردم به این عمل همین بس که انفاق مردم را قرض دادن آنان به خدای عز اسمه دانسته و معلوم است که خدای عز و جل عالی‌ترین و مقدس‌ترین و بهترین مطلوبست، او هرگز خلف وعده نمی‌کند و او وعده‌شان داده که اگر به وی قرض بدهند مضاعف و چند برابر بر می‌گرداند و نیز وعده داده که در عوض انفاقشان اجری کریم و بسیار زیاد بدهد.

و نیز اشاره کرده به اینکه این انفاق منشاش تقوا و ایمان به رسول است و اثر آمرزش گناهان و داشتن دو برابر از رحمت و ملازمت با نور و بلکه ملحق شدن به صدیقین و شهداء در نزد خدای سبحان است .  
در خلال آیات سوره معارفی هم راجع به مبدأ و معاد آمده و دعوت به تقوا و اخلاص ایمان و زهد دارد و نیز مشتمل بر مواعظی است.

چون تشویق و تحریک مردم به انفاق و اینکه انفاق قرض دادن به خدا است این توهّم را ایجاد می‌کند که مگر خدا به مال ما محتاج است ، لذا از همان آغاز سخن یعنی اولین کلمه سوره مساله نزاهت خدا از احتیاج را خاطر نشان نموده، فرموده: آنچه در زمین و آسمانها است خدا را تسبیح می‌گویند و نیز عده‌ای از اسمای حسنای خدا را که رساننده این نزاهت است ذکر کرد و همه سوره‌هایی که با تسبیح خدا آغاز شده ، یعنی سوره حشر ، صف ، جمعه و تغابن که بعضی با کلمه سبح و بعضی دیگر با کلمه یسبح آغاز شده‌اند، نظیر سوره مورد بحث است .

**هدف آیه ۷ تا ۱۵ سوره حدید**

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۶۳

**دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع**

«ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِيْنَ فِيْهِ ۗ فَاَلَّذِيْنَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ اَنْفَقُوا لَهُمْ اُجْرٌ كَبِيْرٌ...!»

در این آیات دستور مؤکد می‌دهد به اینکه مسلمین در راه خدا و مخصوصاً در جهاد انفاق کنند و از آیه شریفه: «لا یستوی منکم من انفق من قبل الفتح...!» به خوبی برمی‌آید که دستور مذکور در مورد جهاد مؤکدتر است و همین خود مؤید آن قولی است که می‌گوید: آیه شریفه «امنوا بالله و رسوله و انفقوا...!» در جنگ تبوک نازل شد .

**هدف آیه ۱۶ تا ۲۴ سوره حدید**

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۸۱

**درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ**

« اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُوْنُوا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَفَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَ كَثِيْرٌ مِنْهُمْ فَسِقُوْنَ...!»

این قسمت از آیات سوره همان هدف و غرضی را دنبال می‌کند که قسمت قبلی دنبال می‌کرد و آن تشویق و ترغیب به ایمان به خدا و رسول او و انفاق در راه خدا بود ، البته در ضمن ، مؤمنین را عتاب می‌کند که چرا باید علائم و نشانه‌هایی از قساوت قلب از ایشان بروز کند و به منظور تاکید در تحریک و تشویق به انفاق درجه انفاقگران نزد خدا را بیان نموده و با این لحن دستور به انفاق می‌دهد: «که : هان ! بشتابید به مغفرت و جنت...!» و نیز دنیا و اهل دنیا را که بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل می‌خوانند مذمت می‌کند .

و در خلال آیات، ناگهان سیاق را که مخصوص مسلمانان بود به سیاقی تغییر داده که شامل مسلمین و اهل کتاب هر دو بشود.

**هدف آیه ۲۵ تا ۲۹ سوره حدید**

المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۹۹

**بیان هدف رسولان و کتاب و میزان: عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن**

«لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَ اَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَ الْمِيْزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۗ وَ اَنْزَلْنَا الْحَدِيْدَ فِيْهِ بَاسٌ شَدِيْدٌ وَ مَنَفِعٌ لِّلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيْزٌ...!»

خدای تعالی پس از اشاره به قساوتی که دل‌های مؤمنین را فرا گرفته و در

نتیجه در امتثال تکالیف دینی و مخصوصا انفاق در راه خدا که مایه قوام امر جهاد است ثناقل ورزیدند و آنگاه ایشان را به اهل کتاب تشبیه کرد که در اثر طولانی شدن مهلت خدا به آنان دل‌هایشان دچار قساوت گردید، اینک در این آیات غرض الهی از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه ایشان را بیان کرده، می‌فرماید: غرض از این ارسال رسل و انزال کتب این بود که انبیا مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعی عادل زندگی کنند و آهن را نازل کرد تا بندگان خود را در دفاع از مجتمع صالح خود و بسط کلمه حق در زمین بیازماید، علاوه بر منافع دیگری که آهن دارد و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند .

آنگاه فرمود که نوح و ابراهیم علیه‌السلام را فرستاد و نبوت و کتاب را در ذریه آن دو بزرگوار قرار داد و یکی پس از دیگری رسولانی گسیل داشت و این سنت همچنان در تمامی امت‌ها استمرار یافت و نتیجه کار همواره این بود که عده‌ای از مردم راه حق را یافته، اکثریتی از ایشان فاسق شدند و سپس سوره را با دعوت مردم به این معنا ختم می‌کند که ایمان خود را تکمیل کنند، تا از رحمت خدا دو چندان عایدشان گردد!

## هدف و فلسفه نزول سوره مجادله

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۳۱۰)

### بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّذِیْ تَجَدَّلُکَ فِیْ رُؤُوسِهَا وَ تَسْتَكْبِرُ  
إِلَى اللّٰهِ وَ اللّٰهُ یَسْمَعُ تَخَاوُرُکُمَْا إِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ بَصِیْرٌ...! » (۱/۶/مجادله)  
این سوره متعرض مطالب گوناگون از احکام و آداب و صفات است .

قسمتی از آن مربوط به حکمظهار است، قسمتی هم مربوط به نجوی و بیخ گوشی سخن گفتن است، قسمتی هم مربوط به آداب نشستن در مجلس و قسمتی راجع به اوصاف کسانی است که با خدا و رسولش مخالفت می‌کنند و یا با دشمنان دین دوستی می‌ورزند و کسانی را که از دوستی با آنان احتراز می‌کنند معرفی نموده، به وعده‌ای جمیل در دنیا و آخرت دلخوش می‌سازد!

المیزان ج: ۱۹ ص: ۳۱۹

هدف آیه ۷ تا ۱۳ سوره مجادله

### بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی و سخنان بیخ گوشی در مجالس

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ مَا یَکُونُ مِنْ نَجْوٰی ثَلٰثَةٍ اِلَّا  
هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا اُذْنٰی مِنْ ذٰلِکَ وَ لَا اَکْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ

أَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ...!»  
این آیات راجع به نجوی و پاره‌ای آداب مجالست است.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۳۳۳

هدف آیه ۱۴ تا ۲۲ سوره مجادله

### تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ...! »

این آیات سرگذشت دسته‌ای از منافقین را ذکر می‌کند که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند و ایشان را به خاطر همین انحراف مذمت نموده، به عذاب و شقاوت تهدید می‌کند، تهدیدی بسیار شدید و در آخر به عنوان حکمی قطعی و کلی می‌فرماید: ایمان به خدا و روز جزا نمی‌گذارد انسانی با دشمنان خدا و رسولش دوستی کند، حال این دشمنان هر که می‌خواهند باشند و سپس مؤمنین را مدح می‌کند به اینکه از دشمنان دین بیزارند و ایشان را وعده ایمان می‌دهد، ایمانی مستقر در روح و جانشان، ایمانی از ناحیه خدا و نیز وعده بهشت و رضوان می‌دهد.

### هدف و فلسفه نزول سوره حشر

( المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۴۶ )

#### بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر، و بیان اصول مراقبت از نفس

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » ( ۱۰ تا / حشر )

این سوره به داستان یهودیان بنی النضیر اشاره دارد که بخاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند و نیز به این قسمت از داستان اشاره دارد که سبب نقض عهدشان این بود که منافقان به ایشان وعده دادند که اگر نقض عهد کنید ما شما را یاری می‌کنیم، ولی همین که ایشان نقض عهد کردند، منافقین به وعده‌ای که داده بودند وفا نمودند.

در ضمن این اشارات مطالبی دیگر نیز در این سوره آمده و از آن جمله مساله حکم غنیمت بنی النضیر است.

از آیات برجسته این سوره هفت آیه آخر آن است که خدای سبحان در آنها بندگان خود را دستور می‌دهد به اینکه از طریق مراقبت نفس و محاسبه آن آماده دیدارش شوند و عظمت کلام و جلالت قدر خود را در قالب بیان عظمت ذات

مقدسش و اسمای حسنی و صفات علیایش ، بیان می فرماید .

### هدف آیه ۱۱ تا ۱۷ سوره حشر

المیزان ج : ۱۹ : ص : ۳۶۴

#### بیان وعده دروغین منافقین به یهود

« أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِأَخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ...! »

این آیات به حال منافقین و وعده‌هایی که به مردم بنی النضیر دادند که اگر با مسلمین بجنگید کمکتان می‌کنیم و اگر بیرون بروید با شما می‌آییم و نیز به خلف وعده‌شان اشاره می‌کند.

### هدف آیه ۱۸ تا ۲۴ سوره حشر

المیزان ج : ۱۹ : ص : ۳۷۲

#### بیان راه های مراقبت از نفس

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنظُرْ نَفْسٍ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ...! »

مضمونی که این آیات شریفه دارد به منزله نتیجه‌ای است که از آیات سوره گرفته می‌شود .

بر کسی که ایمان به خدا و رسول و روز جزا دارد واجب است که پروردگار خود را به یاد آورد و او را فراموش ننماید و ببیند چه عملی مایه پیشرفت آخرت او است و به درد آن روزش می‌خورد که به سوی پروردگارش برمی‌گردد .  
و بداند که عمل او هر چه باشد علیه او حفظ می‌شود و خدای تعالی در آن روز به حساب آن می‌رسد و او را بر طبق آن محاسبه و جزا می‌دهد ، جزائی که دیگر از او جدا نخواهد شد .

و این همان هدفی است که آیه: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد...!» دنبال نموده، مؤمنین را وادار می‌کند که به یاد خدای سبحان باشند و او را فراموش نکنند و مراقب اعمال خود باشند ، که چه می‌کنند ، صالح آنها کدام و طالحش کدام است ، چون سعادت زندگی آخرتشان به اعمالشان بستگی دارد .

و مراقب باشند که جز اعمال صالح انجام ندهند و صالح را هم خالص برای رضای خدا به جای آورند و این مراقبت را استمرار دهند و همواره از نفس خود حساب بکشند و هر عمل نیکی که در کرده‌های خود یافتند خدا را شکرگزارند و هر عمل زشتی دیدند خود را توبیخ نموده، نفس را مورد مؤاخذه قرار دهند و از خدای تعالی طلب مغفرت کنند .

ذکر خدای تعالی به ذکری که لایق ساحت عظمت و کبریائی او است یعنی ذکر خدا به اسمای حسنی و صفات علیای او که قرآن بیان نموده تنها راهی است که انسان را به کمال عبودیت می‌رساند، کمالی که انسان، ما فوق آن، دیگر کمالی ندارد! و این بدان جهت است که انسان عبد محض و مملوک طلق برای خدای سبحان است و غیر از مملوکیت چیزی ندارد، از هر جهت که فرض کنی مملوک است و از هیچ جهتی استقلال ندارد .

همچنان که خدای عز و جل مالک او است از هر جهت که فرض شود و او از هر جهت دارای استقلال است و معلوم است که کمال هر چیزی خالص بودن آنست، هم در ذاتش و هم در آثارش، پس کمال انسانی هم در همین است که خود را بنده‌ای خالص و مملوکی برای خدا بداند و برای خود هیچگونه استقلالی قائل نباشد و از صفات اخلاقی به آن صفتی متصف باشد، که سازگار با عبودیت است، نظیر خضوع و خشوع و ذلت و استکانت و فقر در برابر ساحت عظمت و عزت و غنای خدای عز و جل و اعمال و افعالش را طبق اراده او صادر کند، نه هر چه خودش خواست و در هیچ یک از این مراحل دچار غفلت نشود، نه در ذاتش و نه در صفاتش و نه در افعالش .

و همواره به ذات و افعالش نظیر تبعیت محض و مملوکیت صرف داشته باشد و داشتن چنین نظری دست نمی‌دهد مگر با توجه باطنی به پروردگاری که بر هر چیز شهید و بر هر چیز محیط و بر هر نفس قائم است، هر کس هر چه بکند او ناظر عمل او است و از او غافل نیست و فراموشش نمی‌کند .

در این هنگام است که قلبش اطمینان و سکونت پیدا می‌کند، همچنان که فرموده: «الا بذكر الله تطمئن القلوب!» و در این هنگام است که خدای سبحان را به صفات کمالش می‌شناسد، آن صفاتی که اسمای حسنائش حاکی از آن است و در قبال این شناسایی صفات عبودیت و جهات نقصش برایش آشکار می‌گردد، هر قدر خدا را به آن صفات بیشتر بشناسد خاضع‌تر، خاشع‌تر، ذلیل‌تر، فقیرتر و حاجتمندتر می‌شود .

و معلوم است که وقتی این صفات در آدمی پیدا شد، اعمال او صالح می‌گردد و ممکن نیست عمل طالحی از او سر بزند، برای اینکه چنین کسی دائماً خود را حاضر درگاه می‌داند و همواره به یاد خداست، همچنان که خدای تعالی فرموده: «و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه و دون الجهر من القول بالغدو و الاصل و لا تکن من الغافلین! ان الذین عند ربک لا یتکبرون عن عبادته و یتسبحونه و له یتسجدون!»

## هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۲۸۶)

### منع شدید دوستی مومنین با کفار ، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ...! » (۹/تا۱۰/ممتحنه)

این سوره متعرض مساله دوستی مؤمنین با کفار است و از آن به سختی نهی می‌کند، هم در ابتدای سوره متعرض آن است و هم در آخرش و در خلال آیاتش متعرض احکامی در باره زنان مهاجر و بیعت زنان شده است.

المیزان ج: ۱۹ ص: ۴۰۷

### هدف آیه ۱۰ تا ۱۳ سوره ممتحنه

#### بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مِهْجِرَاتٍ فَاْتَجُنَّوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَنِهِنَّ فَإِنَّ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاثُوهُنَّ مَا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَ سَأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا دَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...! »

سیاق و زمینه این آیه شریفه چنین می‌رساند که بعد از صلح حدیبیه نازل شده است. در عهدنامه‌هایی که بین رسول خدا «ص» و مردم مکه برقرار گردیده نوشته شده است که اگر از اهل مکه مردی ملحق به مسلمانان شد ، مسلمانان موظفند او را به اهل مکه برگردانند ، ولی اگر از مسلمانان مردی ملحق به اهل مکه شد اهل مکه موظف نیستند او را به مسلمانان برگردانند .

و نیز از آیه شریفه چنین برمی‌آید که یکی از زنان مشرکین مسلمان شده و به سوی مدینه مهاجرت کرده و همسر مشرکش به دنبالش آمده و درخواست کرده که رسول الله «ص» او را به وی برگرداند و رسول خدا «ص» در پاسخ فرموده : آنچه در عهدنامه آمده این است که اگر مردی از طرفین به طرف دیگر ملحق شود باید چنین و چنان عمل کرد و در عهدنامه در باره زنان چیزی نیامده و به همین مدرک رسول الله «ص» آن زن را به شوهرش نداد و حتی مهریه‌ای را که شوهر به همسرش داده بود



به آن مرد برگردانید .

اینها مطالبی است که از آیه استفاده می شود و آیه شریفه دلالت بر احکامی مناسب این مطالب نیز دارد، البته احکام مربوط به زنان.

## **هدف و فلسفه نزول سوره صف**

( المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۱۸ )

### **تشویق به جهاد در راه خدا، و وعده گسترش دین الهی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...! » ( تا ۹/صف )

این سوره ، مؤمنین را ترغیب و تحریک می کند بر اینکه در راه خدا جهاد نموده ، با دشمنان دین او کارزار نمایند و خبر می دهد که این دین نوری است درخشان از جانب خدای سبحان که کفار اهل کتاب می خواهند آن را با دهان خود خاموش کنند ، ولی خدا نور آن را تمام می کند ، هر چند که کافران کراهت داشته باشند و دین خود را بر تمامی ادیان غلبه می دهد هر چند که مشرکین نخواهند! و این پیغمبری که به وی ایمان آورده اند فرستاده ای است از طرف خدای سبحان ، او را فرستاده تا هدایت باشد و دین حق را به شما برساند و این همان است که عیسی بن مریم «ع» بنی اسرائیل را به آمدنش بشارت داد .

پس بر مؤمنین است که کمر همت بر اطاعتش ببندند و آنچه امر می کند امثال کنند و در راه خدا جهاد نموده، خدا را در دینش یاری کنند، تا خدای تعالی به سعادت آخرتشان رسانیده ، یاریشان کند و در دنیا فتح و پیروزی نصیبشان کند و بر دشمنانشان غالب و مسلط نماید و نیز بر مؤمنین است که هرگز آنچه را که خود عمل نمی کنند به دیگران نگویند و در آنچه وعده می دهند تخلف ننمایند ، که این گونه اعمال ایشان را مستوجب خشمی از خدا نموده ، رسول را آزار می دهد و این خطر را هم دارد که خدا دل‌هایشان را منحرف سازد ، همان طور که با قوم موسی «ع» چنین کرد ، چون با اینکه می دانستند آن جناب رسول خدا به سوی ایشان است ، مع ذلک آزارش دادند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند .

المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۳۵

### **هدف آیه ۱۰ تا ۱۴ سوره صف**

**دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ...! »

این آیات مؤمنین را به ایمان به خدا و رسول او و به جهاد در راه خدا دعوت نموده و آنان را به مغفرت و جنت در آخرت و نصرت و فتح در دنیا وعده‌ای جمیل می‌دهد و ایشان را دعوت می‌کند به اینکه نسبت به وعده نصرت خدا و تایید او اعتماد کنند. این دو معنایی که گفتیم غرض نهایی سوره است و مطالبی که در آیات قبلی بود جنبه زمینه‌چینی برای این دو معنا را داشت .

## هدف و فلسفه نزول سوره جمعه

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۴۴۲)

### **امر به اهتمام به نماز جمعه**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ...! » (تا ۸ / جمعه)

این سوره به بیانی کاملاً انگیزنده ، مسلمین را وادار می‌کند که نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند و آنچه در به پاداشتنش لازم است فراهم سازند ، چون نماز جمعه از شعائر بزرگ خدا است که تعظیم و اهتمام به امر آن ، هم دنیای مردم را اصلاح می‌کند و هم آخرتشان را و خدای تعالی بیان این مطلب را با تسییح و ثنای بر خود آغاز کرد که در میان قومی امی رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر آنان بخواند و با اعمال صالح و اخلاق پاک تزکیه شان کند و کتاب و حکمتشان بیاموزد و به همین منظور کتاب خدا و معارف دینش را به بهترین وجهی بر آنان و افرادی که به آنان ملحق می‌شوند و نسل‌های بعد از آنان تحمیل کرد و زنده‌شان داد از اینکه مثل یهود نباشند که خدای تعالی تورات را بر آنان تحمیل کرد ، ولی آنان آن را حمل نکردند و به معارف آن معتقد نشدند و به احکامش عمل نکردند ، در نتیجه مانند الاغی شدند که بارش کتاب باشد .

و در آخر به عنوان نتیجه دستور می‌دهد که وقتی بانک نماز جمعه بلند می‌شود بازار و دادوستد را رها نموده ، به سوی ذکر خدا بشتابند و نیز افرادی را که خلاف این دستور عمل می‌کنند و رسول خدا «ص» را در حالی که مشغول خطبه نماز است رها نموده ، به سوی دادوستد می‌روند ، سرزنش می‌کند و این رفتار را نشانه آن می‌داند که این گونه افراد معارف کتاب خدا و احکامش را نپذیرفته‌اند .

المیزان ج: ۱۹ ص: ۴۶۰

**هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره جمعه**

### **بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه**

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُّوا

الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ...!»

این آیات و جوب نماز جمعه و حرمت معامله را در هنگام حضور نماز تاکید نموده ، در ضمن کسانی را که در حال خطبه نماز آن را رها نموده ، به دنبال لهو و تجارت می‌روند عتاب نموده ، عملشان را عمل بسیار ناپسند می‌داند .

## هدف و فلسفه نزول سوره منافقین

( المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۶۸ )

### شناساندن منافقین و بر حذر داشتن مومنین از نفاق

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ...! » ( تا ۸ / منافقین )

این سوره وضع منافقین را توصیف می‌کند و آنان را به شدت عداوت با مسلمین متهم ساخته ، رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد، تا از خطر آنان بر حذر باشد و مؤمنین را نصیحت می‌کند به اینکه از کارهایی که سرانجامش نفاق است بپرهیزند، تا به هلاکت نفاق دچار نگردند و کارشان به آتش دوزخ منجر نشود.

هدف آیه ۹ تا ۱۱ سوره منافقین المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۸۹

### بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ...! »

در این چند آیه مؤمنین را تذکر می‌دهد به اینکه از بعضی صفات که باعث پیدایش نفاق در قلب می‌شود بپرهیزند ، یکی از آنها سرگرمی به مال و اولاد و غافل شدن از یاد خداست و یکی دیگر بخل است .

## هدف و فلسفه نزول سوره تغابن

( المیزان ج : ۱۹ ص : ۴۹۳ )

### تشویق به تأمین منابع مالی جنگ و بر طرف ساختن مصایب آن

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...! » ( تا ۱۰ / تغابن )

این سوره از نظر سیاق و نظم شبیه به سوره حدید است و گویی خلاصه‌ای از آن است و غرض سوره این است که مؤمنین را تشویق و تحریک کند به اینکه در راه

خدا انفاق کنند و غرض دیگرش این است که ناراحتی‌ها و تاسف‌هایی که در اثر هجوم مصائب در دل‌هاشان نشسته برطرف سازد و نوید دهد که اگر در راه ایمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقاتی را متحمل می‌شوند، همه به اذن خدا است! آیاتی که در صدر سوره واقع شده جنبه مقدمه و زمینه‌چینی برای بیان این غرض را دارد، در آن آیات بیان می‌کند که اسمای حسنی و صفات علیای خدا اقتضا می‌کند که برای بشر بعث و بازگشتی فراهم سازد، تا همه به سوی برگردند و در آن بازگشت اهل ایمان و عمل صالح به سوی بهشت جاودان هدایت شوند و اهل کفر و تکذیب به سوی آتش ابدی رانده شوند، پس این مطالب مقدمه چینی است برای آیات بعد که می‌فرماید: باید خدا و رسول را اطاعت کنید و بر مصائب و نیز در برابر انفاق در راه خدا خویشتن‌دار باشید، بدون اینکه از منع موانع متاثر و از ملامت شماتت‌گران بیمی به خود راه دهید!

**هدف آیه ۱۱ تا ۱۸ سوره تغابن** المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۰۸

### تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ

« مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ...! »

در این آیات به بیان غرض سوره شروع نموده است، چون آیاتی که گذشت گفتیم همه جنبه مقدمه و زمینه‌چینی را دارد و غرض سوره واداری مردم به انفاق در راه خدا و صبر در برابر مصائبی است که در خلال مجاهدات در راه او می‌بینند. در میان همه این اغراض اول مساله مصیبت‌ها و صبر در برابر آنها را ذکر فرموده تا ذهن شنونده برای تاثر از سفارشات بعدی به انفاق آماده‌تر و صاف‌تر گردد و دیگر عذری باقی نماند!

### هدف و فلسفه نزول سوره طلاق

( المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۲۲ )

### بیان احکام طلاق

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا...! » (۷۱/طلاق)

این سوره مشتمل بر بیان کلیاتی از احکام طلاق است و به دنبال آن مقداری اندرز

و تهدید و بشارت.

**هدف آیه ۸ تا ۱۲ سوره طلاق** المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۴۱

### موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان

« وَ كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ عَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكَرًا...! »

این آیات موعظه و تهدید و بشارت است و با این اندرزها توصیه به تمسک به احکام خدا را تاکید می‌کند و یکی از آن احکام همان احکام طلاق و عده است و در قرآن کریم هیچ توصیه‌ای در باره هیچ حکمی به قدر احکام راجعه به زنان تاکید نشده و این نیست مگر به خاطر اینکه دنبال این احکام و این توصیه‌ها خبری هست .

### هدف و فلسفه نزول سوره تحریم

( المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۵۰ )

### دستور اجتناب از حرام کردن حلال خدا

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحَرَّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَرْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ...! » ( ۹تا/تحریم )

این سوره با داستانی که بین رسول خدا «ص» و بعضی از همسرانش اتفاق افتاد، آغاز شده و آن این بود که به خاطر حادثه‌ای پاره‌ای از حلالها را بر خود حرام کرد و بدین سبب در این آیات آن جناب را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا به خاطر رضایت بعضی از همسرانت، حلال خدا را بر خود حرام کردی و در حقیقت و به طوری که از سیاق بر می‌آید عتاب متوجه همان همسر است و می‌خواهد رسول گرامی خود را علیه آن همسر یاری کند .

بعد از نقل این داستان مؤمنین را خطاب می‌کند به اینکه جان خود را از عذاب آتشی که آتش‌گیرانه‌اش انسان و سنگ است نگه بدارند و بدانند که به جز اعمال خود آنان به ایشان جزایی نمی‌دهند، جزایشان خود اعمالشان است و معلوم است که هیچ کس نمی‌تواند از عمل خود بگریزد پس هیچ کس از این جزا خلاصی ندارد، مگر پیغمبر و آنهایی که به وی ایمان آوردند، آنگاه بار دیگر رسول خدا «ص» را به جهاد با کفار و منافقین خطاب می‌کند . در آخر، سوره را به آوردن مثلی ختم می‌کند، مثلی از زنان کفار مثلی از زنان مؤمنین.

## بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومنه تاریخ

« ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ...! »

این آیات کریمه متضمن دو تا مثل است یکی مثلی که خدا به وسیله آن حال کفار را مجسم می‌کند و یکی هم مثلی که بیانگر حال مؤمنین است، مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت روشن نموده ، بیان می‌کند که اگر چنین شدند به خاطر خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و سرانجام خیانت به خدا و رسول همین است، از هر کس که می‌خواهد سر بزند ، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیا باشد و مثل دومی بیانگر این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنین هم تنها به خاطر ایمان خالصشان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان بوده و اتصال و خویشاوندی که با کفار داشتند ضرری به حالشان نداشت ، پس معلوم می‌شود ملاک کرامت نزد خدا تنها و تنها تقوی است و بس .

برای مجسم کردن این معنا نخست حال این طایفه اول را به حال دو تا زن تاریخ مثل می‌زند که هر دو همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، دو پیامبری که خدای تعالی عبد صالحشان نامیده - و چه کرامتی بزرگتر از این - و با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ گردند ، پس این دو زن همسر و هم بستر دو پیامبر بزرگوار بودند ، اما همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند .

طایفه دوم را به دو زن دیگر تاریخ مثل می‌زند، یکی همسر فرعون است، که درجه کفر شوهرش بدانجا رسید که در بین مردم معاصر خود( با کمال بی‌شرمی و جنون) فریاد زد: رب اعلاى شما منم! اما این همسر به خدا ایمان آورد و ایمانی خالص آورد و خدای تعالی او را نجات داد و داخل بهشتش کرد و قدرت همسری چون فرعون و کفر او نتوانست به ایمان وی خدشه‌ای وارد سازد ، دومی مریم دختر عمران است ، مریم صدیقه و قانته که خدایش به کرامت خود گرامیش داشت و از روح خود در او بدمید .

در این تمثیل تعریض و چوبکاری سختی به دو همسر رسول خدا «ص» شده ، که آن دو نیز به آن جناب خیانت کردند و سر او را فاش ساخته ، علیه او دست به

دست هم دادند و اذیتش کردند و مخصوصاً وقتی می‌بینیم سخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید!) دارد، می‌فهمیم که این تعریض تا چه حد شدید است!

## هدف و فلسفه نزول سوره ملک

(المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۸۲)

### دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! تَبَّرَكَ الَّذِیْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِیْرٌ...! »

(تا ۱۴/ملک)

غرض این سوره بیان عمومیت ربوبیت خدای تعالی برای تمامی عالم است، در مقابل مسلک وثنی‌ها که معتقدند برای هر یک از نواحی عالم ربی جداگانه است که یا از خیل فرشتگان است و یا از مخلوقات دیگر و خدای عز و جل رب همه عالم نیست، بلکه تنها رب آن ارباب است و بس.

به همین جهت در این سوره بسیاری از نعمت‌های الهی از خلقت و تدبیر را نام می‌برد، چون در حقیقت ذکر این نعمت‌ها استدلالی است بر ربوبیت عامه الهی! به همین مناسبت است که سخن را با کلمه تبارک آغاز کرده، چون این کلمه به معنای کثرت صدور برکات از ناحیه خدای عز و جل است و نیز مکرر جناب ربوبی را به صفت رحمان که مبالغه در رحمت است می‌ستاید، چون رحمت، همان عطیه در قبال استدعای حاجتمند است و در این سوره سخنی هم از انذار و تهدید آمده و در آخر به مساله حشر و قیامت منتهی می‌گردد.

مضامین آیات آن به دو مساله خلاصه می‌شود: یکی دعوت به اینکه یگانگی او در ربوبیت را بپذیرند و دوم اینکه به معاد معتقد شوند!

المیزان ج: ۱۹ ص: ۵۹۷

### هدف آیه ۱۵ تا ۲۲ سوره ملک

#### بیان نشانه‌های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او

« هُوَ الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ ذَلُوْلًا فَامْشُوا فِیْ مَنَاكِبِهَا وَ كَلُوا مِنْ رَزْقِهِ وَ اِلَيْهِ

النُّشُوْرُ...! »

در این آیات پشت سر هم، نشانه‌های تدبیر الهی را ذکر می‌کند، تدبیری که ربوبیت آن جناب را اثبات می‌نماید و این نشانه‌ها را با انذار و تخویف ذکر نموده، می‌فرماید: « هو الذی جعل لكم الأرض ذلولاً! » دنبالش می‌فرماید: « أ و لم یروا الی الطیر...! » که بعد از انذار در آیه: « الذی خلق الموت و الحیوة...! » و آیه: « الذی خلق سبع سموات ...! » و آیه: « و لقد زینا ...! » قرار گرفته است.

**هدف آیه ۲۳ تا ۳۰ سوره ملک**

المیزان ج: ۱۹ ص: ۶۰۶

**بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین**

« قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ...! »

این آیات نشانه‌های دیگری از ربوبیت خدای تعالی را به مشرکین تذکر می‌دهد تا به وسیله آن به وحدانیت خدا در خلقت و تدبیر رهنمونشان شود و در آن مطالب را توأم با تخویف و تهدید بیان می‌کند ، همچنان که گفتیم همه سوره اینطور است ، چیزی که هست باید این را در نظر بگیریم که خدای تعالی بعد از آنکه در جمله: « بل لجوا فی عتو و نفور! » به لجاجت و عناد آنان در باره حق اشاره کرد ، سیاق را از خطاب به آنان برگردانید و روی سخن از ایشان برتافته خطاب را متوجه رسول خدا «ص» کرد و فرمود: حالا تو با آنان سخن بگو! بگوششان بخوان! آیات و نشانه‌های ربوبیت من در خلقت و تدبیر را که همه بر یگانگی من در ربوبیت دلالت دارند به یادشان بیاور! و از عذاب من اندازشان کن: « قل هو الذی ...! قل هو الذی ذرأکم ...! قل انما العلم ...! قل أ رأیتم ان اهلکنی الله ...! قل هو الرحمن ...! قل ا رأیتم ان أصبح ماؤکم غورا ...! » که در همه این آیات می‌فرماید: تو بگو چنین و چنان!

**هدف و فلسفه نزول سوره قلم**

( المیزان ج: ۱۹ ص: ۶۱۳ )

**تعریف از خلق عظیم رسول الله و نهی شدید از اطاعت و مداهنه با مشرکین**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ن! وَ الْقَلَمِ! وَ مَا يَسْطُرُونَ! مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ! وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ! وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ...! » (۱ تا ۳۳/قلم)

این سوره رسول خدا «ص» را به دنبال تهمت‌های ناروایی که مشرکین به وی زده و او را دیوانه خوانده بودند ، تسلیت و دلداری می‌دهد و به وعده‌های جمیل و پاسداری از خلق عظیمش دلخوش می‌سازد و آن جناب را به شدیدترین وجهی از اطاعت مشرکین و مداهنه با آنان نهی نموده ، امر اکید می‌کند که در برابر حکم پروردگارش صبر کند!

**هدف آیه ۳۴ تا ۵۲ سوره قلم**

المیزان ج: ۱۹ ص: ۶۳۵

**بیان نعیم بهستی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران**

« إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ...! »

این آیات دنباله تهدیدهایی است که در باره تکذیب‌گران رسول خدا «ص»



کرده بود و عذاب آخرتی آنان را به این بیان مسجل می‌سازد که مردم با تقوی در بهشت‌های نعیم هستند و اینکه تکذیب‌گران و متقین یکسان نیستند، پس نمی‌توانند امید کرامتی از خدا داشته باشند و چون مجرمند آنچه هم از نعمت‌های دنیا در اختیار دارند استدراج و املاء است نه نعمت و کرامت و نیز در این آیات رسول خدا «ص» را امر می‌کند به اینکه در برابر حکم پروردگارش صبر کند و این امر را تاکید می‌نماید!

### هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه

( المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۵۲ )

#### **بیان اوصاف قیامت و کیفر تیره بختان و پاداش سعادتمندان**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ! مَا الْحَاقَّةُ! وَمَا أُذْرَاكُ مَا الْحَاقَّةُ...! »

(۳ تا ۱۲/الحاقه)

این سوره مساله حاقه یعنی قیامت را به یاد می‌آورد، در اینجا قیامت را حاقه نامیده، در جای دیگر قارعه و واقعه خوانده است و در این آیات سخن را در سه فراز سوق داده، در فصلی به طور اجمال سرانجام امت‌هایی را ذکر می‌کند که منکر قیامت بودند و خدای تعالی آنان را به اخذی رابیه (عقوبتی شدید) بگرفت .  
و در فصلی اوصاف حاقه را بیان می‌کند و اینکه در آن روز مردم دو گروهند ، یکی اصحاب یمین و یکی اصحاب شمال ، یکی اهل سعادت و دیگری اهل شقاوت!  
و در فصل سوم در راستی و درستی خبرها و سخنان قرآن تاکید نموده ، آنها را حق الیقین معرفی می‌کند!

المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۶۱

#### هدف آیه ۱۳ تا ۳۷ سوره الحاقه

#### **معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش**

« فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةً وَحِدَةً...! »

این آیات فصل دومی است که حاقه را با پاره‌ای از نشانیها و مقدماتش و شمه‌ای از وقایعی که در آن روز رخ می‌دهد معرفی می‌کند .

المیزان ج : ۱۹ ص : ۶۷۲

#### هدف آیه ۳۸ تا ۵۲ سوره الحاقه

#### **بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خبرهای قیامت در آن**

« فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ...! »

این دسته از آیات ، فصل سوم از آیات سوره است که مطالب سابق مربوط به

حاقه را به لسان تصدیق قرآن تاکید می‌کند، تا با تصدیق قرآن حقانیت خبرهایی که از مساله قیامت داد ثابت شود .

## **هدف و فلسفه نزول سوره معارج**

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۳)

### **بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ...! » (تا ۱۸/معارج)

آنچه سیاق این سوره دست می‌دهد این است که می‌خواهد روز قیامت را توصیف کند به آن عذابهایی که در آن برای کفار آماده شده، از همان آغاز ، سخن از عذاب دارد.

سؤال سائلی را حکایت می‌کند که از عذاب الهی کفار پرسیده و اشاره می‌کند به اینکه این عذاب آمدنی است و هیچ مانعی نمی‌تواند از آمدنش جلوگیری شود و نیز عذابی است نزدیک ، نه دور که کفار می‌پندارند ، آنگاه به صفات آن روز و عذابی که برای آنان تهیه شده پرداخته ، مؤمنین را که به انجام وظائف اعتقادی و عملی خود می‌پردازند استثنا می‌کند.

المیزان ج: ۲۰ ص: ۱۶

**هدف آیه ۱۹ تا ۳۵ سوره معارج**

### **راهبری استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی**

« إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً...! »

این آیات به اولین سبب و انگیزه‌ای که انسان را به رذیله اعراض از یاد خدا و به جمع اموال و گنجینه کردن آن و در آخر دچار آتش خالد شدن وامی‌دارد اشاره می‌کند ، آتشی که فرمود: « لظی ، نزاعاً للشوی! » و آن سبب عبارت است از حالتی در انسان به نام هلع - شدت حرص - که حکمت الهی اقتضا کرد آدمی را به این صفت بیافریند، تا به وسیله این صفت به آنچه مایه خیر و سعادتش می‌باشد هدایت شود ، چیزی که هست این خود انسان است که این مایه سعادت خود را مایه بدبختی خود می‌سازد و به جای اینکه در راه سعادت خود صرف کند ، در راه بدبختی خود صرف می‌کند و همین مایه سعادت خویش را مایه هلاکت دائمی خود می‌کند، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند، که در جنات از عزت و احترام برخوردارند .

المیزان ج: ۲۰ ص: ۲۷

**هدف آیه ۳۶ تا ۴۴ سوره معارج****دستور پایان دادن به خصام و بگومگوی رسول الله با کافران**

«فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلِكَ مُهْتَبِعِينَ...!»

بعد از آنکه در فصل اول از آیات این سوره در ذیل داستان درخواست عذاب بیان کرد که عذابی واقع شدنی دارند، که هیچ دافعی از آن نیست و آن عذاب آتشی است «متلظی» و «نزاعه للشوی» که هر اعراضگر و هر کسی را که مال جمع می کند و گنجینه می سازد به سوی خود می کشد.

و نیز بعد از آنکه در فصل دوم از آن آیات ملاک گرفتاری آنان به این بدبختی را ذکر کرد و فرمود که: ملاک آن این است که انسان مجهز به غریزه هلع و غریزه حب خیر برای خویش است و این غریزه ها او را به پیروی هوای نفس می کشاند و وادار می کند در برابر هر حقی که با آن مواجه می شود استکبار کند و از این راه به آتش جاودانه اش مبتلا می کند، آتشی که به جز صالحان و معتقدین به روز جزا و ترسندگان از عذاب پروردگار، کسی از آن نجات نمی یابد.

اینک در این فصل از آیات - که فصل سوم است - روی سخن را به همان کفار نموده مثل کسی که از رفتار آنان به تعجب آمده، سخن می گوید، چون ایشان دورادور رسول خدا «ص» را گرفته چپ و راست او را احاطه کرده اند و از او جدا نمی شوند، اما با دلهایی متفرق و با چشم ظاهری به آن جناب اقبال نموده اند، ولی دلهایشان از آن جناب اعراض دارد، لذا رسول گرامی خود را مخاطب قرار داده می فرماید: چرا اینان اینطورند؟ آیا یک یک اینان انتظار دارند در عین اینکه کافرند داخل در جنت نعیم شوند؟ با اینکه خدای سبحان مقدر فرموده با جنت خود به جز افراد مؤمن را که خود استثنا کرده کسی را گرامی ندارد، آیا اینها با این توقعشان می خواهند از خدا سبقت بگیرند و او را عاجز سازند؟ و حکم او را نقض و تقدیر او را باطل سازند؟ حاشا که بتوانند، زیرا خدایی که آنان را از نطفه ای خوار و بی مقدار آفریده قادر است از همین نطفه که آنان را آفریده کسانی بهتر از ایشان بیافریند، کسانی که او را بپرستند و داخل جنتش شوند.

و در آخر این فصل رسول گرامی خود را دستور می دهد به اینکه خصام و بگومگوی با آنان را تعطیل کند و آنان را به حال خودشان وا گذارد، تا همچنان به لجبازی و سرگرمی خود مشغول باشند، تا آن روزی را که وعده رسیدنش داده شده دیدار کنند!

## هدف و فلسفه نزول سوره نوح

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۳۷)

### شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...! » (نوح/۲۴ تا ۲۴)

این سوره اشاره می کند به رسالت نوح به سوی قومش و به اجمالی از دعوتش و اینکه قوم او اجابتش نکردند و در آخر به پروردگار خود شکوه نمود و نفرینشان کرد و برای خود و پدر و مادر خود و هر مرد و زنی که با ایمان داخل خانه اش شود استغفار کرد و به اینکه در آخر عذاب بر آن قوم نازل شده ، همگی غرق شدند!

هدف آیه ۲۵ تا ۲۸ سوره نوح المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۴

### شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها

« مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا...! »

این آیات داستان هلاکت قوم نوح و تتمه نفرین آن جناب علیه ایشان را حکایت می کند.

## هدف و فلسفه نزول سوره جن

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۷)

### شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص»

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا...! » (جن/۱۷ تا ۱۷)

این سوره به داستان چند نفر از طایفه جن اشاره می کند که صوت قرآن را شنیدند و ایمان آورده ، به اصول معارف دین اقرار کردند. از این اشاره تسجیل نبوت رسول خدا «ص» نتیجه گیری می شود و نیز این سوره به وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و مساله معاد هم اشاره می کند .

هدف آیه ۱۸ تا ۲۸ سوره جن المیزان ج: ۲۰ ص: ۷۵

### نتیجه گیری از سوره جن

« وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا...! »

در این آیات مساله نبوت تسجیل شده و مساله وحدانیت خدای تعالی و

مساله معاد را به عنوان نتیجه از داستان جن ذکر می کند.

## **هدف و فلسفه نزول سوره مزمل**

( میزان ج : ۲۰ ص : ۹۲ )

### **آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ! قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا! نَصَفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا! أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا...! » ( تا ۱۹/مزمل)

این سوره رسول خدا «ص» را امر می کند به اینکه نماز شب بخواند، تا به این وسیله آماده و مستعد گرفتن مسؤولیتی گردد که به زودی به او محول می شود و آن قرآنی است که به وی وحی خواهد شد و دستورش می دهد در برابر حرفهای بیهوده ای که دشمنان می زنند و شاعر و کاهن یا دیوانه اش می خوانند صبر کند و به نحوی پسندیده از آنان کناره گیری نماید و در این آیات تهدید و اندازی هم به کفار شده و حکم صبر را به همه مؤمنین تعمیم داده، در آخر تخفیفی را که برای رسول خدا «ص» و مؤمنین قائل شده ذکر می کند .

این سوره از نخستین سوره هایی است که در اول بعثت نازل شده است.

**هدف آیه ۲۰ سوره معارج** میزان ج : ۲۰ ص : ۱۱۴

### **تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن**

« إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ! »

سخن در این آیه شریفه برای تخفیف دادن به دستوری است که در اول سوره به شخص رسول خدا «ص» داد و در آیه: «ان هذه تذكرة...!» در وسط سوره آن دستور را به عموم مؤمنین تعمیم داد و آن عبارت بود از پرداختن به نماز شب و تهجد! در این آیه می خواهد بفرماید:

خدا از مؤمنین اکتفا کرد به هر مقداری که بتوانند از قرآن تلاوت کنند، پس آیه شریفه می خواهد دستور اول سوره را تخفیف دهد، نه اینکه آن را نسخ نموده از قیام در دو ثلث شب و یا نصف آن و یا ثلث آن منع کند .

## هدف و فلسفه نزول سوره مدثر

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۱۲۲)

### بیان اولین دستور انذار به رسول الله «ص» و معرفی قرآن کریم

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ! قُمْ فَأَنْذِرْ...!» (۷ تا ۱۰/مدثر)

این سوره مشتمل بر مطالب زیر است:

اول اینکه رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد به اینکه مردم را انذار کند و این دستور را با لحنی و در سیاقی بیان کرده که از آن پیداست جزو دستوره‌های اوائل بعثت است.

دوم اینکه اشاره می‌کند به عظمت شان قرآن و جلالت قدرش.

سوم اینکه کسانی را که منکر قرآن شوند و نسبت سحر به آن دهند تهدید و کسانی را که از دعوت قرآن سربتایند مذمت کرده است.

آنچه یقینی و مسلم است این است که این سوره در اوائل بعثت نازل شده و جزو اولین سوره‌های قرآنی است و آیات هفتگانه‌ای که در این فصل آوردیم متضمن امر به انذار و سایر لوازم انذار است، که خدای تعالی به آن سفارش فرموده است.

المیزان ج: ۲۰ ص: ۱۳۱

### هدف آیه ۸ تا ۳۱ سوره مدثر

#### تهدید طعنه زندگان به قرآن کریم

«فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ...!»

در این آیات شریفه به طعنه زندگان به قرآن که آن را سحر می‌خواندند و بعضی از حقائق آن را استهزاء می‌کردند، تهدید شدیدی شده است.

المیزان ج: ۲۰ ص: ۱۴۷

### هدف آیه ۳۲ تا ۴۸ سوره مدثر

#### تنزیه قرآن کریم از تهمت‌ها

«كَلَّا وَالْقَمَرِ...!»

در این آیات قرآن کریم از تهمت‌هایی که بدان زده شده تنزیه گردیده و این معنا مسجل گشته که قرآن یکی از آیات کبرای حق است و در آن انذار تمامی بشر است و در پیرویش آزادی نفوس از گروگان اعمال است، اعمالی که او را به سوی سقر می‌کشاند!

المیزان ج: ۲۰ ص: ۱۵۵

### هدف آیه ۴۹ تا ۶۵ سوره مدثر

#### دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق

«فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ...!»

در این آیات نتیجه‌گیری از وعد و وعیدهای گذشته را به صورت تعجب از اعراض کفار از تذکرات قرآن و تنفرشان از حق صریح بیان کرده ، گویا فرموده : وقتی جریان بدین قرار است عقلا واجب می‌شود که دعوت حق را اجابت نموده ، به وسیله تذکرات قرآن متذکر شود ، پس بسیار عجیب است که چطور باز هم از این تذکر روی بر می‌تابند ، نه ، نه ، علت اصلی این است که اینان به رسالت ایمان ندارند و تک‌تکشان توقع دارند که کتابی از خدا بر یک یک آنان نازل گردد ، نه ، بلکه علت این است که از آخرت ترس ندارند و در نتیجه از وعید و تهدیدهای قرآن متنبه نمی‌شوند .

آنگاه روی سخن را به خود آنان کرده، مجدداً آن تذکره را بر آنان عرضه می‌کند و در قبول و رد آن مخیرشان نموده ، تا اگر خواستند قبول کنند و اگر خواستند رد کنند ، لیکن باید بدانند که در این خواستن مستقل نیستند و نمی‌توانند با خواست خود خدای سبحان را عاجز سازند و به همین جهت نمی‌توانند متذکر شوند ، مگر وقتی که خدا بخواهد و حکم قدر به طور قطع در میان آنان نیز جاری است .

## **هدف و فلسفه نزول سوره قیامت**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۶۲ )

### **بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ... » (تا ۱۵/قیامت)

بیان این سوره پیرامون مساله قیامت کبری دور می‌زند ، نخست از وقوع روز قیامت خبر می‌دهد و در مرحله دوم آن روز را یکبار با ذکر چند نشانه و بار دیگر با اجمالی از سرگذشت انسان در آن روز توصیف می‌کند ، و خبر می‌دهد که اولین قدم در سیر به سوی قیامت مرگ است و در مرحله سوم سوره را با استدلال بر قدرت خدای تعالی بر اعاده عالم ختم نموده، اثبات می‌کند همانطور که خدای تعالی بر خلقت نخستین عالم قادر بود همچنین بر خلقت بار دوم آن ، که همان قیامت است قادر است!

المیزان ج : ۲۰ ص : ۱۷۲

### **هدف آیه ۱۶ تا ۴۰ سوره قیامت**

### **بیان وضع مردم در قیامت**

« لَا تَحْرُكُ بِهِ لِسَانِكَ لِتَعْجَلَ بِهِ...! »

این آیات تتمه صفات روز قیامت است ، البته از این نظر که مردم در آن روز چه حالی دارند و اینکه مردم در آن روز دو طایفه‌اند، طایفه‌ای که چهره‌ای شکفته و

دلی شاد دارند و طایفه‌ای دیگر که چهره‌ای درهم کشیده و دلی نومید از نجات دارند و اشاره می‌کند به اینکه آغاز این تقسیم از زمان احتضار شروع می‌شود! و سپس اشاره می‌کند به اینکه انسان را آزاد و رها نمی‌گذارند، همان خدایی که او را در آغاز آفرید قادر است بار دیگر او را زنده کند و در اینجا سوره ختم می‌شود .

## **هدف و فلسفه نزول سوره دهر**

( المیزان ج : ۲۰ : ص : ۱۹۰ )

### **بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهای کفار در آخرت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! هَلْ أُنِى عَلَى الْإِنْسَنِ حِينَ مَنَ الدَّهْرُ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً...! » ( ۱ تا ۲۲ / دهر )

این سوره در آغاز، خلقت انسان را بعد از آنکه نامی از او در میان نبود خاطرنشان می‌سازد و سپس می‌فرماید که خدای تعالی او را به راهی که تنها راه اوست هدایت کرد ، حال یا این انسان شکر هدایتش را می‌گزارد و یا کفران می‌کند. آنگاه می‌فرماید برای کافران انواعی از عذاب و برای ابرار الوانی از نعمت آماده کرده ، و اوصاف آن نعمت‌ها را در طی هجده آیه شرح می‌دهد و همین دلیل است بر اینکه مقصود اصلی هم بیان همین جهت بوده است.

پس از بیان اوصاف آن نعمت ، روی سخن را به رسول گرامی خود نموده می‌فرماید : قرآن نازل شده از ناحیه اوست ، و مایه تذکر بشر است ، پس باید که در برابر حکم پروردگار خود صابر باشد و هوا و هوس‌های کفار را پیروی نکند و باید که پروردگار خود را صبح و شام به یاد بیاورد و برای او شبها به سجده بیفتد و شبی طولانی تسبیح گوید .

المیزان ج : ۲۰ : ص : ۲۲۴

### **هدف آیه ۲۳ تا ۳۱ سوره دهر**

#### **دستور عدم اطاعت رسول الله «ص» از کفار و مشرکین و منافقین**

« إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً...! »

بعد از آنکه خدای سبحان جزای ابرار را بیان کرد و فرمود که در برابر صبری که در راه خدا کردند چه پاداشها از نعیم مقیم ابدی و ملک عظیم برایشان تهیه دیده ، اینک در این فصل از سوره خطاب را متوجه رسول گرامی خود نموده و او را امر می‌کند به اینکه باز هم در برابر حکم پروردگارش صبر کند و این گنهکاران کافر و علاقه‌مندان به زندگی زودگذر دنیا را که از آخرت روی گردانده به دنیا چسبیده‌اند



اطاعت نکنند، نه مشرکین را و نه سایر کفار را و نه منافقین و هواپرستان را و اینکه همواره به یاد نام پروردگارش باشد و برای او سجده کند و مستمرا او را تسبیح گوید، آنگاه همین فرمان را برای همه امت عمومیت داده ، می‌فرماید: «ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا!»

## هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۳۲ )

### **بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا...! » ( تا ۱۵/مرسلات)

این سوره یوم الفصل که همان روز قیامت است را خاطر نشان ساخته ، خبر از وقوع آن را تاکید می‌کند و این تاکید خود را با تهدید شدیدی به منکرین آن و انداز و تبشیر به دیگران توأم نموده، جانب تهدید را بیش از سایر مطالب تاکید می‌کند، برای اینکه می‌بینیم ده مرتبه می‌فرماید: «ویل یومئذ للمکذبین - وای در آن روز بر تکذیب‌گران!»

هدف آیه ۱۶ تا ۵۰ سوره مرسلات المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۴۳

### **بیان حجت‌هایی برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل**

« أَلَمْ نَهْلِكِ الْأَوَّلِينَ...! »

این آیات حجت‌هایی است که بر یگانگی خدای تعالی در ربوبیت دلالت می‌کند، أدله‌ای است که به حکم آن باید یوم الفصلی باشد و در آن مکذبین به جزای خود برسند و نیز به کیفرهایی که برای آنان تهیه شده و به نعمت و کرامتی که برای مردم با تقوی آماده شده اشاره می‌کند و سوره را با توبیخ و مذمت منکرین که از عبادت خدا و ایمان به گفتار او استکبار می‌ورزند، ختم نموده است.

## هدف و فلسفه نزول سوره نباء

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۵۵ )

### **بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ! عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ...! » ( تا ۱۶/نباء)

این سوره متضمن خبر از آمدن یوم الفصل و صفات آن و استدلال بر حقیقت آن و تردیدناپذیری آن است و از اینجا آغاز می‌شود که مردم از یکدیگر از خبر قیامت

می‌پرسند، آنگاه در سیاق جواب و با لحنی تهدیدآمیز می‌فرماید: به زودی از آن آگاه خواهند شد و سپس برای ثبوت آن به این دلیل استدلال می‌کند که نظام مشهود در عالم با تدبیر حکیمانه‌ای که در آن است، بهترین و روشن‌ترین دلالت را دارد بر اینکه بعد از این نشئه دنیای متغیر و فنا پذیر، نشئه ثابت و باقی هست و به دنبال این خانه‌ای که در آن عمل هست و جزا نیست، خانه‌ای هست که در آن جزا هست و عمل نیست، پس در این میان روزی هست که نظام جاری در این عالم از آن خبر می‌دهد.

سپس آن روز را با ذکر حوادثش توصیف می‌کند که مردم همگی در آن احضار می‌شوند و همه یکجا جمع می‌گردند، طاغیان به سوی عذابی دردناک و متقین به سوی نعمی مقیم منتقل می‌شوند و در آخر، کلام را با یک جمله تهدیدآمیز ختم می‌کند!

**هدف آیه ۱۷ تا ۴۰ سوره نباء** المیزان ج: ۲۰ ص: ۲۶۶

### بیان احوالاتی از یوم الفصل

«إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا...!»

این آیات یوم الفصل را که در جمله: «کلا سیعلمون!» به طور اجمال بدان اشاره کرده بود توصیف نموده، شرح می‌دهد که در آن روز به طاغیان و متقیان چه می‌گذرد و در آخر، سوره را با تهدیدی که به منزله نتیجه است ختم می‌کند.

### هدف و فلسفه نزول سوره نازعات

( المیزان ج: ۲۰ ص: ۲۸۸ )

### بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالنَّزْعَتِ غَرْقًا...!» (۱ تا ۴۱/نازعات)

در این سوره خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت آمده و از طریق تدبیر ربوبی که نتیجه‌اش تقسیم شدن مردم به دو طایفه بهشتی و دوزخی است، بر وقوع آن استدلال کرده و در آخر با اشاره به اینکه از رسول خدا «ص» می‌پرسیدند که قیامت چه وقت است؟ و با پاسخ به این سؤال سوره را ختم می‌کند.

**هدف آیه ۴۲ تا ۴۶ سوره نازعات** المیزان ج: ۲۰ ص: ۳۱۶

### انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...!»

در این چهار آیه متعرض سؤال مشرکین از زمان قیام قیامت شده ، آن را رد می کند ، به اینکه علم به آن نزد احدی نیست و کسی به جز خدای تعالی از آن خبر ندارد و خدای تعالی علم به آن را به خود اختصاص داده است.

### **هدف و فلسفه نزول سوره عبس**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۲۳ )

#### **تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی اعتنائی به طاغوتها**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! عَبَسَ وَ تَوَلَّى...! » ( ۱ تا ۱۶ / عبس )

غرض سوره، عتاب هر کسی است که ثروتمندان را بر ضعفاء و مساکین از مؤمنین مقدم می دارد، اهل دنیا را احترام می کند و اهل آخرت را خوار می شمارد، بعد از این عتاب رشته کلام به اشاره به خواری و بی مقداری انسان در خلقتش و اینکه در تدبیر امورش سراپا حاجت است و با این حال به نعمت پروردگار و تدبیر عظیم او کفران می کند کشیده شده و در آخر سخن را با ذکر قیامت و جزاء و تهدید مردم خاتمه می دهد.

**هدف آیه ۱۷ تا ۴۲ سوره عبس** المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۳۴

#### **بیان اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی**

« قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ...! »

در این فصل نخست انسان را نفرین می کند و از اینکه در کفر به ربوبیت رب خود اصرار و مبالغه می ورزد تعجب می کند و آنگاه به حدوث و بقای او اشاره نموده می فهماند که انسان نه مالک چیزی از آفرینش خویش است و نه مالک چیزی از تدبیر امورش، بلکه خدای سبحان است که او را از نطفه ای بی مقدار آفریده و سپس اندازه گیری اش کرد و آنگاه راه را برایش آسان ساخت و در آخر هم او است که وی را می میراند و به قبر داخلش می کند و هر وقت که بخواهد دوباره زنده اش می سازد .

پس خدای سبحان یگانه رب و خالق و مدبر امر او است، آن هم نه تنها در حدوثش بلکه در بقایش و تا آخرین لحظه هستی اش مدبر او است، ولی این انسان کفرانگر ، فرمان او را نمی برد و به هدایت او مهتدی نمی شود .

و اگر انسان تنها و تنها به طعامی که می خورد نگاه کند ، که یکی از مظاهر تدبیر خدا و مشتی از دریای رحمت او است، آن وقت به تدبیر وسیع پروردگارش و

لطیف صنع او پی می‌برد ، آنچنانکه عقلش مبهوت شود و هوشش از سر بدر رود ، در حالی که نعمت‌های خدا تنها طعام نیست و در این میان نعمت‌های دیگری است که از حیطة شمار بیرون است!

### هدف و فلسفه نزول سوره تکویر

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۴۷ )

#### **بیان مقدمات و نشانه های قیامت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ...! » (تا ۱۴/تکویر)

این سوره روز قیامت را با ذکر پاره‌ای از مقدمات و نشانیهای آن و پاره‌ای از آنچه در آن روز واقع می‌شود متذکر و یادآور می‌شود و آن روز را چنین توصیف می‌کند که : روزی است که در آن عمل انسان هر چه باشد کشف می‌گردد و سپس قرآن را توصیف می‌کند به اینکه از القآت است که رسولی آسمانی که فرشته وحی است آن را به رسول خدا «ص» القاء کرده و از القآت شیطانی نیست و رسول خدا هم دیوانه نیست که شیطانها او را دست انداخته باشند .

هدف آیه ۱۵ تا ۲۹ سوره تکویر المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۵۴

#### **تنزیه رسول الله «ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن**

« فَلَا أَفْسِمُ بِالْخُنَّسِ...! »

این آیات در مقام منزه داشتن رسول خدا «ص» از جنون است - که مشرکین آن جناب را بدان متهم کرده بودند - و نیز منزه داشتن قرآنی که آورده از مداخله شیطان است، می‌فرماید: قرآن او کلام خدای تعالی است که ملک وحی آن را به وی القاء می‌کند، ملکی که هرگز در رسالت خود خیانت نمی‌کند و نیز قرآن او هشدار می‌دهد که به اذن خدا هر کسی را که بخواهد راه راست را بیابد هدایت می‌کند .

### هدف و فلسفه نزول سوره انفطار

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۲۶۴ )

#### **بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کیفر و پاداش اعمال**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ...! » (تا ۱۹/انفطار)

این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت‌های متصل به آن تحدید می‌کند و

خود آن روز را هم به بعضی از وقایعی که در آن روز واقع می‌شود معرفی می‌کند و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همه آثاری که بر اعمالش مترتب شده و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده‌اند محفوظ مانده ، در آن روز جزاء داده می‌شود .

اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت و اگر زشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده ، با دوزخ پاداش داده می‌شود ، دوزخی که خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زیست. آنگاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می‌گیرد ، که آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست و امر در آن روز تنها برای خداست. این سوره از آیات برجسته قرآن است!

### **هدف و فلسفه نزول سوره مطففین**

( المیزان ج : ۲۰ : ص : ۳۷۷ )

#### **تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَيَلُّ لِّلْمُطَفِّفِينَ...! » ( ۲۱ تا / مطففین )

این سوره با تهدید مرتکبین کم‌فروشی در کیل و وزن آغاز شده و کم‌فروشان را تهدید می‌کند به اینکه در یوم عظیم که روز قیامت است برای جزا مبعوث می‌شوند. این مطلب را با تفصیل جریانی که در آن روز بر سر فجار و ابرار می‌آید خاتمه می‌دهد.

**هدف آیه ۲۲ تا ۳۶ سوره مطففین** المیزان ج : ۲۰ : ص : ۳۹۱

#### **بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی**

« إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ...! »

در این آیات تا حدودی جلالت قدر ابرار و عظمت مقام آنان نزد خدای تعالی و خرمی زندگی در بهشتشان را بیان نموده، می‌فرماید: این ابرار که امروز مورد استهزاء و طعنه کفارند ، به زودی به کفار خواهند خندید و عذابی را که به ایشان می‌رسد تماشا خواهند کرد .

### **هدف و فلسفه نزول سوره انشاق**

( المیزان ج : ۲۰ : ص : ۳۹۸ )

**بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ...! » (اتا ۲۵/انشقاق)

این سوره به قیام قیامت اشاره نموده ، بیان می کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش ، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند و خدای تعالی به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد. در این آیات این مطالب را تاکید می کند و آیات مربوط به تهدیدش از آیات بشارتش بیشتر است!

### هدف و فلسفه نزول سوره بروج

(المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۱۱)

#### **تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ...! » (اتا ۲۲/بروج)

این سوره مشتمل بر انذار و بشارت است و در آن به سختی کسانی را انذار کرده که مردان و زنان مسلمان را به جرم اینکه به خدا ایمان آورده اند شکنجه می کنند ، نظیر مشرکین مکه که با گروندگان به رسول خدا «ص» چنین می کردند ، آنان را شکنجه می کردند تا از دین اسلام به شرک سابق خود برگردند ، بعضی از این مسلمانان صبر می کردند و بر نمی گشتند و لو شکنجه به هر جا که خواست برسد و بعضی برگشته مرتد می شدند و اینها افرادی بودند که ایمانی ضعیف داشتند.

خدای سبحان در این آیات قبل از این مطالب اشاره ای به اصحاب اخدود می کند و این خود تشویق مؤمنین به صبر در راه خدای تعالی است، دنبال این داستان اشاره ای هم به سرگذشت لشکریان فرعون و ثمود دارد و این مایه دلخوشی رسول خدا «ص» و وعده نصرت به آن جناب و تهدید مشرکین است!

### هدف و فلسفه نزول سوره طارق

(المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۲۷)

#### **انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت آن روز**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ السَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ! وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ! النَّجْمُ الثَّاقِبُ...! » (اتا ۱۷/طارق)

در این سوره مردم را به معاد انذار کرده و استدلال کرده به اطلاق قدرت و سخن را با تاکید ایفاء نموده و ضمنا به حقیقت آن روز اشاره می کند و سوره را با تهدید کفار ختم می نماید.

## هدف و فلسفه نزول سوره اعلی

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۳۷ )

### **امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى! الَّذِي خَلَقَ قَسْوَى! وَالَّذِي قَدَّرَ فَهْدَى...! » ( تا ۱۹/اعلی )

در این آیات به توحید خدای تعالی امر شده ، توحیدی که لایق به ساحت مقدس او باشد و نیز به تنزیه ذات متعالیه اش از اینکه نام مقدسش با نامی دیگر ذکر شود و یا چیزی که باید به او مستند شود بغیر او نسبت دهند ، مثلا کسی دیگر را در خلقت و تدبیر و رزق شریک او بدانند و به رسول خدا «ص» وعده تایید می دهد، تایید به وسیله علم و حفظ و نیز وعده می دهد که او را از آسان ترین طریق و مناسب ترین راه موفق به تبلیغ و دعوت بفرماید .

## هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۵۴ )

### **تعیین جایگاه استقرار سعادتمندان و تیره بختان در قیامت**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ...! » ( تا ۲۶/غاشیه )

سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و غاشیه همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می کند و در این سوره قیامت را با شرح حال مردم توصیف می کند از این جهت که به دو دسته تقسیم می شوند سعیدها و شقی ها و هر طائفه ای در جایی که برایشان آماده شده مستقر می گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ و رشته کلام بدینجا کشیده می شود که رسول خدا «ص» را دستور می دهد که مردم را تذکر دهد به اینکه مقام ربوبی چه فنونی از تدبیر در این عالم بکار برده، فنونی که هر یک دلالت دارد بر ربوبیت او برای همه عالم و برای خصوص ایشان و اینکه بازگشتشان به سوی او و حسابرسی اعمالشان با او است!

## هدف و فلسفه نزول سوره فجر

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۶۴ )

### **بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْفَجْرِ! وَ لَيَالٍ عَشْرٍ! وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ...! » ( تا ۳۰/فجر )

در این سوره تعلق به دنیا بدان جهت که طغیان و کفران به دنبال دارد ، مذمت شده و اهل دنیا را به شدیدترین عذاب دنیا و آخرت تهدید نموده، روشن می‌سازد که انسان به خاطر کوتاه فکریش خیال می‌کند اگر خدا به او نعمتی داده به خاطر آن است که نزد خدا کرامت و احترامی دارد و آنکه مبتلا به فقر و فقدان است، به خاطر این است که در درگاه خدا خوار و بی‌مقدار است، ولی به خاطر پندار غلطش هر فساد و طغیانی را مرتکب می‌شود و آن پندار غلط را روپوش و رفوی خطاهای خود می‌کند و دومی هم به خاطر آن پندار غلطش کفر می‌گوید ( و به هر ذلتی تن می‌دهد،) و حال آنکه امر بر او مشتبه شده ، بلکه اگر قدرت و ثروت دارد و اگر مبتلا به فقر و تنگی معاش است، همه به منظور امتحان الهی است ، تا روشن کند چه چیز از دنیایش برای آخرتش از پیش می‌فرستد .

پس قضیه به آن صورت که انسان توهم می‌کند و به زبان هم جاری می‌سازد نیست ، بلکه به صورتی است که به زودی در قیامت که حساب و جزا به پا می‌شود ، روشن می‌سازد که آنچه به او رسید چه فقر و ناتوانی و چه ثروت و قدرت همه امتحان بود ، که او می‌توانست از دنیایش برای آخرتش گرفته ، از پیش بفرستد، ولی نفرستاد و عذاب آخرت را بر ثوابش ترجیح داد، پس از میان همه مردم دنیا کسی به سعادت زندگی آخرت نمی‌رسد، مگر نفس مطمئنه و کسی که دلش به پروردگارش گرم است و تسلیم امر او است و در نتیجه بادهای سهمگین گرفتاریها ، او را از جای نمی‌کند و در او تغییر حالت پدید نمی‌آورد و اگر ثروتمند شد طغیان نمی‌کند و اگر فقیر شد کفران نمی‌ورزد!

## **هدف و فلسفه نزول سوره بلد**

(المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۸۲)

### **بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! لَا اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ...! » (اتا ۲۰/بلد)

این سوره بیانگر این حقیقت است که خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت است ، هیچ شانی از شوون حیات را نخواهی دید که توام با تلخی‌ها و رنج‌ها و خستگی‌ها نباشد ، از آن روزی که در شکم مادر روح به کالبدش دمیده شد ، تا روزی که از این دنیا رخت بر می‌بندد هیچ راحتی و آسایشی که خالی از تعب و مشقت باشد نمی‌بیند و هیچ سعادت را خالص از شقاوت نمی‌یابد ، تنها خانه آخرت است که راحتی‌اش آمیخته با تعب نیست!



بنا بر این ، چه بهتر به جای هر تلخی و ناکامی و رنج ، سنگینی تکالیف الهی را تحمل کند، در برابر آنها صبر نماید صبر بر اطاعت و بر ترک معصیت و در گسترش دادن رحمت بر همه مبتلایان کوشا باشد ، کسانی را از قبیل ایتم و فقرا و بیماران و امثال آنها که دچار مصائب شده‌اند مورد شفقت خود قرار دهد ، تا جزو اصحاب میمنه شود و گر نه آخرتش هم مثل دنیایش خواهد شد و در آخرت از اصحاب مشئمه خواهد بود که نار مؤصده مسلط بر آنان است!

### **هدف و فلسفه نزول سوره شمس**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۴۹۵ )

#### **بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الشَّمْسِ وَ ضَحَاها...! » ( تا ۱۵/شمس)

حاصل مضمون این سوره این است که: انسان - که با الهام خدایی تقوا را از فجور و کار نیک را از کار زشت تمیز می‌دهد - اگر بخواهد رستگار شود باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورشی صالح پیرواند و رشد دهد ، با تقوا بیاراید و از زشتی‌ها پاک کند و گر نه از سعادت و رستگاری محروم می‌ماند، هر قدر بیشتر آلوده‌اش کند و کمتر بیاراید محرومیتش بیشتر می‌شود و آنگاه به عنوان شاهد داستان ثمود را ذکر می‌کند که به جرم اینکه پیامبرشان حضرت صالح را تکذیب کرده ، ناقه‌ای را که مامور به حمایت از آن بودند بکشتند ، به عذاب استیصال و انقراض مبتلا شدند و با نقل این داستان به اهل مکه تعریض و توبیخ می‌کند!

### **هدف و فلسفه نزول سوره لیل**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۰۶ )

#### **تهدید و انذار از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی...! » ( تا ۲۱/لیل)

غرض این سوره تهدید و انذار است و این هدف را از این راه دنبال می‌کند که به انسانها بفهماند مساعی و تلاشهایشان یک جور نیست ، بعضی از مردمند که انفاق می‌کنند و از خدا پروا دارند و وعده حسنای خدا را تصدیق می‌کنند و خدای تعالی هم در مقابل، حیاتی جاودانه و سراسر سعادت در اختیارشان می‌گذارد و بعضی دیگرند که بخل می‌ورزند و به خیال خود می‌خواهند بی نیاز شوند و وعده حسنای خدایی را تکذیب می‌کنند و خدای تعالی هم آنان را به سوی عاقبت شر راه می‌برد.

در این سوره اهتمام و عنایت خاصی به مساله انفاق مالی شده است!

### هدف و فلسفه نزول سوره ضحی

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۲۱)

**شاد کردن دل رسول الله «ص»**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ الضَّحٰی! وَ الَّیْلِ اِذَا سَجٰی! مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلٰی...! » (۱۱تا/ضحی)

بعضی گفته‌اند: چند روزی به رسول خدا «ص» وحی نشد ، به طوری که مردم گفتند خدا با او وداع کرده ، در پاسخشان این سوره نازل شد و خدای تعالی به این وسیله آن حضرت را شاد کرد!

### هدف و فلسفه نزول سوره انشراح

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۲۸)

**یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...! » (۸تا/انشراح)

در این سوره رسول خدا «ص» را امر می‌کند به اینکه کمر خدمت در راه خدا ببندد و به سوی او رغبت کند و به این منظور نخست منت‌هایی که بر او نهاده تذکر می‌دهد.

### هدف و فلسفه نزول سوره تین

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۳۸)

**شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط**

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! وَ التِّیْنِ وَ الزُّبُّوْنِ! وَ طَوْرٍ سِیْنِیْنِ! وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِیْنِ...! » (۸تا/تین)

این سوره مساله بعث و جزا را یاد آور شده ، مطلب را از راه خلقت انسان در بهترین تقویم و سپس اختلاف افراد انسان در بقا بر فطرت اولی و خارج شدن از آن و در نتیجه تنزلش تا اسفل سافلین را بیان نموده، در آخر خاطر نشان می‌کند که به حکم حکمت الهی واجب است که بین دو طایفه در دادن جزا فرق گذاشت و پاداش هر دو نباید یکسان باشد.

## هدف و فلسفه نزول سوره علق

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۴۵ )

### **دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...! » (تا ۱۹/علق)

در این سوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را امر می کند به اینکه قرآن را که به وحی خدا نازل می شود تلقی کند .

این سوره اولین سوره ای است که از قرآن نازل شده و سیاق آیاتش آنچنان به هم ارتباط دارد که بتوان گفت یکباره نازل شده است.

## هدف و فلسفه نزول سوره قدر

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۵۹ )

### **بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...! » ( تا ۵/قدر )

این سوره نزول قرآن در شب قدر را بیان می کند و آن شب را تعظیم نموده از هزار ماه بالاتر می داند، چون در آن شب ملائکه و روح نازل می شوند!

## هدف و فلسفه نزول سوره بینه

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۵۶۹ )

### **تسجيل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ

مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ...! » ( تا ۸/بینه )

این سوره رسالت محمد بن عبد الله خاتم النبیین « صلوات الله علیه » را برای عوام از اهل کتاب و مشرکین مسجل می کند و به عبارتی ساده تر برای عموم اهل ملت و غیر اهل ملت و باز ساده تر بگویم: برای عموم بشر تسجیل می کند و می فهماند که آن جناب از ناحیه خدا به سوی عموم بشر گسیل شده و این عمومیت رسالت آن جناب مقتضای سنت الهی، یعنی سنت هدایت است! و بر عمومیت دعوت آن جناب استدلال کرده ، به اینکه دعوت آن حضرت متضمن صلاح مجتمع انسانی است ،

عقاید و اعمال افراد و جوامع را صالح می‌سازد!

## هدف و فلسفه نزول سوره زلزال

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۸۰)

### **اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا...! » (تا۸/زلزال)

در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب و اشاره به بعضی از علامتهایش رفته، که یکی زلزله زمین و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده است.

## هدف و فلسفه نزول سوره عادیات

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۸۷)

### **بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگاش**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْعَدِيَّتِ ضَبْحًا...! » (تا۱۱/عادیات)

این سوره در باره ناسپاسی انسان و کفران نعمت‌های پروردگارش و حب شدیدش نسبت به خیر سخن می‌گوید و نتیجه می‌گیرد با اینکه دوستدار خیر خلق شد و با اینکه خیر را تشخیص می‌دهد، اگر انجام ندهد حجتی بر خدا ندارد، بلکه خدا بر او حجت دارد و به زودی به حسابش می‌رسد!

## هدف و فلسفه نزول سوره قارعه

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۵۹۴)

### **تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الْقَارِعَةُ! مَا الْقَارِعَةُ! وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ...! »

(تا۱۱/قارعه)

این سوره تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن است، ولی جانب تهدیدش بر بشارتش می‌چربد.

## هدف و فلسفه نزول سوره تکاثر

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۵۹۹ )

### **توبیخ شدید مردم از سبقت در جمع مال و غفلت از خدای**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ!...! » (تا۱/۸/تکاثر)

این سوره مردم را به شدت توبیخ می کند بر اینکه با تکاثر ورزیدن و مسابقه گذاشتن در جمع مال و اولاد و یاوران با یکدیگر از خدای تعالی و از سعادت واقعی خود بی خبر می مانند، از تبعات و آثار سوء خسران آور این سرگرمی غفلت می ورزند و ایشان را تهدید می کند به اینکه به زودی نتیجه سرگرمی های بیهوده خود را می دانند و می بینند و به زودی از این نعمت ها که در اختیارشان گذاشته شده بود تا شکرش را بجای آورند بازخواست می شوند که چرا در شکرگزاری خدا خود را به نادانی زدید و به کارهای بیهوده سرگرم کردید و چرا نعمت خدا را با کفران مقابله نمودید؟

## هدف و فلسفه نزول سوره عصر

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۶۰۸ )

### **بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَالْعَصْرِ! إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ! إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ! » (تا۱/۳/عصر)

این سوره تمامی معارف قرآنی و مقاصد مختلف آن را در کوتاه ترین بیان خلاصه کرده است!

## هدف و فلسفه نزول سوره همزه

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۶۱۴ )

### **تهدید شدید جمع آوردگان مال به قصد کبرفروشی و عیجوتی از مردم**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمْزَةٍ لَّمْزَةٍ...! » (تا۱/۹/همزه)

این سوره تهدید شدیدی است به کسانی که عاشق جمع مالند و می خواهند با مال بیشتر خود بر سر و گردن مردم سوار شوند و بر آنان کبریایی بفروشند و به همین جهت از مردم عیب‌هایی می گیرند که عیب نیست!

## هدف و فلسفه نزول سوره فیل

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۲۰)

### بیان معجزه الهی در صیانت از مکه

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! اَلَمْ نَرْ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِیْلِ...! » (تا ۵/فیل)  
 در این سوره به داستان اصحاب فیل اشاره می‌کند که از دیار خود به قصد تخریب کعبه معظمه حرکت کردند و خدای تعالی با فرستادن مرغ ابابیل و آن مرغان با باراندن کلوخهای سنگی بر سر آنان هلاکشان کردند و به صورت گوشت جویده‌شان درآوردند.

این قصه از آیات و معجزات بزرگ الهی است، که کسی نمی‌تواند انکارش کند، برای اینکه تاریخ‌نویسان آن را مسلم دانسته و شعرای دوران جاهلیت در اشعار خود از آن یاد کرده‌اند.

## هدف و فلسفه نزول سوره قریش

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۲۵)

### بیان تأمین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ! لَا یَلْفِ قُرَیْشٍ...! » (تا ۴/قریش)  
 این سوره بر قریش منت می‌گذارد که خدای تعالی با این دفاعی که از مکه کرد شما را در انظار، مورد احترام قرار داد تا بتوانید با امنیت کامل بدون اینکه راهزنان متعرض شما شوند کوچ تابستانی و زمستانی خود را به منظور تجارت انجام دهید، آنگاه دعوتشان می‌کند به توحید و عبادت رب بیت!  
 مضمون این سوره نوعی ارتباط با سوره فیل دارد و لذا بعضی از اهل سنت گفته‌اند سوره فیل و ایلاف یک سوره‌اند و لیکن حق مطلب آن است که دلیلی که بر آن استناد کرده‌اند، وحدت را نمی‌رساند. از همه اینها گذشته روایاتی که دلالت بر جدایی این دو سوره دارد و اینکه بین آن دو بسم الله قرار دارد متواتر است!

## هدف و فلسفه نزول سوره ماعون

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۶۳۲ )

### **تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ...! » (تا ۷/ماعون)

این سوره تهدید کسانی است که خود را مسلمان معرفی کرده‌اند ولی متخلق به اخلاق منافقینند، از قبیل سهو از نماز و ریا کردن در اعمال و منع ماعون (زکات و کمک مالی)، که هیچ یک از اینها با ایمان به روز جزا سازگاری ندارد .

## هدف و فلسفه نزول سوره کوثر

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۶۳۷ )

### **دلداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ...! » (تا ۳/کوثر)

در این سوره منتهی بر رسول خدا «ص» نهاده به اینکه به آن جناب کوثر داده و این بدان منظور است که آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند که آن کس که به وی زخم زبان می‌زند که اولاد ذکور ندارد و اجاق کور است، خودش اجاق کور است. این سوره کوتاه‌ترین سوره قرآن است.

## هدف و فلسفه نزول سوره کافرون

( المیزان ج : ۲۰ : ص ۶۴۴ )

### **دستور اعلام برائت رسول الله از دین کفار**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ...! » (تا ۶/کافرون)

در این سوره رسول خدا «ص» را دستور می‌دهد به اینکه برائت خود از کیش وثنیت آنان را علنا اظهار داشته ، خبر دهد که آنها نیز پذیرای دین وی نیستند، پس نه دین او مورد استفاده ایشان قرار می‌گیرد و نه دین آنان آن جناب را مجذوب خود می‌کند، بنابر این نه کفار می‌پرستند آنچه را که آن جناب می‌پرستد و نه تا ابد آن جناب می‌پرستد آنچه را که ایشان می‌پرستند ، پس کفار باید برای ابد از سازشکاری و مداهنه آن جناب مایوس باشند!

## هدف و فلسفه نزول سوره نصر

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۵۰)

### وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...! » (اتا/۳/نصر)

در این سوره خدای تعالی رسول گرامیش را وعده فتح و یاری می‌دهد و خبر می‌دهد که به زودی آن جناب مشاهده می‌کند که مردم گروه گروه داخل اسلام می‌شوند و دستورش می‌دهد که به شکرانه این یاری و فتح خدایی، خدا را تسبیح کند و حمد گوید و استغفار نماید .

## هدف و فلسفه نزول سوره تبت

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۶۳)

### تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ...! » (اتا/۵/تبت)

این سوره تهدید شدیدی است به ابولهب، تهدیدی است به هلاکت خودش و عملش، تهدیدی است به آتش جهنم برای خودش و همسرش!

## هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص

(المیزان ج: ۲۰ ص: ۶۶۹)

### بیان توحید خاص قرآنی و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! »

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدًا! اللَّهُ الصَّمَدُ! لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ! وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدًا! »

(اتا/۴/اخلاص)

این سوره خدای تعالی را به احدیت ذات و بازگشت ما سَوَى اللَّهِ در تمامی حوائج وجودیش به سوی او و نیز به اینکه احدی نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال شریک او نیست می‌ستاید و این توحید قرآنی، توحیدی است که مختص به خود قرآن کریم است و تمامی معارف (اصولی و فروعی و اخلاقی) اسلام بر این اساس پی‌ریزی شده است .



## **هدف و فلسفه نزول سوره فلق**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۷۹ )

**امر به رسول الله برای پناه بردن از شرور به خدا**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ...! » (تافاتلق)

در این سوره خدای تعالی به رسول گرامی خود دستور می‌دهد که از هر شر و از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد!

## **هدف و فلسفه نزول سوره ناس**

( المیزان ج : ۲۰ ص : ۶۸۶ )

**امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس**

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ...! » (تافناس)

در این سوره رسول گرامی خود را دستور می‌دهد به اینکه از شر وسواس خناس، به خدا پناه ببرد!

